إِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

الحمد لله والمنة این کتاب مستطاب جامع البرکات ومعدن الصلوٰة نایاب بود

المسمی

بہ بدائع الخیرات والحسنات عنایت مع ترجمہ

این نسخہ

اکنون طالبان از فوائد آن محروم بودند بتسنیق توفیق اعظم امیدوار افضال الہی بندہ
(علی بہائی وشرف غلے نبہائی)

در مطبع محمدی مستند واقع ممبئی خلعت طبع پوشید

سبب تالیف کتاب

بسم الله الرحمن الرحیم

ابو عبد الله بن سلیمان جزولی سملالی شاذلی قدس سره با جمله تلامذه روزی
وقت ظهر بدیهی رسید کسیکه از و آب وضو طلبید ندید مستردانه گرد
چاهی دور زدن آغاز فرمود از نبودن دلو و رسن حیرت بر ویش
افزود دختری هشت یا نه ساله از غرفه خانه خودش بدید مضطربانه باعث بیقرا
گردیدنش پرسید نام ونشان و فضل شان خود بیان نمود و نیافتن آب وضو
و قلت هنگام ظهر سبب از دیاد تحیر فرمود دختر گفت اظهار این عظمت و بزرگی
قابل حاجت برآئی تو نیست صبر کن که آب چاهی بی دلو و رسن بر آمدن اختیاری
تو نیست از غرفه لب چاه رسید و بدهن چاه دم بدمید تا حالت جوشیدگی آب در چ
شده و مانند رودی بزرگ بگردش جاری دختر طرف غرفه خانه باز رفت و لبفور الفراغ وضو نماز
بعده بدر خانه دختر رسید و تخته درش کوبید از اندرون خانه آوازی آمد که کیست گفت

بواسطهٔ خدای برتر و شافع محشر اگر بدر خانه رسی پرسید فی برسم تا بدانی که چیست دختر

از خانه برور آمد و او در سخن بدختر که قسمت بخدای جل وعلا و رسول اکرم در رسالت و شفاعت

وی صلی الله علیه وسلم و آل کرم و ازواج مطهرات و اصحاب محتشم این مرتبه بچه چیز یافته

زود بگو که زورق دلم در گرداب حیرت انداخته دختر گریه کرد و گفت والله والله اگر ای فضول

سوگند خدا و رسول نمیدادی هرگز باظهار این راز مخفی با تو نمیشدم هادی یافته ام این نعم

بحاصل کردن تا حزب یک درود و همین باعث او قدس سره بر تالیف دلائل الخیرات توجه تمام فرمود

کذا فی شرح شیخ زورق قدس سره و از بزرگی شنیدم که رفت مؤلف از آن

دیه بجانب وطن مالوف و گشت یکسال بفراهم آوردن درودها مصروف و باز آمد بدر خانه دختر

و خواند درودها و مجتمع خود پیش آن نیک اختر تا معلوم کند که درود دیگر به برکتش آب از چاه

برآمد و این درودهای مؤلف یکساله در آمد دختر شنیده گفت فی مؤلف مجوبانه بر رو آورده

تا هر سال درودها جمع نمودی و بر دختر رسیده برخواندی و بپاسخ همون آتش در کاسه یافتی

و بسکن شتافتی سال هشتم که خرب آخرین نسخه متبرکه جمع شد و دختر خوش سیرت را بشنود

گفت تمام الفاظ آن درود متفرق در جمله کتاب آمد و مؤلف را جمعیت باطن با صفا

این جواب ۵ ۶ ۶ ۶

من سعادت علی عفا الله عنه

متوطن کرته مکتیسر ضلع میرتهه

طریق خواندن دلائل الخیرات موافق اجازت

شیخ الدّلائل سیّد محمد رضوان مدنی

که برای سهولت خواندن قاری قسمت کرده شد این را بر هشت حزب وچهار ربع وسه ثلث ودو نصف پس باید که بخواند در هفت یوم برای حاصل مطلبها وبرآمدن حاجتها در هر روزی یک حزب وآنچه درو ست از ربع وثلث ونصف وختم کند در روز هشتم هر طور که میشود وهر جا که باشد اگرچه در بازار باشد ومقدار ثواب آن مقدار ثواب ختم قرآن است پس چون فارغ شود از خواندن هشت حزب بموجب قسمت باید که بلا فاصله بطریق ختم قرآن سورهٔ الحمد واول سورهٔ بقره تا آخر آیهٔ مفلحون بخواند بعد آن دستهای خود را بدعا بسوی خدا بلند کند وبخشد ثواب آن بروح پاک پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم وبه آل واصحاب او وهمهٔ انبیا واولیا ومشایخ وبروح شیخ جزولی و

طلب نماید حاجتهای خود را

از الله تعالے کردوا

گردد انشا الله

تعالی

طریق خواندن

طرق

طرق وظائف دلائل الخیرات از روی اسناد بترتیب مدارج هر طریقه مرقوم است خواننده را هر کدام ازین میسر آید مواظبت نماید

اگر کسی در هفت روز یک ختم کند اسمش داخل ذاکرین گردد

خرب اوّل بروز دوشنبه	خرب دوم بروز سه شنبه	خرب سیوم بروز چهارشنبه
خرب چهارم بروز پنجشنبه	خرب پنجم بروز جمعه	خرب ششم بروز شنبه
خرب هفتم بروز یکشنبه و بروز دوشنبه خرب هفتم را اتمام نمود متصل آن نود و نه نام مبارک آنحضرت بعده خرب اول در همان روز بخواند	نوع دیگر اگر کسی در چهار روز یک ختم کند اسمش داخل صباحین گردد	فصل فی کیفیة الصلوة تا والحمد لله رب العالمین که قبل الحمد لله علی حلمه است
روز دوم از الحمد لله علی حلمه تا حسن اولئک رفیقا الحمد لله رب العالمین	روز سیوم از اللهم صلّ علی محمد نور الهدی تا آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین	روز چهارم از فاسئلک یا الله یا الله یا الله یا الله تا آخر کتاب
نوع دیگر اگر کسی در سه روز یک ختم کند اسمش داخل اصحاب یمین گردد	فصل فی کیفیة الصلوة تا والدین والجمیع المسلمین الحمد لله رب العالمین	روز دوم از اللهم صل وسلم وبارک علی سیدنا محمد تا لهم باحسان الی یوم الدین الحمد رب العالمین
روز سیوم از اللهم رب الارواح والاجساد البالیة تا آخر کتاب	نوع دیگر اگر کسی در دو روز یک ختم کند اسمش داخل ابرار گردد	روز اول از فصل کیفیة الصلوة تا حسن اولئک رفیقا والحمد لله رب العالمین
روز دوم از اللهم صلی علی محمد نور الهدی تا آخر کتاب	نوع دیگر اگر کسی هر روز یک ختم کند اسمش داخل مقربین گردد	نوع دیگر اگر کسی هر روز جمعه یک ختم کند اسمش داخل مقبولین گردد

اَسْمَاءُ	اَللهُ	اَلرَّحْمٰنُ	اَلْحُسْنٰى
اَلرَّحِيْمُ	اَلْمَلِكُ	اَلْقُدُّوْسُ	اَلسَّلَامُ
اَلْمُؤْمِنُ	اَلْمُهَيْمِنُ	اَلْعَزِيْزُ	اَلْجَبَّارُ
اَلْمُتَكَبِّرُ	اَلْخَالِقُ	اَلْبَارِئُ	اَلْمُصَوِّرُ
اَلْغَفَّارُ	اَلْقَهَّارُ	اَلْوَهَّابُ	اَلرَّزَّاقُ
اَلْفَتَّاحُ	اَلْعَلِيْمُ	اَلْقَابِضُ	اَلْبَاسِطُ
اَلْخَافِضُ	اَلرَّافِعُ	اَلْمُعِزُّ	اَلْمُذِلُّ
اَلسَّمِيْعُ	اَلْبَصِيْرُ	اَلْحَكَمُ	اَلْعَدْلُ
اَللَّطِيْفُ	اَلْخَبِيْرُ	اَلْحَلِيْمُ	اَلْعَظِيْمُ

نموداری از خواص این درود در اشاره
آنچه از آن نوشته اند کم از قطره از بحر است و لیکن بحکم ما لا یدرک کله
و لا یترک کله قدری از خواص و منافع این
درود نگاشته میشود تا قاری از فضائل و
فوائد آن من کل الوجوه محروم نماند هر که
این درود را در وقت خفتن بیست بار بخواند
اگر در دل مصمم دارد که بروئیت النبی عز زمانه
در خواب یا بروئیت حضرت رسالت پناهی
صلعم بهره ور شود البته در اربعین باین دولت
دیدن بعین همت متین سرفراز شود و
و اگر استعداد او صافی و شوق وافی
داشته باشد چه عجب که در هفته باین سعادت
مستعد گردد و اگر کسی در کشتی و جهاز

این درود تنجینا را اسم صد بار ابر ... در امان الهی
بخواند از جمیع آفات و مخلوقات محفوظ باشد و اگر طوفان نوح
در دریا بحفظ باشد و ساحل مراد برسد و
... کشتی بساحل مراد و غضب و نهیب
قائم ... و غرق و ... محفوظ خود در درود
جبار ... تعالی در حفظ خود و اصل
شد ... سبحانه تعالی بمقصود و نیز منقول
مجرب است ... الصمدانی
غوث ... حضرت محی الدین
... از جناب حضرت شاه محی الدین جیلانی رح
است که حضرت عبد القادر جیلانی رحمه
محبوب سبحانی شیخ عبد القادر و مبارک را به
سید ابو محمد شیخ ... سعید بار باز ... و مبارک
خوان است ... سعید بار ... خود و ساز و
روز ... دو بار ... ناخن ... جبل رحم
آنکه خواص درود ... ا ... ی ... بسیفی و جبل ...
بحصول ... اجابه از اجابه ... خواندن این
و ... دو ... اجابه ... و ... کعبه جهان
وارین و مرادات ... و ... بی ... برسد
اما وضوء و استقبال قبله شرط است
و کلام و میان خواندن نکند والله
ذو الفضل العظیم

سیدنا محمد صلوة تکون لک رضاء و
الحیات و بعد الممات اللهم صل و سلم علی
بها اقصی الغایات من جمیع الخیرات فی
و ترفعنا بها عندک اعلی الدرجات و تبلغنا
الحاجات و تطهرنا بها من جمیع السیئات
جمیع الاهوال و الآفات و تقضی لنا بها جمیع
و علی آل سیدنا محمد صلوة تنجینا بها من

نموده منبع الحسنات شرح دلائل الخیرات

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و ثنای بی‌حد و بی‌چون و سپاس و ستایش بی‌قیاس منعمی است که از حد افزون است [illegible] فالحمد لله [illegible] ولقد کرمنا بنی آدم خلعت [illegible] انسان را بشرف [illegible] ساخته و برای اظهار افتخار آدم مشرف ساخته [illegible] صلی الله علیه و آله و سلم و علی آله الابرار [illegible] لولاک لما خلقت الافلاک برافراخته و ارسال تحف درود و تحیت [illegible] لایق بدرگاه [illegible] بارگاه شاهنشاهی است که در بزم [illegible] عظام [illegible] ولد آدم [illegible] بجناب واجب التعظیم [illegible] و اصحابش [illegible] اما بعد بر ضمایر اهل نظر ظاهر و پیدا است [illegible] که عنان همت اهل بصیرت به [illegible] مصروف بود استغراق بذکر الهی است و اشتغال به درود حضرت رسالت پناهی و اگرچه درود [illegible] سبب حصول سعادت دو جهانی است و واسطه اشرف انوار ربانی [illegible] اسرار عجیبه است و وسیله ظهور آثار عزیز اما صلوة مسمی بدلائل الخیرات بنهایت مقبول است بجناب سرور کائنات و علامت قبول آن کثرت قرائت وی است

الْغَفُورُ	الشَّكُورُ	الْعَلِيُّ	الْكَبِيرُ
الْحَفِيظُ	الْمُقِيتُ	الْحَسِيبُ	الْجَلِيلُ
الْكَرِيمُ	الرَّقِيبُ	الْمُجِيبُ	الْوَاسِعُ
الْحَكِيمُ	الْوَدُودُ	الْمَجِيدُ	الْبَاعِثُ
الشَّهِيدُ	الْحَقُّ	الْوَكِيلُ	الْقَوِيُّ
الْمَتِينُ	الْوَلِيُّ	الْحَمِيدُ	الْمُحْصِي
الْمُبْدِئُ	الْمُعِيدُ	الْمُحْيِي	الْمُمِيتُ
الْحَيُّ	الْقَيُّومُ	الْوَاجِدُ	الْمَاجِدُ
الْوَاحِدُ	الصَّمَدُ	الْقَادِرُ	الْمُقْتَدِرُ

اسماء الحسنی

ازاوقات در اماکن بابرکات خصوصا
درحرمین شریفین وبجوار روضهٔ منورهٔ نبیه
الکونین صوخواندن مجرد الفاظش اگرچه
سبب اجر عظیم است

الْمُقَدِّمُ	الْمُؤَخِّرُ	الْأَوَّلُ	الْآخِرُ
الظَّاهِرُ	الْبَاطِنُ	الْوَالِي	الْمُتَعَالِي
الْبَرُّ	التَّوَّابُ	الْمُنْتَقِمُ	الْعَفُوُّ
الرَّؤُفُ	مَالِكُ الْمُلْكِ	ذُو الْجَلَالِ	وَالْإِكْرَامِ
الْمُقْسِطُ	الْجَامِعُ	الْغَنِيُّ	الْمُغْنِي
الْمُعْطِي	الْمَانِعُ	الضَّارُّ	النَّافِعُ
النُّوْرُ	الْهَادِي	الْبَدِيعُ	الْبَاقِي
الْوَارِثُ	الرَّشِيدُ	الصَّبُوْرُ	الصَّادِقُ
	السَّتَّارُ		

مشتاقان
درود نبوی محمد فاضل
بن محمد عارف
سیف
الدین
دہلوی پس ازآن
دلی بتوفیق خداوند غنی
صلواة مذکوره را
شرح
نوشته بعبارت
عربی

اسماء الحسنی

مشتمل
بر فواید جلیه وبیان
معانی خفیه لکن منتفع نبود
ازو مگر عالم بقواعد عربیه واہل
عقول زکیه پس بنابرآن بحسب
درخواست بعضی
از
دوستان
جانی وبرادران ایمانی که
طالبان فهم معانی وراغبان
سلک آسانی
بودند
وبرای
ترقیم شرح فارسی
این بی بضاعت

دعاء يقرأ قبل الشروع في دلائل الخيرات

این دعاست که خوانده میشود قبل از شروع نمودن در دلائل خیرات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدائیکه مهربان و بخشایش کننده است

الهي بجاه نبيك سيدنا محمد صلى الله

بار خدایا ببرکت پیغمبر تو که رئیس ما یان است محمد درود فرستد خدای

عليه وسلم عندك ومكانته

براو و سلام که نزد تست و بمنزلت او

لديك ومحبتك له ومحبته لك

که نزد تست و دوست داشتن تو برای او و دوستی داشتن او برای تو

وبالسر الذي بينك وبينه

و براز یکه آن میان تو و میان اوست

اسئلك ان تصلي وتسلم عليه

سوال میکنم ترا آنکه درود فرستی تو و سلام براو

وعلى آله وصحبه وضاعف اللهم

و بر آل او و یاران او و دوچندان گردانی بار خدایا

محبتي فيه وعرفني بحقه ورتبه

دوستی من در حق او و شناسا کنی مرا بحق آن و بمرتبه او

الحمد لله در مخزن این اوراق نگاهداشتم
سر این مجموعه خزینه ایست از جواهر ابن نبوی
صلی الله علیه وآله وسلم مملو جواهر آبدار احمد
احادیث واخبار ومائده ایست از مواهد
احمدی پر از فوائد وثمرات مثل مطالع خیرات
لهذا نامیده شده به منبع الحسنات
سپس امیدوار از مزاریان گشت سعادت سرمد
انست وتوقع از فوائد خوانان آن
عشق محمدی چنانکه گلزار ازشناول اثار این
بستان رنگین بیمار لذتی حاصل نماید حرمت
زدار این عمواره ابقطرات امطار رحمت
بیت
خود با وفرمانید ... بیدار ... بیجمال
زبخت خفته طلوع صبح یک دعا کنید ... مدت
بدولت فانحه صبح اشتیاق ... بمعالی
چون دل سوختگان ادراک فهم ...
عشاق را از مطالعه این ... شوق ...
حاصل شود و تضرع وزاری ... خنده ... درود
بحضور دل کلمات ... این ... تزاید ...
بزبان رود وجدا ... کرامت ... عمر این
حروف از نظر ... فضل ... صاحب
نامی ... ثواب ... دانش ...



مخبر صادق وعده فرموده و در
حدیث شریف وارد نموده من دل علی
خیر فله مثل اجر فاعله بیت
خدایا تو بر ... الهی ... بحق ...
جرم ... المالك ...
نمایم در ... شرف وفضل مولف کتاب
بیان ... اعتقاد ... مرحوم ...
بدوم ... ان ... برگوار ... حسن
آثار تحقیق ... ابن کتاب ...
فلك فضل وكمال ... شرف الاجلال
سلاله خاندان نبوی ... سید ... مولانا
سید عبد الله بن سلیمان جزولی در شهر فاس
... جمیع علوم وکمالات ...
دوران ... کرامات ...
وتالیف کرد ... خوارق عادات ...
از ذوکرامات وخوارق عادات ... الیه ...
ادوم در السلوک طریقت ... اهل عبادت
حقیقت وزهد ... در نماز ... شم
... فوت شد در نماز ... مقصد ...
ربیع الاول سنه ٨٧٠ ...

وَوَفِّقْنِي لِاتِّبَاعِهِ وَالْقِيَامِ بِآدَبِهِ

وتوفیق ده مرا برای پیروی کردن او وبپا نمودن ادب او

وَسُنَّتِهِ وَاجْمَعْنِي عَلَيْهِ وَمَتِّعْنِي

وطریقه او وجمع کنی همت مرا براو وبرخوردار گردانی مرا

بِرُؤْيَتِهِ وَاَسْعِدْنِي بِمُكَالَمَتِهِ

بدیدن او ونیکبخت کنی مرا باهم کلامی او

وَارْفَعْ عَنِّي الْعَوَائِقَ وَالْعَلَائِقَ

وبردار از من چیزها را که بازدارنده وعلاقها

وَالْوَسَائِطَ وَالْحِجَابَ وَشَنِّفْ

و واسطها را وپرده ها را وزیوردار کنی

سَمْعِي مَعَهُ بِلَذِيذِ الْخِطَابِ وَ

گوش مرا همراه او بالذیذترین خطاب و

هَيِّئْنِي لِلتَّلَقِّي مِنْهُ وَاَهِّلْنِي لِخِدْمَتِهِ

مهیا کنی مرا برای ملاقی شدن ازو وسزاوار کن مرا برای خدمت او

وَاجْعَلْ صَلَاتِي عَلَيْهِ نُورًا نَيِّرًا كَامِلًا

وگردان درود خواندن من براو نوری روشن کامل

مُكَمِّلًا طَاهِرًا مُطَهِّرًا مَاحِيًا كُلَّ ظُلْمٍ

کامل کننده پاک پاک کننده در حالتیکه محو کننده بر ظلم

وَظُلْمَةٍ وَشَكٍّ وَشِرْكٍ وَكُفْرٍ وَزُورٍ وَ

و تاریکی را و گمان و شرک و کفر و دروغ و

وِزْرٍ وَاجْعَلْهَا سَبَبًا لِلتَّمْحِيصِ وَمَرْقًا

گناه را و گردان آنرا سبب برای خالص شدن و پایه نردبان

لِأَنَالَ بِهَا أَعْلَا مَقَامِ الْإِخْلَاصِ وَ

تا که برسیم بآن بلندترین مقام اخلاص و

وَالتَّخْصِيصِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي رَبَّانِيَّةٍ لِغَيْرِكَ

خصوصیت را تا آنکه باقی نماند در مقام بزرگی که برای غیر تست

وَحَتَّى أَصْلُحَ لِحَضْرَتِكَ وَأَكُونَ مِنْ أَهْلِ

و تا آنکه قابل و سزاوار شوم برای جناب تو و میشوم از اهل

خُصُوصِيَّتِكَ مُسْتَمْسِكًا بِأَدَبِهِ صَلَّى

خصوصیت تو در حالتیکه چنگ زننده ام بآداب آنحضرت درود فرستد

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُسْتَمِدًّا مِنْ حَضْرَتِهِ

خدا بر او و سلام در حالتیکه مدد خواهنده ام از جناب او

الْعَالِيَةِ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَحِينٍ يَا اللهُ

که بلند است در هر وقت و هر زمان ای پروردگار من

يَا نُورُ يَا حَقُّ يَا مُبِينُ

ای روشن کننده ای درست کننده ای ظاهر کننده

کمال بہم معنی وبہم وجود وبہم زمان وبہم مکان
از ازل تا ابد بہ وجود دوام و اتصال ثابت
است مرخدا تعالی و جل و را جست بوی و
مخصوص است بذات اقدس وی اگر بخشنده
جمیع نعم است بواسطہ یا بلا واسطہ بجمیع تحقیقات
و خالق بہ کمالات و متصف بجمیع کمالات
و مفیض کل حیات است و خالق افعال بندگان
و نفی دہندہ ایشان و اللہ ار بخشندہ بہمن ن
قوله الایمان والاسلام عبارت است از

فایده بدانکه ایمان در شرع عبارت است
گرویدن و اعتقاد کردن بہ آنچه پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہ
وسلم از نزد خدای تعالی آورده و بہ بندگان رسانیده و آوردن وحی آن بیقین معلوم شده
و گرویدن خواه بہ وجہ اجمال بود چنانکه گوید بہ
محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم از
نزد خدای آورده حق است یا بطریق تفصیل
چنانکه بہ جمیع آنچه اوست آورده و بہ هر چه آورده
ایمان آرند و ایمان اجمالی برای اصل
و انصاف بایمان کافی است لیکن مرتبه ایمان
تفصیلی اتم و افضل است و باید دانست که مجرد
دانستن صدق پیغمبر و شناختن حق در حصول
ایمان کافی نبود تا بمرتبه تصدیق که او بیان
تسلیم و اذعانست که بفارسی آن را گرویدن
گویند نرسد و باطن بدان

طریق

خواندن اسمای مطهره
و لفظ سیدنا الحمد للہ وحده و
الصلوة والسلام علی من لا نبی بعده اما بعد
بر خاطر خاطر عاشقان درود مصطفوی و ذاکران
صلوة مجتبوی مخفی و محجوب نماند که کتاب دلائل الخیرات و رد لیست که
خواندنش پرده دل ان غفلت را زنده می سازد و لیکن بکتابت نقش
و ما کرشیا قبل اسم محمد لفظ سیدنا متروک است اما قاری را
مناسب است که وقت قرائتش لفظ سیدنا بر محمد زیاده
ساخته میخوانده باشند و چون که تو دو نه نام آنحضرت در کتاب
مسبوق الذکر مستقل اند پرا و لفظ سیدنا و صلی اللہ علیہ و
سلم بر دو بخواند چنانچه سیدنا محمد صلعم و سیدنا احمد
صلی اللہ علیہ وسلم وقس علی هذا الخ و باقی در تمام کتاب
بر نام مبارک آنحضرت صلعم لفظ سیدنا مزید کنند و طریق
خواندن اعرابش از شیخ الدلائل مدنی بطریق رسیده
چنانچه تفهیما للعوام اینجا برسه مرقوم می شود که اگر دال
اسم مبارک مفتوح باشد دال سیدنا
مفتوح و اگر دال محمد مکسور
دال و یا سیدنا
مکسور

و اگر دال
محمد صلی اللہ علیہ وسلم
مضموم باشد دال سیدنا
نیز مضموم باید خواند و همچنین بر اسم مبارک
هر نبی ع لفظ سیدنا زیاده سازد چنانچه سیدنا
آدم ع و نیز بر ملائکه عظام لفظ سیدنا زیاده سازد
چنانچه سیدنا جبرئیل ع تا از تعظیم اسماء مبارکه بی بهره
نماند و دیگر طریق خواندنش چون بحسب قسمت خود
از زیارت رسول الثقلین صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم بهره اندوز
گردد و از شیخ الدلائل اجازت خواهد و تا القبیل زیارت
از کسیکه مجوز و شیخ است تحقیق نموده می خوانده باشند
تا اجر عظیم حاصل آید واللہ الموفق الی سبیل الرشاد ۱۲

قوله الحمد للہ حمد در لغت ستایش ستودن
و در اصطلاح وصف کردن است بزبان بر خوبی اختیاری
بر وجه تعظیم پس معنی چنین بود که تمام افراد
حمد از هر جا می بر هر محمودی که
باشند در برابر بر نعمت
و بر هر صفت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

آغاز میکنم بنام خدائیکه مهربان و بخشاینده است

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلٰى

و درود فرستد خدا بر بهتر و بهتر یاران گرنام پاک او محمد است بر

اٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ وَسَلَّمَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ

آل او و یاران او و سلام فرستد برایشان سپاس مرخدائی را آن خدائیکه

هَدٰنَا لِلْاِيْمَانِ وَالْاِسْلَامِ وَالصَّلٰوةُ

راه نموده مارا برای ایمان و اسلام و رحمت خدای تعالی نازل باد

از ارکان اسلام ایمان نیست بلکه شرط است
صحت اسلام است و اسلام و ایمان در حکم یکی است چنانکه گفته اند
فاسق را مومن می گفتند و صحابه رضی اللہ عنهم اجمعین و سلف
اجرای بود و نه مومن فاسق صاحب اسلام احکام اسلام بر وی
و حرام است استخفاف و استحلال معصیت با انکار
و نه واجب اهل سنت و جماعت بمعنی انقیاد است و
و اسلام در لغت بمعنی انقیاد و اطاعت و در شرع عبارت
و دادن زکوة بر ادای فرائض و اقرار بطوع و رغبت و تسلیم
شدن و حکم ادای سر کسی را این که مال و ورزه ماه
است از انقیاد و اطاعت احکام الهی
رمضان حج خانه کعبه در اسلام تمام است
آوردن اقرار کلمه شهادت و اقرار

اهل سنت و علما در این مسئله کلام بسیار است و تحقیق این است که عارف محقق شیخ عبد الحق در شرح مشکوة تقریر فرموده و تطبیق خاص کرده

وَالسَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ الَّذِيْ

وسلام بر محمد که پیغمبر اوست آن پیغمبر که

اسْتَنْقَذَنَا بِهٖ مِنْ عِبَادَةِ الْاَوْثَانِ

که خلاص گردانیده خدا تعالی ما را بسبب وی از پرستش بتان

وَالْاَصْنَامِ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَاَصْحَابِهِ النُّجَبَاءِ

و معبودان باطل و بر آل او و یاران او که بزرگان

الْبَرَرَةِ الْكِرَامِ وَبَعْدُ هٰذَا فَالْغَرَضُ

و نیکوکاران و صاحبان کرامت و بزرگی اند و پس از حمد و صلوة پس مقصود و خواست من

فِيْ هٰذَا الْكِتَابِ ذِكْرُ الصَّلٰوةِ عَلَى النَّبِيِّ

درین کتاب یاد کردن من است درود را بر پیغمبر

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفَضَائِلُهَا

درود فرستد خدا بر او و سلام و فضیلتهای اورا

نَذْكُرُهَا مَحْذُوْفَةَ الْاَسَانِيْدِ

یاد خواهیم کرد درود را در حالتیکه انداخته شده است اسناد ها

لِيَسْهُلَ حِفْظُهَا عَلَى الْقَارِيْ وَهِيَ

تا که آسان شود یاد گرفتن آن بر خواننده آن و آن درود

مِنْ اَهَمِّ الْمُهِمَّاتِ لِمَنْ يُّرِيْدُ الْقُرْبَ

از جمله مقصودترین کارهای ضروریست هر کسی را که میخواهد قرب و نزدیکی

مِنْ رَبِّ الْأَرْبَابِ وَسَمَّيْتُهُ بِكِتَابِ

از درگاه پروردگار مالک همه مالکان مجازی را و نام نهادم آن را به

دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَشَوَارِقِ الْأَنْوَارِ فِي

دلائل الخیرات و شوارق الانوار در حالیکه ثابت است آن در

ذِكْرِ الصَّلَوٰةِ عَلَى النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ ابْتِغَاءً

ذکر درود بر پیغمبر برگزیده بجهت طلب کردن

لِمَرْضَاتِ اللهِ تَعَالَىٰ وَمَحَبَّةً فِي رَسُولِهِ

مر خوشنودی خدای را در حالیکه برتر است مرتبه وی و بجهت دوستی در پیغمبر آن خدای

الْكَرِيمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا

که بزرگ است که نام پاک وی محمد است درود فرستد خدا بر او و سلام سلام فرستادنی

وَاللهُ الْمَسْئُولُ أَنْ يَجْعَلَنَا لِسُنَّتِهِ مِنَ

و خدای تعالی سوال کرده شده است باینکه بگرداند ما را برای طریق آن پیغمبر از جمله

التَّابِعِينَ وَلِذَاتِهِ الْكَامِلَةِ مِنَ الْمُحِبِّينَ

پیروان و برای ذات پاک وی که موصوف است بصفات کمال از جمله دوستان را

فَإِنَّهُ عَلَىٰ ذٰلِكَ قَدِيرٌ لَا إِلٰهَ غَيْرُهُ وَلَا خَيْرَ

پس تحقیق الله تعالی بر اجابت این دعا توانا است نیست مستحق عبادت سوای خدای تعالی و نیست بهتری و خوبی

إِلَّا خَيْرُهُ وَهُوَ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ

مگر بهتری او و آن نیکو یار است و نیکو یاری دهنده است

راه نیست بسوی منافع دنیویه و مقاصد اخرویه و اعظم آن حصول مغفرت و وصول برضوان و دخول بجنان و سرور به بقاء رحمن ۱۲

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ

ونیست دور بودن از معصیت ونه توانائی بر عبادت مگر بخدا آنکه برتر وبزرگ است

فَصْلٌ فِي فَضْلِ الصَّلٰوةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى

فصل دربیان بزرگی وشرف درود برپیغمبر درود فرستند

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ اِنَّ اللّٰهَ

خدای بروی وسلام گفت خدا که غالب وبزرگست بدرستیکه خدای

وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى النَّبِيِّ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ

وفرشتگان او درود میفرستند برپیغمبر ای کسانیکه بخدا ورسول

اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا وَيُرْوٰى

گرویده اید صلواة گوئید براو وسلام گوئید بروی سلام گفتنی ودروایت کرده شد

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَآءَ

بدرستیکه پیغمبر خدا درود فرستد خدا بروی وسلام آمد

ذَاتَ يَوْمٍ وَالْبُشْرٰى تُرٰى فِيْ وَجْهِهٖ فَقَالَ اِنَّهٗ

روزی حالانکه اثر خوشحالی دیده میشد درروی مبارک وی پس گفت بدرستیکه

جَآءَنِيْ جِبْرَئِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِيْ اَمَا

آمد مرا جبرئیل بروی باد سلام پس گفت مرا آیا

تَرْضٰى يَا مُحَمَّدُ اَنْ لَّا يُصَلِّيَ عَلَيْكَ اَحَدٌ مِّنْ اُمَّتِكَ

راضی نمیشوی ای محمد باین که صلوات نمیفرستد بر تو هیچ یکی از امت تو یکبار

فصل

الا صليت عليه عشرا ولا يسلم عليك
مگر آنکه صلوة فرستم بروے ده بار وسلام نمیفرستد برتو

احد من امتك الا سلمت عليه عشرا
هیچ یکی از امت تو یکبار مگر آنکه سلام فرستم بروی ده بار

وقال صلى الله عليه وسلم ان اولى الناس
وگفت درود فرستد خدا بروے وسلام بدرستیکه نزدیکترین مردم

بي اكثرهم علي صلوة وقال صلى الله عليه
بمن بیشتر ایشانست برمن ازروی درود وگفت درود فرستد خدا بروے

وسلم من صلى علي صلت عليه الملئكة
وسلام کسیکه درود فرستد برمن درود فرستند براو فرشتگان

ما دام يصلي علي فليقلل عند ذلك او
تا وقتیکه درود میفرستد برمن پس کم کند آنکس درود را نزد شنیدن این خبر یا

ليكثر وقال صلى الله عليه وسلم بحسب
زیاده کند وگفت درود فرستد خدا بروے وسلام بس است

المرء من البخل ان اذكر عنده ولا يصلي علي
مرد را از بخل آنکه ذکر کرده شوم من نزد او و درود نفرستد برمن

وقال صلى الله عليه وسلم اكثروا من الصلوة
وگفت درود فرستد خدا بروے وسلام زیاده کنید از درود

فصل

فوائد یوم الجمعة فایده تخصیص

على يوم الجمعة وقال صلى الله عليه وسلم

برمن در روز جمعه وگفت درود فرستد خدا بروی وسلام

من صلى علي صلوة من امتي كتبت له عشر حسنات

کسیکه درود فرستد برمن درود فرستادنی از امت من نوشته میشود برای او ده نیکوئی

ومحيت عنه عشر سيئات وقال صلى الله

و دور کرده میشود ازو ده بدی وگفت درود فرستد خدا

عليه وسلم من قال حين يسمع الأذان

بروی وسلام کسیکه گفت هنگامیکه بشنود بانگ

والإقامة اللهم رب هذه الدعوة التامة

واقامت را ای پروردگار صاحب این دعوتیکه کامل و افضل است

والصلوة القائمة آت محمد الوسيلة

و نمازیکه باقیست بده محمد را وسیله

والفضيلة والدرجة الرفيعة وابعثه

و بزرگی و درجه بلند و برانگیز اورا

مقاما محمودا الذي وعدته حلت له

در مقامیکه ستوده شود آن مقامیکه وعده کرده تو اورا فرود آید بروی

شفاعتي يوم القيمة وقال الله صلى الله

شفاعت من روز قیامت وگفت درود فرستد خدا

آن بر منبر و قوله الوسيلة حضرت محمد را صلعم وسیله گویند که وسیله در لغت بمعنی سبب دوستی آویز است

وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي كِتَابٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلٰئِكَةُ
وسلام کسیکه درود بگوید برمن در کتاب همیشه باشند فرشتگان

تُصَلِّي عَلَيْهِ مَا دَامَ اسْمِي فِي ذٰلِكَ الْكِتَابِ
که درود گویند بروی تا وقتیکه باشد نام من در آن کتاب

وَقَالَ اَبُو سُلَيْمٰنَ الدَّارَانِيُّ مَنْ اَرَادَ اَنْ
وگفت ابو سلیمان دارانی کسیکه بخواهد اینکه

يَسْأَلَ اللّٰهَ حَاجَتَهُ فَلْيُكْثِرْ بِالصَّلٰوةِ
سوال کند خدارا حاجت خود پس زیاده کند درودرا

عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ
بر پیغمبر درود فرستد خدا بروی وسلام پس

يَسْأَلُ اللّٰهَ حَاجَتَهُ وَلْيَخْتِمْ بِالصَّلٰوةِ عَلَى
سؤال بکند از خدای تعالی حاجت خودرا وتمام نماید بگفتن درود بر

النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاِنَّ اللّٰهَ يَقْبَلُ
پیغمبر درود فرستد خدا بروی وسلام پس بدرستیکه خدا قبول میکند

الصَّلٰوتَيْنِ وَهُوَ اَكْرَمُ مِنْ اَنْ يَدَعَ مَا بَيْنَهُمَا
هردو درودرا حالانکه او اکرام است از آنکه ترک کند چیزیرا که میان این دو است

وَرُوِيَ عَنْهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ قَالَ
و روایت کرده شده است از او درود فرستد خدا بروی وسلام بدرستیکه وی گفت

مَنْ صَلَّى عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةَ مَرَّةٍ غُفِرَتْ

کسیکه درود فرستد برمن بروز جمعه صد بار بخشیده شود

لَهُ خَطِيئَةُ ثَمَانِينَ سَنَةً وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

مر او را گناه هشتاد سال وروایت کرده شده است از ابی هریره

رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ

راضی باد خدایتعالی از او بدرستیکه پیغمبر خدا درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِلْمُصَلِّي عَلَيَّ نُورٌ عَلَى

بروی وسلام گفت مرگوینده درود را برمن نوری باشد بر

الصِّرَاطِ وَمَنْ كَانَ عَلَى الصِّرَاطِ مِنْ

صراط وکسیکه باشد بر صراط از

أَهْلِ النُّورِ لَمْ يَكُنْ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَ

اهل نور نمی باشد آن کس از اهل دوزخ و

قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ نَسِيَ

گفت درود فرستد خدا بروی وسلام کسیکه فراموش کند

الصَّلٰوةَ عَلَيَّ فَقَدْ أَخْطَأَ طَرِيقَ الْجَنَّةِ

درود را برمن پس تحقیق گم کند راه بهشت را

وَإِنَّمَا أَرَادَ بِالنِّسْيَانِ التَّرْكَ وَإِذَا كَانَ

ونکرده است اراده از فراموشی مگر ترک کردن ووقتیکه باشد

فائده

فصل الصلوة

[illegible]

التَّارِكُ يُخْطِئُ طَرِيقَ الْجَنَّةِ كَانَ الْمُصَلِّي
ترک کننده که خطا افتد راه بهشت را یباشد گوینده درود

عَلَيْهِ سَالِكًا إِلَى الْجَنَّةِ وَفِي رِوَايَةِ
بر او راه رونده بجانب بهشت و در روایت

عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَوْفٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ
عبد الرحمن پسر عوف راضی باد خدا از او

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
گفت فرمود پیغمبر خدا درود فرستد خدا بروی وسلام

جَاءَنِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ
آمد مرا جبرئیل بر او باد سلام و گفت

يَا مُحَمَّدُ لَا يُصَلِّي عَلَيْكَ أَحَدٌ مِّنْ أُمَّتِكَ
ای محمد درود نمیفرستد بر تو هیچ یکی از امت تو

إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ
مگر آنکه درود فرستند بروی هفتاد هزار فرشتگان و

مَنْ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلٰئِكَةُ كَانَ مِنْ أَهْلِ
کسیکه درود فرستند بروی فرشتگان باشد از اهل

الْجَنَّةِ وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكْثَرُكُمْ
بهشت و گفت درود فرستد خدا بروی وسلام بیشترین شما

قوله يخطئ بضم اول وکسر سوم ودو آخر همزه ۱۲

قوله جبرئيل که فرشته وحی است ۱۲

فصل في

قوله كان من اهل الجنة زیرا که درود از فرشتگان طلب مغفرتست از خدا تعالی برای وی وآن دعا از فرشتگان البته درحق وی قبول باشد ۱۲

قوله في الجنة [illegible]

قوله تحت العرش [illegible]

عَلَيَّ صَلٰوةً اَكْثَرُكُمْ اَزْوَاجًا فِي الْجَنَّةِ

برمن ازروی درود گفتن بیشترین شماست ازروی زنان در بهشت

وَرُوِيَ عَنْهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت کرده شده است ازو درود فرستد خدا بروی و سلام

اَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلّٰى عَلَيَّ صَلٰوةً تَعْظِيْمًا لِحَقِّيْ

بدرستیکه وی فرمود کسیکه درود گوید برمن درود گفتنی از برای بزرگ داشتن حق من

خَلَقَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ذٰلِكَ الْقَوْلِ

پیدا میکند خدا که غالب و بزرگ است از این قول

مَلَكًا لَهُ جَنَاحٌ بِالْمَشْرِقِ وَالْاٰخَرُ

فرشته را که آنرا یک بازو باشد بجای برآمدن آفتاب و بازوی دیگر

بِالْمَغْرِبِ وَرِجْلَاهُ مَقْرُوْرَتَانِ فِي الْاَرْضِ

بمکان فرورفتن آفتاب و دو پای او ثابت باشند در زمین

السَّابِعَةِ السُّفْلٰى وَعُنُقُهُ مُلْتَوِيَةٌ تَحْتَ

هفتم که زیرترین است و گردن آن پیچیده شده است زیر

الْعَرْشِ يَقُوْلُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ صَلِّ عَلٰى

عرش میگوید خدای غالب و بزرگ آنرا درودگو بر

عَبْدِيْ كَمَا صَلّٰى عَلٰى نَبِيِّيْ فَهُوَ يُصَلِّيْ

بنده من چنانچه درود گفته است بر پیغمبر من پس آن فرشته درود میگوید

قوله ۳
كما صلى على النبي
تنبیه
تشبیه در مطلق حصول درود
است نه در همه وجوه
دنیا یا ساکن
است بعد یاء
مشدده
۱۲

قوله ليردن بلام مفتوحه در اول ونون مشدده در آخرش براى تأكيد است وعلىّ بتشديد ياء والحوض بفتح لام است بفتح ضاد

تنبيه

قوله ما اعرفهم الا بكثرة الصلوة يعنى

درود ... ايشان را آنحضرت ... شده آنحضرت ايشانرا در ... جهات شناخته ... بركت درود ... ظاهر شود ... بسبب آن پيغمبر صلى الله عليه وآله وسلم ايشانرا بشناسد كه ايشان محبان وعاشقان من اند

عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَرُوِيَ عَنْهُ صَلَّى

براو تا روز قيامت وروايت كرده شده است ازاو درود فرستد

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ لَيَرِدَنَّ عَلَيَّ

خدا بروى وسلام بدرستيكه آنحضرت فرموده البته وتحقيق كه حاضر ميشوند برمن

الْحَوْضَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَقْوَامٌ مَّا أَعْرِفُهُمْ إِلَّا

حوض مرا درروز قيامت گروه ها نميشناسم من آنگروه را اگر

بِكَثْرَةِ الصَّلٰوةِ عَلَيَّ وَرُوِيَ عَنْهُ صَلَّى اللّٰهُ

بسبب بسيار فرستادن درود برمن وروايت كرده شده است ازو درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً وَاحِدَةً

بروى وسلام بدرستيكه وى فرمود كسيكه درود فرستد برمن يك بار

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَمَنْ صَلَّى

درود ميفرستد خداتعالى بروى ده بار وكسيكه درود فرستد

عَلَيَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ مِائَةَ مَرَّةٍ

برمن ده بار درود فرستد خداتعالى بروى صد بار

وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ مِائَةَ مَرَّةٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وكسيكه درود فرستد برمن صد بار درود فرستد خداتعالى بروى

أَلْفَ مَرَّةٍ وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ أَلْفَ مَرَّةٍ حَرَّمَ اللّٰهُ

هزار بار وكسيكه درود فرستد برمن هزار بار حرام گرداند خداتعالى

ف در شرح شفا نقل ميكند كه آنحضرت صلى الله عليه وآله وسلم را دو وصف ... بود ... ودر حديث آمده كه ... آن ... اند

قوله جسده على النار ومراد ازین کلام
بیان کمال نجات اوست از آن
و ظاهر حدیث عام است در
آمرزیدن گناهان صغیره و
کبیره و بعضی خاص
کرده‌اند بصغائر قوله
وثبته ببشد یا ، موصد ١٢٥

قوله بالقول الثابت
و مراد ازان
قول ثابت کلمهٔ طیبهٔ لا اله الا الله محمد رسول الله
وزوال آن در دو ا زول وی
است و بیرست در وو ازول وی
وا ز بیش شو و ١٢

قوله على الصراط یعنی بر پل گذرند و فرود و وقت
روشنان اوان کلمهٔ نفیه و فرمان
فرود و فرمن ١٢

جَسَدَهٗ عَلَى النَّارِ وَثَبَّتَهٗ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي

تن اورا بر آتش دوزخ وثابت دارد آنرا بر قولیکه ثابت و دائمست در

الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْاٰخِرَةِ عِنْدَ الْمَسْئَلَةِ

زندگانی دنیا و در آخرت وقت سؤال نکیر و منکر

وَاَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَجَاءَتْ صَلٰوتُهٗ عَلَيَّ وَلَهَا

و در می آرد اورا به بهشت و آید درود آن کس برمن در حالتی که آنرا

نُوْرٌ لَهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَلَى الصِّرَاطِ مَسِيْرَةَ خَمْسِ

نوری باشد برای آن روز قیامت بر صراط مسافت پنج

مِائَةِ عَامٍ وَّاَعْطَاهُ اللّٰهُ بِكُلِّ صَلٰوةٍ صَلَّاهَا

صد ساله راه و میدهد اورا خدا تعالی بمقابله هر درودی که خوانده است آنرا

عَلَيَّ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ قَلَّ ذٰلِكَ اَوْكَثُرَ وَقَالَ

برمن منزلی در بهشت اندک باشد آن درود یا بسیار و گفت

النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ عَبْدٍ

پیغمبر درود فرستد خدا بروی و سلام نیست هیچ بنده که

صَلّٰى عَلَيَّ اِلَّا خَرَجَتِ الصَّلٰوةُ مُسْرِعَةً مِّنْ

درود فرستد برمن مگر آنکه بیرون می آید درود در حالیکه شتابی کننده است از

فِيْهِ فَلَا يَبْقٰى بَرٌّ وَّلَا بَحْرٌ وَّلَا شَرْقٌ

دهن وی پس باقی نمیماند هیچ دشتی و نه دریائی و نه جانب برآمدن آفتاب



قوله مسيرة خمس مائة عام تمييز
ازو ور اکثر نسخها مرفوعست و بعضی
بالنصب و اعراب این الفاظ
و اختلاف نسخ در شرح علی
بسیط نوشته
شده ١٢

قوله قل ذلك او كثر
یعنی عطا ، قصری بعین بر
در برابر هر درود و قصری موزیست
مقدار یک باشد ١٢

وَلَا غَرَبَتْ إِلَّا وَتَمُرُّ بِهِ وَتَقُولُ أَنَا صَلَوٰةُ

و نه جانب فرو رفتن آفتاب مگر آنکه میگذرد بآن و میگوید که من درود

فُلَانِ ابْنِ فُلَانٍ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُخْتَارِ خَيْرِ

فلان بن فلان ام درود فرستاده است بر محمد که برگزیده و بهترین

خَلْقِ اللّٰهِ فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ إِلَّا وَصَلَّى عَلَيْهِ وَ

آفرینش خداست پس باقی نماند هیچ چیزی مگر آنکه درود میفرستد بر آن و

وَيُخْلَقُ مِنْ تِلْكَ الصَّلَوٰةِ طَائِرٌ لَهُ سَبْعُونَ

پیدا کرده میشود از آن درود جانوری که مر آنجانور را هفتاد

أَلْفَ جَنَاحٍ فِي كُلِّ جَنَاحٍ سَبْعُونَ أَلْفَ

هزار بازو باشد در هر بازو هفتاد هزار

رِيشَةٍ فِي كُلِّ رِيشَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ وَجْهٍ فِي

پر بود در هر پری هفتاد هزار روی بود در

كُلِّ وَجْهٍ سَبْعُونَ أَلْفَ فَمٍ فِي كُلِّ فَمٍ سَبْعُونَ

هر روئی هفتاد هزار دهن بود در هر دهنی هفتاد

أَلْفَ لِسَانٍ كُلُّ لِسَانٍ يُسَبِّحُ اللّٰهَ تَعَالَى

هزار زبان هر زبان تسبیح میگوید خدای بزرگ را

بِسَبْعِينَ أَلْفَ لُغَاتٍ وَيَكْتُبُ اللّٰهُ لَهُ ثَوَابَ

بهفتاد هزار لغت و مینویسد خدایتعالی برای آن ثواب

قوله فلان بن فلان یعنی نام آن گوینده و نام پدر او بگوید ۱۲

قوله الا وصلی علیه یعنی درود میفرستد بر آن گوینده درود یعنی طلب آمرزش میکند برای او

قوله ویخلق بضم یا و فتح لام یعنی پیدا کرده میشود از آن درود که از وی بر آمده جانوری پرنده و در بعضی نسخه یخلق الله بفتح یا و ضم لام و نصب طائر یعنی پیدا میکند خدا تعالی از آن درود جانوری را ۱۲

فصل

قوله جناح بفتح جیم پر ۱۲

قوله ریشة پر ۱۲

قوله بسبعین الف لغات در بعضی نسخه بسبعین الف لغة و در بعضی نسخه لغة بضم لام و فتح غین جمع لغت یعنی بهفتاد هزار زبان بیان میکند ۱۲

قوله ... یعنی برای آن گوینده درود ۱۲

ذٰلِكَ كُلِّهِ وَعَنْ عَلِيِّ ابْنِ اَبِيْ طَالِبٍ رَضِيَ اللّٰهُ
آن همه تسبیح را و روایت کرده شده است از علی بن ابیطالب راضی باد الله تعالی

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ
از و گفت فرمود پیغمبر خدا درود فرستد خدا بروی و

سَلَّمَ مَنْ صَلّٰى عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةَ مَرَّةٍ جَآءَ
سلام کسیکه درود فرستد بر من روز جمعه صد بار می آید

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَعَهُ نُوْرٌ لَوْ قُسِمَ ذٰلِكَ النُّوْرُ
بروز قیامت و حالانکه باوی نوری بود که اگر قسمت کرده شود آن نور

بَيْنَ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ لَوَسِعَهُمْ ذُكِرَ فِيْ بَعْضِ الْاَخْبَارِ
درمیان همه آفرینش هرآینه گنجایش کند همه آنها را یاد کرده شده است در بعضی خبرها

مَكْتُوْبٌ عَلٰى سَاقِ الْعَرْشِ مَنِ اشْتَاقَ اِلَيَّ
نوشته شده است بر ستون عرش کسیکه مشتاق باشد بسوی من

رَحِمْتُهُ وَمَنْ سَاَلَنِيْ اَعْطَيْتُهُ وَمَنْ تَقَرَّبَ
رحمت میکنم اورا و کسیکه سوال میکند مرا عطا میکنم اورا و کسیکه نزدیکی جوید

اِلَيَّ بِالصَّلٰوةِ عَلٰى حَبِيْبِيْ مُحَمَّدٍ غَفَرْتُ لَهُ
بسوی من بدرود فرستادن بر دوست من محمد بیامرزم مراورا

ذُنُوْبَهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ وَرُوِيَ عَنْ
گناهان اورا اگرچه باشند مانند کف دریا و نقل کرده شده است از

قوله عن علی ابن ابیطالب رضی الله تعالی عنه فائده

قوله لوسعهم گنجیدن

قوله ذکر فی بعض الاخبار

فضل الصلوة

قوله سالنی حاجت خود را ۱۲

قوله الصحابة بفتح صاد ۱۲ قوله انه بفتح همزه ۱۲ قوله يصلى بضم يا و فتح لام مشدده ۱۲ قوله عنان بفتح عين ۱۲

قوله هذا مجلس و در بعضی نسخ آمده هذه مجلس یعنی این بوی مجلسی است ۱۲ قوله وصلی بضم صاد و کسر لام مشدده و فتح یا

تنبیه ونقل کرده اند از بعضی مشایخ کبار و صلحا نیکو کار که لازم گرفته است خواندن درود بسیار بر سید الابرار پس بر آمده است از دهن او بوی

بعض الصحابة رضوان الله عليهم اجمعين
بعضی یاران خشنودی خدا باد بر همه ایشان
انه قال ما من مجلس يصلى فيه على محمد
تحقیق که وی گفت نیست هیچ مجلسی که درود فرستاده میشود در آن بر محمد
صلى الله عليه وسلم الا قامت منه رائحة طيبة
درود فرستد خدا بر وی و سلام مگر آنکه برمیخیزد از آن مجلس بوی خوش
حتى تبلغ عنان السماء فتقول الملئكة هذا
تا که میرسد آن بوی نواحی آسمان را پس میگویند فرشتگان این
مجلس صلى فيه على محمد صلى الله عليه و
مجلسی است که درود فرستاده شده است در آن بر محمد درود فرستد خدا بر وی و
سلم ذكر في بعض الاخبار ان العبد المؤمن
سلام یاد کرده شده است در بعضی خبرها تحقیق که بنده مؤمن
او الامة المؤمنة اذا بدا بالصلوة على محمد صلى
یا کنیزی مؤمنه وقتیکه شروع میکنند گفتن درود را بر محمد درود فرستد
الله عليه وسلم فتحت له ابواب السماء والسرادقات
خدا بر وی و سلام گشاده میشود برای او درهای آسمان و سراپرده ها
حتى تبلغ الى العرش فلا يبقى ملك في السموت
تا آنکه میرسد بعرش پس باقی نماند هیچ فرشته در آسمانها

فصل فی

[illegible]

۲۳

قوله عسرت بضم سين و كسر را ۱۲

قوله فليكثر بضم يای تحتانی و سكون كاف و كسر ثا ۱۲

الّا صلّى على محمّدٍ صلّى اللّه عليه و

مگر آنكه درود ميگويد بر محمد درود فرستد خدا تعالى بروی و

سلّم و يستغفرون لذلك العبد او

سلام و طلب آمرزش ميكنند برای آن بنده يا

الامة ما شاء اللّه و قال صلّى اللّه عليه

كنيز تا مدتيكه خواسته است خدا تعالى و گفت درود فرستد خدا تعالى بروی

و سلّم من عسرت عليه حاجة فليكثر

و سلام كسيكه دشوار شود بر او حاجتی پس زياده كند

بالصّلوة علىّ فانّها تكشف الهموم و

درود را بر من پس تحقيق آن درود ميكند اندوه ها را و

الغموم و الكروب و تكثر الارزاق و

غم ها را و رنجهای سخت را و زياد ميكند رزق ها را و

تقضى الحوائج و عن بعض الصّالحين انّه

روا ميكند حاجتها را و حكايت كرده اند از بعضی صالحين تحقيق كه وی

قال كان لى جارٌ نسّاخ فمات فرايته فى

گفت بود برای من همسايه نويسنده پس مرد آن پس ديدم من اورا در

المنام فقلت له ما فعل اللّه بك فقال

خواب پس گفتم من اورا كرد خدا تعالى مر ترا پس گفت

قوله بالصلوة در بعضى نسخه من الصلوة آمده ۱۲

قوله يكشف الهموم بفتح تاء و كسر شين ۱۲

فصل الصلوة

قوله تكثر الارزاق بضم تا و فتح كاف و كسر ثا مثلثه با تشديد ۱۲

قوله نسّاخ بفتح نون و تشديد سين نويسنده كتبها

غفر لي فقلت له فبم ذلك فقال كنت

آمرزید مرا پس گفتم مراورا پس بسبب چه بود این پس گفت بودم من

اذا كتبت اسم محمد صلى الله عليه وسلم

وقتی که بنوشتم نام محمد را درود فرستد خدا تعالی بروی و سلام

في كتاب صليت عليه فاعطاني ربي

در کتابی درود میفرستادم براو پس داد مرا پروردگار من

ما لا عين رأت ولا اذن سمعت ولا

چیزی که هیچ چشمی ندید آنرا و نه هیچ گوشی شنید آنرا و نگذشت

خطر على قلب بشر وعن انس انه قال

آن چیز بر دل آدمی و روایت کرده شده است از انس تحقیق که وی گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

که فرمود پیغمبر خدا درود فرستد خدا تعالی بروی و سلام

لا يؤمن احدكم حتى اكون احب اليه من

ایمان نمی آرد یکی از شما تا آنکه باشم من دوست تر بسوی وی از

نفسه وماله وولده ووالده والناس اجمعين

ذات او و مال او و فرزند او و پدر او و همه مردمان

وفي حديث عمر رضي الله عنه انت احب

و در حدیث عمر راضی باد خدا تعالی ازو تو دوست تر هستی

وبحقیقت هردو یکیست رباعی همه حسن وجمال بی نهایت داری ٭ همه جود وکرم بجد وغایت داری ٭ هم حسن نداء سلم وهم احسان

قوله التي بين جنبي

محبت

از دل وجان شرف صحبت جانان غرض است

قوله آخر نوع ۱۲

إلي يا رسول الله من كل شيء إلا نفسي التي

بسوی من ای پیغمبر خدا از هر چیزی مگر جان من که

بين جنبي فقال له عليه الصلوة و

درمیان دو پهلوی نیست پس گفت اورا بروی باد درود و

السلام لا تكون مؤمنا حتى أكون أحب

سلام نمی باشی مسلمان تا که باشم من دوست تر

إليك من نفسك فقال عمر والذي

بسوی تو از جان تو پس گفت عمر سوگند بکسیکه

أنزل عليك الكتاب لأنت أحب إلي من

فرو فرستاده است بر تو کتاب را بر آئینه تو دوست تر هستی بسوی من از

نفسي التي بين جنبي فقال رسول الله

جان من که میان دو پهلوی من است پس گفت پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم الآن يا عمر قد تم

درود فرستد خدا تعالی بروی وسلام این زمان ای عمر تحقیق تمام شد

إيمانك وقيل لرسول الله صلى الله عليه

ایمان تو و گفته شد مر پیغمبر خدا تعالی را درود فرستد خدا بروی

وسلم متى أكون مؤمنا وفي لفظ آخر

وسلام کجا باشم من مسلمان و در لفظ دیگر

قوله وقيل يعني کی از یاران در خدمت وی پرسید ۲۰

قوله آخر يعني فقط ۲۰

قوله مؤمنا صادقا
فایده
صدق در ایمان آنست که عمل بکتاب وسنت وشرع باشد
ثابت شده است بکتاب وسنت وبقیاس ...
باشد پس معلوم شده است بدانکه ایمان مشروط
قوله اذا احببت الله تعالی
است بر محبت الله تعالی حصول آن بحصول آن
وکمال آن بکمال آن لطیفه گویند که کمال
محبت آنست که هرچه بتو منسوب بود آن
صورت ومعنی والحق بتو مرغوب باشد
از دنیا وعقبی همه به محبوب مسلم داری
وهیچ چیزی از خود بخود نگذاری وفوق
صفات خود از نکته وجود ترا شی وهم
باوصاف محبوب متصف باشی

مُؤْمِنًا صَادِقًا قَالَ إِذَا أَحْبَبْتَ اللّٰهَ فَقِيلَ

مسلمان راست کار گفت وقتی که دوست داری تو خدای را پس گفته شد

وَمَتٰى أُحِبُّ اللّٰهَ قَالَ إِذَا أَحْبَبْتَ رَسُولَهُ

که کی دوست دارم من خدای را فرمود وقتی که دوست داری تو پیغمبر او را

فَقِيلَ وَمَتٰى أُحِبُّ رَسُولَهُ قَالَ إِذَا اتَّبَعْتَ

پس گفته شد که کی دوست دارم من پیغمبر او را فرمود وقتیکه پیروی کنی تو

طَرِيقَتَهُ وَاسْتَعْمَلْتَ بِسُنَّتِهِ وَأَحْبَبْتَ

راه او را وعمل کنی بسنت وی ودوست داری

بِحُبِّهِ وَأَبْغَضْتَ بِبُغْضِهِ وَوَالَيْتَ بِوِلَايَتِهِ

بسبب دوستی وی ودشمن داری بسبب دشمنی وی ویاری کنی بسبب یاری وی

وَعَادَيْتَ بِعَدَاوَتِهِ وَيَتَفَاوَتُ النَّاسُ

وبدخواهی کنی بسبب بدخواهی وی وتفاوت دارند مردمان

فِي الْإِيمَانِ عَلٰى قَدْرِ تَفَاوُتِهِمْ فِي

در ایمان بر اندازه تفاوت ایشان در

مَحَبَّتِي وَيَتَفَاوَتُونَ فِي الْكُفْرِ عَلٰى

دوستی من وتفاوت دارند در کفر بر

قَدْرِ تَفَاوُتِهِمْ فِي بُغْضِي أَلَا لَا إِيمَانَ

اندازه تفاوت ایشان در دشمنی من آگاه باش نیست ایمان

فصل

قوله اذا احببت رسوله یعنی دوستی خدا ...
دوستی رسول است بیت ...
مصطفی را برندین ...
آل عبا را برندین ...
قوله واستعملت بسنته ...
ودر خطبه نوشته شده ...
صلی الله علیه وآله وسلم ...

دوستی دیگران در وی اوست ؛ قوله وعادیت بعداوته بیت با دوستان دوست ترا دوستی رواست ؛ با دشمنان دوست ترا

لِمَنْ لَّا مَحَبَّةَ لَهُ اَلَا لَا اِيْمَانَ لِمَنْ لَّا مَحَبَّةَ

مر كسي را نيست دوستي مر او را آگاه باش نيست ايمان مر كسي را كه نيست دوستي

لَهُ اَلَا لَا اِيْمَانَ لِمَنْ لَّا مَحَبَّةَ لَهُ وَقِيْلَ

مر او را آگاه باش نيست ايمان مر كسي را كه نيست دوستي مر او را وگفته شد

لِرَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَرٰى

مر پيغمبر خداي را درود فرستد خداي بروي وسلام مي بينيم من

مُؤْمِنًا يَخْشَعُ وَمُؤْمِنًا لَا يَخْشَعُ مَا السَّبَبُ

مسلماني را كه فروتني ميكند ومسلماني را كه فروتني نميكند چيست سبب

فِيْ ذٰلِكَ فَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

در آن پس فرمود درود فرستد خداي بروي وسلام كسيكه

وَّجَدَ لِاِيْمَانِهٖ حَلَاوَةً خَشَعَ وَمَنْ لَّمْ يَجِدْهَا

يافت مر ايمان خود را شيريني فروتني كرد وكسيكه نيافت آن

لَمْ يَخْشَعْ فَقِيْلَ بِمَ تُوْجَدُ اَوْ بِمَ تُنَالُ وَ

فروتني نكرد پس گفته شد بچه يافت ميشود يا بچه رسيده ميشود و

تُكْتَسَبُ قَالَ بِصِدْقِ الْحُبِّ فِي اللّٰهِ

كسب كرده ميشود فرمود براست كردن دوستي در ذات خدا تعالى

فَقِيْلَ وَبِمَ يُوْجَدُ حُبُّ اللّٰهِ اَوْ بِمَ يُكْتَسَبُ

پس گفته شد وبچه يافته ميشود دوستي ذات خدا تو يا بچه كسب كرده ميشود

قوله الا لا ايمان لمن لا محبة له اين كلام مر سابق را تاكيد است ۱۲

قوله وقيل يعني ياران عرض نمودند ۱۲

قوله لم يخشع بدانكه خشوع نتيجه حلاوت ايمان است وثمره نتيجه ايقان وآن عبارت است از فروتني وبيچارگي وزاري وبيكسي ودانستن خود را بحضرت خداوند مطلق

تنبيه

فصل الصلوة

خشوع وبيچارگي واضطراب اندرين حضرت تذلل وانكسار ۱۲

قوله وتكتسب يعني تا بچه رسيده ميشود وكسب كرده ميشود آن حلاوت

تنبيه

لفظ او براي شك راوي است كه وي ترديد دارد درين كه سائل گفت يبين يا اين ۱۲

قوله فقال در بعضي نسخ فقال آمده

قوله ورضاء رسوله بهمزه بعد الف
ودر بعضی نسخه رضا بالف مقصوره آمده ۱۲
قوله البرور بضم با ورا ۱۲
قوله اهل الصفاء ایشان صاحب صفا هستند
که صاف نموده اند دل را از کدورت
کفر ونفاق برای مشاهده انوار جمال
محبوب علی الاطلاق قوله والوفاء وایشان
صاحب وفا اند وآن عبارت است
با تمام عهد وپیمان ومحافظت بر آن
ومؤمن چون بتکلیف با حکام شرع
دین باختیار پیغمبر قبول نموده گویا
عهد با وی در فطرت و بقوت محبت در
ادا تماشی کوشیده وهر گز نشکسته
رباعی
بشکست پیمان مشکن که پیمان
رفت ز دست پاز بای درافتادو برون
پیمان الست از آنکه در دست بود
بر عهد که بست بهیچ حال
قوله من آمن بی
کسیکه ایمان آورد بمن واین بیان
اهل صفا و وفاست ودر بعضی نسخه

فَقَالَ بِحُبِّ رَسُولِهِ فَالْتَمِسُوا رِضَاءَ اللّٰهِ
پس فرمود بدوستی پیغمبر او پس طلب نمائید خوشنودی خدای را

وَرِضَاءَ رَسُولِهِ فِي حُبِّهِمَا وَقِيلَ لِرَسُولِ
وخوشنودی پیغمبر اورا در دوستی آن هردو وگفته شد مر پیغمبر

اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اٰلُ مُحَمَّدٍ
خدای را درود فرستد خدا بروی وسلام کیستند آل محمد

اَلَّذِينَ اُمِرْنَا بِحُبِّهِمْ وَاِكْرَامِهِمْ وَالْبُرُورِ
که حکم کرده شدیم ما بدوستی ایشان وبزرگی ایشان وبه نیکوئی کردن

بِهِمْ فَقَالَ اَهْلُ الصَّفَاءِ وَالْوَفَاءِ مَنْ
با ایشان پس فرمود صاحب صفا ووفا هستند کسیکه

اٰمَنَ بِي وَاَخْلَصَ فَقِيلَ لَهُ وَمَا عَلَامَاتُهُمْ
ایمان آورد بمن وخالص ساخت پس گفته شد مراورا وچیست نشانهای آنها

فَقَالَ اِيثَارُ مَحَبَّتِي عَلَى كُلِّ مَحْبُوبٍ وَ
پس فرمود اختیار کردن آنها دوستی مرا بر هر دوست و

اشْتِغَالُ الْبَاطِنِ بِذِكْرِي بَعْدَ ذِكْرِ
مشغول داشتن دل را بیاد آوری من بعد از یاد

اللّٰهِ تَعَالَى وَفِي اُخْرَى عَلَامَتُهُمْ اِدْمَانُ
خدا تعالی ودر روایت دیگر آمده علامت ایشان همیشه کردن

فصل

بجای بنی آمده یعنی ایمان آورد
بآن محمد صلی الله علیه وآله وسلم ۱۲
قوله واخلص
وخالص وپاکیزه ساخت باطن خود را
از کدورت صفات ردیه وظاهر خود را
از شوائب اعمال غیر مرضیه قوله وما علاماتهم
یعنی چیست نشانهای ایشان ۱۲
ودر بعضی نسخه علامتهم آمده
قوله بعد ذکر الله
یعنی بعد از ذکر خدا یاد

قوله والاکثار عطف است بر ذکری ... درود جناب نبوت ... [illegible]

ذِكْرِيْ وَالْإِكْثَارُ مِنَ الصَّلٰوةِ عَلَيَّ وَ

یاد من است و زیاد کردن از درود است بر من و

قِيْلَ لِرَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفته شد مر پیغمبر خدای را درود فرستد خدای تعالی بروی و سلام

مَنِ الْقَوِيُّ فِي الْإِيْمَانِ بِكَ فَقَالَ مَنْ

کیست صاحب قوت در گرویدن بتو پس فرمود کسیکه

اٰمَنَ بِيْ وَلَمْ يَرَنِيْ فَاِنَّهٗ مُؤْمِنٌ بِيْ عَلٰى

گروید بمن و حال آنکه ندیده است مرا پس بتحقیق که آنکس گرونده است بمن بر

شَوْقٍ مِّنْهُ وَصِدْقٍ فِيْ مَحَبَّتِيْ وَعَلَامَةُ

شوقیکه پیدا است ازو و براستی که ثابت است در دوستی من و نشان

ذٰلِكَ مِنْهُ اَنَّهٗ يَوَدُّ رُؤْيَتِيْ بِجَمِيْعِ مَا يَمْلِكُ

آن ازو آنست که برستیکه آنکس دوست میدارد دیدن مرا بمقابله همه آن چیز که مالک بود آن

وَفِيْ اُخْرٰى مِلْءَ الْاَرْضِ ذَهَبًا ذٰلِكَ

و در روایت دیگر آمده پری زمین از روی زر آن

الْمُؤْمِنُ بِيْ حَقًّا وَالْمُخْلِصُ فِيْ مَحَبَّتِيْ

گرونده است بمن گرویدنی ثابت و خالص کننده است در دوستی من

صِدْقًا وَقِيْلَ لِرَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

از جهت راستی و گفته شد مر پیغمبر خدای را درود فرستد خدا

فصل

[illegible]

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرَأَيْتَ صَلٰوةَ الْمُصَلِّيْنَ

بروی و سلام آیا دانستی حال درود گویندگان

عَلَيْكَ مِمَّنْ غَابَ عَنْكَ وَمِمَّنْ يَأْتِي

بر تو از کسیکه غائب است از تو و از کسیکه می آید

بَعْدَكَ مَا حَالُهُمَا عِنْدَكَ فَقَالَ أَسْمَعُ

بعد از تو چیست حال آن هردو نزد تو پس فرمود میشنوم

صَلٰوةَ أَهْلِ مَحَبَّتِي وَأَعْرِفُهُمْ وَتُعْرَضُ

درود صاحبان دوستی خود را و میشناسم او شانرا و عرض کرده میشود

عَلَيَّ صَلٰوةُ غَيْرِهِمْ عَرْضًا لَبَّيْكَ أَسْمَاءُ

بر من درود غیر آنها عرض کردنی استاده ام برای خدمت تو نامها کی

سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

بهتر و مهتر مایان و پیغمبر مایان و صاحب مالک مایان که محمد است درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِائَتَانِ وَوَاحِدٌ وَهِيَ

بروی و سلام دو صد و یک است و آن

هٰذِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلٰى

اینها است ای خدای درود گو و سلام و برکت ده بر

مَنِ اسْمُهُ سَيِّدُنَا

کسیکه نام او بهتر و مهتر مایان

در قرآن بسیار آمده و علما بجز آن دو عدد معین مقید شده اند و بعضی بخود و نود نام جمع کرده موافق اسمای حسنی الهی قاضی عیاض گفته که حق تعالی

مُحَمَّدٌ	اَحْمَدُ
ستوده شده	ستوده تر
حَامِدٌ	مَحْمُودٌ
ستایش کننده	ستوده شده
اَحِیدٌ	وَحِیدٌ
گیو کننده	یگانه
مَاحِی	حَاشِرٌ
محو کننده کفر	بردارنده مردگان را
عَاقِبٌ	طٰهٰ
پس آینده از همه انبیا	طالب شفاعت امت محمدی

قوله وحید
یعنی در صفات کمال خود و یگانه در شمایل و خصایل خود بی شریک در مقامات عظمت و جلال خود بی نظیر در نهایت حسن جمال خود

رباعی

نشنود و یا کلیم گردد یا خواب بیند

قوله رسول الرحمة

آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم رحمت است

ونعمتهای بهشت و رحمت مر کافرانرا

و فیه در کشف الاسرار آورده که رحمت

السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین

و فردا در مقام محمود بساط شفاعت گسترد

گوید امتی امتی

یس ای سید البشر	طاهر پاک
مطهر پاک کرده شده	طیب پاکیزه
سید بزرگ	رسول فرستاده شده
نبی خبر دهنده	رسول الرحمة پیغمبر صاحب بخشایش
قیم برپا کننده	جامع جمع کننده

مُقتَفی	مُقفّی
آخر از همه پیغمبران	پس آینده
رسول الملاحم	رسول الراحة
پیغمبر معرکه‌ها	پیغمبر که آرام یافت بسبب او خلق
کامل	اکلیل
متصف بکمال	تاج مرصع
مُدَثِّر	مُزَّمِّل
جامه در بر پوشیده	گلیم در خود پیچیده
عبدالله	حبیب الله
بندهٔ خدا	محبوب خدا

صلی الله علیه وآله وسلم اشترک در تعظیم نفرا ثبت نسبت بس سابرین خاص کرده شد و یرا اصل الله علیه وآله وسلم این مرتبه دلالت

صَفِيُّ اللّٰهِ	نَجِيُّ اللّٰهِ
برگزیده خدای	همراز خدای
كَلِيمُ اللّٰه	خَاتِمُ الأَنْبِيَاءِ
هم سخن خدای	مهر پیغمبران
خَاتِمُ الرُّسُلِ	مُحْيِي
مهر مرسلان	زنده کننده
مُنْجِي	مُذَكِّر
خلاص کننده	پند دهنده
نَاصِر	مَنْصُور
یاری دهنده	یاری داده شده

[illegible]

... دمی الحقیقت آنحضرت ... است و ...
بیان ... است ... اوست ...

بیت. بو مقصود کون و مکان بو ولنست ؛ خدا بیدم اکا مقصود و لنست ؛

نبي الرحمة	نبي التوبة
پیغمبر صاحب بخشایش	پیغمبری که توبه کردند خلق بر دست او
حريص عليكم	معلوم
حرص کننده بر اسلام شما	دانسته شده
شهير	شاهد
مشهور	گواهی دهنده
شهيد	مشهود
گواه	گواهی داده شده
بشير	مبشر
مژده دهنده	مژده دهنده

اشهد ان لا اله الا الله
واشهد ان محمدا رسول الله

لا اله الا الله محمد رسول الله

وكفى بالله شهيدا
یعنی بس است خدای تعالی گواه بر نبوت تو

قوله بشير ومبشر
در فتح با و کسر شین مشدده و بضم میم
این هر دو اسم شریف یک معنی آمده یعنی مژده دهنده
مر مؤمنان را بثواب و غفران و بهشت و رضوان و لقاء رحمی ۱۲

نذیر بیم کننده	منذر ترساننده
نور روشنائی	سراج چراغ
مصباح چراغ روشن	هدی راه نما
مهدی راه نموده شده	منیر روشن
داع خواننده	مدعو خوانده شده

قوله مصباح بکسر میم چراغ روشن ... قوله هدی بضم هاء و فتح دال یعنی راه نمائی و اینجا بمعنی راه نماینده است و تحقیق که راه نمود آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم خلق را از کفر و ضلالت بسوی توحید خداوند ... در این اسم مبارک چند وجه آمده ... راه نموده شده یعنی راه نمود او را حق تعالی ... بسوی مقام قاب قوسین ...

مُجِيبٌ	مُجَابٌ
قبول کننده	قبول کرده شده
حَفِيٌّ	عَفُوٌّ
مهربان	بخشنده
وَلِيٌّ	حَقٌّ
دوست خدا	پیغمبر درست
قَوِيٌّ	أَمِينٌ
توانا	باامانت
مَأْمُونٌ	كَرِيمٌ
ایمن کرده شده	بزرگوار

قوله امین

قوله مأمون

قوله کریم

قوله ذو عزة یعنی صاحب عزت و قدر و فضل از خدای تعالی ۱۲

قوله ذو مکانة یعنی صاحب مرتبه بلند ۱۲

مُكَرَّمٌ بزرگ کرده شده	مَكِينٌ با جاه و منزلت
مَتِينٌ استوار	مُبِينٌ ظاهر
مُؤَمَّلٌ امید وار	وَصُولٌ پیوند کننده
ذُو قُوَّةٍ صاحب توانائی	ذُو حُرْمَةٍ صاحب بزرگی
ذُو مَكَانَةٍ صاحب مرتبه بلند	ذُو عِزٍّ صاحب عزت
ذُو فَضْلٍ صاحب کمال	مُطَاعٌ فرمان برده شده

اهل ایمان امید بشفاعت او دارند بروز جزا خصوصا عاصیان بی زاد و بی نوا

بیت

لب بجنبان پی شفاعت من منگر بر گناه و طاعت من

با ذوال ارحام و اهل قرابت و با بیگانه گان از حیثیت دین دیانت بجود و احسان و بوفای عهد و پیمان ۱۲

قوله ذو قوة یعنی صاحب توانائی

قوله ذو فضل یعنی صاحب بزرگی و صاحب کمال و فضیلت دارد

قوله مطاع یعنی فرمان برده شده

قوله نعمة الله

نعمت خدای تعالی بر بندگان فایده نعمت [illegible]
عون چه چیز نیکو گردانیدن است و مر او را شناسا و مرغوب
باشد مر او را [illegible] ذات معدن [illegible] از و
[illegible] حق تعالی [illegible] بزرگ از خداوند
دریافت [illegible] نعمتی است [illegible] این نعمت استوار
[illegible] العین ۱۲

مُطِیعٌ	قَدَمُ صِدْقٍ
فرمان برنده	پیش رو نیک
رَحْمَةٌ	بُشْرَی
بخشایش	مژده دهنده
غَوْثٌ	غَیْثٌ
فریادرسنده	باران
غِیَاثٌ	نِعْمَةُ اللهِ
فریادرسی	نعمت خدای تعالی
هَدِیَّةُ اللهِ	عُرْوَةٌ وُثْقَی
تحفه خدای تعالی	دست آویز استوار
صِرَاطُ اللهِ	صِرَاطٌ مُسْتَقِیمٌ
راه خدای تعالی	راه راست

[illegible] نبی بر خلق [illegible] فی الحقیقت آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم بخشش است [illegible] در دو عالم بخشش [illegible]

قوله بشری بضم با و آخرش الف مقصوره مژدگانی مر مومنان را یعنی مژده دهنده به بهشت پر بهار و لقای پروردگار ۱۲

قوله غوث بفتح غین فریادرسنده [illegible] شفاعت [illegible] باران [illegible]

قوله غیث بفتح غین [illegible] باران [illegible] سبب [illegible] باران خدای تعالی [illegible]

قوله غیاث بکسر غین فریادرسی [illegible] آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فریادرسنده است [illegible] بسیاری ۱۲

قوله

هدایة الله

بفتح ها و کسر دال و تشدید
یا، تحفه خدای
تعالی که
برای
اکرام
بندگان فرستاده
پس هر که قبول کرد آن را به تعظیم
خوشنود ساخت
فرستنده را
و هر که قبول نکرد
در غضب
آورد
۱۲

قوله

عروة وثقی

بضم عین دست آویز استوار
یعنی هر که چنگ زند نسبت آن
حضرت صلی الله علیه و آله
وسلم خلاصی یابد
از قعر ضلال
و وبال
و برآید
به بلندی فضل و کمال
چنانچه چنگ زند کسی در رسن استوار
پس برآید از چاه هلاکت [illegible]
[illegible] کسی که ترک کند [illegible]
بینا کسی که همت او چنگ
در او زند
۱۲

قوله صراط الله یعنی راهی که [illegible] بمعرفت
صفات حق تعالی [illegible] رسید و [illegible]
هر که بمعرفت حق رسید [illegible] بعث پیغمبر او رسید و
[illegible] راه حق تعالی [illegible]
قوله صراط مستقیم [illegible] است
یعنی هر که آنحضرت صلعم را پیروی نمود و اصل [illegible]
[illegible] المقصود و برسید بسعادت ابدیه و مطالب
و هر که از متابعت وی
[illegible] در ماند و در بادیه شقاوت حیران گردید ۱۲

شریف اشارتست بآنکه کمال علم او با وجود امی بودن یکی از معجزات اوست زیرا که آنحضرت صلعم همه عمر در قوم خود بوده و هرگز کسب علم ننموده و با عالمی مصاحبت نکرده با وجود اینهمه [illegible] چنان بود که فصحای عرب از فصاحت و بلاغت او حیران بودند انواع علوم و معارف ازو ظاهر شد و بهمه اخلاق حمیده آراسته گشت پس این بدون خرق عادت نیست

بیت

امی دانا که بعلم فزون · بود اند قلم بر ورق کاف و نون
بی قلم و کاغذ و آب سیاه · معجزه آورد و وحی اله
بی خط و قرطاس ز علم ازل · مشکل لوح و قلمش گشت حل

دقیقه

و در بحر الحقایق آورده که عرب اصل هر چیز را ام گویند چنانچه مکه را ام القری گویند که اصل همه شهرها و دیههاست پس آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم را با اصل منسوب ساخته‌اند که اصل همه موجودات اوست

بیت

تو اصل وجود آمدی از نخست · دگر هرچه موجود شد فرع تست

و گویند که این نسبت بجانب ام القری است [illegible] یعنی مکی بود

اسماء سیدنا مولینا

[illegible]

ذِکْرُ اللهِ	سَیْفُ اللهِ
یاد خدا تعالی	شمشیر خدا تعالی
حِزْبُ اللهِ	اَلنَّجْمُ الثَّاقِبُ
لشکر خدا تعالی	ستاره درخشنده
مُصْطَفیً	مُجْتَبیً
برگزیده	چیده شده
مُنْتَقیً	اُمِّیٌّ
چیده شده	نانویسنده و نا خواننده
مُخْتَارٌ	اَجِیْرٌ
اختیار کرده شده	مزد داده شده

قوله سیف الله شمشیر خدای [illegible] و این اشارتست آنحضرت صلی الله علیه و سلم جهاد و قتال [illegible] دشمنان دین اسلام و فتح و ظفر وی [illegible] و قوله حزب الله [illegible] و دشمنان آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]

[illegible] قوله النجم الثاقب یعنی [illegible] ستاره [illegible] آنحضرت [illegible] قوله مصطفی برگزیده [illegible] قوله مجتبی [illegible]

قوله مختار [illegible] حق تعالی [illegible]

قوله اجیر [illegible] مزد داده شده [illegible]

جبار

جَبَّارٌ	اَبُو الْقَاسِمِ
نیکو کننده	پدر قاسم
اَبُو الطَّاهِرِ	اَبُو الطَّیِّبِ
پدر طاهر	پدر طیب
اَبُو اِبْرٰهِیْمَ	مُشَفَّعٌ
پدر ابراهیم	قبول کرده شده شفاعت
شَفِیْعٌ	صَالِحٌ
عذر خواه	نیکوکار
مُصْلِحٌ	مُهَیْمِنٌ
نیکو کننده	نگاه بان

قوله ابو القاسم
یعنی پدر قاسم ۱۲

قوله ابو الطاهر
یعنی پدر طاهر ۱۲

قوله ابو الطیب
یعنی پدر طیب ۱۲

قوله ابو ابراهیم
یعنی پدر ابراهیم ۱۲

قوله صالح
نیکوکار در همه احوال
و اطوار و نگاه دارنده
خوشنودی
آفریدگار ۱۲

قوله مصلح
بضم میم و کسر لام
نیکو کننده احوال خلائق را
برهنمائی ایشان چیزی
که نیک باشد در حق
ایشان در دنیا
و آخرت ۱۲

اینان و نورانی بود دست و پای ایشان
فایده غر بضم غین و تشدید راء اسپان که پیشانی
ایشان سفید باشد

محجلین بضم میم و فتح حاء و فتح جیم مشدده
اسپان که هر چهار پای آنها سفید باشد و آنحضرت
صلی الله علیه و آله وسلم بر ورق امت
روی و دست و پای روشن و نورانی و تابان
باشند از اثر وضو بدان این امت از امتان
دیگر شناخته شوند پس وصف این است بان
صفت بوجه تشبیه در حدیث
مذکور شده

قوله
خلیل الرحمن
دوست خدا تعالی و فرق
میان خلیل و حبیب در
شرح عربی نوشته
شده
۱۲

[illegible]

صَادِقٌ	مُصَدَّقٌ
راست گو	تصدیق کرده شده
صِدْقٌ	سَیِّدُ الْمُرْسَلِیْنَ
راستی	سردار پیغمبران
اِمَامُ الْمُتَّقِیْنَ	قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِیْنَ
پیشوای پرهیزکاران	از پیش کشنده بسوی بهشت آنان را که
خَلِیْلُ الرَّحْمٰنِ	بَرٌّ
دوست خدا	نیکوئی کننده
مُبَرٌّ	وَجِیْهٌ
نیکوئی کردن	روشناس
نَصِیْحٌ	نَاصِحٌ
پند دهنده	نصیحت کننده

[illegible]

اسمائنا
سیدنا
و مولینا

قوله مبر
بفتح میم و باء و تشدید راء
نیکوئی کردن و
چون آن
حضرت را
صلی الله
علیه و آله ... نیکوئی کردن خوی و عادت
بود پس بطریق مبالغه
بآن نامیده شد و بضم
میم و کسر با نیز آمده
یعنی گردانده غیر
را صاحب احسان
و نیکوئی

قوله وجیه
روشناس و تمام قدر در دنیا بنبوت و رسالت
و در آخرت بشفاعت و علو مرتبت
۱۲
قوله نصیح پند دهنده
نصیحت کننده مر است را اجلا ... قوله ناصح
بجا آورنده در دنیا و در آخرت قبل
یعنی ... ۱۲

وَكِيلٌ	مُتَوَكِّلٌ
کارگذار	اعتماد کننده
كَفِيلٌ	شَفِيقٌ
ضامن	مهربان
مُقِيمُ السُّنَّةِ	مُقَدَّسٌ
برپاکننده طریقه دین	پاک کرده شده
رُوحُ الْقُدُسِ	رُوحُ الْحَقِّ
جان پاکیزه	جان حق
رُوحُ الْقِسْطِ	كَافٍ
جان عدل	کفایت کننده
مُكْتَفٍ	بَالِغٌ
بس کننده	رسنده

قوله متوکل ... مقصود از توکل ... قوله کفیل ضامن است شفاعت ... قوله شفیق مهربان بر حال امت ... قوله مقیم السنة برپاکننده طریقه دین ...

قوله هاد
یعنی رهنمائی خلق را بسوی معرفت خالق و شناخت احکام دین ۱۲

و اسرار و عاشقان را بسوی دیدار پروردگار ۱۲
و ارا لقرار و عارفان را بسوی معارف
و آله و سلم کرامنده است ابرار را بسوی
تا نیز رود و نامیده شد بان پیغمبر صلی الله علیه
بپای تجنبه و را صاب یعنی از پس راننده شتر را
قوله سایق

و در رفتن از قبور و به در آمدن در بهشت ۱۲
مراتب قرب بحضرت ذوالجلال و نیز اول

قوله مهد
مثل این بالا نیز گذشته
و در آنجا بحسب لفظ و معنی بر
وجه بیان شده پس اعتبار کرده شود
اینجا غیر آنکه اعتبار کرده شود
آنجا تا تکرار لازم
نیاید
۱۲

مُبَلِّغ	شَاف
رساننده	دور کننده
وَاصِل	مَوْصُول
رسنده	پیوسته شده
سَابِق	سَائِق
اول	از پس راننده
هَادِی	مُهْدِی
رهنما	راه نماینده
مُقَدَّم	عَزِیز
پیش	غالب
فَاضِل	مُفَضَّل
بزرگ	بزرگی داده شده

صفات
و کمال او و قرب
کرامت و افضال او
لطیفه نزد صوفیه وصول الی الله
فاست از مشاهده و اسواء تا آنکه
از خود نیز جدا باشی تا رسیده
بجدا باشی
بیت

بمیر از خود بیابی تا رهائی
که پیوند تو آمد این جدائی

قوله موصول
بفتح میم و بضم صاد پیوسته
شده بحضرت حق بقرب و منزلت
و علو مرتبت تقنیه و در بعضی نسخه
آمده بضم میم و فتح صاد لغیر واو
بعد ان یعنی رسانیده شده بدرجه
کمال و بمقاصد و آمال
و در بعضی نسخ

قوله
مقدم
بضم میم و فتح دال
مشدده ای اول و پیش از همه
و وجه پیشی بالا مذکور شده ۱۲

قوله
عزیز
غالب و ارجمند
و بی همتا و نایاب
و نادر ۱۲

قوله فاضل قوله مفضل
بزرگی داده
بزرگ تر و ضد ابتهای فتح ضاد و تشدید و ده بزرگی داده
شده و برهمه موجودات و برهمه کمالات صلعم بزرگ تر
اتفاق است بر آنکه آنحضرت بعد از وی ابراهیم
همه پیغمبران است و اسلام و بعد از وی و فضل آنحضرت
نصیح از علماء بعد از انبیا علیهم السلام
صلعم ببسیار انبیا و دیگر

... ایمان با آنحضرت عمل صحیح و معتبر بود و ثواب حاصل
شود و اگر بدون آن عمل بنماید بود و ثواب حاصل نشود
قوله مقیل العثرات بضم میم و کسر قاف نجات دهنده و درگذرنده
از لغزشها یعنی آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم آن گناه را در روز حشر ...
قوله صفوح عن الزلات بفتح صاد و ضم فاء درگذرنده و اعراض کننده از گناهان

[illegible]

فاتح	مفتاح
کشاینده	کلید
مفتاح الرحمة	مفتاح الجنة
کلید در بخشایش	کلید در بهشت
علم الایمان	علم الیقین
علامت ایمان	علامت یقین
دلیل الخیرات	مصحح الحسنات
رهنما بسوی نیکوییها	صحیح کننده نیکوییها
مقیل العثرات	صفوح عن الزلات
نجات دهنده از لغزشها	درگذرنده از گناهان
صاحب الشفاعة	صاحب المقام
صاحب شفاعت	صاحب مقام محمود

قوله مفتاح الجنة کلید در بهشت یعنی اول کسی را که کشاده شود برای او در بهشت آن حضرت بود صلی الله علیه وآله وسلم

قوله علم الایمان بفتح عین و لام یعنی نشان ایمان یعنی آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم نشان ایمان ...

قوله علم الیقین ...

قوله دلیل الخیرات رهنما بسوی نیکوییها ...

قوله مصحح الحسنات صحیح کننده نیکوییها ...

قوله صاحب الشفاعة صاحب شفاعت و بیان انواع آن در فصل صلوة مذکور شد

قوله صاحب المقام المحمود مراد مقام محمود است که مقام شفاعت است و بیان آن نیز در فصل صلوة مذکور شد لطیفه صاحب فتوحات آورده که مقام محمود مقامی است مرجع جمیع مقامات و منظر تمام اسماء الهیه و آن خاصه آنحضرت است صلی الله علیه وآله وسلم و باب شفاعت درین مقام کشاده میشود

بیت

ای ذات تو ناز دو کون مقصود وجود
نام تو محمد و مقامات محمود

بیست و چهار انگشت است و ازار آن حضرت
تا نصف ساق بود تا بالای شتالنگ حضرت
و هرچه پایان آن است در آتش دوزخ است
و دامن قبا و پیراهن همین است و سنت است
دو آستین تا بند دست و در بعضی روایات
تا سر انگشتان نیز آمده و آنچه تجاوز ازین در بعضی
دیار حجاز و مصر واقع شده خلاف سنت است
و اضاعت مال و اسراف است ۱۲

قوله صاحب الحجة
خداوند دلیل استوار
در اینجا مراد معجزه آنحضرت است
صلی الله علیه وآله وسلم و معجزات
وی بیشمارند و بعضی از آن
درین کتاب در ضمن
درود نامه مذکور
شد ان شاء الله
۱۲

[illegible]

صاحب القدم	مخصوص بالعز
صاحب قدم	خاص کرده شده به بزرگی
مخصوص بالمجد	مخصوص بالشرف
خاص کرده شده به بزرگی	خاص کرده شده بعزت
صاحب الوسیلة	صاحب السیف
خداوند وسیله	خداوند شمشیر
صاحب الفضیلة	صاحب الازار
خداوند بزرگی	خداوند ازار
صاحب الحجة	صاحب السلطان
خداوند دلیل استوار	خداوند غلبه وقدرت

صاحب الرداء

قوله صاحب السیف خداوند شمشیر درین اشارتست به شجاعت آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم که جهاد او فی سبیل الله ۱۲ قوله صاحب الفضیلة خداوند بزرگی ۱۲ قوله صاحب الازار و آن جامه ایست که پوشند پائین بدن را چنانچه لنگ و چون اکثر لباس آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم این بود وصف کرده شد بآن فایده در پوشیدن آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم شلوار را اختلافست بعضی جزم کرده که پوشیده و شمنی در شرح شفا گفته که پوشیده است

[illegible]



قوله صاحب السلطان
خداوند غلبه وقدرت
۱۲

قوله صاحب الرداء
خداوند چادر و چون گستر
بیان آنحضرت صلی الله علیه وآله
وسلم این بود وصف کرده شد بدان
فایده در شرح سفر السعادة
آورده که درازی رداء
آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم ...

صاحب الدرجة الرفیعة	صاحب التاج
خداوند پایه بلند	خداوند تاج
صاحب المغفر	صاحب اللواء
خداوند مغفر	خداوند نیزه
صاحب المعراج	صاحب القضیب
خداوند معراج	خداوند عصا
صاحب البراق	صاحب الخاتم
خداوند براق	خداوند مهر نبوت
صاحب العلامة	صاحب البرهان
خداوند نشانه	خداوند دلیل

عین النعیم قوله
ذات نعمت وبالا این اسم تعریف
گذشته نعمت الله پس معنی این
آن نزدیک است ۱۲

عین الغر قوله
اغر یعنی بزرگ بضم غین معجمه وتشدید راء
و عین بمعنی چشم ... واول آن

قوله اذن خیر ... سامعه

فَصِیحُ اللِّسَانِ	صَاحِبُ الْبَیَانِ
خوش زبان	خداوند بیان
رَؤُوفٌ	مُطَهَّرُ الْجَنَانِ
مهربان	پاک کرده شده دل او
اُذُنُ خَیْرٍ	رَحِیمٌ
شنونده نیکوئی	بخشاینده
سَیِّدُ الْکَوْنَیْنِ	صَحِیحُ الْإِسْلَامِ
سردار هردو جهان	درست اسلام
عَیْنُ الْغُرِّ	عَیْنُ النَّعِیمِ
چشم بزرگی	ذات نعمت

اسماء سیدنا ومولانا

چشم ایشان است ... ایشان با آنحضرت است ... آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم رئیس سردار ایشان است

بیت

محمد کیست جان قرة العین
کمان ابروی حرم قاب قوسین

زهی سلطان درویشان عالم
بسلطانی و درویشی مسلم
ودر بعضی نسخه بکسر عین مهمله
وتشدید راء معجمه
آمده یعنی

بیت

[illegible]

سعد الله	
برکت خدای	
سعد الخلق	خطیب الامم
نیک بختی آفریدگان	خطبه خواننده امتان
علم الهدی	کاشف الکرب
علامت رهنمائی	دور کننده کارهای سخت
رافع الرتب	عز العرب
بلند کننده قدر و منزلت	سبب بزرگی عرب
صاحب الفرج	
خداوند گشایش	

شفاعت کند خلق را و رها گرداند از آن محنت و شدت ۱۲

قوله علم الهدی [illegible]

قوله کاشف الکرب بضم کاف و فتح را و راء کننده رنج از کسیکه شفاعت جوید از او و وسیله آورد او را از نزد خدا تعالی و بسیار گوید بر او درود را ۱۲

قوله رافع الرتب [illegible] ۱۲

قوله عز العرب یعنی سبب بزرگی و ارجمندی عرب است که مبعوث شد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

رفیع الدرج

بفتحتین جمع درجه یعنی بلند ست پایهای قدر و منزلت او نزد مولا و بالاتر ست عروج او از عرش معلی و

شهباز همت هیچ پیغمبری براوج مقام عظمت او نرسیده و دست تمنای هیچ مرسل بدامن کمال او نرسیده

بیت

ای محرم سر لایزالی
مرآت جمال ذو الجلالی

[illegible]

از قربت حضرت الهی
هستی بهشت پادشاهی

چون لایق بود که بعد از ذکر اسماء آنحضرت درود گفته شود گفت ۱۲

[illegible]

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلٰى آلِهِ اَللّٰهُمَّ

درود فرستد خدا براو و بر آل او خدایا

يَا رَبِّ بِجَاهِ نَبِيِّكَ الْمُصْطَفٰى وَ

ای پروردگار من بقدر و منزلت پیغمبر تو که برگزیده شده است و

رَسُولِكَ الْمُرْتَضٰى طَهِّرْ قُلُوبَنَا

فرستادهٔ تو که پسندیده شده است پاک گردان دلهای مایانرا

مِنْ كُلِّ وَصْفٍ يُبَاعِدُنَا عَنْ

از هر خصلتی که دراندازد مایان را از

مُشَاهَدَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ وَاَمِتْنَا عَلَى السُّنَّةِ

دیدن تو و از محبت تو و بمیران مایانرا بر طریقهٔ هر پیغمبر

وَالْجَمَاعَةِ وَالشَّوْقِ اِلٰى لِقَائِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ

و گروه تابعین و شوق بسوی دیدار تو ای خداوند بزرگی تام

وَالْاِكْرَامِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا وَ

و فضل عام و درود فرستد خدا بر مهتر و بهتر مایان و

مَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ وَعَلٰى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ

بزرگ و رئیس مایان محمد و بر آل او و یاران او و سلام فرستد

تَسْلِيمًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سلام فرستادنی و سپاس و ستایش مر خدایراست که آفریننده همه عالمیان است

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای که بخشاینده و مهربان است

صلی الله علی سیدنا ومولانا محمد

درود فرستد خدا بر بهتر مایان و بزرگ مایان محمد

وعلی آله وسلم وهذه صفة الروضة

و بر آل او و سلام فرستد و این است صفت روضه

المبرکة التي دفن فيها رسول الله

مبارکه که دفن کرده شده است دران پیغمبر خدا

صلی الله علیه وسلم وصاحباه

درود فرستد خدا بروی و سلام و دو یار او

ابو بکر وعمر رضی الله تعالی عنهما

ابو بکر رض و عمر رض راضی باد خدای تعالی از ایشان

هكذا ذكره عروة بن الزبير رضي الله

همچنین ذکر کرده است آنرا عروه بن زبیر خوشنود باد خدای

تعالى عنه قال دفن رسول الله صلى

تعالی ازو گفت دفن کرده شد پیغمبر خدای درود فرستد

الله عليه وسلم في السهوة ودفن ابو بكر

خدای بروی وسلام در سهوه و دفن کرده شد ابوبکر رض

رضي الله تعالى عنه خلف رسول الله

راضی باد خدای تعالی ازو پس پشت پیغمبر خدای

صلى الله عليه وسلم ودفن عمر بن الخطاب

درود فرستد خدای بروی وسلام و دفن کرده شد عمر پسر خطاب

رضي الله تعالى عنه عند رجلي ابي بكر

راضی باد خدای تعالی ازو نزد دو پای ابی بکر

الصديق رضي الله عنه وبقيت السهوة

صدیق راضی باد خدای تعالی ازو و باقی ماند صفه

الشرقية فارغة فيها موضع قبر يقال و

شرقیه خالی دران جای یک قبر است گفته میشود و

الله اعلم ان عيسى ابن مريم عليه السلام يدفن

خدا داناتر است بدرستیکه عیسی بن مریم بروی باد سلام دفن کرده خواهد شد

قوله عند رجلي ابي بكر
واین احتمال دارد که سر عمر نزد دو ساق وی بود ۱۲

فِيهِ وَكَذٰلِكَ جَاءَ فِي الْخَبَرِ عَنْ رَسُولِ

در آنجا و همچنانکه آمده است در حدیث از پیغمبر

اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَتْ عَائِشَةُ

خدا درود فرستد خدای بروی و سلام و گفت عائشه

رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهَا رَأَيْتُ ثَلٰثَةَ أَقْمَارٍ سُقُوطًا

راضی باد خدا ازو دیدم من سه ماه را فرو افتادگان

فِي حُجْرَتِي فَقَصَصْتُ رُءْيَايَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ

در خانهٔ من پس قصه کردیم خواب خودرا بر ابی بکر

فَقَالَ يَا عَائِشَةُ لَيُدْفَنَنَّ فِي بَيْتِكِ ثَلٰثَةٌ

پس گفت ای عائشه هرآئینه دفن کرده خواهند شد در خانهٔ تو سه کس

هُمْ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ فَلَمَّا تُوُفِّيَ رَسُولُ اللّٰهِ

آن بهترین اهل زمین اند پس هرگاه فیض کرده شد پیغمبر خدای

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَدُفِنَ فِي بَيْتِي فَقَالَ

درود فرستد خدای بروی و سلام و دفن کرده شده در خانهٔ من پس گفت

لِي أَبُو بَكْرٍ هٰذَا وَاحِدٌ مِنْ أَقْمَارِكِ وَهُوَ

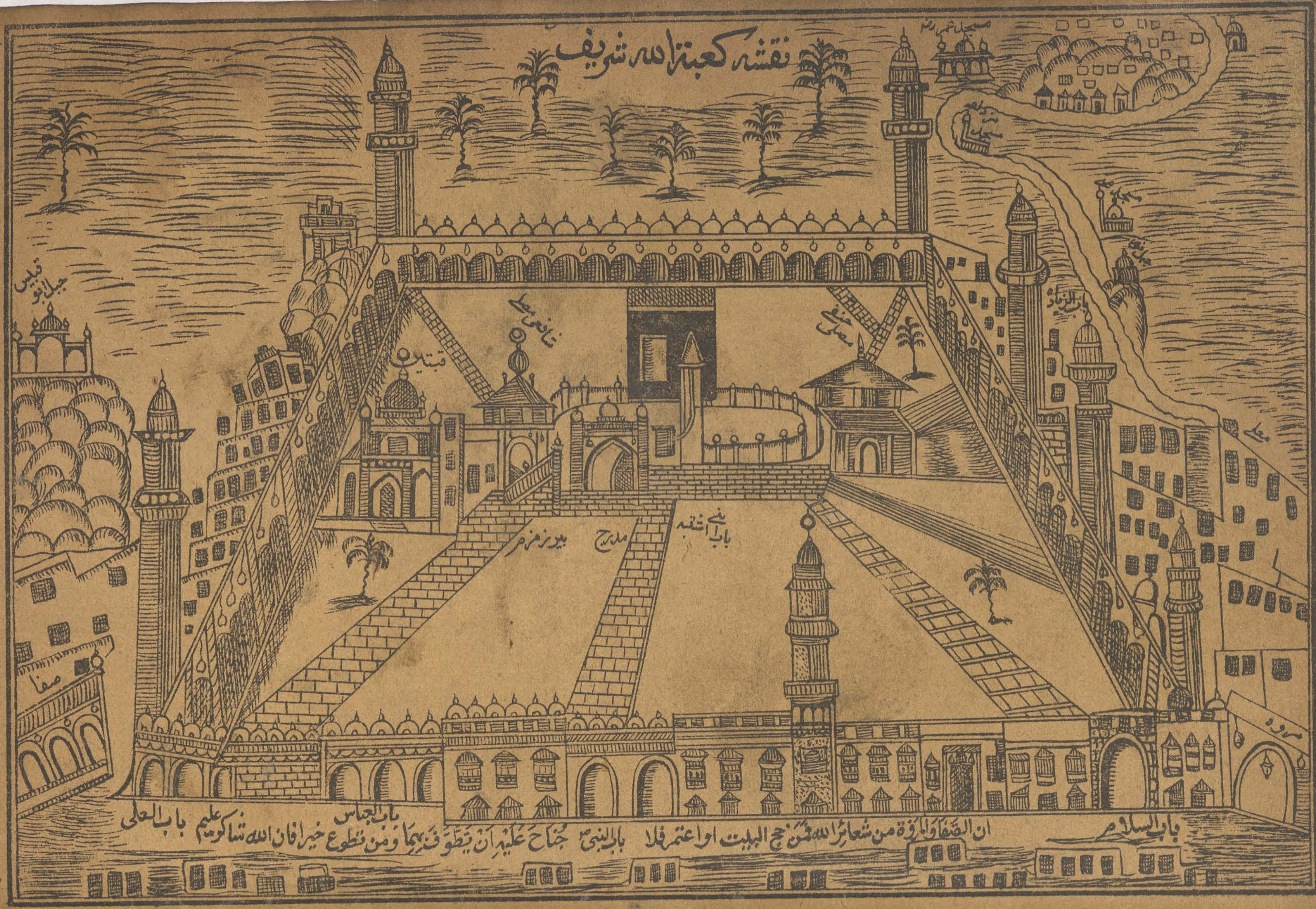
مرا ابوبکر این یکی از ماههای تست و آن

خَيْرُهُمْ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا

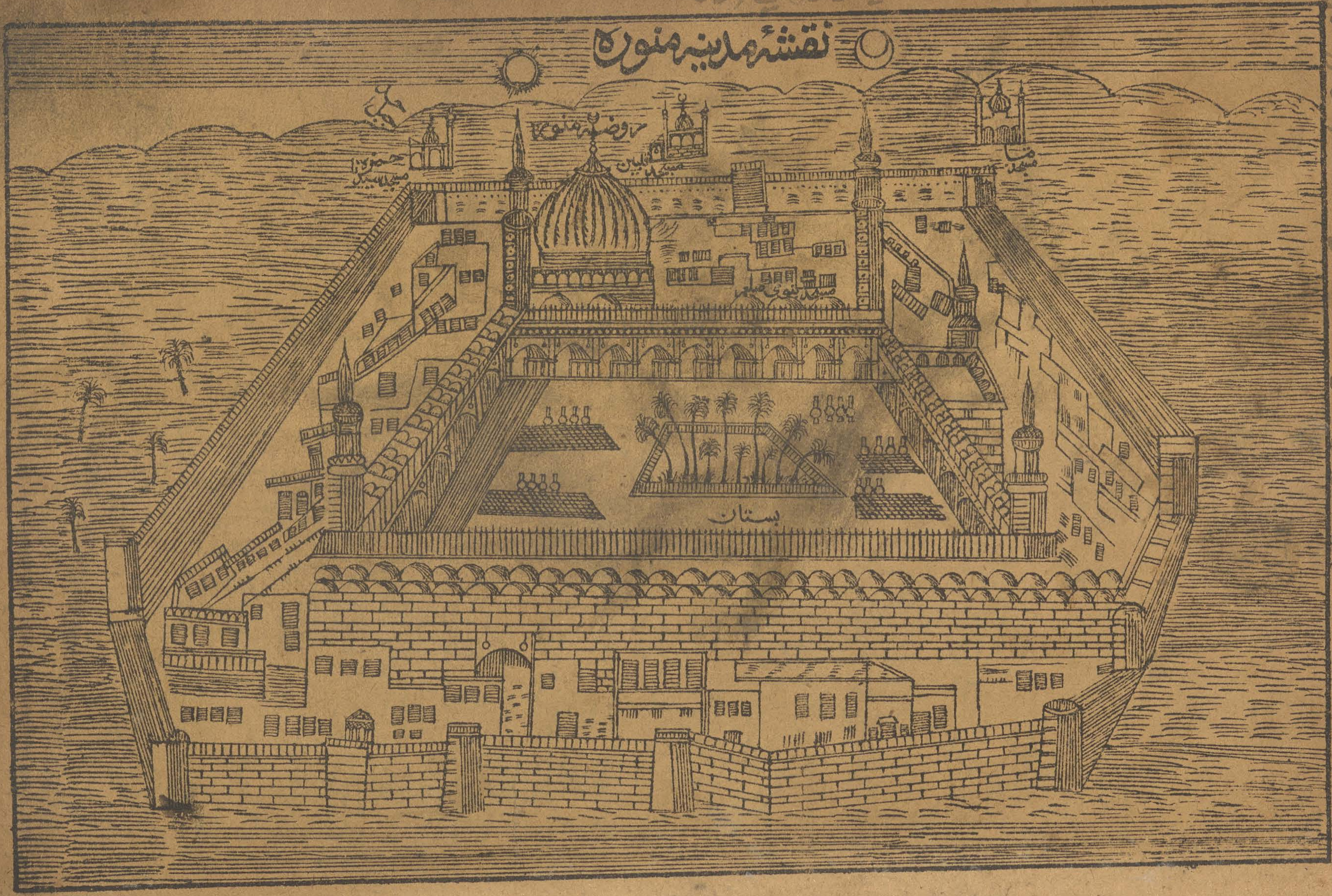
بهترین آنهاست درود فرستد خدا بروی و بر آل وی و سلام بسیار

الروضة المباركة

قوله دفن في بيتي
فائده اکثر علما بر آنند که وفات آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم دوازدهم ربیع الاول بود و بعضی گفته اند که دوم ازان ماه و شیخ عبد الحق در شرح سفر السعادة آورده که این قول را ترجیح کرده اند



نقشه کعبة الله شریف
جبل ابو قبیس
صفا
مروه
بیر زمزم
مدرج
باب بنی شیبه
باب السلام
باب النبی
باب العباس
باب العلی
ان الصفا والمروة من شعائر الله فمن حج البیت او اعتمر فلا جناح علیه ان یطوف بهما ومن تطوع خیرا فان الله شاکر علیم


نقشهٔ مدینه منوره
روضهٔ منوره
مسجد نبوی
بستان

الحزب الاول من فصل الكيفية بتمامها

هو في الاسماء الشريفة في يوم الاثنين

فصل في كيفية الصلوة على النبي صلى الله عليه وآله وسلم

بسم الله الرحمن الرحيم

آغاز میکنم بنام خدائیکه سزاوار پرستش است

صلى الله على سيدنا ومولانا محمد وعلى

درود فرستد خدا بر مهتر و رئیس مایان و صاحب و مالک مایان محمد و بر

اله وصحبه وسلم اللهم صل على محمد و

آل او و یاران او و سلام ای خدای درود فرست بر محمد و

ازواجه وذريته كما صليت على ابراهيم

بر زنان او و ذریت او چنانچه درود فرستادهٔ تو بر ابراهیم

وبارك على محمد وازواجه وذريته

و برکت ده بر محمد و زنان او و ذریت او

كما باركت على ال ابراهيم انك حميد

چنانچه برکت دادهٔ تو بر آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شدهٔ

الحزب الاول

مجيد

عبد الله بن عباس بود و صفیه که اسیر کرد اورا در غزوه خیبر و میرسد نسب وی بهارون علیه السلام پس آزاد کرده اورا تزویج نمود و عتق او را مهر

مجيدٌ اللّٰهمّ صلّ على محمّدٍ وّعلى اٰله كما

بزرگوارست خدایا درود فرست بر محمد و بر آل او چنانچه

صلّيت على ابرٰهيم وبارك على محمّدٍ

درود فرستاده تو بر ابراهیم و برکت ده بر محمد

وّعلى اٰلِ محمّدٍ كما باركت على اٰلِ ابرٰهيم في

و بر آل محمد چنانچه برکت داده بر آل ابراهیم در

العالمين انّك حميدٌ مجيدٌ اللّٰهمّ صلّ

عالمیان بدرستیکه ستوده شده بزرگواری خدایا درود فرست

على محمّدٍ وّاٰلِ محمّدٍ كما صلّيت على ابرٰهيم

بر محمد و بر آل محمد چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم

وبارك على محمّدٍ وّاٰلِ محمّدٍ كما باركت على

و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانچه برکت داده بر

ابرٰهيم انّك حميدٌ مجيدٌ اللّٰهمّ صلّ

ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری خدایا درود فرست

على محمّدٍ النّبيّ الاُمّيّ وعلى اٰلِ

بر محمد که پیغمبر است نانویسنده و ناخواننده و بر آل

محمّدٍ اللّٰهمّ صلّ على محمّدٍ عبدك

محمد خدایا درود فرست بر محمد که بنده تست

قوله ورسولك يعني فرستاده تست نبوي ... خلق براي رهنمائي بر اسلام ١٢

قوله وعلى آل ابرهيم ... آل عجب ... تسمية نماز ... درود ... اختلاف كرده اند ... درود ...

ورسولك اللهم صل على محمد وعلى ال
وفرستادهٔ تست خدايا درود بفرست بر محمد و بر آل
محمد كما صليت على ابرهيم وعلى
محمد چنانچه درود فرستادهٔ تو بر ابراهيم و بر
ال ابرهيم انك حميد مجيد اللهم
آل ابراهيم بدرستيكه تو ستوده شده وبزرگواري خدايا
بارك على محمد وعلى ال محمد كما باركت
بركت ده بر محمد و بر آل محمد چنانچه بركت دادهٔ تو
على ابرهيم وعلى ال ابرهيم انك حميد
بر ابراهيم و بر آل ابراهيم بدرستيكه تو ستوده شده
مجيد اللهم وترحم على محمد وعلى ال
وبزرگواري خدايا ورحمت كن بر محمد و بر آل
محمد كما ترحمت على ابرهيم وعلى ال
محمد چنانچه رحمت كردهٔ تو بر ابراهيم و بر آل
ابرهيم انك حميد مجيد اللهم وتحنن
ابراهيم بدرستيكه تو ستوده شده وبزرگواري خدايا ومهرباني كن
على محمد وعلى ال محمد كما تحننت
بر محمد و بر آل محمد چنانچه مهرباني كردهٔ تو

قوله وترحم بفتح تا و را و تشديد حا مفتوح يعني خدايا رحمت كن وبخشايش فرما وواو براي عطف است

بمبارك وبازآوردن اللهم براي تبرك است قوله انك حميد مجيد ١٢

فايده

اختلاف كرده اند در دعا برحمت براي پيغمبر صلى الله عليه وآله وسلم وبعضي جائز دارند زيرا كه در التحيات نماز آمده است السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته وبعضي جائز ندارند وگويند كه حق آنست كه تنها نگويد النبي ورحمة الله اما با صلوة وسلام توان گفت ١٢

قوله وتحنن بفتح تا و حا و تشديد نون مفتوحه وسكون يعني خدايا ... مهرباني كن ...

عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ
بر ابراهیم و بر آل ابراهیم بدرستیکه تو

حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ وَسَلِّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ
ستوده شده و بزرگواری خدایا سلام بفرست بر محمد و

عَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ
بر آل محمد چنانچه سلام فرستاده تو بر ابراهیم

وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ
و بر آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده و بزرگواری

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ
خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد و

ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَّاٰلَ مُحَمَّدٍ وَّبَارِكْ عَلٰى
رحم کن محمد را و آل محمد را و برکت ده بر

مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ
محمد و بر آل محمد چنانچه درود فرستاده تو و رحمت کردی تو

وَبَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ
و برکت دادی تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم

فِى الْعٰلَمِيْنَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ
در عالمیان بدرستیکه تو ستوده شده و بزرگواری

قوله وسلم على محمد

سلام از حق تعالی بر بنده نگاهداشتن و بیست اورا از جمیع و سلامت است از جمیع مکروه و از هر آفت ۱۲

فی یوم الاثنین

قوله وارحم محمدا وال محمد

فائده شیخ عبدالحق در شرح مشکوة آورده آنکه در بعضی روایات لفظ ارحم محمد کما رحمت و نیز رحمت واقع شده است بصحت نرسیده ۱۲

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَاَزْوَاجِهٖ

خدایا درود فرست بر محمد که پیغمبر است و بر زنان او

اُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَذُرِّيَّتِهٖ وَاَهْلِ بَيْتِهٖ

که مادران مسلمانانند و ذریت او و اهل بیت او

كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ

چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم بدرستیکه ستوده شده و بزرگواری

اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

خدایا برکت ده بر محمد و بر آل محمد چنانچه

بَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ

برکت داده تو بر ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده و بزرگواری

اَللّٰهُمَّ دَاحِيَ الْمَدْحُوَّاتِ وَبَارِيَ الْمَسْمُوْكَاتِ

خدایا گسترده شده هایم فرش زمین ها و برداشته شده ها یعنی سقف آسمانها

وَجَبَّارَ الْقُلُوْبِ عَلٰى فِطْرَتِهَا شَقِيِّهَا

و بغلبه کار فرمائی دلها بر آفرینش آن بدبخت اند آن دلها و

وَسَعِيْدِهَا اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ

نیکبخت اند آن دلها نازل کردن درودهای خود را که بزرگ و برترند

وَنَوَامِيَ بَرَكَاتِكَ وَرَاْفَةَ تَحَنُّنِكَ عَلٰى مُحَمَّدٍ

و برکتهای خیر و نعمت خود را که افزون شوند و بخشش مهربانی خود را بر محمد

الحزب الاول

فاطمه و حضرت علی و حضرت امام حسن
حضرت امام حسین علیهم الصلوة والسلام
وگفت با جمله اطلاق اهل بیت برین چهارتن
مبارک شایع و مشهور است و در تفسیر
حسینی از عایشه و ام سلمه و ابو سعید خدری
و انس بن مالک همین نقل کرده اند و
ام سلمه روایت کرده که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله وسلم حضرت فاطمه
و حضرت علی و حضرت امام حسن و حضرت
امام حسین علیهم الصلوة والسلام را در گلیم که
خود پوشیده بود درآورده و دعا کرد

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ الْفَاتِحِ لِمَا أُغْلِقَ وَ

که بنده تست و فرستاده تست که بیده بر چیزرا که بسته شده و

الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَالْمُعْلِنِ الْحَقَّ بِالْحَقِّ وَالدَّامِغِ

آخر کننده هر چیزرا که پیش گذشته و ظاهر کننده دین اسلام را براستی و شکننده

لِجَيْشَاتِ الْأَبَاطِيلِ كَمَا حُمِّلَ فَاضْطَلَعَ

مر لشکرهای باطلان را چنانچه بر داشته شده پس برخاست چالاک

بِأَمْرِكَ بِطَاعَتِكَ مُسْتَوْفِزًا فِي مَرْضَاتِكَ

بسبب فرمان تو بفرمان برداری تو درحالیکه شتاب کننده بود در طلب خشنودی تو

وَاعِيًا لِوَحْيِكَ حَافِظًا لِعَهْدِكَ مَاضِيًا

درحالیکه نگاه دارنده بود مر وحی ترا درحالیکه نگاه دارنده بود پیمان ترا درحالیکه جاری بود

عَلَى نَفَاذِ أَمْرِكَ حَتَّى أَوْرَى قَبَسًا

بر روان کردن حکم تو تا آنکه روشن ساخت شعلهٔ نور را

لِقَابِسٍ آلَاءُ اللهِ تَصِلُ بِأَهْلِهِ أَسْبَابَهُ

برای گیرنده نعمتهای خدا پیوسته می نماید بکسی که سزاوار آنست سببهای آن

بِهِ هُدِيَتِ الْقُلُوبُ بَعْدَ خَوْضَاتِ الْفِتَنِ

بسبب او راه نموده شد دل ها را پس از فرو رفتن در فتنه ها

وَالْإِثْمِ وَأَبْهَجَ مُوضِحَاتِ الْأَعْلَامِ

و گناه و خوبی داد نشانهای دین را

وَنَائِرَاتِ الْأَحْكَامِ وَمُنِيرَاتِ الْإِسْلَامِ

و حکمهای شرع را و ارکان مسلمانی را

فَهُوَ أَمِينُكَ الْمَأْمُونُ وَخَازِنُ عِلْمِكَ

پس آن امین تست امین کرده شده و نگهبان علم تست

الْمَخْزُونِ وَشَهِيدُكَ يَوْمَ الدِّينِ وَبَعِيثُكَ

که پوشیده شده است و گواه تست روز جزا و برانگیخته شده تست

نِعْمَةً وَرَسُولُكَ بِالْحَقِّ رَحْمَةً اللّٰهُمَّ

درحالتیکه نعمت است و فرستاده تست براستی درحالتیکه رحمت است خدایا

افْسَحْ لَهُ فِي عَدْنِكَ وَاجْزِهِ مُضَاعَفَاتِ

واسع گردان برای او در بهشت تو و مزد ده آنرا که زیاد کرده

الْخَيْرِ مِنْ فَضْلِكَ مُهَنَّآتٍ لَهُ غَيْرَ مُكَدَّرَاتٍ

خیر از روی فضل خود درحالتیکه باشند گوارنده برای او و درحالتیکه نشدنی کدورت

مِنْ فَوْزِ ثَوَابِكَ الْمَحْلُولِ وَجَزِيلِ

از جهة فیروزی یافتن مزد جزای تو که فرود آمده شود درو و زیادتی

عَطَائِكَ الْمَعْلُولِ اللّٰهُمَّ أَعْلِ عَلَى

بخشش تو که پی درپی آینده بود خدایا بلند گردان بر

بِنَاءِ النَّاسِ بِنَاءَهُ وَأَكْرِمْ مَثْوَاهُ لَدَيْكَ

منزل آدمیان منزل اورا و بزرگ گردان آرام گاه اورا نزد خود

وَنَزِّلْهُ وَاَتْمِمْ لَهُ نُورَهُ وَاجْزِهِ مِنْ

وپیشکش اورا وتمام وکامل گردان برای او نور اورا وجزا ده اورا از بهر

ابْتِعَاثِكَ لَهُ مَقْبُولَ الشَّهَادَةِ وَمَرْضِيَّ

برانگیختن تو مرادرا درحالتیکه باشد پذیرفته شده گواهی او وموافق خوشنودی تو

الْمَقَالَةِ ذَا مَنْطِقٍ عَدْلٍ وَخُطَّةٍ فَصْلٍ

گویائی او صاحب گویایی راست ودرست وامری که جدا کننده بود حق از باطل

وَبُرْهَانٍ عَظِيمٍ اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ

ودلیل بزرگ بدرستیکه خدا وفرشتگان او

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا

درود میگویند بر پیغمبر ای کسانیکه گرویده اید

صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا لَبَّيْكَ

درود گوئید بر او وسلام گوئید سلام گفتنی استاده ام برای اجابت

اللّٰهُمَّ رَبِّي وَسَعْدَيْكَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ

ای بارخدایا ای پروردگار من ویاری میجویم دین ترا ، درودهای خدا

الْبَرِّ الرَّحِيمِ وَالْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ

که نیکوئی کننده ومهربان است وفرشتگان که نزدیکان بارگاهی الهی اند

وَالنَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ

وپیغمبران وراست گویان وکشتگان درراه خدا

قوله ونزله فایده نزل بضمتین و سکون زا ...

قوله وخطة بضم خای معجمه وتشدید طا ...

قوله تسلیما ...

ابتدای این درود ... بشارت است ...

قوله من شیء فایده تسبیح کردن چیز
مخلوقات وخدا که در قرآن آمده اما بعضی گویند
که جانداران اهل زمین وآسمان را بزبان قالست
وباقی از ایشان را بلسان حال یعنی دلالت میکنند
بر وحدت خود بر صانع واجب قدیم قدیر وعارفان
اهل تحقیق میگویند که تمام موجودات باختلاف
لغات تسبیح الهی میگویند اما از فهم نکنند ها
عالم ربانی که گوش دل او گشاده بود بیت
برگ هر چیز یعنی درخت وحش است وولی وانر
ودر معنی که گوش است بر بلبل برگلش تسبیح خوانست
که هر ذاکری تسبیحش زبانست ۱۲ قوله
سیدنا فایده اختلاف کرده اند در زیاده
کردن لفظ سید نادر وقت تشهد نماز بعضی الذین
نبوی عمرت گویند باید گفت بلکه آنچه در حدیث آمده
بر همون قدر بس باید کرد وبعضی تجویز کرده در
آنکه افضل آنست که بس کننده بر آنچه امر واقع شده
زیرا که وی نهان بر داری درین است یا آنکه افضل
آنست که براه ادب وتعظیم روند ولفظ سیدنا
زیاده نمایند وشیخ ابن حجر مکی ترجیح داده است
طریقه ادب را واین بحث در رساله وی مسمی بتنقیح
بطول مذکور است ۱۲

وَالصّٰلِحِيْنَ ؕ وَمَا سَبَّحَ لَكَ مِنْ شَيْءٍ يَّا رَبَّ
دستودگان درا عمال وچیزیکه تسبیح میگوید ترا از هرموجودی ای تربیت کننده
الْعٰلَمِيْنَ ؕ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ
عالمیان بر سردار ما یان محمد پسر عبد الله
خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ ؕ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ وَاِمَامِ
آخر همه پیغمبران وسردار همه پیغمبران وپیشوای
الْمُتَّقِيْنَ وَرَسُوْلِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ الشَّاهِدِ
همه پرهیزگاران وفرستاده شده پروردگار عالمیان گواه
الْبَشِيْرِ الدَّاعِيْ اِلَيْكَ بِاِذْنِكَ السِّرَاجِ
مژده دهنده خواننده بپرستش تو بفرمان تو چراغ
الْمُنِيْرِ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَوٰتِكَ
روشن وبراو باد سلام خدایا گردان درود های خودرا
وَبَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ عَلٰى سَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ
وبرکتهای خودرا وبخشش خودرا برسردار پیغمبران
وَاِمَامِ الْمُتَّقِيْنَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ مُحَمَّدٍ
وپیشوای پرهیزگاران وختم کننده پیغمبران محمد
عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ اِمَامِ الْخَيْرِ وَقَائِدِ
که بنده تو وفرستاده تست پیشوای نیکی وکشنده

الحزب الاول

قوله محمد بن عبد الله
فایده در شرح سفر السعادت آورده که
چون از عمر شریف آنحضرت صلعم دو سال وچهار ماه گذشت
پدر وی عبد الله که پیشتر از ایشان خرما بمدینه رفته بود
وفات شد وبعضی گویند که وفات عبد الله در یثرب
حمل شریف بود وچون عمر شریف بشش سال رسید
مادر او آمنه وفات یافت ودر موضع ابوا که میان
مکه ومدینه منوره است ۱۲
قوله خاتم النبیین

قوله رسول رب العالمین وقیقه ودرین
وصف اشارتست بآنکه چنانچه ربوبیت حق تعالی
شاملست همه خلق را همچنین رسالت آنحضرت
حیوانات وجمادات را فهم وشعور بنبوت
آنحضرت صلعم ونیز ادراک خصوصیت وی
پیغمبران علیهم السلام واین از قدرت حق
وی بی شنوی آب وخاک وباد وآتش
بنده اند بامن وتو مرده باحق زنده اند
قوله وسید المرسلین سیادت آنحضرت

قوله مقاما محمودا یعنی مقامیکه ستایش کرده شود ستایش کنندگان و آن مقام شفاعت است ۱۲ قوله یغبطه ... یعنی
بسیار ستوده شده ... قوله الاولون والآخرون یعنی ...
چون حسن و خوبی آن مکان ... کمال بود ...

فایده غبطه ... ۱۲

قوله علی ابراهیم ... و در بعضی نسخ علی آل ابراهیم ...

الْخَيْرِ وَرَسُولِ الرَّحْمَةِ اللّٰهُمَّ ابْعَثْهُ

خوبی و پیغمبر بخشش خدایا برانگیز اورا

مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ فِيهِ الْأَوَّلُونَ

مقامی پسندیده که رشک برند در آن پیشینیان

وَالْآخِرُونَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى

و پسینیان خدایا درود بفرست بر محمد و بر

اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيمَ اِنَّكَ

آل محمد چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم بدرستیکه تو

حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى

ستوده شده بزرگواری خدایا برکت ده بر محمد و بر

اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ

آل محمد چنانچه برکت داده تو بر ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده

مَجِيدٌ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَ

بزرگواری خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل او

اَصْحَابِهٖ وَاَوْلَادِهٖ وَاَزْوَاجِهٖ وَذُرِّيَّتِهٖ

و یاران او و اولاد او و زنان او و ذریت او

وَاَهْلِ بَيْتِهٖ وَاَصْهَارِهٖ وَاَنْصَارِهٖ

و اهل بیت او و برخویشان او و یاری دهندگان او

فی یوم الاثنین

... یا ارحم الراحمین ۱۲

قوله وانصاره

فایده

بدانکه انصار جمع ناصر است یعنی یاری دهنده ... مراد نصرت کنندگان آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم از اهل مدینه ... دو قبیله اند اوس و خزرج ... مشهور و ممتاز گشتند ۱۲

قوله وعلینا معهم درین درود لفظ [illegible]
است اگرچه شامل بود گوینده را لیکن خاص کرد
وی خود را و کسانرا که با وی خصوصیت دارند
[illegible] برحمت الهی بیعت حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه وآله وسلم در فصل اول مذکور شده
[illegible]
قطعه [illegible]

واشياعه ومحبيه وامته وعلينا معهم

وپیروان او و دوستداران او وامت او و بر مایان با آنها

اجمعين يا ارحم الراحمين اللهم صل على

همه ای بخشاینده ترین بخشایندگان خدایا درود بفرست بر

محمد عدد من صلى عليه وصل على

محمد بشمار کسانیکه درود فرستادند براو و درود بفرست بر

محمد عدد من لم يصل عليه وصل على

محمد بشمار کسانیکه درود نفرستادند براو و درود بفرست بر

محمد كما امرتنا بالصلوة عليه وصل

محمد چنانچه فرمودهٔ تو مایانرا بفرستادن درود بروی و درود بفرست

عليه كما تحب ان يصلى عليه اللهم صل

بر او چنانچه دوست میداری آنکه درود فرستاده شود براو خدایا درود بفرست

على محمد وعلى آل محمد كما امرتنا ان نصلي

بر محمد و بر آل محمد چنانچه فرمودهٔ مایانرا آنکه درود گوییم

عليه اللهم صل على محمد وعلى آل محمد

بروی خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

كما هو اهله اللهم صل على محمد وعلى

چنانچه وی سزاوار اوست خدایا درود بفرست بر محمد و بر

[illegible]

اختیار کند چنانچه سه یا پنج باشد ۱۲

قوله وترضاه له چه ظاهر است که دوست نداری وراضی نشوی برای او مگر
درود دیگر لایق او و در مرتبه محبوبیت نزد تو
فایده در در منثور آورده که روزے پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم مردی را در میان
خود ابو بکر نشاند و در پیش خویش نشاند وصحابه
عجب آورد و در پیش چون و سبب برخواست
آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود
سر این امر و دین من این درود میخواند اللهم
صل علی محمد وعلی آل محمد کما تحب وترضاه
له پس این فعل برای دلبری او
قوله ما هو اهله سزاوار او وسبب است فایده در روایت
وآله وسلم سزاوار او است
یا چیزیکه آنچه لایق او است
آمده که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
که گوید جزی الله عنا محمدا ما هو اهله
اندازد هفتاد فرشتگان نویسند ثواب خواندن
یعنی اندبرای نوشتن ثواب
این دعا معنی آل واهلبیت بالا
قوله واهلبیته فایده در روایت آمده
مذکور شد


هرکه اندلایید درود مذکور را هر روز صد بار بخواند
حق تعالی برای او صد حاجت او را روا کند
قوله لا یبقی من الصلوة شیء این کلام
بطریق مبالغه است ودر بسیاری بخشیدن
چنانکه گویند پادشاه فلان شخص را هر چیز
بخشید تا آنکه هیچ نعمت باقی نماند یعنی آن
شخص در نعمت تمام است تا آنکه هیچ شوق
زیاده بران گمان کرده نشود ودر این
قیاس است معنی کلام بعد از آن
نمی آید واگر نه لازم می آید که رحمت الهی
نهایت باشد وحالانکه رحمت او را
نهایت نیست وافعال وصفات
او را غایت نه ای بیت
کل یه جونی نشان چه خاک است پیشان
یعنی او صاف کمال تو ندارد پایان
جلوه حسن ترا غایت و پایانی نیست
هر زمان جلوه دیگر شود از پرده عیان
١٣١٣

آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَاهُ لَهُ اَللّٰهُمَّ يَا رَبِّ

آل محمد چنانچه دوست داری وتو خوشنودی تو برای او خدایا ای پروردگار

مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّ

محمد وآل محمد درود بفرست بر محمد وآل محمد و

اَعْطِ مُحَمَّدًا الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيْلَةَ فِى الْجَنَّةِ

بده محمد را مرتبه و وسیله در بهشت

اَللّٰهُمَّ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ اِجْزِ مُحَمَّدًا صَلَّى

خدایا ای پروردگار محمد وآل محمد مژده ده محمد را درود فرستد

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا هُوَ اَهْلُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

خدایا بر وے وسلام چیزیکه وی سزاوار اوست خدایا درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهٖ

بر محمد وبر آل محمد وبر اهل بیت او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ حَتّٰى

خدایا درود بفرست بر محمد وبر آل محمد تاآنکه

لَا يَبْقٰى مِنَ الصَّلٰوةِ شَيْءٌ وَّارْحَمْ مُحَمَّدًا

باقی نماند از درود چیزے ورحمت کن محمد را

وَّآلَ مُحَمَّدٍ حَتّٰى لَا يَبْقٰى مِنَ الرَّحْمَةِ شَيْءٌ

وآل محمد را تاآنکه باقی نماند از رحمت چیزے

وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ حَتّٰى لَا يَبْقٰى

وبرکت دہ بر محمد و بر آل محمد تا آنکہ باقی نماند

مِنَ الْبَرَكَةِ شَيْءٌ وَّسَلِّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ

از برکت چیزے وسلام بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ حَتّٰى لَا يَبْقٰى مِنَ السَّلَامِ شَيْءٌ اَللّٰهُمَّ

محمد تا آنکہ باقی نماند از سلام چیزے خدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ فِي الْاَوَّلِيْنَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

درود بفرست بر محمد در پیشینیان و درود بفرست بر محمد

فِي الْاٰخِرِيْنَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ فِي النَّبِيِّيْنَ وَ

در پسینیان و درود بفرست بر محمد در پیغمبران و

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِيْنَ وَصَلِّ عَلٰى

درود بفرست بر محمد در پیغمبران و درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَاِ الْاَعْلٰى اِلٰى يَوْمِ الدِّيْنِ اَللّٰهُمَّ

محمد در گروہے بلندتر تا روز جزا خدایا

اَعْطِ مُحَمَّدَ نِ الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ وَالشَّرَفَ

بدہ محمد را وسیلہ و بزرگی و بلندے

وَالدَّرَجَةَ الْكَبِيْرَةَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اٰمَنْتُ

و پایہ بزرگ خدایا بدرستیکہ من ایمان آوردم

محمد

بمحمد ولم اره فلا تحرمني في الجنان رؤيته

بمحمد وحالانكه نديده ام من اورا پس محروم مگردان مرا در بهشتها ديدار اورا

وارزقني صحبته وتوفني على ملته و

وروزى كن مرا صحبت او وبميران مرا بر دين او و

اسقني من حوضه مشربا رويا سائغا

بنوشان مرا از حوض او نوشيدنى سيراب كننده فرو رونده

هنيئا لا اظماء بعده ابدا انك على كل شيء

گوارنده كه تشنه نشويم بعد او هرگز بدرستيكه تو بر هر چيزے

قدير اللهم ابلغ روح محمد مني تحية

توانائى خدايا برسان جان محمد را از من دعاء خير

وسلاما اللهم وكما امنت به ولم اره فلا

وسلامتى خدايا وچنانچه گرويده ام من باو وحالانكه نديده ام من اورا پس

تحرمني في الجنان رؤيته اللهم تقبل

بے نصيب مكن مرا در بهشتها از ديدن او خدايا قبول فرما

شفاعة محمد الكبرى وارفع درجته العليا

شفاعت محمد را كه بزرگتر است وبلند كن مرتبه اورا كه بلند تر است

واته سؤله في الآخرة والاولى كما اتيت

وبده اورا مطلوب اورا در آخرت ودنيا چنانچه داده تو

بیان آن گذشته نظم هر گدا چو تو پیشوا باشد نا امید از خدا چرا باشد چون نشان شفاعت کبری بر نام نامیت طغرا [illegible]

قوله انك حميد مجيد مكرر آوردن این الفاظ برای تبرک است زیرا که این الفاظ در احادیث معتبره آمده ۱۲

قوله ورسولك فرستاده است برای ارشاد خلق براه راست ۱۳

سيّدنا ابرٰهيم وسيّدنا موسىٰ اللّٰهمّ صلّ

رئیس مایان ابراهیم و رئیس مایان موسے خدایا درود بفرست

علىٰ محمّد وّعلىٰ آل محمّد كما صلّيت علىٰ ابرٰهيم

بر محمد و بر آل محمد چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم

وعلىٰ آل ابرٰهيم وبارك علىٰ محمّد وّعلىٰ آل

و بر آل ابراهیم و برکت ده بر محمد و بر آل

محمّد كما باركت علىٰ ابرٰهيم وعلىٰ آل ابرٰهيم

محمد چنانچه برکت داده تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم

انّك حميد مّجيد اللّٰهمّ صلّ وسلّم وبارك

بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری خدایا درود بفرست و سلام گو و برکت ده

علىٰ سيّدنا محمّد نبيّك ورسولك و

بر سردار مایان محمد که پیغمبر تست و فرستاده تست و

ابرٰهيم خليلك وصفيّك وموسىٰ كليمك

ابراهیم دوست تست و برگزیده تست و موسے که همسخن تست

ونجيّك وعيسىٰ روحك وكلمتك وعلىٰ جميع

و همراز تست و عیسے که روح تست و کلمه تست و بر همه

ملٰئكتك ورسلك وانبيائك وخيرتك من

فرشتگان خود و پیغمبران خود و انبیا خود و برگزیدگان خود از

قوله وعیسی روحك یعنی صادر شده از تو بیواسطه اسباب ۱۲

قوله وكلمتك داو را کلمه از آن گفت که بکلمه کن حاصل شده بی پدر

قوله ورسلك بضم اول و دوم و سکون سوم نیز پیغمبران که صاحب کتاب و صاحب شریعت جدید

قوله ونجيك … همراز

قوله واولیائك یعنی ولی دردنیا ... بتفصیل گذشت ۱۲

خَلْقِكَ وَاَصْفِيَائِكَ وَخَاصَّتِكَ وَاَوْلِيَائِكَ
آفرینش تو و برگزیدهای خود و خاصگان خود و دوستان خود

مِنْ اَهْلِ اَرْضِكَ وَسَمَائِكَ وَصَلَّى اللّٰهُ
از اهل زمین تو و آسمان تو و درود فرستد خدا

عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ خَلْقِهٖ وَرِضَاءَ
بر مهتر ما یان محمد بشمار خلق خود و خوشنودی

نَفْسِهٖ وَزِنَةَ عَرْشِهٖ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهٖ وَ
ذات خود و بوزن عرش خود و بمقدار سخنان خود و

كَمَا هُوَ اَهْلُهٗ وَكُلَّمَا ذَكَرَهُ الذَّاكِرُوْنَ وَ
مثل آنچه که او سزاوار اوست و هرگاه یاد کند او را یاد کنندگان و

غَفَلَ عَنْ ذِكْرِهِ الْغَافِلُوْنَ وَعَلٰى اَهْلِ
غفلت ورزند از یاد او غافلان و بر اهل

بَيْتِهٖ وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَسَلَّمَ
بیت او و اولاد وی که پاک اند و سلام فرستد

تَسْلِيْمًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى
سلام فرستادنی خدایا درود فرست بر محمد و بر

اَزْوَاجِهٖ وَذُرِّيَّتِهٖ وَعَلٰى جَمِيْعِ النَّبِيِّيْنَ
زنان او و اولاد او و بر همه پیغمبران

درود دیگر آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم
سزاوار و لایق آن درود است یعنی
باندازهٔ مرتبه و بزرگی او نزد خدای
تعالی یا مثل درود دیگر آن خدای سبحانه
جل شانه سزاوار است بفرستادن آن
درود و شرف آن از عقل برتر بود
قوله وعترته بکسر عین مهمله و سکون تا
یعنی درود فرستد خدای بر نسل وی
و بر گروه وی و خویشان و نزدیکان
وی از آنها که گذشته اند و آنها که باقی اند
نزدیکان از اهلبیت او و بعضی اولاد وی
صلی الله علیه وآله وسلم و بعضی گویند
و در شرح شیخ عبد الحق دهلوی
مشکوة ذکر کرده است ۱۲

قوله والمقربین بواو عطف و در بعضی نسخ بی واو آمده ۱۲

قوله عباد الله و در بعضی نسخ عبادک آمده بکاف یعنی بر همه بندگان ۱۲

قوله منذ بنیتها بضم میم و ذال معجمه و سکون نون از ابتدای آنزمان که بنا کرده تو آن آسمان را

یعنی بشمار این قطره‌ها از آن زمان مراد است

فایده از قرآن و احادیث معلوم شده که باران از آسمان می آید و حکما و معتزله میگویند که بخار از زمین برمیخیزد بسوی آسمان می آید و از آن ابر پیدا می شود و می بارد ۱۲

وَالْمُرْسَلِيْنَ وَالْمَلٰئِكَةِ وَالْمُقَرَّبِيْنَ وَ

و مرسلان و فرشتگان و نزدیکان درگاه تو و

جَمِيْعِ عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِيْنَ عَدَدَ مَا اَمْطَرَتِ

همه بندگان خدا که نیکو کاراند بشمار چیزیکه بار آیند است آنرا

السَّمَاءُ مُنْذُ بَنَيْتَهَا وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا

آسمان ابتدای آنزمان که بنا کرده تو آنرا و درود بفرست بر محمد بشمار چیزیکه

اَنْبَتَتِ الْاَرْضُ مُنْذُ دَحَوْتَهَا وَصَلِّ عَلٰى

رویانیده است آنرا زمین ابتدای وقتیکه گسترده تو آنرا و درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ عَدَدَ النُّجُوْمِ فِي السَّمَاءِ فَاِنَّكَ اَحْصَيْتَهَا

محمد بشمار ستارگان که در آسمان اند پس بدرستیکه تو شمرده آنهارا

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا تَنَفَّسَتِ الْاَرْوَاحُ

و درود بفرست بر محمد بشمار دم زدن همه جانوران جانداران

مُنْذُ خَلَقْتَهَا وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا

از ابتدای وقتیکه پیدا کرده تو آنرا و درود بفرست بر محمد بشمار چیزیکه

خَلَقْتَ وَمَا تَخْلُقُ وَمَا اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ

پیدا کرده تو و پیدا میکنی تو و چیزیکه فرا رسیده است بآن علم تو و

اَضْعَافَ ذٰلِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ عَدَدَ خَلْقِكَ

زیاده بر زیاده آن خدایا درود بفرست بر ایشان بشمار آفرینش خود

قوله وما احاط به علمك یعنی و بشمار چیزیکه فرا رسیده است بآن علم تو و هیچ چیز از دایره علم تو

الحزب الاول

بیرون نیست علیت
چیز دانستنی است درود جهان
نیست از علم شاملش پنهان

قوله واضعاف ذلك یعنی درود بفرست بر محمد افزونده زیاده یعنی درود ... یعنی بالا بر بالا و زیاده زیاده مراد از این بعد اینجا مذکور شده است خیلی اشتمال است و در طلب مبالغه است در درود ۱۲

قوله صل علیهم یعنی درود و درود بفرست بر همه پیغمبران که مذکور شدند بادو درود سابق ۱۲

قوله مبلغ علمك
يعنی منتهی و سكون باء و باندازه نهايت آنچه
علمه خود يعنی باعتبار تعلق علم بمعلومات نهايت نيست
بفضل و دانش علم الهی را نهايت است و انجين عبارت
وگير آنكه مراد مبالغه است
در محل مبالغه می آرند ١٢

وَرِضَاءَ نَفْسِكَ وَزِنَةَ عَرْشِكَ وَمِدَادَ
وباندازه خوشنودی ذات خود وبوزن عرش خود وبمقدار

كَلِمَاتِكَ وَمَبْلَغَ عِلْمِكَ وَاٰيَاتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
سخنان خود ورسيد ست علم خود وعلامات خود خدايا درود بفرست

عَلَيْهِمْ صَلٰوةً تَفُوقُ وَتَفْضُلُ صَلٰوةَ
برايشان درودی كه بلند وبزرگ بود درود

الْمُصَلِّينَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ
درود گويندگانرا برآنها از مخلوقات همه ها

كَفَضْلِكَ عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
مانند بزرگی تو بر همه آفريدگان خود خدايا درود بفرست

عَلَيْهِمْ صَلٰوةً دَائِمَةً مُسْتَمِرَّةَ الدَّوَامِ
برايشان درودی كه هميشه باشد جاری بود هميشگی او

عَلٰى مَرِّ اللَّيَالِي وَالْاَيَّامِ مُتَّصِلَةَ الدَّوَامِ
بر جاری بودن شبها وروزها پيوسته بود هميشگی او

لَا انْقِضَاءَ لَهَا وَلَا انْصِرَامَ عَلٰى مَرِّ اللَّيَالِي وَ
نيست پايان رسيدنی مرآنرا ونه شكستگی بر گذشتن شبها و

الْاَيَّامِ عَدَدَ كُلِّ وَابِلٍ وَطَلٍّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
روزها بشمار قطرهای باران بزرگ وضعيف خدايا درود بفرست بر

قوله وآياتك
يعنی علامات ونشان قدرت تو كه موجود است
آيات قرآنی و سائر كتب
مشتمل اند بر آن آيات و حروف
وفصل و اخبار و كلمات
و كلمات مراد است در درود ١٢

في يوم الاثنين

قوله كفضلك على جميع خلقك
يعنی بزرگی بود درودی كه تو درستی
بر درود آن درود گويندگان چنانكه
بزرگی ذات تو بر ذات آنها زيراكه
بزرگی تو برفعلی بر اندازه بزرگی فاعل است ١٢

قوله على مر الليالی
در بعضی نسخه اين عبارت
نيامده ١٢

قوله لا انقضاء
يعنی پايان نپيوسته وهيچ
با خر نميرسد ١٢ می آيد كه بزرگ

مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَاِبْرٰهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلٰى جَمِيعِ
محمد که پیغمبر تست وابراهیم که دوست تست و بر همه
اَنْبِيَائِكَ وَاَصْفِيَائِكَ مِنْ اَهْلِ اَرْضِكَ
پیغمبران خود وبرگزیدگان خود از اهل زمین تو
وَسَمَائِكَ عَدَدَ خَلْقِكَ وَرِضَاءَ نَفْسِكَ
وآسمان تو بشمار آفرینش خود وباندازه خوشنودی ذات خود
وَزِنَةَ عَرْشِكَ وَمِدَادَ كَلِمَاتِكَ وَمُنْتَهٰى
وبوزن عرش خود وبمقدار سخنان خود وباندازه نهایت
عِلْمِكَ وَزِنَةَ جَمِيعِ مَخْلُوقَاتِكَ صَلٰوةً
علم خود وبوزن همه آفرینش تو درودی که
مُكَرَّرَةً اَبَدًا عَدَدَ مَا اَحْصٰى عِلْمُكَ وَ
پی هم آمده باشد همیشه بشمار چیزیکه ضبط کرده است آنرا علم تو و
مِلْاَ مَا اَحْصٰى عِلْمُكَ وَاَضْعَافَ مَا اَحْصٰى
بمقدار پری چیزیکه ضبط کرده است آنرا علم تو وچند درچند چیزیکه شمرده است آنرا
عِلْمُكَ صَلٰوةً تَزِيدُ وَتَفُوقُ وَتَفْضُلُ
علم تو درودی که زیاده وبلند وبزرگ بود
صَلٰوةَ الْمُصَلِّينَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ
درود گویندگانرا برآنها از مخلوقات همه را

قوله
محمد نبيك
در ذكر وصف
اشارت است
بانكه او جامع است
برهمه كمالات
پيغمبري را
١٢م

الحزب الاول

كفضلك على جميع خلقك ثم تدعو

مانند بزرگی تو بر همه آفریدگان تو بعد ازآن دعا کنی

بهذا الدعاء فانه مرجو الاجابة ان شاء

باین دعا پس بتحقیق آن دعا امید داشته شده است به پذیرفتن او اگر خواسته باشد

الله تعالى بعد الصلوة على النبي صلى

خدای بزرگ پس از درود بر پیغمبر درود فرستد

الله عليه وسلم اللهم اجعلني ممن لزم

خدای بروی وسلام خدایا گردان مارا ازکسانیکه لازم گرفته اند

ملة نبيك محمد صلى الله عليه وسلم

دین پیغمبر ترا محمد درود فرستد خدای بروی وسلام

وعظم حرمته واعز كلمته وحفظ عهده

و بزرگ داشتند مرتبه بزرگی اورا و بزرگی دادند کلمه اورا و نگاه داشتند پیمان اورا

وذمته ونصر حزبه ودعوته وكثر

و ذمت اورا و یاری دادند لشکر اورا و خواندن اورا و زیاد گردانیدند

تابعيه وفرقته ووافى زمرته ولم

پیروان اورا و گروه اورا و آمدند گروه اورا و نکردند

يخالف سبيله وسنته اللهم اني

مخالفت راه اورا و طریقه اورا خدایا بدرستیکه من

قوله بعد الصلوة

قوله واعز کلمته یعنی و عزت داد اسلام را ... اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله ١٢

قوله حفظ عهده وذمته

فی یوم الاثنین

قوله حزبه یعنی پیروان و درا ١٢

قوله دعوته یعنی خواندن اورا بسوی پرستش حق تعالی

قوله کثر بسیار کرد ١٢

قوله فرقته

أَسْئَلُكَ الْإِسْتِمْسَاكَ بِسُنَّتِهِ وَأَعُوذُ
سؤال میکنم ترا چنگ زدن بطریقهٔ وی وپناه میگیرم

بِكَ مِنَ الْإِنْحِرَافِ عَمَّا جَاءَ بِهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي
بتو از روگردانیدن از چیزیکه آورده است آنرا خدایا بدرستیکه من

أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ
سؤال میکنم ترا از نیکوئی آنچیزیکه سؤال کرده است ترا از آن چیز محمد

نَبِيُّكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
که پیغمبر تست و فرستاده تست درود فرستد خدا بروی وسلام

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَكَ مِنْهُ
وپناه میگیرم بتو از بدی چیزیکه پناه گرفته است بتو از آنچیز

مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
محمد که پیغمبر تست و فرستاده تست درود فرستد خدای بروی

وَسَلَّمَ اَللّٰهُمَّ اعْصِمْنِي مِنْ شَرِّ الْفِتَنِ وَ
وسلام خدایا نگاهدار مرا از شر فتنها و

عَافِنِي مِنْ جَمِيعِ الْمِحَنِ وَأَصْلِحْ مِنِّي مَا
سلامت دار مرا از همه محنت ها وآراسته گردان از من چیزیکه

ظَهَرَ وَمَا بَطَنَ وَنَقِّ قَلْبِي مِنَ الْحِقْدِ
ظاهر است وچیزیکه پوشیده است وپاک گردان دل مرا از کینه

الحزب الاول

وَالْحَسَدِ وَلَا تَجْعَلْ عَلَيَّ تَبَاعَةً لِأَحَدٍ
و بدخواهی و گردان برمن تاوان برای هیچ یکی

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَخْذَ بِأَحْسَنِ مَا تَعْلَمُ
خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا توفیق گرفتن نیکوترین چیزیکه میدانی تو

وَالتَّرْكَ لِسَيِّئِ مَا تَعْلَمُ وَأَسْأَلُكَ التَّكَفُّلَ
و گذاشتن بد و ناخوش چیزیکه میدانی و سؤال میکنم ترا ضامن بودن تو

بِالرِّزْقِ وَالزُّهْدِ فِي الْكَفَافِ وَالْمَخْرَجِ
بروزی و زهد در حالتیکه باشند آن با حصول روزی که بس باشند

بِالْبَيَانِ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ وَالْفَلْجِ بِالصَّوَابِ
بسبب ظاهر بودن حق از هر شبهه و فتح براستی

فِي كُلِّ حُجَّةٍ وَالْعَدْلَ فِي الْغَضَبِ وَ
در هر دلیلی و میانه روی در حالت خشمگین و

الرِّضٰى وَالتَّسْلِيمَ لِمَا يَجْرِي بِهِ الْقَضَاءُ
خوشنودی و قبول کردن هر چیزیرا که رفته است باجرا حکم تو

وَالْاِقْتِصَادَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنٰى وَالتَّوَاضُعَ
و میانه روی در تنگدستی و توانگری و فروتنی

فِي الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ وَالصِّدْقَ فِي الْجِدِّ
در گفتن سخن و کردن کار و راستی در سخنی که بتحقیق گفته شود

هزار سوز و گداز؛ وقیقه فقر که بی صبر گرد اندازان پناه بایدخواست واگر با شکیبائی بود وارث انبیا باید شناخت فقر احتیاج است بحق و بی نیازی از خلق

الحزب الاول

وَالْحِزْبُ اَللّٰهُمَّ اِنَّ لِي ذُنُوْبًا فِيْمَا بَيْنِيْ وَ
و سخن گوینده که گفته شود خدایا بدرستیکه برای من گناهانست در میان

بَيْنَكَ وَذُنُوْبًا فِيْمَا بَيْنِيْ وَبَيْنَ خَلْقِكَ
میان تو و گناهانست درمیان ما و میان آفریدگان تو

اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ لَكَ مِنْهَا فَاغْفِرْهُ وَمَا كَانَ
خدایا آنچه باشد مر ترا از آن گناهان پس بخش آنرا و آنچه باشد

مِنْهَا لِخَلْقِكَ فَتَحَمَّلْهُ عَنِّيْ وَاَغْنِنِيْ بِفَضْلِكَ
از آن گناهان برای آفریدگان تو پس بردار بار آنرا از من و بی نیاز گردان مرا بفضل خود

اِنَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ بِالْعِلْمِ قَلْبِيْ
بدرستیکه تو صاحب آمرزش هستی خدایا روشن گردان بسبب علم دل مرا

وَاسْتَعْمِلْ بِطَاعَتِكَ بَدَنِيْ وَخَلِّصْ مِنَ
و در عمل آر بفرمان برداری خود تن مرا و رها کن از

الْفِتَنِ سِرِّيْ وَاشْغَلْ بِالْاِعْتِبَارِ فِكْرِيْ
فتنه ها باطن مرا و در کار دار بعبرت گرفتن اندیشه مرا

وَقِنِيْ شَرَّ وَسَاوِسِ الشَّيْطَانِ وَاَجِرْنِيْ مِنْهُ
و نگاه دار مرا از بدی وسوسه های شیطان و امین گردان مرا از او

يَا رَحْمٰنُ حَتّٰى لَا يَكُوْنَ لَهٗ عَلَيَّ سُلْطَانٌ
ای بخشنده تا آنکه نباشد مر اورا بر من غلبه

الحزب الثاني يقرأ في يوم الثلثاء

اللهم اني اسئلك من خير ما تعلم

خدايا بدرستيكه من سوال ميكنم ترا از نيكى چيزيكه ميدانى تو

واعوذ بك من شر ما تعلم واستغفرك

وپناه ميگيرم بتو از بدى چيزيكه ميدانى تو وطلب آمرزش ميكنم از تو

من كل ما تعلم انك تعلم ولا نعلم و

از هر چيزيكه ميدانى تو بدرستيكه تو ميدانى وما يان نميدانيم و

انت علام الغيوب اللهم ارحمني من

تو داننده پوشيده ها هستى خدايا نگاهدار مرا از

زماني هذا واخداق الفتن وتطاول

زمانه من اين زمان و فرا گرفتن فتنه ها و درازدستى

اهل الجرأة علي واستضعافهم اياي اللهم

صاحبان دليرى برمن وضعيف شمردن ايشان مرا خدايا

مطبعه از ختم جزو اول تا اینجا
معافا بخواند از نذر بسر الدر

اجعلني منك في عياذ منيع وحرز حصين

گردان مرا از جهت فضل خود در پناه استوار و مکان استوار

من جميع خلقك حتى تبلغني اجلي معافا

از همه آفرینش خود تاآنکه برسانی مرا مدت مرگ را در حالیکه باشم عافیت داشته شده

اللهم صل على محمد وعلى آل محمد عدد

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

من صلى عليه وصل على محمد وعلى آل محمد

کسانیکه درود فرستادند براو و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عدد من لم يصل عليه وصل على محمد

بشمار کسانیکه درود نگفتند براو و درود بفرست بر محمد

وعلى آل محمد كما تنبغي الصلوة عليه و

و بر آل محمد چنانچه سزاوار است درود فرستادن براو و

صل على محمد وعلى آل محمد كما تجب الصلوة

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد چنانچه واجب است درود

عليه وصل على محمد وعلى آل محمد كما

براو و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد چنانچه

امرت ان يصلى عليه وصل على محمد وعلى

فرموده تو که درود فرستاده شود براو و درود بفرست بر محمد و بر

قوله حرز بکسر حاء پناه ۱۲

قوله حصین یعنی مانند قلعه که بران پناه گیرند از ترس دشمنان ۱۲

قوله من جمیع خلقک این باعتبار اکثر است زیرا که بسیار از خلق ضرر میرسد یا در ظاهر یا در باطن ونفع رسیدن اندک تر است ۱۲

قوله اجلی بفتح همزه وجیم ۱۲

الحزب الثانی

قوله لم یصل علیه درود و بازدهیم معدوم است
تنبیه درود فرستادن خدای تعالی را بر پیغمبر صلی الله علیه وآله و
سلم رحمت است و درود فرستادن فرشتگان استغفار است و درود فرستادن مومنان دعا
است که بزبان حال میگویند یا بزبان مقال و اینجا
چنانچه بزبان مذکور شده پس درود اول
بمقال است و از خلقان انبیا در شمار او
دیگر در شمار درود دوم پس طلب درود
بشمار بسیار وارد است شده ۱۲

ال

قوله الذی نوره من نور الانوار
یعنی آن محمد که نور آن ظاهر شده است بذات خود و بغیر واسطه از نوری که اصل همه نورها است و آن ذات حق تعالی است یعنی که ظاهر است بذات خود و ظاهر کننده همه اشیاء را از عدم بوجود و باین معنی اطلاق نور بر حق تعالی در قرآن و حدیث آمده است و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم نور وجوده اول ما خلق الله نوری یعنی اول چیزیکه پیدا کرد خدا تعالی نور من بود و از نور من همه چیزها را و در اسماء شریف نیز گذشت که نور از اسم مبارک آنحضرت است صلی الله علیه و آله و در آنجا باید دید ۱۲

آلِ مُحَمَّدٍ الَّذِي نُورُهُ مِنْ نُورِ الْأَنْوَارِ وَ
آل محمد که نور از نور اصل همه نورها است و

أَشْرَقَ بِشُعَاعِ سِرِّهِ الْأَسْرَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ
روشن شد بدرخشندگی راز او همه رازها خدایا درود بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ
بر محمد و بر آل محمد و بر اهل بیت او

الْأَبْرَارِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
که نیکو کارانند همه ایشان خدایا درود بفرست بر محمد و

عَلَى آلِهِ بَحْرِ أَنْوَارِكَ وَمَعْدِنِ أَسْرَارِكَ
بر آل او که دریای نورهای تست و کان رازهای تست

وَلِسَانِ حُجَّتِكَ وَعَرُوسِ مَمْلَكَتِكَ وَ
و زبان دلیل وحدانیت تست و نو کدخدای ملک تست و

إِمَامِ حَضْرَتِكَ وَخَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ صَلَوٰةً تَدُومُ
پیشوای درگاه تست و آخر پیغمبران تو درود فرستادنی که همیشه باشد

بِدَوَامِكَ وَتَبْقَى بِبَقَائِكَ صَلَوٰةً
به همیشگی تو و پاینده ماند بپایندگی تو درود یکه

تُرْضِيكَ وَتُرْضِيهِ وَتَرْضَى بِهَا
خوشنود گرداند ترا و راضی گرداند اورا و خوشنود شوی تو بسبب آن

قوله و معدن اسرارك
بفتح میم و کسر دال و کان رازهای تست زیرا که در ذات مبارک وی رازها پوشیده اند ۱۲

قوله و عروس مملکتك
بفتح عین نو کدخدای ملک تو یعنی چنانکه عروس سبب زینت خانه میباشد و همه اهل خانه باو شاد و خوش میشوند و از او آرایش میگیرند و برای خدمت او می ایستند چنین شان آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم است نسبت به ملک خدای ۱۲

فی یوم الثلثاء

قوله و ترضی بها
یعنی تا راضی و خوشنود شوی تو بسبب آن درود از ما پس که خوشنودی تو مراد عارفان است و رضای تو مقصود عاشقان ماست

نظم
یکی حور خواهد از تو جنت دیگر
یکی از تو خواهد که از دوزخ شود دور
ولیکن ما نخواهیم این و آن جست
مراد ما همین خوشنودی تست ۱۲

الحزب الثاني

عَنَّا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۞ اللّٰهُمَّ رَبَّ الْحِلِّ وَ
از مایان ای بخشاینده ترین بخشاینده گان خدایا ای خداوند حلال و

الْحَرَامِ وَرَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْبَيْتِ
حرام وخداوند رکن مشعر حرام وخداوند خانهٔ

الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ أَبْلِغْ لِسَيِّدِنَا
با حرمت وخداوند رکن ومقام برسان مر بهتر و مهتر مایان را

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ مِنَّا السَّلَامَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
وصاحب مالک مایان را محمد از مایان سلام خدایا درود لایق است بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ
سرور مایان ویاری دهنده مایان محمد سرور پیشینیان

وَالْآخِرِينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَ
وپسینیان خدایا درود لایق است بر رئیس مایان

مَوْلَانَا مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَحِينٍ اللّٰهُمَّ
مالک مایان محمد در هر زمان وهنگام خدایا

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ فِي
درود لایق است بر سروار مایان ومالک مایان محمد در

الْمَلَإِ الْأَعْلَى إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ۞ اللّٰهُمَّ
گروه بلندتر تا روز جزا خدایا

بیت سحرخیز چون لاله را وصبوح ما تا شام رابد بیشکی تو
الا فتد ترا از صد سلام بابی ۱۲ قوله
فی الملأ الاعلی بفتح میم یعنی در گروه بلند
تر از روی مرتبه و بالا از روی مکان و آن
فرشتگان اند که مقربان درگاه الهی اند و
مشغول اند در عبادت وی و پاک اند از
همه آلایشها ۱۲

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ حَتّٰى تَرِثَ
درود بفرست بر رئیس مایان و صاحب مایان محمد تا آنکه وارث شوی تو

الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ
زمین را و هر که را بر آنست و تو بهترین وارثانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلٰى
خدایا درود بفرست بر محمد که پیغمبر ناخواننده و نانویسنده است و بر

اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى إِبْرَاهِيْمَ إِنَّكَ
آل محمد چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم بدرستیکه تو

حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ
ستوده شده بزرگواری و برکت ده بر محمد که پیغمبر

الْأُمِّيِّ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰى إِبْرٰهِيْمَ إِنَّكَ حَمِيْدٌ
ناخواننده و نانویسنده است چنانچه برکت داده تو بر ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده

مَجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
بزرگواری خدایا درود بفرست بر سید مایان محمد

وَعَلٰى اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا
و بر آل سید مایان محمد بشمار چیزیکه

أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَجَرٰى بِهِ قَلَمُكَ
فرا رسیده است بآن علم تو و رفته است بآن قلم تو

قوله ۱
حتّی ترث
یعنی بمیرانی و نیست گردانی
همه خلایق را و باقی
بمانی تو چه
میراث
چیزیرا گویند
که بعد از مردن یکی بدیگری
رسد ۲
قوله
وانت خیر الوارثین
یعنی باقی هستی تو بعد
از فنای همه
خلایق
۱۲

في يوم الثلثاء

قوله ۳
الامّی و با
اینهمه ابواب علوم بر گشوده
و شرایع پیشینیان
را فسخ
نموده
بیت
نا زده بر تخته مکتب رقم
بر خط همه بشیده کشیده قلم
۱۲ ۱۲ ۱۲
۱۲

وَسَبَقَتْ بِهِ مَشِيَّتُكَ وَصَلَّتْ عَلَيْهِ

و پیشی نموده است بر بودن آن اراده تو و درود فرستاده اند براو

مَلٰئِكَتُكَ صَلٰوةً دَائِمَةً بِدَوَامِكَ

فرشتگان تو درودیکه همیشه بود بر همیشگی تو

بَاقِيَةً بِفَضْلِكَ وَاِحْسَانِكَ اِلٰى اَبَدِ

و پاینده بود بسبب فضل تو وبخشش تو تا زمانیکه نهایت

الْاَبَدِ اَبَدًا لَا نِهَايَةَ لِاَبَدِيَّتِهِ وَلَا فَنَاءَ

ندارد همیشگی چنان بود که پایان نبود همیشه بودن آنرا ونه باشد نیستی

لِدَيْمُومِيَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

مر همیشه بودن آنرا خدایا درود بفرست بر رئیس مایان

مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا اَحَاطَ

محمد و بر آل سید مایان محمد بشمار چیزیکه فرا رسیده است

بِهِ عِلْمُكَ وَاَحْصَاهُ كِتَابُكَ وَشَهِدَتْ

بآن علم تو وشمرد وضبط نمود آنرا کتاب و گواهی داده اند

بِهِ مَلٰئِكَتُكَ وَارْضَ عَنْ اَصْحَابِهِ وَ

بآن فرشتگان تو و خوشنود وخشنود شو از او یاران او و

اِرْحَمْ اُمَّتَهُ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ

رحمت کن امت اورا بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری خدایا

قوله: سبقت به مشيئتك: دیمك هیچ چیزی نیست كه از اراده تو بیرون باشد
بیت: تكلمدی مشیتك تاری گور
كلمدی ارادتك فاری

قوله: الى ابد الاباد: مكرر آوردن لفظ ابد برای مبالغه است در همیشگی

الحزب الثاني

قوله: ما احاط به علمك: نظم
ذره نیست در زمین وسمان
كه نه علمش بود محیط بآن
عدد ریگ در بیابانها
عدد برگها به بستانها
همه نزدیك او بود حاضر
همه در علم او بود ظاهر

قوله: وارض: بو صل واو برا

قوله: امته: یعنی گروه اهل دین

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى جَمِيعِ
درود بفرست بر محمد و بر آل محمد و بر همه

اَصْحٰبِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ
یاران محمد خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَبَارِكْ اَللّٰهُمَّ
محمد چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم و برکت ده خدایا

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ
بر محمد و بر آل محمد چنانچه برکت داده تو بر ابراهیم

وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ فِى الْعَالَمِيْنَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ
و بر آل ابراهیم در عالمیان بدرستیکه تو ستوده شده

مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا
بزرگواری خدایا درود بفرست بر بهتر و مهتر مایان و صاحب مالک مایان

مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا اَحَاطَ بِهٖ عِلْمُكَ اَللّٰهُمَّ
محمد بشمار چیزیکه فرا رسیده است بآن علم تو خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا
درود بفرست بر بهتر و مهتر مایان و صاحب و مالک مایان محمد بشمار چیزیکه

اَحْصَاهُ كِتَابُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا
شمرده و ضبط نموده است آنرا کتاب تو خدایا درود بفرست بر سردار مایان

قوله وعلى جميع اصحب محمد
فائده سید محمد مهدی ... در شرح ... و مطالع
السیادات آورده که در درود گفتن بر
اصحاب در حدیث انبیا صلی الله علیه و
آله وسلم زیاده واقع در حدیث آمده
درود بر آل است و آنکه بطریق استحباب
اصحاب نیز تبعا و درود را داخل نموده اند

يقرء بعد هذه الصلوة هذا الدعاء ..... ع

اللّٰهم بحق ... خشوع القلب عند السجود
لك يا سيدي بغير جحود واديك
يا الله يا جليل فلا تنبي بدانيك في
عليك العهود وبكرسيك المكلل بالنور
العرشك العظيم المجيد وبما كان
تحت عرشك حقا قبل ان تخلق السموات
وصوت الرعد لك اذ كنت مثل الحلم
نزل قطر الماء عرفت بالتوحيد فاجعلني
من المحبين المحبوبين المقربين

في يوم الثلثاء

العاشقين لك يا الله يا الله يا الله يا الله
يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله

هر که این دعا را بخواند تمام
شود ... بر آرد
حاجت خود بخواهد

الخشوع

وصوت الرعد

وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا نَفَذَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ

و مالك مايان محمد بشمار هر چيزيكه روان شده است بآن قدرت تو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ

خدايا درود بفرست بر رئيس مايان و مالك مايان محمد بشمار

مَا خَصَّصَتْهُ اِرَادَتُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

چيزيكه خاص ساخته است آنرا خواست تو خدايا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا تَوَجَّهَ اِلَيْهِ

سرور مايان و يارى دهنده مايان محمد بشمار چيزيكه روى آورده است بسوى آن

اَمْرُكَ وَنَهْيُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

فرمان تو و باز داشتن تو خدايا درود بفرست بر سردار مايان

وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا وَسِعَهُ سَمْعُكَ

و يارى دهنده مايان محمد بشمار چيزيكه فرا رسيده است آنرا شنوائى تو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ

خدايا درود بفرست بر بهتر و مهتر مايان و مالك مايان محمد

عَدَدَ مَا اَحَاطَ بِهِ بَصَرُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

بشمار چيزيكه فرا رسيده است بآن بينائى تو خدايا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا ذَكَرَهُ الذَّاكِرُوْنَ

سرور مايان و يارى دهنده مايان محمد بشمار چيزيكه ياد كرده اند او را يادكننده گان

الحزب الثاني

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ

خدایا درود بفرست بر ... مایان و مالک مایان محمد

عَدَدَ مَا غَفَلَ عَنْ ذِكْرِهِ الْغٰفِلُوْنَ اللّٰهُمَّ

بشمار چیزیکه غفلت ورزند از یاد او غافلان خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ

درود بفرست بر بهتر و مهتر مایان و مالک و صاحب مایان محمد بشمار

قَطْرِ الْأَمْطَارِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

قطره های باران خدایا درود بفرست بر رئیس مایان

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ

و مالک مایان محمد بشمار برگهای درختان

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ

خدایا درود بفرست بر سردار مایان و صاحب مایان محمد بشمار

دَوَابِّ الْقِفَارِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

جانوران میدانها خدایا درود بفرست بر سردار مایان

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ دَوَابِّ الْبِحَارِ اللّٰهُمَّ

و مالک مایان محمد بشمار جانوران دریاها خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ

درود بفرست بر بهتر و مهتر مایان و مالک و صاحب مایان محمد بشمار

قوله ومغفل عن ذکره الغفلون

در احیاء العلوم آورده که ابی الحسن شافعی آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب دید و گفت یا رسول الله چه پاداش داده است شافعی را از جهت تو که وی در کتاب رسالت گفته وصلى الله على محمد كلما ذكره الذاكرون وغفل عن ذكره الغفلون

فی یوم الثلثاء

پس از محمود آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم که باز داشته نشد او را از ایستاده کرده نشد از برای حساب ١٢

قوله دوابه جمع دابه ١٣١٢ ١٢

قوله القفار جمع قفر ١٣٠٠ ١٢

مِيَاهِ الْبِحَارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَ
آبهای دریاها خدایا درود لفرست بر رئیس مایان و

مَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا اَظْلَمَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ
مالک مایان محمد بشمار آنچه که تاریک شده است بر آن شب

وَاَضَاءَ عَلَيْهِ النَّهَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
و روشن شده است بر آن روز خدایا درود لفرست بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ
رئیس مایان و مالک مایان محمد بوقت بامداد و بوقت شبانگاه

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ
خدایا درود لفرست بر سید مایان و مالک مایان محمد

عَدَدَ الرِّمَالِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَ
بشمار ریگها خدایا درود لفرست بر بهتر و مهتر مایان و

مَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ النِّسَاءِ وَالرِّجَالِ اَللّٰهُمَّ
مالک و صاحب مایان محمد بشمار زنان و مردان خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ رِضَاءَ
درود لفرست بر رئیس مایان و مالک مایان محمد باندازه خوشنودی

نَفْسِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا
ذات خود خدایا درود لفرست بر سردار مایان و صاحب مایان

قوله مياه البحار يعنی آبهای دریاها باعتبار اجزاء آب اگر خیال کرده شود مثل ذره ذره ۱۲

قوله واضاء عليه النهار يعنی بشمار هرچه که بر روی زمین است ۱۲

الحزب الثاني

قوله بالغدو والاصال بفتحتين وتشديد [illegible] ۱۲

قوله عدد الرمال بکسر را بشمار ریگها یعنی اجزاء [illegible] ۱۲

محمدٍ مداد کلماتك اللهم صل علی سیدنا

محمد بمقدار سخنان خود خدایا درود بفرست بر سرور مایان

ومولانا محمدٍ ملأ سمٰوٰتك وارضك

ومالک مایان محمد باندازهٔ پری آسمانهای خود وزمین خود

اللهم صل علی سیدنا ومولانا محمدٍ

خدایا درود بفرست بر سردار مایان وصاحب مایان محمد

زنة عرشك اللهم صل علی سیدنا

بوزن عرش خود خدایا درود بفرست بر بهتر ومهتر مایان

ومولانا محمدٍ عدد مخلوقاتك اللهم

ومالک وصاحب مایان محمد بشمار آفریدگان تو خدایا

صل علی سیدنا ومولانا محمدٍ افضل

درود بفرست بر سید وسرور مایان ومالک مایان محمد بزرگترین

صلواتك اللهم صل علی نبي الرحمة

درودهای خود خدایا درود بفرست بر پیغمبر صاحب بخشایش

اللهم صل علی شفیع الامة اللهم صل

خدایا درود بفرست بر شفاعت کننده امت خود خدایا درود بفرست

علی کاشف الغمة اللهم صل علی

بر دور کننده اندوه خدایا درود بفرست بر

فی یوم الثلثاء

فائده
زنة عرشك یعنی بوزن عرش خود ...

فائده
نبی الرحمة ...

فائده
کاشف الغمة ...

مُجلي الظُّلمةِ اللّهمّ صلِّ على مولى النِّعمةِ

دور كننده تاريكى كفر خدايا درود بفرست بر رساننده چيزهاى خوبى

اللّهمّ صلِّ على مُؤتي الرّحمةِ اللّهمّ صلِّ

خدايا درود بفرست بر دهنده رحمت خدايا درود بفرست

على صاحبِ الحوضِ الموروُدِ اللّهمّ

بر صاحب حوض كه فرود آمده شود بر آن خدايا

صلِّ على صاحبِ المقامِ المحمُودِ اللّهمّ

درود بفرست بر صاحب مقام كه ستوده شده است خدايا

صلِّ على صاحبِ اللِّواءِ المعقُودِ اللّهمّ

درود بفرست بر صاحب نيزه گره داده شده خدايا

صلِّ على صاحبِ المكانِ المشهُودِ

درود بفرست بر صاحب مكانيكه حاضر شده آنرا

اللّهمّ صلِّ على الموصُوفِ بالكرمِ و

خدايا درود بفرست بر وصف كرده شده به بخشش و

الجُودِ اللّهمّ صلِّ على من هو في السّماءِ محمُودٌ

سخاوت خدايا درود بفرست بر كسيكه او در آسمان ستوده شده است

وفي الأرضِ سيِّدنا محمّدٌ اللّهمّ صلِّ على صاحبِ

و در زمين بر سردار ما آن محمد خدايا درود بفرست بر خداوند

الحزب الثاني

قوله الشامة بشین معجمه وتخفیف میم علامت ونشان یعنی مهر نبوت ودر بیان آن در اسماء شریف تفصیل مذکور گشت ۱۲

قوله علی المخصوص بالزعامة بفتح زا معجمه بمعنی خاص کرده شده بسرداری ونیابت وضامن بودن بشفاعت ۱۲

قوله تظله الغمامة

الشَّامَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْعَلَامَةِ اَللّٰهُمَّ

علامت خداوند مهر نبوت خدایا درود بفرست بر خداوند علامت خدایا

صَلِّ عَلَى الْمَوْصُوْفِ بِالْكَرَامَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

درود بفرست بر وصف کرده شده به بزرگی خدایا درود بفرست

عَلَى الْمَخْصُوْصِ بِالزَّعَامَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ

بر خاص کرده شده بسرداری خدایا درود بفرست بر کسیکه

كَانَ تُظِلُّهُ الْغَمَامَةُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ كَانَ

بود که سایه میکرد اورا ابر خدایا درود بفرست بر کسیکه بود

يَرٰى مَنْ خَلْفَهُ كَمَا يَرٰى مَنْ اَمَامَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

میدید از پس پشت خود چنانکه میدید از پیش خود خدایا درود بفرست

عَلَى الشَّفِيْعِ الْمُشَفَّعِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

بر شفاعت کننده که قبول کرده شد شفاعت روز قیامت خدایا درود بفرست

عَلٰى صَاحِبِ الضَّرَاعَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

بر صاحب فروتنی خدایا درود بفرست بر

صَاحِبِ الشَّفَاعَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ

خداوند شفاعت خدایا درود بفرست بر صاحب

الْوَسِيْلَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْفَضِيْلَةِ

منزل خاص خدایا درود بفرست بر خداوند بزرگی

قوله علی صاحب الضراعة بر صاحب فروتنی وعجز وزاری

بیت

قوله
صاحب النعلین سید محمد مهدی
در مطالع المسرات آورده که نامیده شد
است آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم باین
نام در انجیل و بیان صورت نعلین مبارک در
کتب احادیث و سیر مذکور است و بعض
اکابر محدثین در تمثال آن رساله جدا
جمع کرده اند و گفته اند که نگاه داشتن آن
خواص و برکت بسیار دارد و این خاکسار
نیز بمعتقد از مشتاق بوسه نعلین سید
الابرار صلی الله علیه وآله وسلم وآله الاخیار
تمثال نعلین مبارک را با بعضی خواص آن از دو نسخه
الاصحاب تالیف امیر جمال الدین محدث
بر یک ورق جدا نقل گرفته درین مقام
وصل نموده است تا مشتاق خاک پای
نبوی صلی الله علیه وآله وسلم بزیارت
آن فیض یاب شوند

بیت

ای دل و دیده خاک نعلینت
رشته جان شراک نعلینت
شد ادیم رخم بخون جگری
تا چو نعلین زیر پا سپری

الحزب الثانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ
خدایا درود بفرست بر خداوند پایه بلند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْهِرَاوَةِ اَللّٰهُمَّ
خدایا درود بفرست بر خداوند عصا خدایا

صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ النَّعْلَيْنِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
درود بفرست بر صاحب دو نعل خدایا درود بفرست

عَلٰى صَاحِبِ الْحُجَّةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
بر صاحب دلیل استوار خدایا درود بفرست بر

صَاحِبِ الْبُرْهَانِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ
خداوند دلیل روشن خدایا درود بفرست بر خداوند

السُّلْطَانِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ التَّاجِ
غلبه خدایا درود بفرست بر خداوند تاج

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْمِعْرَاجِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
خدایا درود بفرست بر خداوند معراج خدایا درود بفرست

عَلٰى صَاحِبِ الْقَضِيبِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى رَاكِبِ
بر خداوند عصا خدایا درود بفرست بر سوار

النَّجِيبِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى رَاكِبِ الْبُرَاقِ اَللّٰهُمَّ
ناقهٔ اصیل و برگزیده خدایا درود بفرست بر سوار براق خدایا

قوله
صاحب البرهان
دلیل روشن که دلالت
کند بر صدق رسالت وی و آن
قرآن است و دیگر
معجزات وی ۲

قوله
الراکب النجیب
ناقهٔ آنحضرت صلی الله علیه
وآله وسلم مشهور بنجابت است و
گویند نجیب نام اسپ آن
حضرت بود صلی الله
علیه وآله وسلم
۱۲

صل

في يوم الثلثاء

اللّٰهمّ صلّ على مخترق السّبع الطّباق اللّٰهمّ صلّ

خدایا درود بفرست بر درگذرنده از هفت آسمان که بالای همدیگر اند

على الشّفيع في جميع الأنام اللّٰهمّ صلّ

بر شفاعت کننده در همه آفریدگان خدایا درود بفرست

على من سبّح في كفّه الطّعام اللّٰهمّ صلّ

بر کسیکه تسبیح کرد در کف دست او طعام خدایا درود بفرست

على من بكى اليه الجذع وحنّ لفراقه

بر کسیکه میگریست بسوی او شاخ خرما و ناله غمناکان میکرد از برای جدائی او

اللّٰهمّ صلّ على من توسّل به طير الفلاة

خدایا درود بفرست بر کسیکه وسیله ساخت او را پرندگان بیابان

اللّٰهمّ صلّ على من سبّحت في كفّه الحصاة

خدایا درود بفرست بر کسیکه تسبیح کرد در کف دست او سنگریزه ها

اللّٰهمّ صلّ على من تشفّع اليه الظّبي بافصح

خدایا درود بفرست بر کسیکه روی آورد بسوی او آهو بکلام فصیح تر

كلام اللّٰهمّ صلّ على من كلّمه الضّبّ في

کلام خدایا درود بفرست بر کسیکه سخن کرد باوی سوسمار در

مجلسه مع اصحابه الأعلام اللّٰهمّ صلّ على

مجلس او با یاران او که بزرگان اند خدایا درود بفرست بر

قوله من شكى اليه البعير

البشير النذير اللهم صل على السراج المنير

مژده دهنده ترساننده خدایا درود بفرست بر چراغ روشن

اللهم صل على من شكى اليه البعير اللهم

خدایا درود بفرست بر کسیکه شکایت کرد بسوی او شتر خدایا

صل على من تفجر من بين اصابعه الماء

درود بفرست بر کسیکه جاری گشت از میان انگشتان او آب

النمير اللهم صل على الطاهر المطهر اللهم

صاف روان خدایا درود بفرست بر آنکه پاکست پاک کرده شده است خدایا

صل على نور الانوار اللهم صل على من انشق

درود بفرست بر کسیکه روشنی همه روشنیهاست خدایا درود بفرست بر کسیکه شگافته شده

له القمر اللهم صل على الطيب المطيب اللهم

برای او ماه خدایا درود بفرست بر پاک و پاک کرده شده خدایا

صل على الرسول المقرب اللهم صل على

درود بفرست بر پیغمبر نزدیک کرده شده درگاه الست خدایا درود بفرست بر

الفجر الساطع اللهم صل على النجم الثاقب اللهم

صبح برآینده بروشنی خدایا درود بفرست بر ستاره درخشان خدایا

صل على العروة الوثقى اللهم صل على نذير

درود بفرست بر دست آویز استوار خدایا درود بفرست بر بیم کننده

حزب الثاني

قوله اهل الارض
یعنی بیم کننده و ترساننده اهل زمین از
عذاب تو [illegible] صحیح آنست که آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر اهل آسمان یعنی
فرشتگان نیز هست اما چون آنها از
گناهان پاک اند بیم کننده آنها نیست ۱۲
قوله یوم العرض
در روز پیش آوردن همه آفریدگان در
پیشگاه حساب یعنی روز قیامت ۱۲
قوله المشمر عن ساعد الجد
[illegible]

أَهْلِ الْأَرْضِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الشَّفِيعِ يَوْمَ
اہل زمین خدایا درود بفرست بر شفاعت کننده روز

الْعَرْضِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى السَّاقِي لِلنَّاسِ
پیش آوردن خدایا درود بفرست بر خوانندہ مردمان برای آشامیدن آب

مِنَ الْحَوْضِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى صَاحِبِ لِوَاءِ
از حوض کوثر خدایا درود بفرست بر خداوند نیزه

الْحَمْدِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُشَمِّرِ عَنْ سَاعِدِ الْجِدِّ
ستایش خدایا درود بفرست بر بالا کشنده آستین از بازو کوشش

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُسْتَعْمِلِ فِي مَرْضَاتِكَ
خدایا درود بفرست بر عمل کننده در طلب خوشنودی تو

غَايَةَ الْجُهْدِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ الْخَاتِمِ
بصرف کردن نهایت طاقت خود خدایا درود بفرست بر پیغمبر پس آینده

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الرَّسُولِ الْخَاتِمِ اللّٰهُمَّ صَلِّ
خدایا درود بفرست بر فرستاده آخر همه پیغمبران خدایا درود بفرست

عَلَى الْمُصْطَفَى الْقَائِمِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى رَسُولِكَ
بر گزیده خود که ایستاده در فرمان برداری تو خدایا درود بفرست بر پیغمبر خود که

أَبِي الْقَاسِمِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى صَاحِبِ الْآيَاتِ
پدر قاسم است خدایا درود بفرست بر خداوند نشانها

قوله غایة الجهد
یعنی بصرف کردن نهایت جهد و سعی خود و فتح آن ۱۲

قوله علی النبی
[illegible]

قوله صاحب الآیات
یعنی خداوند نشانها [illegible]
[illegible]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الدَّلَالَاتِ

خدایا درود بفرست بر خداوند رهنمائیها

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْاِشَارَاتِ اَللّٰهُمَّ

خدایا درود بفرست بر خداوند اشارتها خدایا

صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْكَرَامَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

درود بفرست بر خداوند بزرگیها خدایا درود بفرست

عَلٰى صَاحِبِ الْعَلَامَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

بر خداوند نشانها خدایا درود بفرست بر

صَاحِبِ الْبَيِّنَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ

خداوند دلیل های روشن خدایا درود بفرست بر خداوند

الْمُعْجِزَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْخَوَارِقِ

معجزه ها خدایا درود بفرست بر خداوند افعالیکه پاره کننده اند

الْعَادَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ سَلَّمَتْ عَلَيْهِ

رسمهای زمانه را خدایا درود بفرست بر کسیکه سلام گفتند بروی

الْاَحْجَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ سَجَدَتْ بَيْنَ

سنگها خدایا درود بفرست بر کسیکه سجده کردند

يَدَيْهِ الْاَشْجَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ تَفَتَّقَتْ

پیش او درختان خدایا درود بفرست بر کسیکه برآمده

(بیهقی و ابو نعیم ... ۱۲)

اعرابی یعنی بادیه نشینی گفت ... اورا آنحضرت گواهی بدهد اعرابی گفت ... خدا و رسالت آنحضرت گواهی بدهد ... آن درخت ... بسلم آنحضرت ... پیش آنحضرت ... آن درخت ... برسالت وی ... [illegible]

مَنْ نُوْرِهِ الْأَزْهَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ

از نور او شگوفه های درختان خدایا درود بفرست بر کسیکه

طَابَتْ بِبَرَكَتِهِ الثِّمَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

پخته شد بیمن او میوه های درختان خدایا درود بفرست بر

مَنْ اخْضَرَّتْ مِنْ بَقِيَّةِ وَضُوْئِهِ الْأَشْجَارُ

کسیکه سبز شد از پس مانده آب وضوء وے درختان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ فَاضَتْ مِنْ نُوْرِهِ

خدایا درود بفرست بر کسیکه آشکار شده از نور او

جَمِيْعُ الْأَنْوَارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ بِالصَّلٰوةِ

همه نورها خدایا درود بفرست بر کسیکه بسبب درود گفتن

عَلَيْهِ تُحَطُّ الْأَوْزَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ

بروے انداخته میشود بارهای گنهگاران خدایا درود بفرست بر کسیکه

بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِ تُنَالُ مَنَازِلُ الْأَبْرَارِ اَللّٰهُمَّ

بسبب درود گفتن بروے یافته میشود مرتبه های نیکوکاران خدایا

صَلِّ عَلٰى مَنْ بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِ يُرْحَمُ الْكِبَارُ

درود بفرست بر کسیکه بسبب درود گفتن بروی بخشایش کرده میشود بزرگان

وَالصِّغَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ بِالصَّلٰوةِ

و خوردان خدایا درود بفرست بر کسیکه بسبب درود گفتن

قوله الازهار ... تفتقت ... [illegible]

فی یوم الثلثاء

آنحضرت صلعم از معراج باز آمد قطره از عرق مبارک بر زمین بچکید از آن گل گلاب روئید داد انجا فرمود که هر که خواهد که بوکند مرا بوکند گل سرخ را در شرح سفر السعادت گفته اند که این حدیث نزد محدثین بصحت نرسیده ۱۲

قوله وضوئه بفتح واو وضم آن ۱۲

قوله ... ۱۲ [illegible]

عَلَيْهِ نَتَنَعَّمُ فِي هٰذِهِ الدَّارِ وَفِي تِلْكَ

بر وے بهره ور میشویم بنعمتهای در این دنیا وبهره ور خواهیم شد بنعمتهای

الدَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِ

آخرت خدایا درود بفرست بر کسیکه بسبب درود گفتن بر وے

تُنَالُ رَحْمَةُ الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

رسیده میشود بخشش خدای راکه غالبست وآمرزگار خدایا درود بفرست بر

الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُخْتَارِ

یاری داده شده وقوت داده شده خدایا درود بفرست بر برگزیده

الْمُمَجَّدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا

بزرگی داده شده خدایا درود بفرست بر بهتر وبهتر مایان ومالک وصاحب مایان

مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ كَانَ اِذَا مَشٰى

محمد خدایا درود بفرست بر کسیکه بود وقتی که میرفت

فِي الْبَرِّ الْاَقْفَرِ تَعَلَّقَتِ الْوُحُوشُ بِاَذْيَالِهٖ

در بیابان خالی از آب وگیاه می آویختند جانوران رمنده صحرائی بدامنهای مبارک

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ

خدایا درود بفرست بر وے و بر آل وی و یاران وے

وَسَلِّمْ تَسْلِيْمًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ

وسلام بفرست سلام فرستادنی وسپاس وستایش مرخدایراست که پروردگار عالمیان است

اكمل الربع الاول و ابتداء الربع الثاني

الحمد لله على حلمه بعد علمه وعلى عفوه
ستایش و ستودگی مر خدایراست بر بردباری وی با وجود دانستن او و بر درگذشتن او
بعد قدرته اللهم انی اعوذ بك من
با وجود توانا بودن او خدایا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از
الفقر الا اليك ومن الذل الا لك و
احتیاج مگر بسوی تو و از خوار بودن مگر برای تو و
من الخوف الا منك واعوذ بك ان
از ترسیدن مگر از تو و پناه میگیرم بتو از انکه
اقول زورا او اغشى فجورا او اكون
گفتن دروغ یا آنکه آیم من بدکار را یا آنکه باشم من
بك مغرورا واعوذ بك من شماتة الاعداء
بکرم تو فریب داده شده و پناه میگیرم بتو از خوشی دشمنان
وعضال الداء وخيبة الرجاء وزوال
و درد سخت و نایافت آرزو و نیست شدن

قوله النعمة سبب زوال نعمت غافل بودن از شکر و سپاس پروردگار و خرج کردن آن نعمت را در غیر رضای آفریدگار ۱۲ قوله فجاءة بضم فا و فتح جیم و همزه بعد الف ۱۲ قوله النقمة فایده لفظ نقمت بر دو وزن آمده بکسر نون و سکون قاف و نیز بفتح اول و کسر ثانی ۱۲ قوله حبیبك در آخر حبیب کسره و فتحه هردو روا است و همچنین در آخر خلیل ۱۲ قوله ثلثا یعنی بگو این درود را سه بار

اَلنِّعْمَةِ وَفُجَاءَةِ النِّقْمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

خير و خوبى — و ناگاه رسيدن عقوبت — خدايا — درود بفرست بر سردار مايان

مُحَمَّدٍ وَّسَلِّمْ عَلَيْهِ وَاجْزِهٖ عَنَّا مَا هُوَ اَهْلُهٗ

محمد — و سلام بفرست — بروے — و پاداش ده او را از مايان چيزيكه آن سزاوار است

حَبِيْبُكَ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

كه دوست تست — سه بار — خدايا — درود بفرست — بر — سرور مايان

اِبْرٰهِيْمَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَاجْزِهٖ عَنَّا مَا هُوَ

ابراهيم — و سلام بفرست — بروے — و پاداش ده او را از مايان چيزيكه او سزاوار

اَهْلُهٗ خَلِيْلُكَ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

آنست — دوست تست — سه بار — خدايا — درود بفرست بر سيد مايان

مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ

محمد — و بر — آل — سيد مايان — محمد — بمانندكه درود فرستاده تو

وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ فِى الْعٰلَمِيْنَ

و رحم كرده تو — و بركت داده تو — بر ابراهيم — در عالميان

اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ عَدَدَ خَلْقِكَ وَرِضَاءَ

بدرستيكه تو ستوده شده — بزرگوارى بشمار — آفرينش خود — و مقدار خشنودى

نَفْسِكَ وَزِنَةَ عَرْشِكَ وَمِدَادَ كَلِمَاتِكَ

ذات خود — و بوزن — عرش خود — و مقدار سخنان — خود

قوله صلی الله علیه وسلم ثلثا فایده در مواهب آورده که هر کسیکه از عمل نیک از اعمال دیگر می آورد و بآن کار میکند پس آن کننده را اجر دیگر داشتن است مثل آن هیچ آن و او را است مثل آنکه از آن آموخته و هیچ آن شخص او و مثل هیچ آن شخص سیوم و چهارم مثل آن و هیچ چنین تا پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم پس آن مضاعف

الحزب الثاني

قوله ماهو اهله زیراکه او علیه السلام از پدران پیغمبر ماست صلی الله علیه و آله وسلم

شرح خلیلك و حبیبك ... با نور خلعت خلیل ... نور ...

الله

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ

خدایا درود بفرست بر رئیس مایان محمد بشمار کسانیکه

صَلّٰى عَلَيْهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

درود بفرستادند بروے خدایا درود بفرست بر بزرگ مایان محمد

عَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

بشمار کسانیکه درود نفرستادند بروے خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا صُلِّيَ عَلَيْهِ اللّٰهُمَّ

سید مایان محمد بشمار درودهائیکه فرستاده شده است بروی خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اَضْعَافَ مَا

درود بفرست بر سید مایان محمد تو برتو درودهائیکه

صُلِّيَ عَلَيْهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

فرستاده شده است بروے خدایا درود بفرست بر سید مایان

مُحَمَّدٍ كَمَا هُوَ اَهْلُهٗ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

محمد چنانچه او سزاوار آنست خدایا درود بفرست بر سید مایان

مُحَمَّدٍ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى لَهٗ

محمد چنانچه دوست داری تو وخوشنود میشوی تو برائے او

اَلْحِزْبُ الثَّالِثُ يُقْرَأُ فِيْ يَوْمِ الْاَرْبِعَاءِ

فی یوم الثلثاء

قوله ما صلی علیه
بضم صاد و کسر لام مشدده و نسخ یا درود
یعنی درودهائیکه فرستاده شده است بر آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم از تو واز فرشتگان
تو واز دیگر بندگان تو

قوله
اضعاف ما صلی علیه
بفتح همزه و سکون ضاد یعنی مثل ما قبل

قوله
تعظی لی مانند این در ضرب اول
بر گذشته باندک تفاوت واینجا
ضرب دوم تمام شد

وَأَنْزِلْهُ الْمُنْزَلَ الْمُقَرَّبَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ

و فرود آر او را در جای فرود آمدن که نزدیک کرده شده است روز قیامت خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ تَوِّجْهُ

درود بفرست بر سید مایان محمد خدایا زینت بخش او را

بِتَاجِ الْعِزِّ وَالرِّضٰى وَالْكَرَامَةِ اَللّٰهُمَّ

بپوشانیدن تاج ارجمندی و خوشنودی و بزرگی خدایا

أَعْطِ لِسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا سَأَلَكَ

بده مر سردار مایان را محمد بزرگترین چیز تا نیکه سوال کرده است ترا

لِنَفْسِهٖ وَأَعْطِ لِسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ

برای ذات خود و بده مر سردار مایان را محمد بزرگترین

مَا سَأَلَكَ لَهُ أَحَدٌ مِّنْ خَلْقِكَ وَأَعْطِ

چیزیکه سوال کرده است ترا برای او یکی از آفریدگان تو و بده

لِسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْئُوْلٌ

مر سید مایان محمد بزرگترین چیزیکه ترا سوال کرده شده است

لَهُ إِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا

برای او تا روز قیامت خدایا درود بفرست بر سید مایان

مُحَمَّدٍ وَّاٰدَمَ وَنُوْحٍ وَّإِبْرٰهِيْمَ وَمُوْسٰى

محمد و آدم و نوح و ابراهیم و موسی

قوله المنزل بضم میم وفتح زا وکسر زا نیز آمده ۱۲ قوله المقرب بفتح را شده ۱۲

قوله یوم القیمة فایده در تفسیر حسینی از لباب نقل کرده که فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که نزدیک کرده اند مرا خدای تعالی و بنشاند با خود بر عرش وحق تعالی از نشستن پاک است وانجا مقصود از نشانیدن آنحضرت است صلی الله تکریم آنحضرت است صلی الله علیه وآله وسلم

الحزب الثالث

در حدیث آمده کسی که بگوید این کلمات را واجب شود برای او شفاعت من ۱۲ اللهم تا یوم القیامت

قوله توجه بفتح تا و واو مشدده و سکون جیم ۱۲ قوله بتاج العز و الرضا و الکرامة یعنی باشد این تاج برای عزت و رضا و کرامت که بر سر بگذارد ۱۲ صیغه تاج پادشاهان برای حسن و جمال ۱۲

قوله الی یوم القیمة این دعا است در شفا از وسبب آن اوردکه ابتدا و انتها او گفته اند کر او از ازل ۱۲

وعیسى

قوله وعیسی
این پنج پیغمبر علیهم الصلوة والسلام اولوا العزم اند
قوله من النبیین والمرسلین

وَعِيسٰى وَمَا بَيْنَهُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ
و عیسی وکسانیکه درمیان ایشان بودند از پیغمبران و مرسلان

صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ
درودهای خدایا وسلام او باد برایشان همه ها

ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَبِينَا اٰدَمَ وَاُمِّنَا
بخوان سه بار خدایا درود بفرست بر پدر مایان آدم و مادر مایان

حَوَّاءَ صَلٰوةَ مَلٰٓئِكَتِكَ وَاَعْطِهِمَا مِنَ
حوا مانند درودیکه می فرستی تو بر فرشتگان خود وبده آن هردو را از

الرِّضْوَانِ حَتّٰى تُرْضِيَهُمَا وَاجْزِهِمَا اللّٰهُمَّ
خوشنودی تا آنکه خوشنود گردانی آن هردو را وپاداش آن هردو را خدایا

اَفْضَلَ مَا جَازَيْتَ بِهٖ اَبًا وَاُمًّا عَنْ وَلَدِهِمَا
بزرگترین چیزیکه پاداش داده تو باو پدری را و مادری را از دو پسران هردو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا جِبْرِيْلَ وَمِيْكَآئِيْلَ
خدایا درود بفرست بر سید مایان جبرئیل و میکائیل

وَاِسْرَافِيْلَ وَعَزْرَآئِيْلَ وَحَمَلَةِ الْعَرْشِ
و اسرافیل و عزرائیل و بر دارندگان عرش

وَعَلَى الْمَلٰٓئِكَةِ وَالْمُقَرَّبِيْنَ وَعَلٰى جَمِيْعِ
و بر فرشتگان و نزدیکان درگاه تو و بر همه

قوله فی یوم الاربعاء

قوله ثلثا

قوله حملة العرش

قابض روحهاست عزرائیل ۱۲

الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِيْنَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَ
پیغمبران ومرسلان درودهای خدا و

سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ
سلام او باد برآنها همه سه بار خدایا درود بفرست

عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا عَلِمْتَ وَمِلَاءَ
بر سرورمایان محمد بشمار چیزیکه دانسته تو وپری

مَا عَلِمْتَ وَزِنَةَ مَا عَلِمْتَ وَمِدَادَ
چیزیکه دانسته تو ووزن چیزیکه دانسته تو وباندازهٔ

كَلِمَاتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
سخنان تو خدایا درود بفرست بر سیدمایان محمد

صَلٰوةً مَّوْصُوْلَةً بِالْمَزِيْدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
درودیکه پیوسته باشد بفزونی خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلٰوةً لَّا تَنْقَطِعُ اَبَدَ الْاٰبِدِ وَ
سیدمایان محمد درودیکه بریده نشود تاآخر زمان و

لَا تَبِيْدُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَاتَكَ
فانی نشود خدایا درود بفرست بر سید مایان محمد مانند درود تو

الَّتِيْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَسَلِّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا
که فرستاده تو آن درود را بروی وسلام بفرست بر سید مایان

قوله ثلثا در بعضی نسخه ثلثا نیامده ١٢
قوله سلامه بکسر میم ١٢
قوله ابد الابد در بعضی نسخه آمده ابد الاباد باالف بعد از باء ١٢

الحزب الثالث

قوله التی صلیت علیه ظاهر است که درودی که وی سبحانه جل شانه بر محبوب خود فرستاده باشد خوب تر ونیکوتر خواهد بود بنا بر آن مثل آن طلب کرد ١٢

فی یوم الاربعاء

مُحَمَّدٍ سَلَامُكَ الَّذِي سَلَّمْتَ عَلَيْهِ وَ

محمد مانند سلام تو که فرستاده تو آن سلام را بروی و

اَجْزِهِ عَنَّا مَا هُوَ اَهْلُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

پاداش ده او را از مایان چیزیکه او لایق اوست خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلٰوةً تُرْضِيكَ وَتُرْضِيهِ وَ

رئیس مایان محمد درودیکه خوش گرداند ترا و خوشنود گرداند او را

تَرْضٰى بِهَا عَنَّا وَاَجْزِهِ عَنَّا مَا هُوَ اَهْلُهُ

راضی شوی تو بسبب او از مایان و پاداش ده او را از مایان چیزیکه او سزاوار آنست

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ بَحْرِ اَنْوَارِكَ

خدایا درود بفرست بر سید مایان محمد که دریای نورهای تست

وَمَعْدِنِ اَسْرَارِكَ وَلِسَانِ حُجَّتِكَ وَ

و کان رازهای تست و زبان دلیل روشن تست و

عَرُوسِ مَمْلَكَتِكَ وَاِمَامِ حَضْرَتِكَ وَطِرَازِ

نو کدخدای ملک تست و پیشوای درگاه تست و آرایش

مُلْكِكَ وَخَزَائِنِ رَحْمَتِكَ وَطَرِيقِ شَرِيعَتِكَ

ملک تست و گنجینهای بخشایش تست و راه دین تست

اَلْمُتَلَذِّذِ بِتَوْحِيدِكَ اِنْسَانِ عَيْنِ الْوُجُودِ

که لذت یابنده است بتوحید تو آدمی مانند مردمک چشم وجود عالم

وَالسَّبَبِ فِيْ كُلِّ مَوْجُوْدٍ عَيْنِ اَعْيَانِ
وواسطه در بودن هر آفریده شده چشم بزرگان

خَلْقِكَ الْمُتَقَدِّمِ مِنْ نُوْرِ ضِيَائِكَ صَلوٰةً
آفرینش تو اول ظاهر شده از نور روشنی تجلی ذات تو درودی فرستاد

تَدُوْمُ بِدَوَامِكَ وَتَبْقٰى بِبَقَائِكَ لَا مُنْتَهٰى
که همیشه باشد بر همیشگی تو وپاینده بود به پایندگی تو نیست آخر

لَهَا دُوْنَ عِلْمِكَ صَلوٰةً تُرْضِيْكَ وَتُرْضِيْهِ
مر آن را بجز علم تو درودیکه خوشنود شوی تو وخوشنود شود او

وَتَرْضٰى بِهَا عَنَّا يَا رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ
وخوشنود شوی بسبب آن ازمایان ای پروردگار عالمیان خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا فِيْ عِلْمِ
درود بفرست بر سید مایان محمد بشمار چیزیکه در علم

اللّٰهِ صَلوٰةً دَائِمَةً بِدَوَامِ مُلْكِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ
خداست درودیکه همیشه باشد به همیشگی ملک خدای خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى
درود بفرست بر سردار مایان محمد چنانچه درود فرستاده تو بر

سَيِّدِنَا اِبْرٰهِيْمَ وَبَارِكْ عَلٰى سَيِّدِنَا
سردار مایان ابراهیم وبرکت ده بر سید مایان

محمد

قوله ١
والسبب فی کل موجود یعنی اگر ذات پاک آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم نبودی حق تعالی هیچ آفریده را پیدا نمودی نظم
هفت ونه وچهار نه پرداختند
خاص پی موکب آن ساختند
اوست شه وآدمیان جمله خیل
اصل وی وجمله عالم طفیل ١٢ ١٢
١٢

قوله ٢
المتقدم در بعضی نسخ المتقدح آمده بحاء مهمله بجای میم یعنی اول از همه بر آمده از نور تو که نوری است بحوی ١٢

الحزب الثالث

قوله ٣
عدد ما فی علم الله

فایده
درین کلام از خطاب بسوی هم ظاهر عدول نموده این را در علم بلاغت التفات گویند ١٢

قوله ٤
اللهم صل علی سیدنا در بعضی نسخه بعد ازین زیاده آمده وعلی آل ... سیدنا محمد ١٢

قوله على ابرهيم در بعض نسخ على آل ابرهيم بلفظ آل آمده ١٢

قوله فيما بقي يعني چيزيكه باقي مانده است [illegible] فايده

فى يوم الاربعاء

محمد وعلى آل سيدنا محمد كما باركت

محمد و بر آل سید مایان محمد چنانکه برکت داده تو

على آل ابرهيم في العالمين انك حميد

بر آل ابراهیم در عالمیان بدرستیکه تو ستوده شده

مجيد عدد خلقك ورضاء نفسك

بزرگواری بشمار آفرینش تو و خوشنودی ذات تو

وزنة عرشك ومداد كلماتك وعدد

و بوزن عرش تو و باندازه سخنان تو و بشمار

ما ذكرك به خلقك فيما مضى وعدد

چیزیکه یاد کرده اند ترا باو آفریدگان تو در زمانیکه گذشته است و بشمار

ما هم ذاكرونك به فيما بقي في كل سنة

زمانیکه آن یاد میکند ترا بدان در زمانیکه باقی مانده است در هر سالی

وشهر وجمعة ويوم وليلة وساعة

و ماهی و هفته و روزی و شبی و ساعتی

من الساعات وشم ونفس وطرفة

از ساعات و بمقدار رسیدن بوی و دم زدنی و چشم زدنی

ولمحة من الابد الى الابد وآباد

و اندک نظر کردنی از ابتدای زمانه تا آخر زمانه و زمانهای

قوله من الساعات [illegible]

فايده [illegible]

فايده طرفة [illegible]

فايده لمحة [illegible] نظر کردنی ١٢

الدُّنيا وَآبادَ الآخِرَةِ وَأكثَرَ مِنْ
دنیا و زمانهای دراز آخرست و زیاده از

ذٰلِكَ لا يَنقَطِعُ أوَّلُهُ وَلا يَنفَدُ آخِرُهُ
آنچه ذکر کردیم بریده نشود اول آن و فانی نشود آخر آن

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ عَلىٰ قَدرِ
خدایا درود بفرست بر سید مایان محمد بر اندازه

حُبِّكَ فِيهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ
دوستی تو در حق وی خدایا درود بفرست بر سردار مایان محمد

عَلىٰ قَدرِ عِنايَتِكَ بِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ
بر اندازهٔ توجه تو بسوی او خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ حَقَّ قَدرِهِ وَمِقدارِهِ
رئیس مایان محمد لایق مرتبهٔ او و بزرگی شان او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ صَلوٰةً
خدایا درود بفرست بر بزرگ مایان محمد درودی که

تُنجِينا بِها مِن جَمِيعِ الأهوالِ وَالآفاتِ
خلاص گردانی مایان را بسبب آن از همه ترسها و آفتها

وَتَقضِي لَنا بِها جَمِيعَ الحاجاتِ وَتُطَهِّرُنا
و روا گردانی برای مایان بسبب آن همه حاجتها و پاک گردانی مایان را

قوله: واباد در دال اباد کسر و فتح هر دو درست ۱۲

قوله: لاینفد بفتح فا و آخر آن دال مهمله ۱۲

الحزب الثالث

قوله: قدر بفتح دال و سکون آن ۱۲

قوله: الاهوال یعنی مصیبتی که بسبب آن نقصان در دین یا در دنیا پدید آید و رسیدن آن مضطرب و ناشکیبا نماید ۱۲

بها من جميع السيئات وترفعنا بها اعلى

بسبب آن از همه گناهان وبلند گردانی ما را بسبب آن برتر

الدرجات وتبلغنا بها اقصى الغايات

پایها و برسانی ما را بسبب آن پایان برترین نهایت

من جميع الخيرات في الحيوة وبعد الممات

از همه نیکیها در زندگانی و پس از مردن

اللهم صل على سيدنا محمد صلوة الرضى

خدایا درود بفرست بر سید ما محمد درودی که سبب خشنودی تو بود

وارض عن اصحابه رضاء الرضى اللهم

و خشنود باش از یاران او خشنودی که پیدا شود از خشنودی خدایا

صل على سيدنا محمد السابق للخلق

درود بفرست بر سید ما محمد صلعم که پیش بوده است مر آفریدگان را

نوره ورحمة للعلمين ظهوره عدد من

نور او و بخشش است برای عالمیان پیدا شدن او بشمار هر که

مضى من خلقك ومن بقي ومن سعد

گذشته است از آفریدگان تو و کسی که پس مانده است و کسی که نیکبخت شده است

منهم ومن شقي صلوة تستغرق العد

از ایشان و کسی که بدبخت شده است درودی که فرا گیرد و شامل باشد همه مراتب شمار را

وَتُحِيطُ بِالْحَدِّ صَلٰوةً لَّا غَايَةَ لَهَا وَلَا مُنْتَهٰى

و فرا رسد پایان حسن و خوبی را درود دیگر نیست آخر مر او را و نه پایان

وَلَا انْقِضَاءَ صَلٰوةً دَائِمَةً بِدَوَامِكَ وَ

و نه تمام بودن درود دیگر همیشه باشد بهمیشگی تو و

عَلٰى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا مِّثْلَ ذٰلِكَ

بر آل او و یاران او و سلام بفرست سلام فرستادنی مانند آنچه مذکور شد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدِ الَّذِي مَلَأْتَ

خدایا درود بفرست بر سید ما یان محمد که پر کرده تو

قَلْبَهُ مِنْ جَلَالِكَ وَعَيْنَهُ مِنْ جَمَالِكَ

دل او را از بزرگی خود و دیده او را از حسن و خوبی خود

فَأَصْبَحَ فَرِحًا مُؤَيَّدًا مَّنْصُورًا وَعَلٰى آلِهِ وَ

پس گشت شادان قوت داده شده یاری داده شد و بر آل او و

صَحْبِهِ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى ذٰلِكَ

یاران او و سلام بفرست سلام فرستادنی و ستایشی که شاید مر خدا یراست بر آن

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ

خدایا درود بفرست بر سید ما یان و مالک ما یان محمد بشمار

أَوْرَاقِ الزَّيْتُونِ وَجَمِيعِ الثِّمَارِ اَللّٰهُمَّ

برگهای درخت زیتون و همه میوها خدایا

قوله وتحیط بالحد و فرا رسد آن درود پایان حسن و خوبی را ۱۲

قوله و دائمة بدوامك آرزو ده از آن درود و جمال نبی پیدا ۱۲ و در بعضی دیائمة

بنعمائه الی یوم الدین که بعد ازین آمده ۱۲

قوله و سلم

الحزب الثالث

قوله ورق الزیتون

قوله ما كان یعنی در زمان گذشته ۱۲

قوله وما يكون در حال و استقبال ۱۲

قوله انفاس امته یعنی دمهای گروه دین او از زنان و مردان

قوله من الفائزين یعنی از رسندگان بمطلوب دینی و دنیوی و یابندگان ثواب عظیم ۱۲

قوله یا رب العالمین [illegible]

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا

درود بفرست بر سید مایان و صاحب مایان محمد بشمار هرچیزیکه

كَانَ وَمَا يَكُوْنُ وَعَدَدَ مَا اَظْلَمَ عَلَيْهِ

بود و می باشد و بشمار هرچیزیکه تاریک شده است بر آن

اللَّيْلُ وَاَضَاءَ عَلَيْهِ النَّهَارُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

شب و روشن شده است بر آن روز خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِهٖ وَاَزْوَاجِهٖ

رئیس مایان و مالک مایان محمد و بر آل او و زنان او

وَذُرِّيَّتِهٖ عَدَدَ اَنْفَاسِ اُمَّتِهٖ اَللّٰهُمَّ بِبَرَكَةِ

و ذریت او بشمار دمهای امت او خدایا بیمن

الصَّلٰوةِ عَلَيْهِ اجْعَلْنَا بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِ مِنَ

درود گفتن بروی گردان مایان را بدرود فرستادن بروی از

الْفَائِزِيْنَ وَعَلٰى حَوْضِهٖ مِنَ الْوَارِدِيْنَ

رستگاران و بر حوض او از فرود آیندگان

الشَّارِبِيْنَ وَبِسُنَّتِهٖ وَطَاعَتِهٖ مِنَ الْعَامِلِيْنَ

نوشندگان و بطریقت او و فرمان برداری او از کار کنندگان

وَلَا تَحُلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَا رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ

و مکن پرده درمیان مایان و میان او روز قیامت ای پروردگار همه آفریدگان

تنبیه [illegible]

فی یوم الاربعاء

رباعی

میان بخدمت [illegible] بجان و دل [illegible]

[illegible]

وَاغْفِرْ لَنَا وَلِوَالِدِينَا وَلِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ

وبیامرز مایانرا و مرپدر ومادر مایان و مرهمه مسلمانان را

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وستایش کرشایه مرخدایراست کهپروردگار عالمیان است

اِبْتِدَاءُ الثُّلُثِ الثَّانِي

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

خدایا درود بفرست وسلام بفرست وبرکت ده بر بزرگ مایان محمد

وَعَلٰى اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اَكْرَمِ خَلْقِكَ وَسِرَاجِ

و بر آل سید مایان محمد که بزرگوارترین آفریدگان تست و چراغ

اُفُقِكَ وَاَفْضَلِ قَائِمٍ بِحَقِّكَ الْمَبْعُوثِ

همه اطراف آسمان تست وبزرگترین بر استاده باداى حق تو که برانگیخته شده

بِتَيْسِيرِكَ وَرِفْقِكَ صَلٰوةً يَتَوَالٰى تَكْرَارُهَا

بسبب آسان ساختن تو ولطف تو درودی کهپیوسته باشدپی درپی آمدن آن

وَتَلُوحُ عَلَى الْاَكْوَانِ اَنْوَارُهَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ

وتابان نشود بر همه آفرینش روشنی ای آن خدایا درود بفرست

في يوم الاربعاء

وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى

وسلام فرست وبرکت ده بر سید مایان محمد و بر

اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اَفْضَلِ مَمْدُوْحٍ بِقَوْلِكَ

آل سید مایان محمد که بزرگترین ستوده شده است بکلام تو

وَاَشْرَفِ دَاعٍ لِلْاِعْتِصَامِ بِحَبْلِكَ وَخَاتِمِ

واشرف ترین برخواننده مردمان برای چنگ زدن بدین تو وآخر

اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلٰوةً تُبَلِّغُنَا فِي

همه پیغمبران تو و مرسلان تست درود دیگر برساند مایان را در

الدَّارَيْنِ عَمِيْمَ فَضْلِكَ وَكَرَامَةَ رِضْوَانِكَ

بر دو جهان افزونی بخشش تو و بزرگی خشنودی تو

وَوَصْلِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ

و وصل تو خدایا درود بفرست وسلام بفرست وبرکت ده

عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

بر سید مایان محمد و بر آل سید مایان محمد

اَكْرَمِ الْكُرَمَاءِ مِنْ عِبَادِكَ وَاَشْرَفِ الْمُنَادِيْنَ

که بزرگترین همه بزرگانست از بندگان تو و بزرگترین خوانندگان مردم

لِطُرُقِ رَشَادِكَ وَسِرَاجِ اَقْطَارِكَ وَبِلَادِكَ

برای راه های هدایت تو و چراغ کناره های زمین تست و شهرهای تست

صلوة لا تفنى ولا تبيد تبلغنا بها

درودیکه فانی نشود ونابود نشود برسان مارا بسبب آن

كرامة المزيد اللهم صل وسلم وبارك على

بزرگی زیادتی عطا خود خدایا درود بفرست وسلام بفرست وبرکت ده بر

سيدنا محمد وعلى آل سيدنا محمد الرفيع

سید مایان محمد و بر آل سید مایان محمد که بلند تراست

مقامه الواجب تعظيمه واحترامه صلوة

جای او واجبست بزرگ داشتن او ونگاهداشتن بزرگی او درودیکه

لا تنقطع ابدا ولا تفنى سرمدا ولا تنحصر

بریده نشود هرگز وفانی نشود همیشه ودر قید شمار نیاید

عددا اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما

از روی شمار خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد چنانچه

صليت على ابرهيم وعلى آل ابرهيم في

درود فرستادی تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم در

العالمين انك حميد مجيد وصل اللهم

عالمیان بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری ودرود بفرست خدایا

على محمد وعلى آل محمد كلما ذكره

بر محمد و بر آل محمد هرگاه یاد کنند اورا

قوله لا تفنى یعنی نابود نشود ۱۲ قوله ولا تبید یعنی همیشه ماند ۱۲

قوله کرامة المزید ۱۲ یعنی بزرگی زیادتی عطا خود که از وعده ووده [illegible] قول حق شده للذین احسنوا الحسنى وزیادة یعنی مر آنانرا که نیکوئی کرده اند یعنی ایمان آورده اند پاداش نیکوست یعنی بهشت واز زیادتی در پاداش که بفضل کرامت فرموده واین [illegible] بهشتیان را دیدار [illegible] شرف گردانند

الحزب الثالث

قوله تعظیمه واحترامه یعنی حق تعالی برای تعظیم آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم خیلی جا در قرآن امر بدرود وسلام فرستادن بر آنحضرت [illegible] تعظیم وی صلی الله علیه وآله وسلم [illegible]

قوله سرمدا ۱۲ [illegible]

الذّاكرون وغفل عن ذكره الغافلون

یادکنندگان وغفلت ورزند از یاد او غافلان

اللّهمّ صلّ على محمّد وعلى آل محمّد وارحم

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد ورحمت کن

محمّدًا وآل محمّد وبارك على محمّد وعلى آل

محمد را وآل محمد را وبرکت ده بر محمد و بر آل

محمّد كما صلّيت ورحمت وباركت على

محمد چنانچه درود فرستاده تو ورحمت کرده تو وبرکت داده تو بر

ابراهيم وعلى آل ابراهيم انّك حميد

ابراهیم و بر آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده

مجيد اللّهمّ صلّ على سيّدنا محمّد النّبيّ

بزرگواری خدایا درود بفرست بر سیدمایان محمد که پیغمبر

الأمّيّ الطّاهر المطهّر وعلى آله وسلّم

ناخوانده و نانویسنده است پاک کرده شده و بر آل او وسلام بفرست

اللّهمّ صلّ على من ختمت به الرّسالة

خدایا درود بفرست بر کسیکه ختم کردی تو بوی پیغمبری را

وأيّدته بالنّصر والكوثر والشّفاعة

وقوت داده تو اورا بیاری دادن وبه دادن حوض کوثر وبقبول کردن شفاعت او

قوله الطاهر المطهر

قوله ختمت به الرسالة

في يوم اربعاء

قوله ايدته

قوله الكوثر

قوله والشفاعة

الحزب الثالث

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّ

خدایا درود بفرست بر سرور ما و مالک ما محمد که پیغمبر

الْحُكْمِ وَالْحِكْمَةِ السِّرَاجِ الْوَهَّاجِ الْمَخْصُوصِ

صاحب حکومت است و صاحب حکمت است چراغیست افروخته و تابان خاص کرده شده

بِالْخُلُقِ الْعَظِيْمِ وَخَتْمِ الرُّسُلِ ذِي الْمِعْرَاجِ

بخوهای بزرگ و ختم پیغمبران صاحب معراجست

وَعَلٰى اٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ وَاَتْبَاعِهِ السَّالِكِيْنَ

و بر آل او و یاران او و پیروان او که روندگان

عَلٰى مَنْهَجِهِ الْقَوِيْمِ فَاَعْظِمِ اللّٰهُمَّ بِهٖ

بر راه روشن خود که درو کجی نیست پس چه بزرگست خدایا بآن راه

مِنْهَاجَ نُجُوْمِ الْاِسْلَامِ وَمَصَابِيْحِ الظَّلَامِ

روشن ستارگان دین مسلمانی و چراغهای تاریکی شبها

الْمُهْتَدٰى بِهِمْ فِيْ ظُلْمَةِ لَيْلِ الشَّكِّ الدَّاجِ

یافته شده است بسبب آنها در تاریکی شب گمان که سخت تاریکست

صَلٰوةً دَائِمَةً مُسْتَمِرَّةً مَا تَلَاطَمَتْ فِي

درود یکه همیشه باشد روان باشد تا وقتی که تازمانیکه برهم زنند با یکدیگر در

الْاَبْحُرِ الْاَمْوَاجُ وَطَافَ بِالْبَيْتِ الْعَتِيْقِ

دریاها موجها و طواف کند بخانه قدیم

قوله ذی المعارج ...

قوله بالبیت العتیق خانه قدیم که کعبه شریف است ۱۲

فی یوم الاربعا

مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ الْحُجَّاجِ وَأَفْضَلُ الصَّلٰوةِ

از هر آینده از راه دور و دراز از حج کنندگان وافزون ترین درود

وَالتَّسْلِيمِ عَلٰى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ الْكَرِيمِ وَصَفْوَتِهِ

وسلام نازل باد بر محمد که فرستاده است صاحب بزرگی وبرگزیده آن

مِنَ الْعِبَادِ وَشَفِيعِ الْخَلَائِقِ فِي الْمِيعَادِ

از بندگان وشفاعت کننده آفریدگان در وعده

صَاحِبِ الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَالْحَوْضِ الْمَوْرُودِ

صاحب مقام ستوده شده وحوضی که درود کرده شود بران

النَّاهِضِ بِأَعْبَاءِ الرِّسَالَةِ وَالتَّبْلِيغِ الْأَعَمِّ

استاده بزور وقوت ببارهای گران پیغمبری وبرسانیدن احکام الهی شامل تر

وَالْمَخْصُوصِ بِشَرَفِ السِّعَايَةِ فِي الصَّلَاحِ

وخاص کرده شده است بعمل کردن بکوشش در آرستگی کار خلق

الْأَعْظَمِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلٰى آلِهِ صَلٰوةً

که بزرگتر است درود فرست خدای بروی و بر آل وی درودیکه

دَائِمَةً مُسْتَمِرَّةَ الدَّوَامِ عَلٰى مَرِّ اللَّيَالِي

همیشه باشد جاری باشد همیشگی برجاری بودن شبها

وَالْأَيَّامِ فَهُوَ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

وروزها پس وی سرور پیشینیان وپسینیان

قوله الحجاج

بیت

قوله افضل الصلوة والتسلیم

یعنی افزون ترین درود وافزون ترین سلام

قوله الکریم

قوله وصفوته

قوله فی المیعاد یعنی در وقت وعده

قوله باعباء الرسالة یعنی ببارهای گران از تکلیف پیغمبری

قوله والتبلیغ الاعم

قوله السعاية

قوله الاعظم

وَأَفْضَلُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَيْهِ

وبزرگترین پیشینیان وپسینیان بر وی باد

أَفْضَلُ صَلَوٰةِ الْمُصَلِّينَ وَأَزْكَى سَلَامِ

بزرگترین درود گویندگان وپاکترین سلام

الْمُسَلِّمِينَ وَأَطْيَبُ ذِكْرِ الذَّاكِرِينَ وَأَفْضَلُ

سلام گویندگان وپاکترین وخوبترین یاد یاد کنندگان وافزون ترین

صَلَوَاتِ اللهِ وَأَحْسَنُ صَلَوَاتِ اللهِ وَأَجَلُّ

درودهای خدای ونیکوترین درودهای خدای وبزرگترین

صَلَوَاتِ اللهِ وَأَجْمَلُ صَلَوَاتِ اللهِ وَأَكْمَلُ

درودهای خدای وخوبترین درودهای خدای وکامل ترین

صَلَوَاتِ اللهِ وَأَسْبَغُ صَلَوٰتِ اللهِ وَأَتَمُّ

درودهای خدای وتمام ترین درودهای خدای وکاملترین

صَلَوَاتِ اللهِ وَأَظْهَرُ صَلَوَاتِ اللهِ وَأَعْظَمُ

درودهای خدای وروشن ترین درودهای خدای وبزرگترین

صَلَوَاتِ اللهِ وَأَزْكَى صَلَوَاتِ اللهِ وَ

درودهای خدای وروشن ترین درودهای خدای و

أَطْيَبُ صَلَوَاتِ اللهِ وَأَبْرَكُ صَلَوَاتِ

پاکیزه ترین درودهای خدای وافزون ترین درودهای

قوله ۱ المسلّمین بکسر لام مشدده ۱۲

قوله ۲ واطهر بطاء منقوطه روشن ترین ودر بعضی نسخ بطاء غیر منقوطه آمده یعنی پاکترین ۱۲

الحزب الثالث

قوله ۳ واذکی بذال منقوطه ۱۲

قوله ۴ واطیب پاکیزه ترین یا بسیار ترین ۱۲

قوله ۵ وابرك صلوات افزون ترین درودهای در خیر وخوبی ۱۲

الله

اللّٰهِ وَاَزْکیٰ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَاَنْمیٰ صَلَوَاتِ

درودهای وافزاینده‌ترین خدای درودهای ودرخشنده‌ترین خدای

اللّٰهِ وَاَوْفیٰ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَاَسْنیٰ صَلَوَاتِ

درودها و بلندترین خدای درودهای وتمام‌ترین خدای

اللّٰهِ وَاَعْلیٰ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَاَکْثَرُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ

خدا درودهای وبسیارترین خدای درودهای وبلندترین خدای

وَاَجْمَعُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَاَعَمُّ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَ

و خدای درودهای وشامل‌ترین خدای درودهای وفراهم آینده‌ترین

اَدْوَمُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَاَبْقیٰ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَ

و خدای درودهای وپاینده‌ترین خدای درودهای همیشه باشنده‌ترین

اَعَزُّ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَاَرْفَعُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَ

و خدای درودهای وبلندترین خدای درودهای عزیزترین

اَعْظَمُ صَلَوَاتِ اللّٰهِ عَلیٰ اَفْضَلِ خَلْقِ اللّٰهِ وَ

و خدای آفرینش بزرگترین بر خدای درودهای بزرگترین

اَحْسَنِ خَلْقِ اللّٰهِ وَاَجَلِّ خَلْقِ اللّٰهِ وَاَکْرَمِ خَلْقِ اللّٰهِ

خدای آفرینش وبزرگترین خدای آفرینش وبزرگترین آفرینش خوبترین

وَاَجْمَلِ خَلْقِ اللّٰهِ وَاَکْمَلِ خَلْقِ اللّٰهِ وَاَتَمِّ خَلْقِ اللّٰهِ

خدای آفرینش وتمام‌ترین خدای آفرینش وکاملترین آفرینش وجمیل‌ترین

قوله وازکی پاکیزه‌ترین یا روشن‌ترین ۱۲

قوله واسنی بلندترین یا روشن‌ترین ۱۲ قوله واجمع صلوات الله فراهم آینده

ترین درودهای خدا و در بر چیز و خوبی ۱۲

قوله اعم صلوات الله شامل‌ترین

درودهای خدا مر ذات پاک وی صلی الله

علیه و آله وسلم و مر آل و اصحاب و پیروان

او را ۱۲ قوله واعز صلوات الله

عزیزترین و نادرترین درودهای خدا که عقل از

دریافت کمال آن عاجز است ۱۲ قوله واعظم درودهای خدا و

صلوات الله بلندترین و بزرگترین درودها ۱۲ قوله واعظم صلوات الله

علی ۱۲ گذشته اینجا باز

بر ... مثل این بالاتر و یک نیست زیرا که در

آورده و درین بکرار می آید ۱۲

دعا این چنین بسیار قوله واحسن خلق الله

این همه درودها که مذکور شده نازل باد بر

افزون‌ترین آفرینش خدا از درودی برتر

و کمال و نظام است که آن ذات صلی الله

علیه و آله و سلم ۱۲ قوله اکرم خلق الله

فی یوم الاربعاء

در بعضی نسخه بعد این آمده واکبر خلق الله

یعنی بزرگترین ۱۲ قوله اجمل خلق

الله بزرگترین و خوبترین آفرینش خدا

نظم

ای جمله اسباب جمال است رخ خوب ترا

وی جمله کمالست کمالا بحقیقت

قوله واتم خلق الله

تمام‌ترین آفرینش خدای در حسن و جمال

و در جمیع صفات و کمال یعنی وی صلی الله

علیه و آله وسلم مظهر اتم است و برای

ظهور الوهیت صفات الهی و اصل است برای

نظم

ای سایه خطا بر فرقت سایه

خط سبز و لب لعل رخ زیبا داری

حسن یوسف دم عیسی ید بیضا داری

شیوه اخلاق و شمایل ادب و خلق داری

آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

و سکنات و حرکات ۱۲

الحزب الثالث

وَأَعْظَمِ خَلْقِ اللهِ عِنْدَ اللهِ رَسُولِ اللهِ وَنَبِيِّ اللهِ

وبزرگترین آفرینش خدای نزد خدای فرستاده شده خدای پیغمبر خدای

وَحَبِيبِ اللهِ وَصَفِيِّ اللهِ وَنَجِيِّ اللهِ وَ

ودوست خدای وبرگزیده خدای وچیده خدای و

خَلِيلِ اللهِ وَوَلِيِّ اللهِ وَأَمِينِ اللهِ وَخِيَرَةِ

دوست خدای ودوستی خدای وامین خدای وبرگزیده

اللهِ مِنْ خَلْقِ اللهِ وَنُخْبَةِ اللهِ مِنْ بَرِيَّةِ

خدای از آفرینش خدای وپسندیده خدای از آفریدگان

اللهِ وَصَفْوَةِ اللهِ مِنْ أَنْبِيَاءِ اللهِ وَعُرْوَةِ

خدای وبرگزیده خدای از پیغمبران خدای ودست آویز

اللهِ وَعِصْمَةِ اللهِ وَنِعْمَةِ اللهِ وَمِفْتَاحِ

خدای ومحل حفظ خدای ونعمت خدای وکلید

رَحْمَةِ اللهِ الْمُخْتَارِ مِنْ رُسُلِ اللهِ

رحمت خدای برگزیده از پیغمبران خدای

الْمُنْتَخَبِ مِنْ خَلْقِ اللهِ الْفَائِزِ بِالْمَطْلَبِ

چیده شده از آفریدگان خدای رسنده بمقصود

فِي الْمَرْهَبِ وَالْمَرْغَبِ الْمُخْلِصِ فِيمَا وَهَبَ

در حال خوف وامید پاک کرده شده درانچه داده شده

قوله مبعوث برانگیخته شده برسالت ۱۲ قوله انجح شافع ظفر یابنده ترین بر شفاعت کننده بقبول شفاعت نزد خدای تعالی ۱۲ قوله افضل مشفع بزرگترین شفاعت قبول کرده شده و افزون ترین ۱۲ قوله فیما استودع در چیزیکه سپرده شده بوی از وحی و احکام الهی ۱۲

فی یوم الاربعاء

أَكْرَمِ مَبْعُوثٍ أَصْدَقِ قَائِلٍ أَنْجَحِ شَافِعٍ

بزرگترین هر برانگیخته شده راست گوترین هر گوینده ظفر یابنده ترین هر شفاعت کننده

أَفْضَلِ مُشَفَّعٍ الْأَمِينِ فِيمَا اسْتُوْدِعَ

بزرگترین هر شفاعت قبول کرده شده اهل اعتماد و با امانت در چیزیکه سپرده شده بوی

الصَّادِقِ فِيمَا بَلَّغَ الصَّادِعِ بِأَمْرِ رَبِّهِ

راست گو در چیزیکه رسانید آشکارا کننده فرموده پروردگار خود را

الْمُضْطَلِعِ بِمَا حُمِّلَ أَقْرَبِ رُسُلِ اللَّهِ إِلَى

استاده بقوت بچیزی که بار کرده شده نزدیک ترین پیغمبران خدا بسوی

اللَّهِ وَسِيلَةً وَأَعْظَمِهِمْ غَداً عِنْدَ اللَّهِ

خدای از روی وسیله و بزرگترین آنها از روی فردا نزد خدای

مَنْزِلَةً وَفَضِيلَةً وَأَكْرَمِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ

از روی مرتبه و بزرگی و بزرگترین پیغمبران خدای

الْكِرَامِ الصَّفْوَةِ عَلَى اللَّهِ وَأَحَبِّهِمْ إِلَى

که بزرگانند و برگزیدگانند نزد خدای و دوست ترین ایشان نزد

اللَّهِ وَأَقْرَبِهِمْ زُلْفَى لَدَى اللَّهِ وَأَكْرَمِ

خدای و نزدیک ترین ایشان از روی شرف و منزلت نزد خدای و بزرگترین

الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ وَأَحْظَاهُمْ وَأَرْضَاهُمْ

بر آفرینش نزد خدای و نزدیکترین ایشان از روی مرتبه و جاه و برگزیده ترین ایشان

قوله فیما بلغ یعنی در چیزیکه رسانید بندگان از وحی حق تعالی ۱۲ قوله الصادع آشکار کننده ۱۲ قوله المضطلع بضاد منقوطه و طاء مهمله استاده بقوت ۱۲

قوله بما حمل بضم حا و تشدید میم مکسوره بچیزیکه بار کرده شده بآن از تکالیف دینی ۱۲ قوله اقرب رسل الله الی الله وسیلة یعنی دست آویزی که بآن توسل جویند در مطلب قرب بحضرت حق ۱۲ قوله غدا یعنی روز قیامت ۱۲ قوله زلفی بضم زای منقوطه و فتح فا درجه ۱۲

قوله و احظاهم بحاء حطی و ظاء منقوطه یعنی نزدیک ترین ایشان از روی بلندی مرتبه و جاه چنانکه در نسبت ببارگاه پادشاه ۱۲

لَدَى اللهِ وَأَعْلَى النَّاسِ قَدْرًا وَ

نزد خدای وبلند ترین همه آدمیان ازروی قدر ومرتبه و

أَعْظَمِهِمْ مَحَلًّا وَأَكْمَلِهِمْ مَحَاسِنًا وَفَضْلًا

بزرگترین ایشان ازروی منزلت وکامل ترین ایشان ازروی کردارهای نیک وافزونی

وَأَفْضَلِ الْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةً وَأَكْمَلِهِمْ

وبزرگترین پیغمبران ازروی مرتبه وکامل ترین ایشان

شَرِيعَةً وَأَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ نِصَابًا وَ

ازروی دین وبزرگترین پیغمبران ازروی مرتبه واصل و

أَبْيَنِهِمْ بَيَانًا وَخِطَابًا وَأَفْضَلِهِمْ مَوْلِدًا

روشن ترین ایشان ازروی کلام وسخن وبزرگ ترین ایشان ازروی مکان تولد

وَمُهَاجَرًا وَعِتْرَةً وَأَصْحَابًا وَأَكْرَمِ

ومکان هجرت وآل واصحاب وبزرگترین

النَّاسِ أَرُومَةً وَأَشْرَفِهِمْ جُرْثُومَةً وَ

مردمان ازروی اصل وبزرگترین ایشان ازروی جماعت و

خَيْرِهِمْ نَفْسًا وَأَطْهَرِهِمْ قَلْبًا وَأَصْدَقِهِمْ

بهترین ایشان ازروی اصل وبزرگترین ایشان ازروی دل وراست ترین ایشان

قَوْلًا وَأَزْكَاهُمْ فِعْلًا وَأَثْبَتِهِمْ أَصْلًا

ازروی سخن وپاکیزه ترین ایشان ازروی کار کردن واستوارترین ایشان ازروی نسب

الحزب الثالث

تتمه اینجا کشیده بر صفحه ۱۲۹

طبایع سلیمه را و برای خوش زندگانی درو
وطبیب رابجه وی است شیخ عبدالحق آورده که
بعضی از عرفا گفته که از خاک مدینه و درو دیوار
وی را ابجه طیبی می آید که در می یابد بوی مشک
بامن وی بر کسی که از کفر و ضلالت و نفاق منزه
اعتقاد و مبتلا نباشد نظمه
در آن زمین مشکین وزد و دره و دست ۱۲
جای دم زدن نامهای تا تاری است
و در حدیث آمده که بدرستیکه ایمان مرجع می آید
و باز میگیرد و می آید بسوی مدینه که موطن اصلی او
چنانچه باز میگیرد مار بسوی سوراخ
گفته اند که این اشارتست از احوال آخر
زمان که دین مسلمانان و وجود مسلمان کمتر باشد
دین اسلام [illegible]

وَأَوْفَاهُمْ عَهْدًا وَأَمْكَنِهِمْ مَجْدًا وَأَكْرَمِهِمْ

و وفاکننده ترین ایشان از روی پیمان واستوارترین ایشان از روی بزرگی وبزرگترین ایشان

طَبْعًا وَأَحْسَنِهِمْ صُنْعًا وَأَطْيَبِهِمْ فَرْعًا وَ

از روی خوی ونیکوترین ایشان از روی نیکوی کردن وخوب ترین ایشان از روی اولاد و

أَكْثَرِهِمْ طَاعَةً وَسَمْعًا وَأَعْلَاهُمْ مَقَامًا

افزون ترین ایشان از روی فرمان برداری وشنیدن کلام حق وبلندترین ایشان از روی مرتبه

وَأَحْلَاهُمْ كَلَامًا وَأَزْكَاهُمْ سَلَامًا وَأَجَلِّهِمْ

وشیرین ترین ایشان از روی سخن گفتن وپاکیزه ترین ایشان از روی سلام گفتن وبزرگترین ایشان

قَدْرًا وَأَعْظَمِهِمْ فَخْرًا وَأَسْنَاهُمْ فَخْرًا وَ

از روی مرتبه وبزرگترین ایشان از روی اسباب بزرگی وروشن ترین ایشان از روی اسباب بزرگی

أَرْفَعِهِمْ فِي الْمَلَإِ الْأَعْلَى ذِكْرًا وَأَوْفَاهُمْ

بلندترین ایشان در گروه بلندترین از روی یاد کردن ووفاکننده ترین ایشان

عَهْدًا وَأَصْدَقِهِمْ وَعْدًا وَأَكْثَرِهِمْ شُكْرًا

از روی پیمان وراست ترین ایشان از روی وعده وبیشترین ایشان از روی سپاس گذاری

وَأَعْلَاهُمْ أَمْرًا وَأَجْمَلِهِمْ صَبْرًا وَأَحْسَنِهِمْ

وبلندترین ایشان از روی فرمان ونیکوترین ایشان از روی شکیبائی ونیکوترین ایشان

خَيْرًا وَأَقْرَبِهِمْ يُسْرًا وَأَبْعَدِهِمْ

از روی بهروبی ونزدیک ترین ایشا از روی آسانی وبلندترین ایشان

فی یوم الاربعاء

قوله واوفاهم عهدا [illegible]
ایشان از روی پیمان است [illegible] قوله مجدا
خلاف وعده وفا کند [illegible]
اجازت [illegible] واوفاهم عهدا [illegible]
از روی بزرگی نزد خدای تعالی ۱۲
قوله طبعا فتح طا اول و سکون دوم ۱۲
قوله صنعا بضم صاد و سکون نون [illegible]
کردن و [illegible] با مسلمان نیکوی
قوله فرعا بفتح فا اول و سکون دوم از روی اولاد
و نسل و در دویی آمده بر وزن قیاس ۱۲
پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که از آن باقی ماند
نسب پیغمبر کسی منقطع نشود مگر نسب آن
ملک العلما قاضی شهاب الدین دین
جانب رساله وارد بود قوله طاعة از روی
فرمان برداری برای حکم حق ۱۲ قوله
سمعا از روی شنیدن کلام حق بگوش قبول
قوله مقاما از روی مرتبه نزد حق ۱۲
قوله سلاما آنحضرت صلی الله علیه وآله
السلام عادت شریف آنحضرت که بار که
ملاقات میکرد بکسی از روی نرم گوئی
دوستی و نرمی ابتدا بسلام میفرمود در حال وی
لطف و مهربانی بمرتبه کمال میفرمود تا انکه
دل وی را از روی می ربود ۱۲ قوله فخرا
از روی اسباب بزرگی و نازیدن
السنوده شود به آن چنانچه فضائل نسبیه ۱۲

و افضال و اخلاق حمیده ۱۲ قوله فخرا انجا منسوط [illegible] یعنی آنچه بالا ازین مذکور شده و در بعضی نسخ بجیم آمده ۱۲

قوله مکانا البعد در اصل بمعنی دوری است پس مراد بلندترا است منزل او ودورتراست

از کسی که پایانی اوست خوش گوتر برا گوید

قوله ... پیش از بعثت شان ظهور آمده پس

هر چند که آخر ظهور آمده

ای خاتم رسل قرب تو معلوم شد

دیر آمده از راه دور آمده

قوله برهانا از روی دلیل بر

نبوت حق تعالی وبر نبوت خود ...

قوله میزانا مراد ازین بزرگی وقدر

است وباعقل وباعدل یا آنکه اشارت

است بجای که در مشکوة آورده که گفت

ابو ذر رضی الله تعالی عنه گفتم ای یا رسول

الله چگونه دانستی تو پیغمبری تا آنکه یقین

کردی بنبوت خود گفت آنحضرت صلی

الله علیه وآله وسلم مرا آمد دو فرشته

وحال آنکه من بجائی از بطحای مکه بودم پس افتاد

یکی از آن دو فرشته بر زمین وبود دیگر

آن در میان آسمان وزمین پس گفت یکی

از آن دو فرشته مر یار خود را که آیا او

یعنی حق تعالی مرا بخود واو کرد اپیغمبری است

تمکانا واعظمهم شانا واثبتهم برهانا
از روی منزلت وبزرگترین ایشان از روی جاه ومرتبه واستوارترین ایشان از روی دلیل
وارجحهم میزانا واولهم ایمانا و
وگران بارترین ایشان از روی ترازو وپیش ترین ایشان از روی ایمان و
اوضحهم بیانا وافصحهم لسانا و
روشن ترین ایشان از روی بیان وخوشگوترین ایشان از روی زبان و
اظهرهم سلطانا
ظاهرترین ایشان از روی دلیل

الحزب الرابع فی یوم الخمیس

اللهم صل علی محمد عبدك ورسولك
خدایا درود بفرست بر محمد که بنده گشته وفرستاده گشته
النبی الامی وعلی آل محمد اللهم
که پیغمبر ناخوانده وناونویسنده است وبر آل محمد خدایا
صل علی محمد وعلی آل محمد صلوة
درود بفرست بر محمد وبر آل محمد درودی که

گفت یار او

بنزد وی روی ترازو است پس گفت بنه او را وزن

کن او را با یک مرد از امت او پس وزن

کرده شدم من بان مرد وبیش آمدم وچیره

شدم پس گفت وزن کن او را با ده

مرد پس وزن کرده شدم من با ده مرد و

بیشی گرفتم من از ایشان ودیگر

گفت وزن کن او را با صد مرد پس

وزن کرده شدم پس غالب آمدم

پس گفت وزن کن او را با هزار مرد پس

وزن کرده شدم پس غالب آمدم ... پس

گفت ... از آن هزار

وزن کن ... پس ... برابر خود را

... ترازو

... است

شروع حزب الرابع چهارم روز پنجشنبه

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

تکون

قوله تکون لك رضی
بجور است این درود در قوت القلوب
واحیاء العلوم باختلاف در بعضی الفاظ
وآخر آن یا ارحم الراحمین است و در
مطالع المسرات از شیخ ابو طالب مکی
نقل کرده که هر که خواند این درود را هفت
جمعه و در هر جمعه هفت بار واجب میشود
برای او شفاعت پیغمبر صلی الله علیه وآله
وسلم ۱۲

تَكُونُ لَكَ رِضًى وَّلَهُ جَزَآءً وَّلِحَقِّهٖ اَدَآءً
باشد برای تو خشنودی وبرای او پاداش وبرای حق او ادائی
وَّاَعْطِهِ الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ وَالْمَقَامَ
وبده اورا منزل عالی در بهشت وبزرگی ومقام
الْمَحْمُوْدَ الَّذِيْ وَعَدْتَّهٗ وَاجْزِهٖ عَنَّا مَا
ستوده شده است که وعده کرده تو اورا وپاداش ده اورا از ما آن چیزیکه
هُوَ اَهْلُهٗ وَاجْزِهٖ اَفْضَلَ مَا جَازَيْتَ نَبِيًّا
او سزاوار اوست وپاداش ده اورا بهترین آنچه که پاداش داده تو پیغمبری را
عَنْ قَوْمِهٖ وَرَسُوْلًا عَنْ اُمَّتِهٖ وَصَلِّ عَلٰى
از قوم او ورسولی را از امت او ودرود فرست بر
جَمِيْعِ اِخْوَانِهٖ مِنَ النَّبِيِّيْنَ وَالصَّالِحِيْنَ
همه برادران او از پیغمبران ونیکوکاران
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فَضَائِلَ صَلَوَاتِكَ
ای بخشاینده ترین بخشایندگان خدایا گردان درودهای خودرا که بزرگند
وَشَرَائِفَ زَكَوَاتِكَ وَنَوَامِيَ بَرَكَاتِكَ وَعَوَاطِفَ
وبزرگترین بخروخوبی خودرا وافزاینده برکتهای خودرا ومهربانیها
رَاْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَتَحِيَّتِكَ وَفَضَائِلَ
بخشایش خودرا ونیکوئی خودرا وسلام خودرا وبزرگترین

قوله
افضل ما جازیت
نبیا
در بعضی نسخه آمده بجزیت
بی الف بعد از جیم دوجه
جزای پیغمبران
از امت
در
آخر حزب دوم
مذکور شد
۱۲

فی یوم الخمیس

قوله
اللهم اجعل
فضائل الخ
این
درود در احیاء العلوم
وقوت القلوب مذکور است
با چیزی تفاوت
وآخر او
یا رب
العالمین است ۱۲
۱۲

قوله فاتح البر ای بگشاینده دروازه احسان بر همه کسان در هر دو جهان ۱۲

قوله نبی الرحمة لطیف حق تعالی باران را رحمت گفت ۱۲ یرسل الریاح بشرا بین یدی رحمته

آلائك على محمد سيد المرسلين و رسول رب

نعمتهای خود را بر محمد سردار پیغمبران و فرستاده شده پروردگار

العالمين قائد الخير و فاتح البر و نبي الرحمة و

عالمیان کشنده بر خوبی و نیکوئی و گشاینده دروازه احسان و پیغمبر صاحب بخشایش و

سيد الأمة اللهم ابعثه مقاما محمودا

بهتر و مهتر امت خدایا برانگیز اورا در مقامیکه ستوده شده است

تزلف به قربه و تقر به عينه يغبطه

که نزدیک گردانی تو بسبب آن منزلت اورا و شاد گردانی بسبب آن چشم اورا که رشک برند

به الأولون و الآخرون اللهم أعطه

اورا بسبب آن مقام پیشینیان و پسینیان خدایا بده اورا

الفضل و الفضيلة و الشرف و

افزونی رتبه و بزرگی و شرف و

الوسيلة و الدرجة الرفيعة و المنزلة

منزل عالی در بهشت و پایه بلند و جای

الشامخة اللهم أعط محمدا الوسيلة

سرافراز خدایا بده محمد را منزل عالی در بهشت

و بلغه مأموله و اجعله أول شافع

و برسان اورا مراد اورا و گردان اورا پیش از همه شفاعت کننده

قوله و الفضيلة قوله بلغه ...

وَاَوَّلَ مُشَفَّعٍ اَللّٰهُمَّ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَثَقِّلْ

وپیش از همه شفاعت قبول کرده شده خدایا بزرگ گردان دلیل اورا وگران کن

مِيزَانَهُ وَاَبْلِجْ حُجَّتَهُ وَارْفَعْ فِي اَهْلِ

ترازوی اورا وظاهر گردان دلیل اورا وبلند گردان در ساکنان

عِلِّيِّينَ دَرَجَتَهُ وَفِي اَعْلَى الْمُقَرَّبِينَ

بلند ترین مرتبه اورا ودر برترین نزدیکان خود

مَنْزِلَتَهُ اَللّٰهُمَّ اَحْيِنَا عَلَى سُنَّتِهِ وَتَوَفَّنَا

مرتبه اورا خدایا زنده دار مایانرا بر طریقه او وبمیران مایان را

عَلَى مِلَّتِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ اَهْلِ شَفَاعَتِهِ

بر دین او وگردان مایانرا از آنانکه سزاوار شفاعت او بیند

وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَاَوْرِدْنَا حَوْضَهُ

ومحشور گردان مایان را در گروه وی وفرود آر مایان را بر حوض وی

وَاَسْقِنَا مِنْ كَاْسِهِ غَيْرَ خَزَايَا وَلَا نَادِمِينَ

وبنوشان مایانرا از آب آن حوض از جام او در حالیکه رسوا کرده نشویم وپشیمان شده نباشیم

وَلَا شَاكِّينَ وَلَا مُبَدِّلِينَ وَلَا مُغَيِّرِينَ

وشک کننده نباشیم وتبدیل کننده نباشیم وتغیر دهنده نباشیم

وَلَا فَاتِنِينَ وَلَا مَفْتُونِينَ اٰمِينَ يَا رَبِّ

وگمراه کننده نباشیم وگمراه شده نباشیم چنین باد ای پروردگار

الْعَالَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ

عالمیان خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ وَّاَعْطِهِ الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ وَ

محمد و بده اورا منزل عالی و بهشت و برتری و

الدَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُوْدَ

و پایهٔ بلند و برانگیز اورا بمقام ستوده شده

الَّذِيْ وَعَدْتَهٗ مَعَ اِخْوَانِهِ النَّبِيِّيْنَ صَلَّى

که وعده کردهٔ تو اورا با برادرهای او که پیغمبرانند درود فرستد

اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ نَّبِيِّ الرَّحْمَةِ وَسَيِّدِ الْاُمَّةِ وَ

خدا بر محمد پیغمبر صاحب بخشایش و سردار امت و

عَلٰى اَبِيْنَا اٰدَمَ وَاُمِّنَا حَوَّآءَ وَمَنْ وَّلَدَا مِنَ

بر پدر مایان آدم را و مادر مایان حوا و کسیکه زائید ازین دو از

النَّبِيِّيْنَ وَالصِّدِّيْقِيْنَ وَالشُّهَدَآءِ وَ

پیغمبران و راستگاران و کشتگان در راه خدا و

الصَّالِحِيْنَ وَصَلِّ عَلٰى مَلٰٓئِكَتِكَ اَجْمَعِيْنَ

نیکوکاران و درود بفرست بر فرشتگان تو همه

مِنْ اَهْلِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرَضِيْنَ وَعَلَيْنَا

از باشندگان آسمان ها و زمین ها و بر مایان

قوله والارضين قال الشيخ بفتح الراء مع

قوله معهم یعنی با آنها که مذکور شدند ۱۲
قوله صغیرا یعنی والدین آن است که آنرا پرورش کنند
ایشان را بهشت رسان الخ
قوله الاحیاء منهم والاموات یعنی
روایت کرده است طبرانی کبیر
استغفار میکنند برای مردان و زنان
از اهل ایمان ۱۲ قوله تابع بکسر باء
تعالی الشهادة ۱۲ قوله بیننا و بینهم
نیکوئی ۱۲ قوله تابع الخ
سکون عین ۱۲ قوله از برای ایشان
سرداران مایان را ابن دیباچه
یعنی بزرگوار ۱۲ العظیم بیان
قوله العلی ۱۲
کتاب گذشت ۱۲ تمام شد نیمه کتاب از
قوله من خطبة تا اینجا ۱۲
ابتدای دیباچه تا اینجا ۱۲

فی یوم الخمیس

معهم یا ارحم الراحمین اللهم اغفر لی ذنوبی

با آنها ای بخشاینده ترین بخشایندگان خدایا بیامرز مرا گناهان مرا

ولوالدی وارحمهما کما ربیانی صغیرا

و مر پدر و مادر مرا و ببخشای ایشان را همچنانکه تربیت کردند آن پرورد مرا در حالتیکه خورد بودم

ولجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین

و بر همه مردان ایمان داران را و زنان فرمان برنده را و مردان اهل اسلام را

والمسلمات الاحیاء منهم والاموات وتابع

و زنان مسلمانانرا زندگانرا از ایشان و مردگانرا و پیروی گردان

بیننا وبینهم بالخیرات رب اغفر وارحم و

درمیان مایان و درمیان ایشان در کارهای نیک ای پروردگار من بیامرز و ببخش و

انت خیر الراحمین ولا حول ولا قوة الا بالله

تو بهترین بخشایندگانی و نیست باز ماندن از گناه و نه توانائی بر کار نیک مگر بتوفیق

العلی انتهی النصف العظیم

خدایکه برتر و بزرگ است

الاول من خطبة الکتاب

اللهم صل علی سیدنا محمد نور الانوار

خدایا درود فرست بر سردار مایان محمد که روشنی همه روشنیهاست

قوله نور الانوار
نور ای ظاهری و باطنی همه از نور او پیدا شد
و در روایت آمده چون آنحضرت صلی
الله علیه و آله و سلم در روشنی آفتاب
و مهتاب و یا در روشنی چراغ برآمدی
نور او بر نور آنها غالب گشتی و ازان
وقت مبارک آنحضرت را سایه نبود

نظم

تا نه افتد سایه او بر زمین
کو بهم راست بنیاد ظلمت و نور
ازان باشد که نامد سایه او

اگر چه حسن فروشان بجلوه آمده اند
کسی بحسن ملاحت بیار ما نرسد

وَسِرِّ الْأَسْرَارِ وَسَيِّدِ الْأَبْرَارِ وَزَيْنِ

و راز همه رازهای الهی است و سرور نیکوکاران است و زیبایش

الْمُرْسَلِيْنَ الْأَخْيَارِ وَأَكْرَمِ مَنْ أَظْلَمَ عَلَيْهِ

پیغمبران نیکوکاران و برگزیدگان است و بزرگترین کسیکه تاریک شده است بروی

اللَّيْلُ وَأَشْرَقَ عَلَيْهِ النَّهَارُ عَدَدَ مَا نَزَلَ

شب و روشن شده است بروی روز بشمار چیزیکه فرود آمده است

مِنْ أَوَّلِ الدُّنْيَا إِلَى آخِرِهَا مِنْ قَطْرِ الْأَمْطَارِ

از ابتدای دنیا تا آخر آن از قطرهای باران

وَعَدَدَ مَا نَبَتَ مِنْ أَوَّلِ الدُّنْيَا إِلَى آخِرِهَا

و بشمار چیزیکه رسته است از اول دنیا تا آخر آن

مِنَ النَّبَاتِ وَالْأَشْجَارِ صَلٰوةً دَائِمَةً بِدَوَامِ

از سبزها و درختان درود دیگر همیشه باشند بر همیشگی

مُلْكِ اللّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

ملک خداوند یگانه غالب بر همه است خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلٰوةً تُكْرِمُ بِهَا مَثْوَاهُ وَ

بهتر و مهتر مایان محمد درود دیگر بزرگ گردانی تو بسبب آن جای بودن او را و

تُشَرِّفُ بِهَا عُقْبَاهُ وَتُبَلِّغُهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

بلند گردانی بسبب آن آخرت او را و برسانی تو او را بسبب آن روز قیامت

الحزب الرابع

قوله اظلم علیه اللیل یعنی پنهان شد زمین ۱۲

قوله تکرم بها در مطالع المسرات آورده که خواندن این درود یکبار برابر هزار بار است ۱۲

حاشیه متعلق صفحه ۱۳۶ و بعده الی لفظ
قال الشیخ جاء الرحمة قال الشیخ جاء
الکاملات الثلث ان ترکیبه وقع فی المهلکة
رجل نقل ان هذه الصلوة ویکبر رجاء
فملکه الرحمة فوقع النفرق حتی نجاء منکبه
انتهی ۱۲

قوله مناه ورضاه وقیقه حضرت امام محمد باقر ... ورضی است ... ولیسوف یعطیک ربک فترضی ... ای محمد ... رسول صلی الله علیه وآله ... است ...

مَنَّاهُ وَرِضَاهُ هٰذِهِ الصَّلٰوةُ تَعْظِيْمًا لِحَقِّكَ

مراد او را وخشنودی او را این درود از بهر بزرگ داشتن مر حق تراست

يَا سَيِّدَنَا مُحَمَّدُ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

ای سرور ما یان محمد بگو این سه بار خدایا درود بفرست بر رئیس ما یان محمد

حَاءِ الرَّحْمَةِ وَمِيْمَيِ الْمُلْكِ وَدَالِ الدَّوَامِ

که لفظ حا که در اسم اوست اشاره بجانب رحمتست ودو میم آن اشاره بسوی میم ملک دنیا وملک آخرتست ودال آن اشاره

اَلسَّيِّدِ الْكَامِلِ الْفَاتِحِ الْخَاتِمِ عَدَدَ مَا فِيْ

سردار کامل کشاینده ابواب خیر ختم پیغمبران بشمار چیزیکه در

عِلْمِكَ كَائِنٌ اَوْ قَدْ كَانَ كُلَّمَا ذَكَرَكَ وَ

علم تست که پیدا خواهد شد یا آنکه پیدا شده است هرگاه یاد کنند ترا و

ذَكَرَهُ الذَّاكِرُوْنَ وَكُلَّمَا غَفَلَ عَنْ ذِكْرِكَ

یاد کنند او را یاد کنندگان وهرگاه غفلت ورزند از یاد تو

وَذِكْرِهِ الْغَافِلُوْنَ صَلٰوةً دَائِمَةً بِدَوَامِكَ

ویاد او غافلان درودی که همیشه باشد بر همیشگی تو

بَاقِيَةً بِبَقَائِكَ لَا مُنْتَهٰى لَهَا دُوْنَ عِلْمِكَ

پاینده بود بپایندگی تو نهایت ما یان مر آن درود را بجز دانستن تو

اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ

بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی بگو این سه بار خدایا درود بفرست

چه نام است اینکه در دیوان بستی بوده ونگرفته نام پیش وپستی ... فایده جائز است در آخر لفظ حا ضمه وفتحه وکسره وهمچنین در آخر دال ...

عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَعَلٰى اٰلِ

بر بهتر وبهتر مایان محمد که پیغمبر ناخوانده وناونیسنده است وبر آل

مُحَمَّدٍ الَّذِيْ هُوَ اَبْهٰى شُمُوْسِ الْهُدٰى

محمد که او زیباترین آفتاب های رهنمائی است

نُوْرًا وَّاَبْهَرُهَا وَاَسْيَرُ الْاَنْبِيَاءِ فَخْرًا وَّ

از روی روشنی وغالب ترین آنهاست وسیر کننده ترین پیغمبران است از روی بزرگی و

اَشْهَرُهَا وَنُوْرُهٗ اَزْهَرُ اَنْوَارِ الْاَنْبِيَاءِ وَ

مشهور ترین آنهاست ونور او روشن ترین نورهای پیغمبران است

اَشْرَفُهَا وَاَوْضَحُهَا وَاَزْكَى الْخَلِيْقَةِ اَخْلَاقًا

برترین نورهاست وروشن ترین آنهاست وپاکترین آفریدگان است از روی خویهای نیک

وَّاَطْهَرُهَا وَاَكْرَمُهَا خَلْقًا وَّاَعْدَلُهَا اَللّٰهُمَّ

وپاکترین آنها وبزرگترین آنها از روی صورت ظاهر ودرست ترین آنها خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَعَلٰى

درود بفرست بر سردار مایان محمد که پیغمبر ناخوانده وناونیسنده است وبر

اٰلِ مُحَمَّدٍ الَّذِيْ هُوَ اَبْهٰى مِنَ الْقَمَرِ التَّامِّ

آل محمد که او زیباتر است از ماه کامل

وَاَكْرَمُ مِنَ السَّحَابِ الْمُرْسَلَةِ وَالْبَحْرِ

وبخشاینده تر از ابر فرستاده شده است ودریای

قوله الخطم

الخطم اللهم صل علی سیدنا محمد النبی

بزرگ وکلان خدایا درود بفرست بر سرور ما یان محمد که پیغمبری که

الامی وعلی آل محمد الذی قرنت البرکة

ناخوانده وناںویسنده است وبر آل محمد که نزدیک کرده شده است افزونی خیر وخوبی

بذاته ومحیاه وتعطرت العوالم بطیب

بذات پاک او وبروی مبارک او خوشبوی گرفت همه جهانیان بخوشبوی

ذکره وریاه اللهم صل علی محمد وعلی آله

یاد او وخوشبوئی او خدایا درود بفرست بر محمد وبر آل او

وسلم اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد و

وسلام بفرست خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد و

بارک علی محمد وعلی آل محمد وارحم محمدا وآل

برکت ده بر محمد و بر آل محمد و رحمت کن محمد را وآل

محمد کما صلیت وبارکت وترحمت علی ابرهیم

محمد را چنانچه درود فرستاده تو وبرکت داده تو ورحم کرده تو بر ابراهیم

وعلی آل ابرهیم انک حمید مجید اللهم

وبر آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری خدایا

صل علی محمد عبدک ونبیک ورسولک

درود بفرست بر محمد که بنده تست وپیغمبر تست وفرستاده شده تست

قوله اللهم صل علی محمد وعلی آله وسلم

فایده

اللهم صل علی سیدنا محمد وعلی آله وسلم

قوله
ملاء بکسر میم
١٢

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ

بر درود بفرست خدایا بر آل محمد است و ناخواننده و نانویسنده پیغمبر که

وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ مِّلْاَءَ الدُّنْيَا وَمِلْاَءَ مُحَمَّدٍ

و پرے دنیا پری باندازه محمد آل بر و محمد

الْاٰخِرَةِ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ مِّلْاَءَ

آخرت و برکت ده بر محمد و بر آل محمد باندازه پری

الدُّنْيَا وَمِلْاَءَ الْاٰخِرَةِ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَّاٰلَ

دنیا و پرے آخرت و رحمت کن محمد را و آل

مُحَمَّدٍ مِّلْاَءَ الدُّنْيَا وَمِلْاَءَ الْاٰخِرَةِ وَاجْزِ مُحَمَّدًا

محمد را باندازه پری دنیا و پری آخرت و مزد و جزا داش ده محمد را

وَّاٰلَ مُحَمَّدٍ مِّلْاَءَ الدُّنْيَا وَمِلْاَءَ الْاٰخِرَةِ وَسَلِّمْ

و آل محمد را باندازه پری دنیا و پری آخرت و سلام بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ مِّلْاَءَ الدُّنْيَا وَمِلْاَءَ

بر محمد و بر آل محمد باندازه پری دنیا و پرے

الْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا اَمَرْتَنَا

آخرت خدایا درود بفرست بر محمد چنانچه حکم کرده تو مایا نرا

اَنْ نُّصَلِّيَ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا يَنْبَغِيْ

آنکه درود فرستیم ما براو و درود بفرست بر محمد چنانکه سزاوار است

الحزب الرابع

قوله
ملاء الدنیا
و ملاء الاخرة
این مبالغه است در بزرگی درود
یعنی اگر اعتبار کرده
شود
درود
را
مقدار تن دار
که هر دو جهان پر بآن شوند
زیرا که پرساختن
خاص
بچیزهای تن دار
است
١٢

قوله ان یصلی در بعضی نسخ اینجا
نوشته اند هذا النصف علی التحقیق یعنی
این است نیمه کتاب از ابتدای دیباچه
بتحقیق ۱۲ قوله اکرم الاسلاف
مراد از اسلاف پیغمبران اند علیهم الصلوة والسلام
قوله بالعدل والانصاف

اَنْ یُّصَلِّیْ عَلَیْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی نَبِیِّكَ

که درود فرستاده شود براو خدایا درود بفرست بر پیغمبر خود

الْمُصْطَفٰی وَرَسُوْلِكَ الْمُرْتَضٰی وَوَلِیِّكَ

که برگزیده شده است و فرستادهٔ خود که پسندیده دوست خود

الْمُجْتَبٰی وَاَمِیْنِكَ عَلٰی وَحْیِ السَّمَاۤءِ اَللّٰهُمَّ

که چیده شده است و اهل امانت خود بر وحی که فرود آمده است از آسمان خدایا

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ اَکْرَمِ الْاِسْلَافِ الْقَاۤئِمِ

درود بفرست بر محمد که بزرگترین گذشتگان است استاده

بِالْعَدْلِ وَالْاِنْصَافِ الْمَنْعُوْتِ فِیْ

براستی و درستی و جدا کردن حق از باطل ستوده شده در

سُوْرَةِ الْاَعْرَافِ الْمُنْتَخَبِ مِنْ اَصْلَابِ

سورهٔ اعراف چیده شده از صلبهاے

الشِّرَافِ وَالْبُطُوْنِ الظِّرَافِ الْمُصَفّٰی

بزرگان و شکمهای پاکیزه و نیکو صاف کرده شده

مِنْ مُصَاصِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ عَبْدِ

از خلاصهٔ عبد المطلب که پسر عبد

مَنَافٍ الَّذِیْ هُدِیْتَ بِهٖ مِنَ الْخِلَافِ

مناف است آن محمدی که راه نموده شدی تو بسبب وی باز از خلاف

وَبَيَّنْتَ بِهِ سَبِيْلَ الْعَفَافِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

وظاهر و روشن ساختی بسبب وی راه پاکی خدایا بدرستیکه

اَسْئَلُكَ بِاَفْضَلِ مَسْئَلَتِكَ وَبِاَحَبِّ

من سوال میکنم ترا بوسیله بزرگترین چیزیکه سوال کرده میشوی تو بدان و بوسیله دوست ترین

اَسْمَائِكَ اِلَيْكَ وَاَكْرَمِهَا عَلَيْكَ وَبِمَا

نامهاے خود بسوی تو و بزرگترین آن نامها نزد تو و بوسیله

مَنَنْتَ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَّبِيِّنَا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

احسان کردن تو بر مایان بفرستادن محمد که پیغمبر مایان است درود بفرستد خدای بروے

وَسَلَّمَ فَاسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ

و سلام فرستد پس خلاص کردی تو مایان را بسبب وی از گمراهی و

اَمَرْتَنَا بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِ وَجَعَلْتَ صَلٰوتَنَا

فرمودی تو مایان را بفرستادن درود بروے و گردانیدی درود فرستادن مایان

عَلَيْهِ دَرَجَةً وَّكَفَّارَةً وَّلُطْفًا وَّمَنًّا مِّنْ

بروے مرتبه بزرگی و سبب نابود کردن گناهان و سبب مهربانی و احسان از

اِعْطَائِكَ فَادْعُوْكَ تَعْظِيْمًا لِّاَمْرِكَ وَ

نوازش و احسان خود پس دعا میکنم ترا از برای بزرگ داشتن فرموده تو و

اِتِّبَاعًا لِّوَصِيَّتِكَ وَمُنْتَجِزًا لِّمَوْعُوْدِكَ

برای پیروی کردن عهد و پیمان تو و در حالیکه طالب وفا ام از تو مروعده ترا

قوله اللّٰهم انی اسئلك این درود تا قول او لحیم منسوب است بسوی علی بن عبد الله ابن عباس رضی الله تعالی عنهم که بخواند این درود را بعد از نماز شب ۱۲ والله اعلم

قوله وباحب اسمائك الیك یعنی آن نامهای که نزد تو دوست ترست و آن اسم اعظم است ۱۲

قوله من الضلالة یعنی از گمراهی کفر و جهل ۱۲

قوله درجة یعنی گردانیدی فرستادن درود ما یان را برای رتبه بزرگی برای ما یان ۱۲

قوله لطفا یعنی بسبب مهربانی تو بر ما یان ۱۲

قوله منا یعنی بفتح میم و تشدید نون یعنی بسبب احسان و انعام تو بر ما یان ۱۲

قوله من اعطائك یعنی گردانیدی درود را بسبب بخشش و احسان ۱۲ وصف بنوازش اعطائك

قوله تعظیما لامرك یعنی از برای بزرگ داشتن فرمودن تو بفرستادن درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم ۱۲

قوله لموعودك یعنی آنچه وعده فرموده بر فرستادن درود از رتبه و سرفرازی از ثواب آن را تمام ساختی تو ۱۲

لما يجب لنبينا صلى الله عليه وسلم في

از براي چيزيكه لازمست بر مايان مر پيغمبر مايانرا درود فرستد خدا بروي وسلام فرستد در

اداء حقه قبلنا اذ امنا به وصدقناه

اداساختن حق او كه نزد ماياسنت از بهر آنكه گرويده ايم مايان باو وراست گو داشته ايم او را

واتبعنا النور الذي انزل معه وقلت

و پيروي كرديم نوري را كه فرو فرستاده شده است باو و گفتي تو

ان الله وملئكته يصلون على النبي

بدرستيكه خدا و فرشتگان او درود ميفرستند بر پيغمبر

يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا

اي آن كسانيكه گرويده ايد درود بفرستيد بروي و سلام فرستيد

تسليما وامرت العباد بالصلوة على

سلام فرستادني و فرمودي تو بندگان را بفرستادن درود بر

نبيهم فريضة افترضتها وامرتهم بها

پيغمبر ايشان در حاليكه فرض ساخته شده است چنين فريضه كه لازم كرده تو او را و فرموده تو ايشانرا باو نيز

فنسئلك بجلال وجهك ونور عظمتك وبما

پس سوال ميكنم ترا بوسيله بزرگي ذات تو و روشني بزرگي تو و بوسيله چيزيكه

اوجبت على نفسك للمحسنين ان تصلي انت

لازم كرده تو بر ذات خود مر محسنين را آنكه درود فرستي تو

قوله اذ امنا به يعني لازم است حق او بر مايان ...

قوله لنبينا محمد

قوله افترضتها يعني چنين فريضه كرده تو ...

قوله وقلت وقولك الحق

قوله اللهم عليهم

قوله فلنسئلك در بعضي نسخ زياده اللهم

قوله ونور عظمتك

قوله للمحسنين

قوله عبدك ورسولك ونبيك وصفيك ... قوله وخيرتك ... قوله واكرم مقامه ... مقام محمود است ... قوله وابلج حجته ... قوله واظهر ملته ... دین او را غالب گردان

وَمَلٰئِكَتِكَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ وَ

و فرشتگان تو بر محمد که بنده تست و فرستاده تست و

نَبِيِّكَ وَصَفِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَفْضَلَ

پیغمبر تست و خلاصه تست و برگزیده تست از آفریدگان تو برترین درودی

مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِّنْ خَلْقِكَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ

که فرستاده باشی بر هیچ یکی از آفریدگان خود بدرستیکه تو ستوده شده

مَجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهٗ وَاَكْرِمْ مَقَامَهٗ

بزرگواری خدایا بلند گردان مرتبه اورا و بزرگ گردان جای ایستادن اورا

وَثَقِّلْ مِيْزَانَهٗ وَاَبْلِجْ حُجَّتَهٗ وَاَظْهِرْ مِلَّتَهٗ

و گران گردان ترازوی اورا و روشن گردان دلیل اورا و ظاهر گردان دین اورا

وَاَجْزِلْ ثَوَابَهٗ وَاَضِئْ نُوْرَهٗ وَاَدِمْ كَرَامَتَهٗ

و بزرگ گردان مزد و پاداش اورا و درخشان گردان نور اورا و همیشه دار بزرگی اورا

وَاَلْحِقْ بِهٖ مِنْ ذُرِّيَّتِهٖ وَاَهْلِ بَيْتِهٖ مَا تَقَرُّ

و در رسان باو از ذریت او و اهل بیت او چیزیکه سرد کنی و شاد گردانی

بِهٖ عَيْنَهٗ وَعَظِّمْهُ فِى النَّبِيِّيْنَ الَّذِيْنَ

بسبب آن چشم اورا و بزرگ گردان اورا در پیغمبرانی که

خَلَوْا قَبْلَهٗ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا اَكْثَرَ

گذشتند پیش از وی خدایا گردان محمد را بسیار ترین

قوله واضئ نوره درخشان و فروزان گردان نور ذات مبارک او را در عرصه قیامت ... قوله وادم ... قوله ما تقر به عينه ... آنحضرت صلى الله عليه وسلم ...

النَّبِيِّينَ تَبَعًا وَأَكْثَرَهُمْ أَزْرَاءً وَأَفْضَلَهُمْ

پیغمبران از روی پیروان و بیشترین آنها از روی وزیران و بزرگترین آنها

كَرَامَةً وَنُورًا وَأَعْلَاهُمْ دَرَجَةً وَأَفْسَحَهُمْ فِي

از روی بزرگی و روشنی و بلند ترین آنها از روی درجه و فراخ ترین آنها در

الْجَنَّةِ مَنْزِلًا اللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِي السَّابِقِينَ

بهشت از روی مکان خدایا گردان در پیشی گرفتگان

غَايَتَهُ وَفِي الْمُنْتَخَبِينَ مَنْزِلَهُ وَفِي الْمُقَرَّبِينَ

نهایت اورا و در برگزیدگان جای اورا و در نزدیکان

دَارَهُ وَفِي الْمُصْطَفَيْنَ مَنْزِلَهُ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ

محل اورا و در برگزیدگان جای اورا خدایا گردان اورا

أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ عِنْدَكَ مَنْزِلًا وَأَفْضَلَهُمْ ثَوَابًا

بزرگترین بزرگان نزد خود از روی مرتبه و بزرگترین ایشان از روی پاداش

وَأَقْرَبَهُمْ مَجْلِسًا وَأَثْبَتَهُمْ مَقَامًا وَأَصْوَبَهُمْ

و نزدیکترین ایشان از روی جانشستن و استوارترین ایشان از روی جای ایستادن و درست ترین ایشان

كَلَامًا وَأَنْجَحَهُمْ مَسْئَلَةً وَأَفْضَلَهُمْ لَدَيْكَ

از روی سخن کردن و ظفر یابنده ترین ایشان در هر حاجتی از روی سوال و افزون ترین ایشان نزد تو

نَصِيبًا وَأَعْظَمَهُمْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَةً وَأَنْزِلْهُ

از روی بهره یافتن و بزرگترین ایشان در آنچیزیکه نزد تست از روی خواهش و فرود آر

فِي غُرُفَاتِ الْفِرْدَوْسِ مِنَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى

در بالاخانهای فردوس که از بلندترین درجهها اند

الَّتِي لَا دَرَجَةَ فَوْقَهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا أَصْدَقَ

که نیست درجه بالای آنها خدایا گردان محمد را راستگوترین

قَائِلٍ وَأَنْجَحَ سَائِلٍ وَأَوَّلَ شَافِعٍ وَأَفْضَلَ مُشَفَّعٍ

بر سخن گوینده و ظفریاب ترین مطلوب از سوال کننده و اولین همه شفاعت کننده و بزرگترین بر شفاعت

وَشَفِّعْهُ فِي أُمَّتِهِ بِشَفَاعَةٍ يَغْبِطُهُ بِهَا الْأَوَّلُونَ

و قبول کن شفاعت او را در حق امت و بشفاعتی که رشک برند او را بسبب آن شفاعت پیشینیان

وَالْآخِرُونَ وَإِذَا مَيَّزْتَ عِبَادَكَ بِفَصْلِ

و پسینیان وقتی که جدا کنی تو از یکدیگر بندگان خود را بسبب حکم کردن خود که

قَضَائِكَ فَاجْعَلْ مُحَمَّدًا فِي الْأَصْدَقِينَ قِيلًا

جدا کننده است پس گردان محمد را در راستگویان از روی سخن گفتن

وَالْأَحْسَنِينَ عَمَلًا وَفِي الْمَهْدِيِّينَ سَبِيلًا اللَّهُمَّ

و نیکوتران از روی عمل و در راه نموده شدگان از روی طریق دین خدایا

اجْعَلْ نَبِيَّنَا لَنَا فَرَطًا وَاجْعَلْ حَوْضَهُ لَنَا مَوْعِدًا

گردان پیغمبر ما را برای ما پیش رو و گردان حوض او را برای ما جای وعده

لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا اللَّهُمَّ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ

برای کسی که پیش رفته است از ما و کسی که پس مانده است از ما خدایا جمع گردان ما را در گروه او

قوله في غرفات الفردوس یعنی در بالاخانها و درجهای بلند فردوس

قوله العلى ... بلندترین درجات بهشت است

قوله التي لا درجة فوقها یعنی آن درجه‌ای که نیست درجه بالا ...

قوله اصدق قائل یعنی راستگوترین سخن گوینده ...

قوله وشفعه ...

قوله بفصل قضائك ...

قوله والاصدقين قيلا ...

قوله فرطا ...

قوله اللهم احشرنا ...

واستعملنا في سنته وتوفنا على ملته وعرفنا

و گردان مایان را کار کنندگان در طریق وی ذیران مایانرا بر دین وی و شناسان مایانرا

وجهه واجعلنا في زمرته وحزبه اللهم اجمع

روی مبارک وی و گردان مایانرا در گروه وی و لشکر پیروان وی خدایا فراهم آر

بيننا وبينه كما امنا به ولم نره ولا تفرق

در میان مایان و درمیان او چنانچه گرویدیم مایان بوی وحالانکه ندیده ایم مایان اورا و جدائی مینداز

بيننا وبينه حتى تدخلنا مدخله وتوردنا

در میان مایان و درمیان او تا آنکه در آری مایانرا در جای در آمدن وی و فرود آری مایانرا

حوضه وتجعلنا من رفقائه مع المنعم

حوض ویرا و گردانی مایان را از جملهٔ همراهان وی در حالتیکه باشیم مایان با کسانی که انعام کرده

عليهم من النبيين والصديقين والشهداء

بر آنها که از پیغمبران اند و راستگارانند و کشتگان در راه خدا

والصالحين وحسن اولئك رفيقا الحمد

و نیکوکارانند و چه نیکو اند این گروه همنشینان ستایش سزاوار است

لله رب	ابتداء الربع	العالمين
خدایرا که پروردگار		عالمیان است

الثالث من النصف الآخر

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ نُوْرِ الْهُدٰى وَالْقَآئِدِ

خدایا درود بفرست بر محمد که روشنی رهنمائیست وکشنده است از پیش

اِلَى الْخَيْرِ وَالدَّاعِىْ اِلَى الرُّشْدِ نَبِىِّ الرَّحْمَةِ

بسوی بر خیر وخوبی وخواننده است بسوی راه راست پیغمبر صاحب بخشایش

وَاِمَامِ الْمُتَّقِيْنَ وَرَسُوْلِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ لَا

وپیشوای پرهیزگاران وفرستاده پروردگار عالمیان درحالیکه نیست

نَبِىَّ بَعْدَهٗ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ

پیغمبری بعد وی چنانچه رساننده پیغام احکام ترا وپند داد به بندگان ترا

وَتَلَا اٰيَاتِكَ وَاَقَامَ حُدُوْدَكَ وَوَفٰى بِعَهْدِكَ

وخواند آیتهای ترا وبرپا گردانید احکام ترا وتمام کرد پیمان ترا

وَاَنْفَذَ حُكْمَكَ وَاَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَنَهٰى عَنْ

وروان کرد فرموده ترا وحکم کرد بفرمان تو را ومنع کرد از

مَعْصِيَتِكَ وَوَالٰى وَلِيَّكَ الَّذِىْ تُحِبُّ

نافرمانی تو ودوست داشت دوست ترا که دوست میداری تو

اَنْ تُوَالِيَهٗ وَعَادٰى عَدُوَّكَ الَّذِىْ تُحِبُّ

آنکه دوست داری تو اورا اودشمن داشت دشمن ترا که دوست میداری تو

اَنْ تُعَادِيَهٗ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ

آنکه دشمن داری تو اورا ودرود فرستد خدای بر محمد خدایا

قوله في الاجساد يعني در تن ها
نزديكان وبرگزيدگان خود يعني خاص گردانيدي
اورا از ميان آنها بدرودي كه امتياز دهد
اورا از آن ها واين قياس است يعني
سبب اين ١٢ قوله في المواقف
در ميان جاي هاي استادن ودوستان
خود يعني خاص گردان مكان اورا به فرستادن
رحمت خاصه بر آن ١٢ قوله في المشاهد
در مكان هاي حضور مقربان خود لطيفه
جاي كه محبوب خداي پاي مبارك خود نهاده
ديار نظر فيض منظر ورباي رحمت خود

صَلِّ عَلٰى جَسَدِهٖ فِى الْاَجْسَادِ وَعَلٰى رُوْحِهٖ

درود بفرست بر تن پاك او در تن ها و بر جان پاك او

فِى الْاَرْوَاحِ وَعَلٰى مَوْقِفِهٖ فِى الْمَوَاقِفِ وَ

در جان ها و بر جا ايستادن او در جاها و

عَلٰى مَشْهَدِهٖ فِى الْمَشَاهِدِ وَعَلٰى ذِكْرِهٖ اِذَا

بر جاي حاضر بودن وي در مكان هاي حضور و بر ياد كردن او وقتي كه

ذُكِرَ صَلٰوةً مِنَّا عَلٰى نَبِيِّنَا اَللّٰهُمَّ اَبْلِغْهُ

ياد كرده شود درود فرستادني از ما يان بر پيغمبر ما يان خدايا برسان اورا

مِنَّا السَّلَامَ كَمَا ذُكِرَ السَّلَامُ وَالسَّلَامُ عَلَى

از ما يان سلام چنانچه ذكر كرده شده است سلام و سلام باد بر

النَّبِيِّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ تَعَالٰى وَبَرَكَاتُهٗ اَللّٰهُمَّ

پيغمبر و رحمت خداي كه برتر است و افزوني هاي خوبي خدايا

صَلِّ عَلٰى مَلٰئِكَتِكَ الْمُقَرَّبِيْنَ وَعَلٰى

درود بفرست بر فرشتگان خود كه نزديكان درگاه تو اند و بر

اَنْبِيَائِكَ الْمُطَهَّرِيْنَ وَعَلٰى رُسُلِكَ الْمُرْسَلِيْنَ

پيغمبران خود كه پاك اند و بر پيغمبران خود كه فرستاده شده اند

وَعَلٰى حَمَلَةِ عَرْشِكَ وَعَلٰى جِبْرِيْلَ وَمِيْكَائِيْلَ

و بر بردارندگان عرش خود و بر جبرئيل و ميكائيل

نيست كه حق تعالى ... بر آن مكان ها بركشاده بيت
گفت پاي تو بود كه تا ابد بجهد صاحب نظران خدا را بود
قوله اذا ذكر صلى الله عليه وآله وسلم ...
قوله كما ذكر السلام يعني چنانچه ... سلام در قول او تعالى يا ايها الذين
امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما
اين در بعض ... از حق تعالى به سلام ما بر رسان بر پيغمبر
صلى الله عليه وآله وسلم پس سلام
از حق نيز خداي تعالى بفرما بر رسول
... سلام او بر پيغمبر ... صلى الله
عليه وآله وسلم ١٢

قوله حملة عرشك
كه آن ... ملائكه اند ...
كه حق تعالى جميع فرشتگان را ...
ازروي تعظيم و اكرام ... ١٢
...سلام ... ١٢

وَاِسْرَافِيْلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَرِضْوَانَ خَازِنِ

و اسرافیل و فرشته موت و رضوان که نگهبان

جَنَّتِكَ وَمَالِكٍ وَصَلِّ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِيْنَ

بهشت تست و مالک و درود بفرست بر کرام الکاتبین

وَصَلِّ عَلٰى اَهْلِ طَاعَتِكَ اَجْمَعِيْنَ مِنْ اَهْلِ

و درود بفرست بر فرمان برداران خود بر آنها از باشندگان

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرَضِيْنَ اَللّٰهُمَّ اٰتِ اَهْلَ بَيْتِ

آسمانها و زمین ها خدایا بده اهل بیت

نَبِيِّكَ اَفْضَلَ مَا اٰتَيْتَ اَحَدًا مِّنْ اَهْلِ

پیغمبر خود را بهترین چیزی که داده‌ئی یکی را از اهل

بُيُوْتِ الْمُرْسَلِيْنَ وَاجْزِ اَصْحَابَ نَبِيِّكَ اَفْضَلَ

خانها پیغمبران و پاداش ده یاران پیغمبران خود را بزرگ ترین

مَا جَازَيْتَ اَحَدًا مِّنْ اَصْحَابِ الْمُرْسَلِيْنَ

چیزیکه پاداش داده‌ئی یکی را از یاران پیغمبران

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ

خدایا بیامرز مؤمنین و مؤمنات را و مسلمین

وَالْمُسْلِمٰتِ الْاَحْيَاۗءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ

و مسلمات را زندگان را از ایشان و مردگان را

قوله ملک الموت یعنی عزرائیل این چهار فرشته از نزدیکان بارگاه جلال تو اند ۱۲

قوله مالک نگهبان دوزخ است ۱۲

قوله الکرام الکاتبین یعنی درود بفرست بر فرشتگان که بزرگ‌اند نویسندگان نامهٔ اعمال بندگان ۱۲

قوله الارضین بفتح راء و سکون یاء ۱۲

قوله من اهل بیوت المرسلین یعنی از اهل بیت پیغمبران صاحب کتاب و تحقیق اهل بیت در حزب اول گذشته ۱۲

وَاغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ
وبیامرز مایانرا و مر برادران مایانرا که پیشی گرفته اند بر مایان بایمان

وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا
ومگردان در دلهای مایان کینه برای آنانکه گرویده اند

رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ
ای پروردگار مایان بدرستیکه تو مهربانی بخشنده خدایا درود بفرست بر پیغمبری که منسوبست

الْهَاشِمِيِّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلِّمْ
بسوی هاشم محمد و بر آل او و یاران او و سلام بفرست

تَسْلِيمًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ صَلَوٰةً
سلام فرستادنی خدایا درود بفرست بر محمد که بهترین همه آفریدگانست درودیکه

تُرْضِيكَ وَتُرْضِيهِ وَتَرْضَى بِهَا عَنَّا يَا أَرْحَمَ
خشنود گرداند ترا و خشنود گرداند اورا و خشنود شوی تو بسبب آن از مایان ای بخشاینده ترین

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَ
بخشایندگان خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل او و

صَحْبِهِ وَسَلِّمْ كَثِيرًا تَسْلِيمًا طَيِّبًا مُبَارَكًا
یاران او و سلام بفرست در حالتیکه بسیار است سلام فرستادنی پاکیزه برکت داده شده

فِيهِ جَزِيلًا جَمِيلًا دَائِمًا بِدَوَامِ مُلْكِ اللَّهِ
در آن بزرگ مر نیکو همیشه باشنده همیشگی ملک خدای

قوله ١
رحیم
یعنی بخشنده پس بنگر
بنظر رحمت بر ما برحمت خود این
دعا قبول فرما و اینجا در دو علی بن
عبد الله بن عباس
رضی الله عنهم
تمام شد
١٢

قوله ٣
الهاشمی
یعنی منسوب است بهاشم
که پدر جد وی است صلی الله
علیه وآله وسلم چنانچه باداز این
در بیان نسب
شریف
مذکور شده
و
در حدیث شریف
اولاد هاشم برگزیده قریش مذکور است
١٣١٢
١٢

قوله ٤
یعنی سلام فرستادنی
بلطف ١٢
١٢

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِهٖ مِلْاءَ الْفَضَاءِ

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل او باندازۀ پری زمین فراخ

وَعَدَدَ النُّجُوْمِ فِی السَّمَاءِ صَلٰوةً تُوَازِنُ

بشمار ستارگان که در آسمان اند درودیکه برابر باشد

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَعَدَدَ مَا خَلَقْتَ وَمَا

آسمانها را و زمین را و بشمار چیزیکه آفریده تو و چیزیکه

اَنْتَ خَالِقُهٗ اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَةِ اللّٰهُمَّ صَلِّ

تو پیدا کننده اورا تا روز قیامت خدایا درود بفرست

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی

بر محمد و بر آل محمد چنانچه درود فرستادۀ تو بر

اِبْرٰهِیْمَ وَبَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا

ابراهیم و برکت ده بر محمد و بر آل محمد چنانچه

بَارَکْتَ عَلٰی اِبْرٰهِیْمَ وَعَلٰی اٰلِ اِبْرٰهِیْمَ فِی

برکت دادۀ تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم در

الْعٰلَمِیْنَ اِنَّكَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ

عالمیان بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری خدایا بدرستیکه من

اَسْاَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِیَةَ فِی الدِّیْنِ

سوال میکنم ترا بخشش از گناهان و سلامتی در امر دین

قوله ملاء الفضاء بفتح فا زمین فراخ و کشاده خالی ۱۲

قوله توازن السموات والارض یعنی درودی که برابر باشد در گرانی وزن آسمانها و زمینها ۱۲

قوله ما خلقت یعنی آفریده تو در زمان گذشته

قوله ما انت خالقه یعنی پیدا کننده تو از ابدیات حال و آینده ۱۲

قوله العافیة یعنی سلامتی از همه آفات و بلیات ظاهر و باطنی ۱۲

قوله فی الدین در امر دین بسلامت داشتن از نفس و شیطان و نگاه داشتن از افتادن در عصیان ۱۲

وَالدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ اسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ

و دنیا و آخرت سه مرتبه گوید خدایا بپوشان مارا بپرده خو

الْجَمِيْلِ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ

که نیکوست سه مرتبه گوید خدایا بارخدایا که سوال میکنم ترا بوسیله حق تو

الْعَظِيْمِ وَبِحَقِّ نُوْرِ وَجْهِكَ الْكَرِيْمِ وَبِحَقِّ

که بزرگ است و بوسیله نور ذات تو که بزرگست و بوسیله

عَرْشِكَ الْعَظِيْمِ وَبِمَا حَمَلَ كُرْسِيُّكَ مِنْ

عرش تو که بزرگست و بوسیله آنچه که بر داشته است آنرا کرسی تو از آثار

عَظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ وَجَمَالِكَ وَبَهَائِكَ وَ

بزرگی تو و از صفات قهریه تو و از صفات لطیفه تو و از حسن خوبی تو و از آثار

قُدْرَتِكَ وَسُلْطَانِكَ وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ الْمَخْزُوْنَةِ

وصف توانائی تو و از غلبه تو و بوسیله نامهای تو که مخزون اند

الْمَكْنُوْنَةِ الَّتِيْ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهَا اَحَدٌ مِّنْ

و نگاه داشته شده اند که آگاهی نیافته است بر آن هیچ یکی از

خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ بِالْاِسْمِ الَّذِيْ

آفریدگان تو خدایا و سوال میکنم ترا بوسیله نام تو که

وَضَعْتَهُ عَلَى اللَّيْلِ فَاَظْلَمَ وَعَلَى النَّهَارِ

نهادی تو اورا بر شب پس تاریک شده و بر روز

هذا ابتداء حزب یوم الجمعة اللهم انی

فَاسْتَنَارَ وَعَلَى السَّمٰوٰتِ فَاسْتَقَلَّتْ وَ
پس روشن شد و بر آسمانها پس برپا شدند و

عَلَى الْاَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَى الْجِبَالِ
بر زمین پس قرار گرفت و بر کوهها

فَارْسَتْ وَعَلَى الْبِحَارِ وَالْاَوْدِيَةِ فَجَرَتْ وَ
پس استوار شدند و بر دریاها و رودخانها پس روان شدند و

عَلَى الْعُيُوْنِ فَنَبَعَتْ وَعَلَى السَّحَابِ فَاَمْطَرَتْ
بر چشمه‌های آب پس جوشیدند آب و بر ابر پس بارید

وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِالْاَسْمَاءِ الْمَكْتُوْبَةِ فِيْ
و سوال میکنم ترا ای خدایا بوسیله نامهائی تو که نوشته شده‌اند در

جَبْهَةِ اِسْرَافِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْاَسْمَاءِ
پیشانی اسرافیل بر وی باد سلام و بوسیله نامهائی تو

الْمَكْتُوْبَةِ فِيْ جَبْهَةِ جَبْرَئِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
که نوشته شده‌اند در پیشانی جبرائیل بر وی باد سلام

وَعَلَى الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِيْنَ وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ
و بر فرشتگان که نزدیکان درگاه تواند و سوال میکنم ترا ای خدایا

بِالْاَسْمَاءِ الْمَكْتُوْبَةِ حَوْلَ الْعَرْشِ وَاَسْئَلُكَ
بوسیله نامهائی تو که نوشته شده‌اند گردا گرد عرش و سوال میکنم ترا

قوله فاستقلت یعنی پس برپا شدند بی ستون ۱۲

قوله فارست یعنی پس برپا شدند ... مترجم ملکوت را بمعنی پس استوار شدند بآنکه محکم ساخته و پایه ارض و وزن آن کوهها زمین را و در بعضی نسخ آمده فرست نفخ را بمعنی اول یعنی ارض لرزه آمده ساکن شد و در بعضی نسخ کوه ...

قوله فامطرت فایده ظاهر کلام آنست که وجود این چیزها از اثر و خاصیت یک اسم مبارک است اما محققان گفته اند که حق سبحانه تعالی را اسمای بسیار است و هر اسم خاصیت و اثری نهاده که در دیگری نیست و آثار و خاصیات از اسم اعظم ...

همین بنا ... ظاهر ... آن اسمای جلیله اوست ... بسیار باشند اسمای او از قیاس و شمار که بود و برتر از ... سبب ... نسبت بانجناب ... نسبت ... مشهود ... باشد ... سبب مقصود نیست ... ۱۲

قوله ورق الزیتون در مطلع المشته
گرد ده که از گرد ... برگ زیتون ... مبارک است ۱۲

قوله عزیز ... شروع شد حزب نجم ۱۲

قوله واسئلك اللهم بالاسماء التی دعاك بها ادم علیه السلام ... فایده

بالاسماء المكتوبة حول الكرسي واسئلك

وسئوال میکنم ترا بوسیلهٔ نامهائیکه نوشته شده اند گرداگرد کرسی

اللهم بالاسم المكتوب على ورق الزيتون

خدایا بوسیله نامی که نوشته شده است بر برگ درخت زیتون

الحزب السابع يقرء في يوم الجمعة

واسئلك اللهم بالاسماء العظام التي

وسئوال میکنم ترا خدایا بوسیلهٔ نامهای تو که بزرگند که

سميت بها نفسك ما علمت منها وما لم

نامیده بآن نام ذات خودرا آنچه دانستم من ازآن نامها وآنچه

اعلم واسئلك اللهم بالاسماء التي دعاك بها

ندانستم من و سئوال میکنم ترا خدایا بوسیله نامهائیکه خوانده است ترا بآنها

ادم عليه السلام وبالاسماء التي دعاك

آدم بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهائی که خوانده است ترا

بها نوح عليه السلام وبالاسماء التي

بآنها نوح بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهائی که

دعاك بها هود عليه السلام وبالاسماء

خوانده است ترا بآنها هود بروی باد سلام و بوسیله نامهائی

قوله هود علیه السلام مبعوث بر آل عاد ... نام شش پیغمبر مبعوث آمده محمد وصالح وشعیب وهود ولوط ونوح ... ۱۲

الَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا اِبْرٰهِيْمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْاَسْمَاءِ
که خوانده است ترا بآنها ابراهیم بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهائی

الَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا صَالِحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ
که خوانده است ترا بآنها صالح بروی باد سلام و

بِالْاَسْمَاءِ الَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا يُوْنُسُ عَلَيْهِ
بوسیلهٔ نامهائی که خوانده است ترا بآنها یونس بروی باد

السَّلَامُ وَبِالْاَسْمَاءِ الَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا اَيُّوْبُ
سلام و بوسیلهٔ نامهائی که خوانده است ترا بآنها ایوب

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْاَسْمَاءِ الَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا
بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهائی که خوانده است ترا بآنها

يَعْقُوْبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْاَسْمَاءِ الَّتِيْ
یعقوب بروی باد سلام و بوسیلهٔ نامهائی که

دَعَاكَ بِهَا يُوْسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ
خوانده است ترا بآنها یوسف بروی باد سلام و

بِالْاَسْمَاءِ الَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا مُوْسٰى عَلَيْهِ السَّلَامُ
بوسیلهٔ نامهائی که خوانده است ترا بآنها موسی بروی باد سلام

وَبِالْاَسْمَاءِ الَّتِيْ دَعَاكَ بِهَا هٰرُوْنُ عَلَيْهِ
و بوسیلهٔ نامهائی که خوانده است ترا بآنها هارون بروی باد

قوله دعاك بها ابراهيم ع
در بیضاوی آورده که عمر ابراهیم دویست سال بوده ۱۲

قوله دعاك بها صالح ع
در مدارک آورده که بخود میان نوح وابراهیم کرده پیغمبر هود و صالح ۱۲

قوله دعاك بها يونس ع
در یونس فتح و ضمه و کسره هر سه جائز است و نسب وی به بنیامین بن یعقوب علیه السلام میرسد و وی بعد از سلیمان علیه السلام بوده ما بین سلیمان و یونس ایوب بود علیهم السلام ۱۲

قوله دعاك بها يعقوب
گویند که نسب وی باسحاق میرسد از غیر جهت یعقوب و گویند به یعقوب میرسد علیه السلام ۱۲

قوله يعقوب
نام وی اسرائیل است و بسیاری پیغمبران از اولاد وی اند ۱۲

قوله يوسف
در سین وی ضم و کسر و فتح جائز است ۱۲

قوله موسى
نسب وی بیعقوب علیه السلام میرسد ۱۲

قوله هارون
وی برادر کلان موسی علیه السلام است به سه سال یا چهار سال ۱۲

قوله شعیب
نسب وی با ... ابراهیم علیه السلام میرسد ۱۲

قوله اسمعیل
وی از اجداد پیغمبر ما است صلی الله علیه و آله
و سلم [illegible] الاجابت [illegible] سال بود
عمر وی صد و سی و [illegible] سال [illegible] پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم
وفات او [illegible] سال بود و بعضی [illegible] ۱۲
دو هزار [illegible]

قوله داود
نسب او بیعقوب علیه السلام میرسد ۱۲

السلام و بالاسماء التی دعاك بها شعیب
سلام و بوسیله نامهائی که خوانده است ترا بآنها شعیب

علیه السلام و بالاسماء التی دعاك بها
بروی باد سلام و بوسیله نامهائی که خوانده است ترا بآنها

اسمعیل علیه السلام و بالاسماء التی
اسمعیل بروی باد سلام و بوسیله نامهائی که

دعاك بها داود علیه السلام و بالاسماء
خوانده است ترا بآنها داود بروی باد سلام و بوسیله نامهائی

التی دعاك بها سلیمن علیه السلام و
که خوانده است ترا بآنها سلیمان بروی باد سلام و

بالاسماء التی دعاك بها زکریاء علیه
بوسیله نامهائی که خوانده است ترا بآنها زکریا بروی باد

السلام و بالاسماء التی دعاك بها یحیی
سلام و بوسیله نامهائی که خوانده است ترا بآنها یحیی

علیه السلام و بالاسماء التی دعاك بها
بروی باد سلام و بوسیله نامهائی که خوانده است ترا بآنها

ارمیاء علیه السلام و بالاسماء التی
ارمیا بروی باد سلام و بوسیله نامهائی

قوله سلیمان
وی پسر داود مذکور است علیه السلام ۱۲

فی یوم الجمعة

قوله زکریاء
بهمزه بعد از الف و بی همزه نیز و نسب وی بیعقوب علیه السلام میرسد ۱۲

قوله یحیی
وی پسر زکریا مذکور علیهما السلام و وی هم زمان بود با عیسی علیه السلام ۱۲

قوله ارمیاء
بفتح همزه و سکون راء و کسر میم [illegible] از پیغمبران بنی اسرائیل بود ۱۲

قوله شعیاء بفتح شین و عین و بسکون عین نیز و بعضی نسخه آمده بزیادتی الف قبل از شین و سکون شین و کسر عین ۱۲

قوله الیاس بکسر همزه و نبی ... بهارون علیه السلام ... بیرسد ۱۲

قوله الیسع بسکون لام و فتح یا و سین ۱۲

قوله ذو الکفل بکسر کاف و بسکون فا ۱۲

قوله یوشع نبی ... یوسف علیه السلام ... بیرسد ۱۲

دَعَاكَ بِهَا شَعْيَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

خوانده است ترا بآنها شعیاء بروی باد سلام و بوسیله نامهائی

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا الْيَاسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

که خوانده است ترا بآنها الیاس بروی باد سلام و

بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا الْيَسَعُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بوسیله نامهائی که خوانده است ترا بآنها یسع بروی باد سلام

وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا ذُو الْكِفْلِ عَلَيْهِ

و بوسیله نامهائی که خوانده است ترا بآنها ذو الکفل بروی باد

السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يُوشَعُ

سلام و بوسیله نامهائی که خوانده است ترا بآنها یوشع

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا

بروی باد سلام و بوسیله نامهائی که خوانده است ترا بآنها

عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

عیسی پسر مریم بروی باد سلام و بوسیله نامهائی

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

که خوانده است ترا بآنها محمد درود بفرستد خدای بروی

وَسَلَّمَ وَعَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ

و سلام فرستد و بر همه پیغمبران و مرسلین

قوله عیسی ابن مریم ... محمد و عیسی علیهما الصلوة والسلام ...

قوله وعلی جمیع النبیین و درود و سلام فرستد خدای بر همه پیغمبران ... احکام الهی ... ۱۲

قوله والمرسلین و بر همه پیغمبران فرستاده شده ... کتاب ۱۲

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ عَدَدَ مَا خَلَقْتَهُ

آنكه درود فرستى تو بر محمد كه پيغمبر تست بشمار آنچه پيدا كرده تو آنرا

مِنْ قَبْلِ اَنْ تَكُوْنَ السَّمَاءُ مَبْنِيَّةً وَالْاَرْضُ

پيش از آنكه باشد آسمان بنا كرده شده و زمين

مَدْحِيَّةً وَالْجِبَالُ مُرْسَاةً وَالْبِحَارُ مُجْرَاةً

گسترده شده و كوهها استوار كرده شده و درياها جارى كرده شده

وَالْعُيُوْنُ مُنْفَجِرَةً وَالْاَنْهَارُ مُنْهَمِرَةً وَالشَّمْسُ

و چشمهاى آب روان كرده شده و جويهاى آب ريزان و آفتاب

مُضْحِيَةً وَالْقَمَرُ مُضِيْئًا وَالْكَوَاكِبُ

تابان و ماهتاب درخشان و ستارگان

مُسْتَنِيْرَةً كُنْتَ حَيْثُ كُنْتَ لَا يَعْلَمُ اَحَدٌ

فروزان بودى تو جائيكه بودى تو نميداند هيچ يكى

حَيْثُ كُنْتَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ

جاى كه بودى تو مگر تو درحاليكه يگانه تو نيست شريكى مر ترا

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ حِلْمِكَ وَصَلِّ عَلٰى

خدايا درود بفرست بر محمد بشمار بردبارى خود و درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ عَدَدَ عِلْمِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

محمد بشمار علم خود و درود بفرست بر محمد بشمار

قوله مرساة

قوله مجراة

قوله مدحية

قوله وحدك

قوله لاشريك لك

قوله عدد حلمك
يعنى بشمار آنكه تعلق گرفته است آنها
بآن صفت ۱۲

قوله عدد علمك
يعنى بشمار آنكه تعلق گرفته است
بآنها علم تو ۱۲

كلماتك وصلّ على محمّدٍ عدد نعمتك و
سخنان خود ودرود بفرست بر محمد بشمار نعمت خود و
صلّ على محمّدٍ ملأ سمٰوٰتك وصلّ على محمّدٍ
درود بفرست بر محمد باندازه پری آسمانهای خود ودرود بفرست بر محمد
ملأ ارضك وصلّ على محمّدٍ ملأ عرشك
باندازه پری زمین خود ودرود بفرست بر محمد باندازه پری عرش خود
وصلّ على محمّدٍ زنة عرشك وصلّ على
ودرود بفرست بر محمد بوزن عرش خود ودرود بفرست بر
محمّدٍ عدد ما جرى به القلم في امّ الكتاب
محمد بشمار چیزیکه روان شده است بان قلم در لوح محفوظ
وصلّ على محمّدٍ عدد ما خلقت في سبع
ودرود بفرست بر محمد بشمار چیزیکه پیدا کرده تو در هفت
سمٰوٰتك وصلّ على محمّدٍ عدد ما انت
آسمانهای خود ودرود بفرست بر محمد بشمار چیزیکه تو
خالقه فيهنّ الى يوم القيمة في كلّ يوم
پیدا کننده در انها تا روز قیامت در هر روز
الف مرّة اللّهمّ صلّ على محمّدٍ عدد
هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد بشمار

قوله نعمتك يعنى بشمار نعمت خود که بآفریدگان خود انعام بفرمائی در دنیا و آخرت ١٢

قوله سبع سمٰوٰتك بقيه در بعضی نسخه بدل سمٰوٰتك بحارك آمده است و در بعضی نسخه اول سبع بحارك بعده سبع سمٰوٰتك آمده است بعده خلقت في الارضين السبع آمده است ١٢

الحزب الخامس

قوله كل يوم الف مرة يعنى درود بفرست بر محمد بعدد وجوه مذكور در هر روز هزار هزار بار ١٢

كُلَّ قَطْرَةٍ قَطَرَتْ مِنْ سَمٰوٰتِكَ اِلٰى اَرْضِكَ
هر قطره باران كه چكيده است از آسمانهاى خود بسوى زمين تو

مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ
از ابتداى روزيكه پيدا كرده تو دنيا را تا روز قيامت

فِىْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
در هر روز هزار بار خدايا درود بفرست به محمد

عَدَدَ مَنْ يُّسَبِّحُكَ وَيُهَلِّلُكَ وَيُكَبِّرُكَ وَ
بشمار كسانيكه بپاكى ياد ميكنند ترا و تهليل ميگويند ترا و تكبير ميگويند ترا و

يُعَظِّمُكَ مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ
ببزرگى ياد ميكنند ترا از روزيكه پيدا كرده تو دنيا را تا روز

الْقِيٰمَةِ فِىْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
قيامت در هر روزى هزار بار خدايا درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ اَنْفَاسِهِمْ وَاَلْفَاظِهِمْ وَصَلِّ
بر محمد بشمار دمهاى آنها و الفاظهاى ايشان و درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ كُلِّ نَسَمَةٍ خَلَقْتَهَا فِيْهِمْ
بر محمد بشمار هر جانى كه پيدا كرده تو آنها در ايشان

مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ
از روزيكه پيدا كرده تو دنيا را تا روز قيامت

قوله قطرت بفتح ط ١٢

قوله من يوم خلقت الدنيا [illegible] است

قوله من يسبحك يعني آنچه ميگويند سبحان الله ١٢

قوله ويهللك يعني ثنا [illegible] ميگويند لا اله الا الله يعني نيست معبودى بحق [illegible]

في يوم الجمعة

قوله يعظمك يعني ياد ميكنند ترا به بزرگى بزبان و دل ١٢

قوله انفاسهم و دمهاى تسبيح كنندگان و ديگران كه آنها مذكور شدند ١٢

قوله الفاظهم يعني سخنان ايشان [illegible] بعد اين آمده و الحاظهم يعني بشمار نگريستنهاى ايشان بگوشهٔ چشم ١٢

قوله نسمة بفتح نون و سين ١٢

قوله فيهم يعني در آن تسبيح گويان و در آنها كه بالا ايشان مذكور شده اند ١٢

فِي كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

در هر روزی هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد

عَدَدَ السَّحَابِ الْجَارِيَةِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

بشمار ابرهای دونده و درود بفرست بر محمد بشمار

الرِّيَاحِ الذَّارِيَةِ مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا

بادهائیکه پراگنده کنندگانند از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیارا

اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ

تا روز قیامت در هر روزی هزار بار خدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا هَبَّتْ عَلَيْهِ الرِّيَاحُ

درود بفرست بر محمد بشمار چیزیکه وزیده است بر آن بادها

وَحَرَّكَتْهُ مِنَ الْاَغْصَانِ وَالْاَشْجَارِ وَ

جنبانیده است انرا بادها از شاخهای و درختان و

الْاَوْرَاقِ وَالثِّمَارِ وَجَمِيعِ مَا خَلَقْتَ عَلٰى

برگها و بارهای درختان و همه آنچه پیدا کردهٔ تو بر

اَرْضِكَ وَمَا بَيْنَ سَمٰوٰتِكَ مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ

زمین خود و درمیان آسمانهای خود از روزیکه پیدا کردهٔ تو

الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ

دنیارا تا روز قیامت در هر روزی هزار

قوله السحاب الجارية
ابرهای دونده از جائی بجائی ۱۲

الحزب الخامس

قوله الرياح الذارية
بادهای پراگنده کننده سنگ ریزه و غبار ۱۲

قوله حركته
جنبانیده ۱۲

مرة ۳۰

مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ نُجُوْمِ السَّمَآءِ

بار خدایا درود بفرست بر محمد بشمار ستارگان آسمان

مِنْ يَّوْمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت

فِيْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

در هر روزی هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد

مِلْاَءَ اَرْضِكَ مِمَّا حَمَلَتْ وَاَقَلَّتْ مِنْ قُدْرَتِكَ

باندازهٔ پری زمین خود از چیزیکه برداشته است آنرا زمین از آثار قدرت تو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ فِيْ سَبْعِ

خدایا درود بفرست بر محمد بشمار چیزیکه پیدا کردهٔ تو در هفت

بِحَارِكَ مِمَّا لَا يَعْلَمُ عِلْمَهٗ اِلَّا اَنْتَ وَمَا اَنْتَ

دریاهای خود از چیزیکه فرا نرسیده است بآن دانش هیچ کسی مگر آنکه میدانی تو و چیزیکه تو

خَالِقُهٗ فِيْهَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کنندهٔ اورا در آنها تا روز قیامت در هر روزی

اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مِلْاَءِ

هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد بشمار چیزیکه پر شده است

سَبْعِ بِحَارِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ زِنَةَ سَبْعِ بِحَارِكَ

بآن هفت دریاهای تو و درود بفرست بر محمد برابر وزن هفت دریاهای خود

قوله ملاء ارضك

قوله اقلت

قوله من قدرتك

قوله ما خلقت

قوله الا انت

فائده

قوله سبع بحارك

فائده

قوله عدد ملاء سبع بحارك

مِمَّا حَمَلَتْ وَ أَقَلَّتْ مِنْ قُدْرَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَ

از جنس چیز که برداشته اند آن دریاها از آثار قدرت تو خدایا و

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ أَمْوَاجِ بِحَارِكَ مِنْ يَوْمِ

درود نفرست بر محمد بشمار موجهای دریاهای خود از روزی که

خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ

پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت در هر

يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

روزی هزار بار خدایا و درود نفرست بر محمد بشمار

الرَّمْلِ وَ الْحَصٰى فِي مُسْتَقَرِّ الْاَرَضِيْنَ وَ

ریگ و سنگریزها در حالیکه هست آن درجای قرار زمین ها و

سَهْلِهَا وَ جِبَالِهَا مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا

نرم آن و کوهسارهای آن از روزی که پیدا کرده تو دنیا را

اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ

تا روز قیامت در هر روزی هزار بار خدایا

وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ اضْطِرَابِ الْمِيَاهِ الْعَذْبَةِ

و درود نفرست بر محمد بشمار برهم زدن آبهای شیرین

وَ الْمِلْحَةِ مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ

و شور از روزی که پیدا کرده تو دنیا را تا روز

قوله اقلت
حملت و اقلت هر دو بیک معنی آمده و چنانچه بالا قریب مذکور شده ۱۲

قوله من قدرتك
در بعض نسخ بعد این آمده
من يوم خلقت الدنيا الى يوم القيمة في كل يوم الف مرة ۱۲

الخامس الحزب

قوله امواج بحارك
یعنی برهم زدن آبهای آن ۱۲

قوله الرمل
یعنی اجزای آن ۱۲

قوله ... فتح کاف ۱۲ فتح عین ۱۲

الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ وَصَلِّ عَلٰى
قیامت در هر روزی هزار بار و درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَهُ عَلٰى جَدِيْدِ اَرْضِكَ
محمد بشمار چیزیکه پیدا کرده تو اورا بر روی زمین خود

فِيْ مُسْتَقَرِّ الْاَرَضِيْنَ شَرْقِهَا وَغَرْبِهَا
در جای قرار زمین ها در جانب بر آمدن آفتاب از آن و جانب فرو رفتن آفتاب از آن

سَهْلِهَا وَجِبَالِهَا وَاَوْدِيَتِهَا وَطَرِيْقِهَا
جانب نرم آن و کوههای آن و رود خانهای آن و راههای آن

وَعَامِرِهَا وَغَامِرِهَا اِلٰى سَائِرِ مَا خَلَقْتَهُ
و جای آباد آن و ویرانه آن تا همه آنچه پیدا کرده تو اورا

عَلَيْهَا وَمَا فِيْهَا مِنْ حَصَاةٍ وَمَدَرٍ وَحَجَرٍ
بر آن و چیزیکه در آن زمین است از سنگریزها و کلوخ و سنگ

مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ
از روزیکه پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت

فِيْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
در هر روزی هزار بار خدایا و درود بفرست بر محمد

النَّبِيِّ عَدَدَ نَبَاتِ الْاَرْضِ مِنْ قِبْلَتِهَا
که پیغمبر است بشمار رستنیهای زمین از قبله آن

الحزب الخامس

قوله اللهم — در بعضی نسخ اللهم نیامده ۱۲

قوله من الدنیا — در بعضی نسخ من الدنیا نیامده ۱۲

قوله اللهم ع

قوله مدر — بفتح میم و دال ۱۲

قوله حجر — بفتح حاء و جیم ۱۲

قوله من قبلتها — ای از جانب کعبه شریف

قال الشیخ العزیز

قوله والاشجارها لفظ نبات اگرچه شامل بود درین رو لیکن … بتفصیل معلوم شود ۱۲

قوله وثمارها بشمار بارهای آن زمین یعنی بار درختان که بر آن زمین اند ۱۲

قوله وزروعها در بعض نسخ بجای این آمده ۱۲ وعروقها یعنی بیخهای درختان ۱۲

وَشَرْقِهَا وَغَرْبِهَا وَسَهْلِهَا وَجِبَالِهَا وَ
و جانب مشرقی آن و مغرب آن و نرم آن و کوههای آن و

اَوْدِيَتِهَا وَاَشْجَارِهَا وَثِمَارِهَا وَاَوْرَاقِهَا
رودخانه های آن و درختان آن و میوه های آن و برگهای آن

وَزُرُوعِهَا وَجَمِيعِ مَا يَخْرُجُ مِنْ نَبَاتِهَا وَبَرَكَاتِهَا
و کشت زارهای آن و همه آنچه بر آید از زمین از رستنیهای آن و افزودنی های خیر و خوبی آن

مِنْ يَوْمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي
از روزیکه پیدا کردۀ تو دنیارا تا روز قیامت در

كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ
هر روزی هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد بشمار

مَا خَلَقْتَ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ وَمَا
چیزیکه پیدا کردۀ تو از پریان و آدمیان و شیاطین و آنچه

اَنْتَ خَالِقُهُ مِنْهُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ
تو پیدا کننده آنرا از آنها تا روز قیامت در هر روزی

اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ كُلِّ شَعْرَةٍ
هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد بشمار هر موئی

فِي اَبْدَانِهِمْ وَفِي وُجُوهِهِمْ وَعَلٰى رُؤُسِهِمْ مُنْذُ
در تنهای آنهاست و در رویهای آنهاست و بر سرهای آنهاست از ابتدای زمان

قوله ما یخرج یعنی آنچه بر می آید از زمین … ۱۲

الحزب الخامس

قوله وبرکاتها افزودنیهای خیر و خوبی آن زمین چنانچه … ۱۲

قوله والشیاطین در روایت آمده که … آدمیان … ۱۲

قوله شعرة بسکون عین

قوله ابدانهم یعنی تنهای آدمیان ۱۲

قوله خفقان الطير بفتح خاء منقوطه وفا بعده قاف درود بفرست بر محمد بشمار جنبانيدن وبهم زدن بازوهای پرندگان برای پريدن ١٢

قوله وطيران الجن بفتح طا و ريا وبشمار پريدن پريان در هوا ١٢

قوله مشارق الارض و مغاربها يعنى بوده از آن چهارپايان در زمين جانب جايهای طلوع آفتاب و در جانب جايهای فرورفتن آفتاب از آن زمين ١٢

خلقت الدنيا الى يوم القيمة في كل يوم
پيدا كرده تو دنيارا تا روز قيامت در هر روزی

الف مرة اللهم وصل على محمد عدد خفقان
هزار بار خدايا و درود بفرست بر محمد بشمار جنبانيدن بازوهای

الطير وطيران الجن والشياطين من يوم
پرندگان و پريدن پريان و شياطين از روزی كه

خلقت الدنيا الى يوم القيمة في كل يوم
پيدا كرده تو دنيارا تا روز قيامت در هر روزی

الف مرة اللهم وصل على محمد عدد كل
هزار بار خدايا و درود بفرست بر محمد بشمار هر

بهيمة خلقتها على جديد ارضك من
چهارپايان كه پيدا كرده تو اورا بر روی زمين خود از

صغير او كبير في مشارق الارض ومغاربها
خورد يا بزرگ در جايهای برآمدن آفتاب و جايهای فرورفتن آن

من انسها وجنها ومما لا يعلم علمه الا انت من
از آدميان آن و پريان آن و از جنس چيزی كه فرا نرسيده است بآن دانش هيچ كس مگر بدانی تو از

يوم خلقت الدنيا الى يوم القيمة في كل يوم
روزی كه پيدا كرده تو دنيارا تا روز قيامت در هر روزی

قوله خطاهم
بضم خاء منقوطه ١٢

قوله٢ المطر
بفتح میم وطاء ١٢

اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ خُطَاهُمْ

هزار بار خدایا و درود بفرست بر محمد بشمار قدمهای ایشان

عَلٰى وَجْهِ الْاَرْضِ مِنْ يَّوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا

بر روی زمین از روزی که پیدا کرده تو دنیا را

اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ

تا روز قیامت در هر روزی هزار بار خدایا

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ يُّصَلِّيْ عَلَيْهِ وَ

و درود بفرست بر محمد بشمار کسانیکه درود میفرستند بروی و

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ لَّمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ وَصَلِّ

و درود بفرست بر محمد بشمار کسانیکه درود نمیفرستند بروی و درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْقَطْرِ وَالْمَطَرِ وَالنَّبَاتِ وَصَلِّ

بر محمد بشمار قطره ها و باران و رستنیها و درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

بر محمد بشمار هر چیزی خدایا و درود بفرست بر محمد

فِي اللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ فِي النَّهَارِ

در شب چون بپوشد عالم را بتاریکی خویش و درود بفرست بر محمد در روز

اِذَا تَجَلّٰى وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ فِي الْاٰخِرَةِ وَالْاُوْلٰى

چون روشن شود و درود بفرست بر محمد در سرای آخرت و دنیا

قوله٣ اذا تجلّى
یعنی چون آشکارا
گردد و روشن
شود ١٢

في يوم الجمعة

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ شَابًّا زَكِيًّا وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

و درود بفرست بر محمد درحالیکه جوان بود ستوده و درود بفرست بر محمد

كَهْلًا مَرْضِيًّا وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ مُنْذُ كَانَ فِي الْمَهْدِ

درحالیکه میانه سال بوده شائسته و درود بفرست بر محمد از ابتدای زمانیکه بود وی در گهواره

صَبِيًّا وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ حَتّٰى لَا يَبْقٰى مِنَ الصَّلٰوةِ

کودک و درود بفرست بر محمد تا آنکه باقی نماند از درود

شَيْءٌ اَللّٰهُمَّ وَاَعْطِ مُحَمَّدًا الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي

چیزی خدایا و بده محمد را مقامیکه ستوده شده است که

وَعَدْتَهُ الَّذِي اِذَا قَالَ صَدَّقْتَهُ وَاِذَا

وعده کردهٔ تو او را آن محمدی که وقتیکه گفت سخنی راست ساختی تو او را و چون

سَأَلَ اَعْطَيْتَهُ اَللّٰهُمَّ وَاَعْظِمْ بُرْهَانَهُ وَ

درخواست از تو چیزی دادی تو او را خدایا و بزرگ گردان دلیل او را و

شَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَاَبْلِجْ حُجَّتَهُ وَبَيِّنْ فَضِيلَتَهُ

بلند گردان بنای مرتبهٔ او را و روشن گردان دلیل نبوت او را و ظاهر گردان بزرگی او را

اَللّٰهُمَّ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي اُمَّتِهِ وَاسْتَعْمِلْنَا

خدایا و قبول فرما شفاعت او را در حق امت او و کار کنندگان گردان ما را

بِسُنَّتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلٰى مِلَّتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي

بطریق وی و بمیران ما را بر دین وی و گردان ما را بروز قیامت در

قوله المقام المحمود مقامیکه ستوده شده است بزبان هر کس ۱۲

قوله صدقته

زمرته وتحت لوائه واجعلنا من رفقائه

گروه وی و در زیر بیرق وے وگردان مایان را از همراهان وی

واوردنا حوضه واسقنا بكاسه وانفعنا

و فرود آر مایان را بر حوض وی و بنوشان مایان را بجام وے و بهره مند گردان مایان را

بمحبته اللهم امين واسئلك باسمائك

بدوستی وی خدایا چنین باد و سوال میکنم ترا بوسیلهٔ نامهای تو

التي دعوتك بها ان تصلي على محمد عدد

که خواندم ترا بآنها آنکه درود فرستی تو بر محمد بشمار

ما وصفت ومما لا يعلم علمه الا انت

چیزیکه وصف کردم آنرا و چیزیکه وصف نکردم از جنس چیزیکه نمیداند او را هیچکس مگر تو

وان ترحمني وتتوب علي وتعافيني من

و آنکه بر بخشائی بر من و بپذیری توبه مرا و عافیت دهی مرا از

جميع البلاء والبلواء وان تغفر لي و

همه آفتها و رنجها و آنکه بیامرزی مرا و

لوالدي وترحم المؤمنين والمؤمنات والمسلمين

پدر و مادر مرا و رحمت کنی تو مردان گرویدگان را و زنان گرویدگان را و مردان فرمان برنده را

والمسلمات الاحياء منهم والاموات وان تغفر

و زنان فرمان برنده را زندگان از ایشان و مردگان و آنکه بیامرزی تو

قوله من رفقائه
یعنی از همراهان وصاحبان وی ۱۲

قوله دعوتك بها
یعنی خواندم من ترا بآن نامها در اول این ۱۲

قوله ما وصفت
یعنی ذکر کرده ام من وصف آنرا بالای این ۱۲

قوله البلواء
بمد بعد الف یعنی بلیها و هر چیزیکه سبب آزمایش بود و مشهور بلوی با الف مقصوره است چنانچه در نسخه آمده

قوله وان تغفر لی در بعض نسخ آمده
ولوالدی وترحم
والمؤمنین الخ ۱۲

قال الشيخ علي الحريري المدني ينبغي للتالي للدلائل القاري ان يسمي نفسه واباه بدلا عن فلان بن فلان ويدعو لاشياخه ولجميع المسلمين والمسلمات فان الدعاء هنا مستجاب ان شاء الله تعالى انتهى

قوله فلان بن فلان

قوله الخاطئ

قوله من قرء هذه الصلوة اللهم اني اسئلك بحق

العظيم ١٢

قوله مرة واحدة فمن

على الحديث وفي رواية اللهم اني اسئلك ١٢

في يوم الجمعة

قوله كتب الله له

قوله اعتق رقبة

قوله من ولد اسمعيل

لِعَبْدِكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ الْمُذْنِبِ الْخَاطِئِ

بنده خود را که فلان بن فلانست گنهکار است خطاکار

الضَّعِيفِ وَاَنْ تَتُوبَ عَلَيْهِ اِنَّكَ غَفُورٌ

ناتوان وآن که بپذیری توبه ازرا درستیکه تو آمرزگاری

رَحِيمٌ اللّٰهُمَّ اٰمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ قَالَ

هنا آخر الصلوة

بخشنده خدایا چنین باد ای پروردگار عالمیان گفت

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَءَ

پیغمبر خدا درود فرستد خدا بر وی وسلام فرستد کسیکه خواند

هٰذِهِ الصَّلٰوةَ مَرَّةً وَاحِدَةً كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ ثَوَابَ

این درود را یک بار مینویسد خدای برای او پاداش

حَجَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَثَوَابَ مَنْ اَعْتَقَ رَقَبَةً مِنْ

حج پذیرفته شده و ثواب کسیکه آزاد کرده باشد گردنی را از

وَلَدِ اِسْمٰعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُ اللّٰهُ

فرزندان اسمعیل بروی باد سلام پس میگوید خدای که

تَبَارَكَ وَتَعَالٰى يَا مَلَائِكَتِي هٰذَا عَبْدٌ مِنْ

بزرگ و برتر است ای فرشتگان من این بنده است از

عِبَادِي اَكْثَرَ الصَّلٰوةَ عَلٰى حَبِيبِي مُحَمَّدٍ فَوَعِزَّتِي

بندگان من که بسیار گفته است درود را بر دوست من که محمد است پس سوگند بعزتم

وَجَلَالِي وَوُجُودِي وَمَجْدِي وَارْتِفَاعِي
و به بزرگی من و به هستی ذات من و به بزرگی من و به برتری من

لَأُعْطِيَنَّهُ بِكُلِّ حَرْفٍ صَلَّى بِهِ عَلَى حَبِيبِي
هر آینه میدهم اورا بمقابله هر حرفی که درود فرستاده است بدان بر دوست من

مُحَمَّدٍ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ وَلَيَأْتِيَنِّي يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
که محمد است خانهٔ بلند در بهشت و هر آینه می آید او نزد من روز قیامت

تَحْتَ لِوَاءِ الْحَمْدِ وَنُورُ وَجْهِهِ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ
در زیر نیزهٔ حمد و حالانکه باشد روشنی روی او همچو ماه شب

الْبَدْرِ وَكَفُّهُ فِي كَفِّ حَبِيبِي مُحَمَّدٍ هٰذَا
چهارده و باشد کف او در کف دوست من که محمد است این ثواب و درود

لِمَنْ قَالَهَا فِي كُلِّ يَوْمِ جُمُعَةٍ لَهُ هٰذَا
مر کسی راست که میگوید آنرا در هر روز جمعه مر آن گوینده را این

الْفَضْلُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَفِي
افزونی ثواب است و خدای صاحب فضل و بزرگی است و در

رِوَايَةٍ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَا حَمَلَ
روایتی آمده ای خدا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق آنچه برداشته است آنرا

كُرْسِيُّكَ مِنْ عَظَمَتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَجَلَالِكَ وَ
کرسی تو از بزرگی تو و آثار قدرت تو و بزرگی تو و

قوله وجودی یعنی هستی ذات من که پاینده است و در بعضی نسخه آمده وجودی

قوله مجدی وارتفاعی یکی است و هر دو بمعنی بزرگی و بلندی شان من ۱۲

قوله لیأتینی بتشدید نون مکسوره ۱۲

قوله لواء الحمد نیزه حمد که باشد برای آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم و بیان آن در اسماء شریف گذشته ۱۲

قوله لیلة البدر یعنی شب چهاردهم که ماه در آن پر و کامل باشد ۱۲

قوله کفه فی کف حبیبی یعنی باشد دست او در دست من و این بشارت است او را دوستی و بزرگی مرتبه آن بنده نزد آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم و در بعضی نسخه بعد از این زیاده نموده صلی الله علیه وآله وسلم ۱۲

الحزب الخامس

قوله هذا لمن قالها یعنی این ثواب است و بیکر این صفت است و هذه مبتدا انکه در حدیث گذشته چه هر که بخواند این درود را در روز جمعه یکبار خدای تعالی نعمت عظمی او را دهد و اگر در آن روز صد بار بخواند از خدا بر او زیاده از حد ۱۲

قوله وفی روایة یعنی این درود بروایت دیگر آمده ابن الفارس ۱۲

في يوم الجمعة

بِبَهَائِكَ وَسُلْطَانِكَ وَبِحَقِّ اسْمِكَ الْمَخْزُونِ

روشني تو و پادشاهي تو و بوسيله نام تو كه پوشيده

الْمَكْنُونِ الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَأَنْزَلْتَهُ

و نگاهداشته شده است كه ناميده تو بدان ذات خود را و فرو فرستاده تو آنرا

فِي كِتَابِكَ وَاسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ

در كتاب خود و اختيار كرده تو آنرا در علم پنهان

عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

نزد خود اينكه درود فرستي بر محمد كه بنده تست و فرستاده تست

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ

و سؤال ميكنم ترا بنام تو آن نامیکه چون دعا كرده شوي تو بآن نام قبول ميكني

وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَيْتَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

و چون خواسته شود از تو بآن ميدهي تو و سؤال ميكنم ترا بنام تو

الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ وَعَلَى النَّهَارِ

كه گذاشتي اورا بر شب پس تاريك شد و بر روز

فَاسْتَنَارَ وَعَلَى السَّمٰوٰتِ فَاسْتَقَلَّتْ وَعَلَى

پس روشن شد و بر آسمانها پس برپا شدند و بر

الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَى الْجِبَالِ فَرَسَتْ

زمين پس قرار گرفت و بر كوهها پس استوار شدند

قوله المخزون المكنون ظاهر آنست که مراد از آن اسم اعظم است که پوشیده است و در میان خاص که خدا تعالی پوشیده است و نمیدانند از آن و اوده است و از عالمیان اثنا شده علم آن اسم که نزد پروردگار است و بسبب آن اختلاف است از آن در شرح حال و دلائل تعین آن بعضی از آن ذکر دیده و بعضی نوشته شده مقام ذکر ۱۲

قوله و استأثرت به یعنی اختیار کرده تو آنرا و خاص و یکتا شده تو بآن نام ۱۲

قوله اذا سئلت به یعنی چون خواسته شوی تو بآن نام چیزیرا عطیت میدهی تو آن چیزرا ۱۲

الحزب الخامس

وعلى الصعبة فذلت وعلى ماء السماء

و بر چیزی سخت پس نرم شد و بر آب آسمان

فسكبت وعلى السحاب فامطرت واسئلك بما

پس بریزید و بر ابر پس بارید و سؤال میکنم ترا بانچه که

سئلك به محمد نبيك واسئلك بما سئلك

سؤال کرد ترا بآن محمد که پیغمبر تست و سؤال میکنم ترا بانچه که سؤال کرد ترا

به آدم نبيك واسئلك بما سئلك به

بآن آدم که پیغمبر تست و سؤال میکنم ترا بانچه که سؤال کردند ترا بآن

انبياؤك ورسلك وملئكتك المقربون

پیغمبران تو و فرستادگان تو و فرشتگان تو که نزدیکان درگاه تو اند

صلى الله عليهم اجمعين واسئلك بما سئلك

درود فرستد خدای بر ایشان همه و سؤال میکنم ترا بانچه که سؤال کردند ترا

به اهل طاعتك اجمعين ان تصلي على

بآن فرمان برداران تو همه اینکه درود فرستی تو بر

محمد وعلى ال محمد عدد ما خلقت من قبل

محمد و بر آل محمد بشمار چیزیکه پیدا کرده تو پیش از

ان تكون السماء مبنية والارض مطحية

آنکه باشد آسمان برپا کرده شده و زمین گسترده شده

قوله على السحاب فامطرت بيت

قوله صلى الله در بعضی نسخ صلوة الله آمده یعنی ...

قوله مبنية یعنی بنا کرده شده ...

وَالْجِبَالُ مُرْسِيَةً وَالْعُيُونُ مُنْفَجِرَةً وَالْأَنْهَارُ
و کوههای استوار و چشمهای آب گشاده و جویهای

مُنْهَمِرَةً وَالشَّمْسُ مُضْحِيَةً وَالْقَمَرُ مُضِيئًا
آب ریزان و آفتاب تابان و ماهتاب درخشان

وَالْكَوَاكِبُ مُنِيرَةً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ
و ستارگان فروزان خدایا درود بفرست بر محمد و

عَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ عِلْمِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ
بر آل محمد بشمار علم خود و درود بفرست بر محمد و

عَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ حِلْمِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ
بر آل محمد بشمار بردباری خود و درود بفرست بر محمد و

عَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا اَحْصَاهُ اللَّوْحُ الْمَحْفُوظُ
بر آل محمد بشمار چیزیکه شمرده است آنرا لوح محفوظ

مِنْ عِلْمِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ
از علم تو خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عَدَدَ مَا جَرٰى بِهِ الْقَلَمُ فِيْ اُمِّ الْكِتَابِ
بشمار چیزیکه روان شد آن قلم در لوح محفوظ

عِنْدَكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ مِلْءَ
نزد تو و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد باندازه پری

فی یوم الجمعة

قوله اللوح المحفوظ

فائده

قوله ماجری به القلم
شرح این قریب گذشته

سمٰوٰتك وصلّ على محمّدٍ وّعلى اٰلِ محمّدٍ مِّلا
آسمانهای خود و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد باندازه پری

ارضك وصلّ على محمّدٍ وّعلى اٰلِ محمّدٍ مِّلا
زمین خود و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد باندازه پری

ما انت خالقه من يّوم خلقت الدّنيا الٰى
چیزیکه تو پیدا کننده آنرا از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا

يوم القيٰمة اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وّعلى اٰلِ
روز قیامت خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

محمّدٍ عدد صفوف الملٰئكة وتسبيحهم و
محمد بشمار صفهای فرشتگان و تسبیح ایشان

تقديسهم وتحميدهم وتمجيدهم وتكبيرهم
تقدیس ایشان و تحمید ایشان و ثنا گفتن ایشان و تکبیر ایشان

وتهليلهم مّن يّوم خلقت الدّنيا الٰى
و تهلیل ایشان از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا

يوم القيٰمة اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وّعلى
روز قیامت خدایا درود بفرست بر محمد و بر

اٰلِ محمّدٍ عدد السّحاب الجارية والرّياح
آل محمد بشمار ابرهای دونده و بادهای

قوله صفوف الملٰئكة یعنی صفهای فرشتگان یا اهل آن صفها و تسبیحهم و بشمار تسبیح ایشان یعنی سبحان الله گفتن ایشان و تقدیسهم بشمار گفتن ایشان سبحان الملك القدوس یعنی پاکی یاد میکنم پادشاهی را که پاک

الحزب الخامس

است از هر نقصان و تحمیدهم و بشمار الحمد لله گفتن ایشان و تمجیدهم و بشمار ثنا گفتن ایشان بزرگی خدا و تکبیرهم بشمار الله اکبر گفتن ایشان و تهلیلهم و بشمار گفتن ایشان ١٢

لا اله الا الله

قوله من یوم ... یعنی ... و ... ١٢

الذّارية من يوم خلقت الدّنيا الى
پراگنده کننده از روزیکه پیدا کرده تو دنیارا تا

يوم القيمة اللّهمّ صلّ على محمّد وّعلى ال
روز قیامت خدایا درود فرست بر محمد و بر آل

محمّد عدد كلّ قطرة تقطر من سموتك
محمد بشمار هر قطره که میریزد از آسمانهای تو

الى ارضك وما تقطر الى يوم القيمة
بسوی زمین تو وانچه خواهد ریزد تا روز قیامت

اللّهمّ صلّ على محمّد وّعلى ال محمّد عدد ما
خدایا درود فرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

هبّت الرّياح وعدد ما تحرّكت الاشجار و
وزیدن بادها و بشمار جنبیدن درختان و

الاوراق والزّرع وجميع ما خلقت في
برگها و کشت زارها و همه انچه پیدا کرده تو در

قرار الحفظ من يوم خلقت الدّنيا الى يوم القيمة
قرارگاه نگاهداشت از روزیکه پیدا کرده تو دنیارا تا روز قیامت

اللّهمّ صلّ على محمّد وّعلى ال محمّد عدد
خدایا درود فرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

في يوم الجمعة

قوله قرار الحفظ
قرارگاه نگاهداشت
چیزی یعنی زمین

القطر والمطر والنبات من یوم خلقت

قطرها و باران ها و رستنیها از روزی که پیدا کردهٔ تو

الدنیا الی یوم القیمة اللهم صل علی محمد

دنیا را تا روز قیامت خدایا درود بفرست بر محمد

وعلی آل محمد عدد النجوم فی السماء من یوم

و بر آل محمد بشمار ستارگان در آسمان از روزیکه

خلقت الدنیا الی یوم القیمة اللهم صل

پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت خدایا درود بفرست

علی محمد وعلی آل محمد عدد ما خلقت فی

بر محمد و بر آل محمد بشمار چیزیکه پیدا کردهٔ تو در

بحارك السبعة مما لا یعلم علمه الا انت

هفت دریاهای خود از جنس چیزیکه نمیدانند و فرا نرسیده است بآن دانش هیچ کسی مگر تو

وما انت خالقه الی یوم القیمة اللهم

و آنچه تو پیدا کننده او را تا روز قیامت خدایا

صل علی محمد وعلی آل محمد عدد الرمل

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار ریگ

والحصی فی مشارق الارض ومغاربها

و سنگریزها که بوده است در جانب جایهای بر آمدن آفتاب از زمین و فرو رفتن آن

قوله القطر بفتح یعنی چکیده ۱۲

قوله ما انت خالقه در بعضی نسخه آمده فیما بعد خالقه ۱۲

قوله مغاربها جانب جایهای فرو رفتن آفتاب از آن زمین ۱۲

في يوم الجمعة

اللّهمّ صلّ على محمّد وعلى آل محمّد عدد ما
خدایا درود فرست بر محمد و بر آل محمد بشمار چیزیکه

خلقت من الجنّ والانس وما انت خالقه الى
پیدا کردهٔ تو از جن و انسان و چیزیکه تو پیدا کننده آنی تا

يوم القيمة اللّهمّ صلّ على محمّد وعلى آل محمّد
روز قیامت خدایا درود فرست بر محمد و بر آل محمد

عدد انفاسهم والفاظهم ولحاظهم من
بشمار دمهای ایشان و لفظهای ایشان و نگریستنهای ایشان از

يوم خلقت الدنيا الى يوم القيمة اللّهمّ
روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت خدایا

صلّ على محمّد وعلى آل محمّد عدد طيران
درود فرست بر محمد و بر آل محمد بشمار پریدن

الجنّ والملئكة من يوم خلقت الدّنيا الى
جن و فرشتگان از روزیکه پیدا کردهٔ تو دنیا را تا

يوم القيمة اللّهمّ صلّ على محمّد وعلى آل
روز قیامت خدایا درود فرست بر محمد و بر آل

محمّد عدد الطّيور والهوامّ وعدد الوحوش
محمد بشمار پرندگان و چرندگان و بشمار جانوران رمنده صحرایی

قوله
انفاسهم لحاظهم
یعنی بشمار نفسهای ایشان
و نگاه ... ایشان ... ۱۲

قوله
طیران الجن
یعنی بشمار پریدن
جنیان و دیو
۱۲

قوله
والهوام
یعنی بشمار چرندگان زمین
چون خزنده‌ها و مورها و گژدم
و مانند آن
۱۲

قوله
الوحوش
بضم اول
و دوم
۱۲

قوله في مشارق يعني در جاهائيکه بوده اند اين مجموعه مذکور در زمين ۱۲

قوله والآكام يعني تل و پشته و نيز بکسر همزه ۱۲

وَالْآكَامِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا

و پستيها و بلنديهای زمين در زمين جانب جايهای برآمدن آفتاب و جانب جايهای فرو رفتن آن

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْأَحْيَاءِ

خدايا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار زندگان

وَالْأَمْوَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ

و مردگان خدايا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

مَا أَظْلَمَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَمَا أَشْرَقَ عَلَيْهِ النَّهَارُ

چيزيکه تاريک است براو شب و چيزيکه روشن شده است براو روز

مِنْ يَّوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ

از روزيکه پيدا کردهٔ تو دنيا را تا روز قيامت خدايا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ يَّمْشِيْ عَلٰى

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار کسيکه ميرود بر

رِجْلَيْنِ وَمَنْ يَّمْشِيْ عَلٰى أَرْبَعٍ مِّنْ يَّوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا

دو پای و کسيکه ميرود بر چهارپای از روزيکه پيدا کردهٔ تو دنيا را

إِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ

تا روز قيامت خدايا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عَدَدَ مَنْ صَلّٰى عَلَيْهِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ

بشمار کسيکه درود فرستاده اند براو از جن و انسان و فرشتگان

الحزب الخامس

قوله عدد الاحياء يعني بشمار زندگان از جاندار ۱۲

قوله يمشي على رجلين مانند آدميان و پرندگان چون بهائم رود ۱۲

اللهم صل على محمد وعلى آل محمد عدد من يصلي عليه ١٢ م

قوله يجب

كما ينبغي ١٢

في يوم الجمعة

مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ

از روزیکه پدید آوردهٔ تو دنیا را تا روز قیامت خدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار کسیکه درود نفرستاده است

عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

بر او خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد چنانچه

يَجِبُ اَنْ يُّصَلّٰى عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ

واجبست اینکه درود فرستاده شود بر او خدایا درود بفرست بر محمد و

عَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا يَنْبَغِيْ اَنْ يُّصَلّٰى عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

بر آل محمد چنانچه سزاوار است اینکه درود فرستاده شود بر او خدایا درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ حَتّٰى لَا يَبْقٰى شَيْءٌ مِّنَ

بر محمد و بر آل محمد تا اینکه باقی نماند چیزی از

الصَّلٰوةِ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ فِي

درود بر او خدایا درود بفرست بر محمد در

الْاَوَّلِيْنَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ فِي الْاٰخِرِيْنَ اَللّٰهُمَّ

پیشینیان و درود بفرست بر محمد در پسینیان خدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَاِ الْاَعْلٰى اِلٰى يَوْمِ الدِّيْنِ

درود بفرست بر محمد در گروه بلند تا روز قیامت

مَاشَآءَ اللّٰهُ لَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ

آنچه خواهد خدا میشود نیست توانائی بهیچ کس را مگر بتوفیق خدای که برتر و بزرگ است

اَلْحِزْبُ النَّاسُ يُقْرَءُ فِي يَوْمِ السَّبْتِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاَعْطِهِ

خدایا درود و رحمت بر محمد و بر آل محمد و بده او را

الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ

وسیله و بزرگی و پایه بلند

وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَّحْمُوْدَ الَّذِيْ وَعَدْتَّهُ اِنَّكَ

و برانگیز او را در مقام محمود که وعده کرده تو او را بدرستیکه تو

لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ اَللّٰهُمَّ عَظِّمْ شَانَهُ وَبَيِّنْ

خلاف نمیکنی وعده را خدایا بزرگ گردان مرتبه او را و ظاهر گردان

بُرْهَانَهُ وَاَبْلِجْ حُجَّتَهُ وَبَيِّنْ فَضِيْلَتَهُ وَتَقَبَّلْ

دلیل او را و روشن گردان دلیل او را و ظاهر گردان بزرگی او را و قبول کن

شَفَاعَتَهُ فِيْ اُمَّتِهِ وَاسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ

سفارش او را در حق امت او و گردان مایان را از کار کنندگان بطریقه وی

يَارَبَّ الْعَالَمِيْنَ وَيَارَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ اَللّٰهُمَّ

ای پروردگار عالمیان و ای پروردگار عرش که بزرگست خدایا

قوله ماشاء الله لاقوة الا بالله العلى العظيم
در حدیث آمده کسی که داده شود او را چیزی خوش نی در اهل و مال او پس بگوید نزد آن ماشاء الله لاحول ولا قوة الا بالله العلى العظيم نبیند در آن چیزی ناخوش کند او را ۱۲

قوله الحزب
شروع حزب شنبه

اَلْحِزْبُ النَّاسُ

قوله عظم شانه
و اینجا شروع است بیان ... ۱۲

قوله برهانه
یعنی ظاهر گردان دلیل نبوت او را و بیجه ... او را

یَا رَبِّ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لِوَائِهِ

ای پروردگار من حشر کن ما را در گروه او و در زیر علم او

وَاسْقِنَا بِكَأْسِهِ وَانْفَعْنَا بِمَحَبَّتِهِ آمِين

و بیاشام ما را بکاسه او و نفع ده ما را بدوستی او چنین باد

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ بَلِّغْهُ عَنَّا

ای پروردگار عالمیان خدایا ای پروردگار من برسان او را از ما

أَفْضَلَ السَّلَامِ وَاجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ مَا جَازَيْتَ

بهترین سلام و پاداش ده او را از ما بزرگترین چیزیکه پاداش داده تو

بِهِ النَّبِيَّ عَنْ أُمَّتِهِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ

بدان پیغمبری را از امت او ای پروردگار عالمیان خدایا ای پروردگار من

إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتَتُوبَ

بدرستیکه من سوال میکنم ترا اینکه بیامرزی تو مرا و رحم کنی تو مرا و بپذیری تو توبه

عَلَيَّ وَتُعَافِيَنِي مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَالْبَلْوَاءِ

من و نگهداری مرا از همه آفتها و محنتها

الْخَارِجِ مِنَ الْأَرْضِ وَالنَّازِلِ مِنَ السَّمَاءِ إِنَّكَ

که برآینده اند از زمین و فرود آینده اند از آسمان بدرستیکه تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ وَأَنْ تَغْفِرَ لِلْمُؤْمِنِينَ

بر هر چیزی توانائی بسبب بخشایش خود و آنکه بیامرزی مر مؤمنان را

قوله واجزه
یعنی پاداش ده او را از ما بزرگترین جزای
پیغمبران از امت ایشان

قوله الخارج من الارض
یعنی چون جنبیدن زمین و زلزله و غرق شدن
از زمین و آب برآیند

في يوم السبت

قوله والنازل من السماء
چنانکه باران بحدت و افتادن
صاعقه و آتش برق
و غیر آن

قوله برحمتك
یعنی عافیت ده مرا بسبب
بخشایش خود

قوله للمؤمنين
مردان گرونده گان

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ
و مؤمنات را و مسلمانان و مسلمات را زندگان
مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَرَضِيَ اللّٰهُ عَنْ أَزْوَاجِهِ
از ایشان و مردگان را و خشنود باد خدای از زنان او
الطَّاهِرَاتِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَرَضِيَ اللّٰهُ
که پاکند و مادران مؤمنان اند و خشنود باد خدای
عَنْ أَصْحَابِهِ الْأَعْلَامِ أَئِمَّةِ الْهُدَى وَمَصَابِيحِ
از یاران او که بزرگ پیشوایان رهنمائی و ستارگان
الدُّنْيَا وَعَنِ التَّابِعِينَ وَتَابِعِ التَّابِعِينَ لَهُمْ
دنیا و از پیروی کنندگان و پیروی کنندگان پیروی کنندگان ایشان را
بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
به نیکوئی تا روز پاداش و ستایش مر خدای راست که پروردگار عالمیانست

هذا ابتداء الثلث الثالث

اللّٰهُمَّ رَبَّ الْأَرْوَاحِ وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ
خدایا پروردگار جانها و تنهای کهنه شده
أَسْأَلُكَ بِطَاعَةِ الْأَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ إِلَى
سؤال میکنم ترا بوسیلهٔ فرمان بردن تو جانها بازگردنده بسوی

الحزب الثالث

اللهم انی اسألك بحق ما حمل کرسیك

قوله الارواح البالیة

أَجْسَادِهَا وَبِطَاعَةِ الْأَجْسَادِ الْمُلْتَئِمَةِ

تنهای خود و بفرمان بردن تنهای بهم آینده و جمع شونده

بِعُرُوقِهَا وَبِكَلِمَاتِكَ النَّافِذَةِ فِيهِمْ وَأَخْذِكَ

با رگهای خود و به سخنان تو که جاری شونده اند در ایشان و به گرفتن تو

الْحَقَّ مِنْهُمْ وَالْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ يَنْتَظِرُونَ

حق را از ایشان و حالانکه باشند همه آفریدگان پیش تو در حالتیکه انتظاری برند

فَصْلَ قَضَائِكَ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَكَ وَيَخَافُونَ

جدا کنندهٔ حکم ترا و امید دارند بخشش ترا و میترسند

عِقَابَكَ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَذِكْرَكَ

عقوبت ترا اینکه گردانی تو روشنائی در دیدهٔ من و یاد کردن تو

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي وَعَمَلًا صَالِحًا فَارْزُقْنِي

شب و روز بر زبان من و کردار شایسته پس روزی کن مرا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ

خدایا درود بفرست بر محمد چنانچه درود فرستادهٔ تو بر ابراهیم و

بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ اللَّهُمَّ

برکت ده بر محمد چنانچه برکت دادهٔ تو بر ابراهیم خدایا

اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ

بگردان درودهای خود را و برکتهای خود را بر محمد و بر آل

في يوم السبت

مُحَمَّدٍ كَمَا جَعَلْتَهَا عَلٰى اِبْرٰهِيمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيمَ

محمد چنانچه گردانیدی تو اورا بر ابراهیم و بر آل ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ

بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری و برکت ده بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيمَ

محمد چنانچه برکت داده تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

بدرستیکه ستوده شده بزرگواری خدایا درود فرست بر محمد

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَصَلِّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

که بنده تست و پیغمبر تست و درود فرست بر مؤمنان

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ اَللّٰهُمَّ

و مؤمنات و مسلمانان و مسلمات خدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِهِ عَدَدَ مَا اَحَاطَ

درود فرست بر سردار ما محمد و بر آل او بشمار چیزیکه فرا رسیده است

بِهِ عِلْمُكَ وَاَحْصَاهُ كِتَابُكَ وَشَهِدَتْ بِهِ مَلٰئِكَتُكَ

باو علم تو و احصا کرده آنرا کتاب تو و گواهی داد باو فرشتگان تو

صَلٰوةً دَائِمَةً تَدُومُ بِدَوَامِ مُلْكِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ

درودی که همیشه باشد همیشگی ملک خدا خدایا

کسی مطالعه
این کتاب از اول تا آخر خواند
معلوم نشد این الفاظ
بالا که ... کرفته
و ... معنی
...

الحزب السادس

الی ۲۳

إِنّي أَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْعِظَامِ مَا عَلِمْتُ مِنْهَا

بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بوسیلهٔ نامهای تو که بزرگند آنچه دانسته ام من از آنها

وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي سَمَّيْتَ بِهَا

و آنچه ندانسته ام من و به نامهای که نامیدهٔ تو بآن

نَفْسَكَ مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَعْلَمْ أَنْ تُصَلِّيَ

ذات خودرا آنچه دانسته ام من از آنها و آنچه ندانسته ام اینکه درود فرستی تو

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَنَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ

بر سرور ما محمد که بندهٔ تست و پیغمبر تست و فرستاده شدهٔ تست

عَدَدَ مَا خَلَقْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَكُونَ السَّمَاءُ مَبْنِيَّةً

بشمار آنچه پیدا کردهٔ تو پیش از آنکه باشد آسمان برپا کرده شده

وَالْأَرْضُ مَدْحِيَّةً وَالْجِبَالُ مُرْسِيَةً وَالْعُيُونُ

و زمین گسترده شده و کوهها استوار کرده شده و چشمهای آب

مُنْفَجِرَةً وَالْأَنْهَارُ مُنْهَمِرَةً وَالشَّمْسُ مُشْرِقَةً

روان و جویهای آب ریزان و آفتاب روشن و تابان

وَالْقَمَرُ مُضِيئًا وَالْكَوَاكِبُ مُسْتَنِيرَةً وَالْبِحَارُ

و ماهتاب فروزان و ستارگان فروزان و دریاها

مُجْرَاةً وَالْأَشْجَارُ مُثْمِرَةً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

نیز رونده و درختها باردار خدایا درود بفرست بر محمد

قوله مشرقة
بضم میم و سکون شین ... ۱۲

قوله مجریة
بضم میم و سکون جیم و فتح راء و یاء ... یعنی ... روان ... از اینجاست ... ۱۲

فی یوم السبت

مجراة
بضم میم و فتح راء و بعد آن الف یعنی روان گردانیده و این ظاهر است در حزب پنجم چنانچه گذشته ۱۲

عَدَدَ عِلْمِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ حِلْمِكَ وَ

بشمار علم خود و درود بفرست بر محمد بشمار بردباری خود و

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ كَلِمَاتِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

درود بفرست بر محمد بشمار سخنان خود و درود بفرست بر محمد

عَدَدَ نِعْمَتِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ فَضْلِكَ

بشمار نعمت خود و درود بفرست بر محمد بشمار افزونی کرم خود

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ جُوْدِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

و درود بفرست بر محمد بشمار بخشش خود و درود بفرست بر محمد

عَدَدَ سَمٰوٰتِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ اَرْضِكَ

بشمار آسمانهای خود و درود بفرست بر محمد بشمار زمین خود

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ فِيْ سَبْعِ

و درود بفرست بر محمد بشمار آنچه که پیدا کرده تو در هفت

سَمٰوٰتِكَ مِنْ مَلٰٓئِكَتِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا

آسمانها خود از فرشتگان خود و درود بفرست بر محمد بشمار آنچه که

خَلَقْتَ فِيْ اَرْضِكَ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَغَيْرِهِمَا

پیدا کرده تو در زمین خود از جن و انسان و جز اینها

مِنَ الْوُحُوْشِ وَالطَّيْرِ وَغَيْرِهِمَا وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

از جانوران رمندگان و پرندگان و جز آنها و درود بفرست بر محمد

قوله عدد جودك یعنی بشمار آنچه که بخشیده است تا آنها بخشش ۱۲

قوله ارضك که ظاهر هست که آسمان هفت اند و زمین نیز هفت اند و این عدد اگرچه قلیل است و در طلب درود می باید بسیار باشد و لیکن

الحزب السادس

[illegible] درود [illegible] بسیار [illegible] ۱۲

عَدَدَ مَا جَرٰى بِهِ الْقَلَمُ فِيْ عِلْمِ غَيْبِكَ فَمَا يَجْرِيْ

بشمار چیزیکه روان شد آن قلم در علم نهان تو و چیزیکه روان خواهد شد

بِهِ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْقَطْرِ

آن تا روز قیامت و درود بفرست بر محمد بشمار قطرها

وَالْمَطَرِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ يَحْمَدُكَ وَيَشْكُرُكَ

و بارانها و درود بفرست بر محمد بشمار کسانیکه می ستایند ترا و سپاس گذاری میکنند ترا

وَيُهَلِّلُكَ وَيُمَجِّدُكَ وَيَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ وَ

و اثبات وحدانیت تو میکنند و بزرگی یاد میکنند ترا و گواهی میدهند آنکه بتحقیق تو خدائی و

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ اَنْتَ وَ

درود بفرست بر محمد بشمار آنکه که درود فرستاده تو براو تو و

مَلٰٓئِكَتُكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ صَلّٰى عَلَيْهِ

فرشتگان تو و درود بفرست بر محمد بشمار کسیکه درود فرستاده است بروی

مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ لَّمْ يُصَلِّ

از آفریدگان تو و درود بفرست بر محمد بشمار کسیکه درود فرستاده است

عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْجِبَالِ

بروی از آفریدگان تو و درود بفرست بر محمد بشمار کوهها

وَالرِّمَالِ وَالْحَصٰى وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ الشَّجَرِ

و ریگها و سنگریزها و درود بفرست بر محمد بشمار هر درختی

قوله يحمدك يعني ستايش ترا ميكنند

قوله ويشكرك وسپاس گذاري ميكنند ترا

قوله ويهللك باثبات وحدانيت ميكنند

قوله الرمال

وَأَوْرَاقِهَا وَالْمَدَرِ وَأَثْقَالِهَا وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
و برگهای آن و کلوخ و بارهای گران آن و درود فرست بر محمد

عَدَدَ كُلِّ سَنَةٍ وَمَا تَخْلُقُ فِيهَا وَمَا يَمُوتُ فِيهَا
بشمار هر سالی و آنچه که پیدا میکنی تو در آن و آنچه میرد در آن

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا تَخْلُقُ كُلَّ يَوْمٍ وَمَا يَمُوتُ
و درود فرست بر محمد بشمار آنچه که پیدا میکنی تو هر روز و آنچه میرد

فِيهِ إِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
در آن تا روز قیامت خدایا و درود فرست بر محمد

عَدَدَ السَّحَابِ الْجَارِيَةِ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ
بشمار ابرهای رونده درمیان آسمان و

الْأَرْضِ وَمَا تُمْطِرُ مِنَ الْمِيَاهِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
زمین و آنچه که می بارد از آبها و درود فرست بر محمد

عَدَدَ الرِّيَاحِ الْمُسَخَّرَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ
بشمار بادهای رام شدگان در زمین جانب برآمدن آفتاب و

مَغَارِبِهَا وَجَوْفِهَا وَقِبْلَتِهَا وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
جانب فرو رفتن آن و درمیان آن و جانب قبله آن و درود فرست بر محمد

عَدَدَ نُجُومِ السَّمَاءِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ
بشمار ستارگان آسمان و درود فرست بر محمد بشمار آنچه که پیدا کردهٔ تو

قوله تمطر بضم تا و کسر طا و نیز بفتح تا و ضم طا ۱۲

قوله المسخرات رام شدگان بحکم خدا تعالی ۱۲

قوله وجوفها یعنی درون آن بادها که رام شده اند درمیان آن زمین و شاید که مراد از زمین کعبه شریف باشد و آنچه که نزدیک است بوی از زمین حرم زیرا که اول حق تعالی که زمین را پیدا کرد مقدار عرصهٔ کعبه شریف بود و بعد از آن آن را دراز کرد بجانب اول

الحزب السابع

قوله قبلتها و آن جانب کعبه شریف است از حرم ... یعنی که اعتبار کرده شود ۱۲

فِي بِحَارِكَ مِنَ الْحِيتَانِ وَالدَّوَابِّ وَالْمِيَاهِ

در دریاهای خود از ماهیان و چارپایان و آب ها

وَالرِّمَالِ وَغَيْرِ ذٰلِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

در ریگها و جز آن و درود بفرست بر محمد بشمار

النَّبَاتِ وَالْحَصٰى وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ النَّمْلِ وَ

رستنیها و سنگریزها و درود بفرست بر محمد بشمار مورچها و

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْمِيَاهِ الْعَذْبَةِ وَصَلِّ عَلٰى

درود بفرست بر محمد بشمار آب های شیرین و درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْمِيَاهِ الْمِلْحَةِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

محمد بشمار آب های شور و درود بفرست بر محمد بشمار

نِعْمَتِكَ عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

نعمتهای تو بر همه آفریدگان خود و درود بفرست بر محمد

عَدَدَ نِقْمَتِكَ وَعَذَابِكَ عَلٰى مَنْ كَفَرَ بِمُحَمَّدٍ

بشمار عقوبت تو و عذاب تو بر کسیکه انکار کرد بمحمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

درود فرستد خدا بروی و سلام و درود بفرست بر محمد بشمار

مَا دَامَتِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةُ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

اجزای همیشگی مدت دنیا و آخرت و درود بفرست بر محمد بشمار

في يوم السبت

مادامت الخلائق في الجنة وصل على محمد عدد

وقتیکه باشد آفریدگان تو در بهشت و درود بفرست بر محمد بشمار

مادامت الخلائق في النار وصل على محمد على قدر

همیشگی بودن آفریدگان در دوزخ و درود بفرست بر محمد باندازه

ما تحبه وترضاه وصل على محمد على قدر ما

دوست داشتن تو براو و خوشنود بودن تو بوی و درود بفرست بر محمد باندازه

يحبك ويرضاك وصل على محمد ابد الابدين و

دوست داشتن وی مرترا و خوشنود بودن وی بتو و درود بفرست بر محمد همیشه همیشگیها و

انزله المنزل المقرب عندك واعطه الوسيلة و

فرود آر او را در جای فرود آمدن که نزدیک کرده شده است نزد تو و بده او را وسیله و

والفضيلة والشفاعة والدرجة الرفيعة والمقام

و بزرگی و مرتبه شفاعت و پایه بلند و مقام

المحمود الذي وعدته انك لا تخلف الميعاد

ستوده شده که وعده کرده تو او را بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را

اللهم اني اسئلك بانك مالكي وسيدي ومولاي

خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بوسیله آنکه تحقیق تو خداوند من هستی و مالک من ...

وثقتي ورجائي اسئلك بحرمة الشهر الحرام

و تکیه گاه من و امیدگاه من هستی سوال میکنم ترا بوسیله بزرگی ماههای حرام

قوله الابدين جمع ...

قوله المقرب عندك یعنی از روی مرتبه و شأن این درود ...

قوله مولای ...

الحزب السادس

قوله ثقتی یعنی ... من ...

قوله رجائی یعنی امیدگاه من ...

قوله الشهر الحرام یعنی ماهها که حرام ... در ابتدای اسلام ...

وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَقَبْرِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ

و شهر حرام و مشعر حرام و قبر شریف پیغمبر تو بروی باد

السَّلَامُ اَنْ تَهَبَ لِي مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يَعْلَمُ

سلام اینکه ببخشی تو مرا از خیر چیزی که نمیداند آنرا

عِلْمَهُ اِلَّا اَنْتَ وَتَصْرِفَ عَنِّي مِنَ السُّوٓءِ

هیچ کس مگر تو و باز گردانی از من از بدی

مَا لَا يَعْلَمُ عِلْمَهُ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ وَهَبَ

چیزی که نمیداند آنرا هیچ کس مگر تو خدایا ای آنکه عطا نموده

لِاٰدَمَ شِيْثَ وَلِاِبْرَاهِيمَ اِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَ

مر آدم را شیث و مر ابراهیم را اسمعیل و اسحق و

رَدَّ يُوسُفَ عَلٰى يَعْقُوبَ وَيَا مَنْ كَشَفَ

باز گرداننده یوسف را بر یعقوب و ای آنکه دور ساخت

الْبَلَاءَ عَنْ اَيُّوبَ وَيَا مَنْ رَدَّ مُوسٰى اِلٰى اُمِّهِ

رنج را از ایوب و ای آنکه باز گردانید موسی را بسوی مادر وی

وَيَا زَائِدَ الْخِضْرِ فِي عِلْمِهِ وَيَا مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ

و ای افزاینده خضر را در علم وی و ای آنکه داده مر داود را

سُلَيْمٰنَ وَلِزَكَرِيَّا يَحْيٰى وَلِمَرْيَمَ عِيسٰى وَيَا حَافِظَ

سلیمان و مر زکریا را یحیی و مریم را عیسی و ای نگاهبان

في يوم السبت

الحزب السادس

ابنة شعيب اسئلك ان تصلي على محمد وعلى

دختر شعيب سؤال میکنم ترا اینکه درود بفرستی بر محمد و بر

جميع النبيين والمرسلين ويا من وهب

همه پیغمبران و فرستاده شدگان وای انکه عطا فرموده

لمحمد صلى الله عليه وسلم الشفاعة و

مر محمد را درود فرستد خدا بروی و سلام مرتبهٔ شفاعت و

الدرجة الرفيعة ان تغفر لي ذنوبي وتستر

بلند اینکه بیامرزی تو مرا گناهان مرا و بپوشی

لي عيوبي كلها وتجيرني من النار وتوجب

مرا عیبهای مرا همهٔ آنها و نگاه داری مرا از دوزخ و واجب گردانی

لي رضوانك وامانك وغفرانك واحسانك

برای من خشنودی خود را و امان خود را و آمرزش خود را و احسان خود را

وتمتعني في جنتك مع الذين انعمت عليهم

و برخوردار گردانی مرا در بهشت در حالیکه باشم با آنکه انعام کردی تو برایشان

من النبيين والصديقين والشهداء و

از پیغمبران و راستگاران و شهیدان و

الصالحين انك على كل شيء قدير وصلى الله

پرهیزگاران بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و درود فرستد خدا

فی یوم السبت

علی محمدٍ وعلی آله ما ازعجت الریاح سحابا

بر محمد و بر آل او تا زمانیکه برانگیزانند بادها ابرهارا

رکاما وذاق کل ذی روح حماما واوصل

که درهم رسته بود و بچشد هر جان داری مرگ را و برسان

السلام لاهل السلام فی دار السلام تحیة

سلام مرسنراوار سلام را در بهشت درحالیکه باشد آن دعا بجا

وسلاما اللهم افردنی لما خلقتنی له ولا

و سلامتی خدایا یکتا کن مرا از برای چیزیکه پیدا کرده تو مرا برای او و میندار

تشغلنی بما تکفلت لی به ولا تحرمنی وانا

در شغل مرا بچیزیکه ضامن شده تو برای من بآن و بی نصیب گردان مرا و حالانکه من

اسئلک ولا تعذبنی وانا استغفرک ثلثا

سؤال میکنم ترا و عذاب مکن مرا و حالانکه مرا آمرزش میخواهم ترا این کلمه ان سه بار

اللهم صل علی سیدنا محمد وعلی آله وسلم

خدایا درود بفرست بر رئیس ما ان محمد و بر آل او و سلام

اللهم انی اسئلک واتوجه الیک بحبیبک

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا وروی آرم بسوی تو بوسیله دوست تو

المصطفی عندک یا حبیبنا یا سیدنا محمد انا

که برگزیده شده است نزد تو ای محبوب ما ای رئیس ما محمد بتحقیق که ما

نتوسل بك الى ربك فاشفع لنا عند المولى

وسيله مى آريم ترا بسوى پروردگار تو پس شفاعت كن براى مايان نزد خداوند

العظيم يا نعم الرسول الطاهر اللهم شفعه فينا

بزرگوار اى نيكو پيغمبر پاك خدايا قبول شفاعت او كن در حق مايان

بجاهه عندك ثلثا واجعلنا من خير المصلين

بوسيله مرتبه او كه نزد تست اين بگو سه بار وگردان مايان را از بهترين درود گويان

والمسلمين عليه ومن خير المقربين منه والواردين

وسلام گويان بروى واز بهترين نزديكان بوى وفرود آيندگان

عليه ومن اخيار المحبين فيه والمحبوبين

بروى واز نيكوان دوستداران وى ودوست داشتگان

لديه وفرحنا به في عرصات القيمة واجعله

نزديك او وشادگردان مارا بوى در ميدان قيامت وگردان اورا

لنا دليلا الى جنة النعيم بلا مؤنة ولا مشقة

براى مايان رهنماى بسوى بهشتهاى بانعمت بى رنج وبى محنت

ولا مناقشة الحساب واجعله مقبلا علينا

وبى كشاكش شمردن كارها وگردان اورا متوجه بحال مايان

ولا تجعله غاضبا علينا واغفر لنا

وگردان اورا خشمناك بر مايان وبيامرز مايان را

قوله الواردين عليه
يعنى گردان مايان را بهترين فرود آيندگان بروى بروضه وى در بهشت ١٢

واين جا نيز دعا كند

قوله والمحبوبين
يعنى دوست داشته شدگان بسبب پيروى او

قوله مؤنة

قوله لا مناقشة الحساب
يعنى سخت شمردن كارها

قوله واجعله مقبلا

قوله الحمد لله

قوله ابتداء الربع الرابع

فی یوم السبت

وَلِوَالِدِيْنَا وَلِجَمِيْعِ الْمُسْلِمِيْنَ الْاَحْيَآءِ مِنْهُمْ

و مر پدر و مادر ما را و مر همه مسلمانان را زندگانرا از ایشان

وَالْمَيِّتِيْنَ وَاٰخِرُ دَعْوَانَا اَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

و مردگانرا و آخر دعای ما آنست که ستایش مر خدایراست که پروردگار

الْعٰلَمِيْنَ

عالمیان است

اِبْتِدَاءُ الرُّبُعِ الرَّابِعِ

فَاَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ

پس سوال میکنم ترا ای خدای ای خدای ای خدای ای زنده ای پاینده

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنْتَ سُبْحٰنَكَ

ای خداوند بزرگی و اکرام نیست هیچکس سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو

اِنِّيْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ اَسْئَلُكَ بِمَا حَمَلَ

بدرستیکه من هستم از ستمکاران سوال میکنم ترا بچیزیکه برداشته است آنرا

كُرْسِيُّكَ مِنْ عَظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ وَبَهَآئِكَ وَ

کرسی تو از بزرگی تو و جلال تو و روشنی تو و آثار

قُدْرَتِكَ وَسُلْطَانِكَ وَبِحَقِّ اَسْمَآئِكَ الْمَخْزُوْنَةِ الْمَكْنُوْنَةِ

قدرت تو و پادشاهی تو و بوسیله نامهای تو که پوشیده نگهداشته شده است

قوله یا ذا الجلال والاکرام ای خداوند صفات قهریه و لطفیه جامع است همه صفات ... ۱۲

قوله سبحانك یعنی پاکی تو ...

قوله من الظالمین یعنی از ستمکاران ...

قوله المکنونة ...

۱۲

المطهرة التي لم يطلع عليها احد من خلقك

پاک کرده شده که مطلع نیست هیچ یکی از آفریدگان تو

وبحق الاسم الذي وضعته على الليل فاظلم

و بوسیلهٔ نامیکه گذاشتهٔ تو اورا بر شب پس تاریک شد

وعلى النهار فاستنار وعلى السموات

و بر روز پس روشن شد و بر آسمانها

فاستقلت وعلى الارض فاستقرت و

پس برپا شد و بر زمین پس قرار گرفت و

على البحار فانفجرت وعلى العيون فنبعت

بر دریاها پس شگافته شدند و بر چشمها پس جوشیدند

وعلى السحاب فامطرت واسئلك بالاسماء

و بر ابر پس بارید و سوال میکنم ترا بوسیله نامهای

المكتوبة في جبهة جبرئيل عليه السلام

که نوشته شده اند در پیشانی جبرئیل بروی باد سلام

وبالاسماء المكتوبة في جبهة اسرافيل

و بوسیله نامهائیکه نوشته شده اند در پیشانی اسرافیل

عليه السلام وعلى جميع الملئكة واسئلك

بروی باد سلام و بر همه فرشتگان و سوال میکنم ترا

قوله المطهرة یعنی بحق نامهائی که پاک شده از همه نقصان ۱۲

الحزب السادس

قوله فنبعت یعنی پس جوشیدند یعنی آب روان شد ۱۲

فی یوم السبت

بِالْأَسْمَاءِ الْمَكْتُوبَةِ حَوْلَ الْعَرْشِ وَبِالْأَسْمَاءِ الْمَكْتُوبَةِ
بوسیله نامهای که نوشته شده اند گرداگرد عرش و بوسیله نامهائی که نوشته شده اند

حَوْلَ الْكُرْسِيِّ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ
گرداگرد کرسی و سؤال میکنم ترا بوسیله نام تو که بزرگست بزرگترین است

الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ أَسْمَائِكَ
که نامیده تو بآن ذات خود را و سؤال میکنم ترا بوسیله نامهای تو

كُلِّهَا مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمَاءِ
همه ها آنچه دانسته ام من از آنها و آنچه ندانسته ام و سؤال میکنم ترا بوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ
که خوانده است ترا بآنها آدم بروی باد سلام و بوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ
که خوانده است ترا بآنها نوح بروی باد سلام و بوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا صَالِحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي
که خوانده است ترا بآنها صالح بروی باد سلام و بوسیله نامهائی که

دَعَاكَ بِهَا يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي
خوانده است ترا بآنها یعقوب بروی باد سلام و بوسیله نامهائی که

دَعَاكَ بِهَا يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ
خوانده است ترا بآنها یوسف بروی باد سلام و بوسیله نامهای

قوله العظیم یعنی بزرگ است که بزرگی آنرا همه کس دریافته ۱۲

قوله الاعظم یعنی بزرگترین است از آن که بزرگی آن کسی بعقل دریافت نماید ۱۲

در بعضی نسخه یعقوب و یوسف مذکور اند و در بعضی نسخه نیامده ۱۲

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يُونُسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا بآنها یونس بروی باد سلام وبوسیلهٔ نامهائی

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا بآنها موسی بروی باد سلام وبوسیلهٔ نامهائی

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا هٰرُونُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا بآنها هارون بروی باد سلام وبوسیلهٔ نامهائی

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا شُعَيْبٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا بآنها شعیب بروی باد سلام وبوسیلهٔ نامهائی

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا اِبْرٰهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا بآنها ابراهیم بروی باد سلام وبوسیلهٔ نامهائی

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا اِسْمٰعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا بآنها اسمعیل بروی باد سلام وبوسیلهٔ نامهائی

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا بآنها داود بروی باد سلام وبوسیلهٔ نامهائی

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا سُلَيْمٰنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا بآنها سلیمن بروی باد سلام وبوسیلهٔ نامهائی

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا زَكَرِيَّاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا بآنها زکریا بروی باد سلام وبوسیلهٔ نامهائی

فى يوم السبت

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يَحْيَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ
كه خوانده است ترا آنها يحيى بروى باد سلام و بوسيلهٔ نامهاى

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يُوشَعُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ
كه خوانده است ترا آنها يوشع بروى باد سلام و بوسيلهٔ نامهاى

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ
كه خوانده است ترا آنها خضر بروى باد سلام و بوسيلهٔ نامهاى

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا إِلْيَاسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي
كه خوانده است ترا آنها الياس بروى باد سلام و بوسيلهٔ نامهائى كه

دَعَاكَ بِهَا الْيَسَعُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي
خوانده است ترا آنها يسع بروى باد سلام و بوسيلهٔ نامهائى كه

دَعَاكَ بِهَا ذُو الْكِفْلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ
خوانده است ترا آنها ذو الكفل بروى باد سلام و بوسيلهٔ نامهاى

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ
كه خوانده است ترا آنها عيسى بروى باد سلام و بوسيلهٔ نامهاى

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
كه خوانده است ترا آنها محمد و درود فرستد خداى بروى و سلام

نَبِيُّكَ وَرَسُولُكَ وَحَبِيبُكَ وَصَفِيُّكَ يَا مَنْ
كه پيغمبر تست و فرستاده شدهٔ تست و دوست تست و برگزيدهٔ تست اى آنكسى كه

ع
بعضى نسخ
بزاده وبالاسماء
التى دعاك بها يحيى
عليه السلام ١٢

فقوله دعاك بها محمد صلعم
نامهائى كه اين پيغمبران عليهم السلام
بالا در حزب پنجم مذكور شده با تفاوت
پيش و پس و در بعضى جاها پس شرح اين
همه در اينجا بايد ديد ١٢

ع
قوله يا من قال
يعنى در قرآن ١٢

الحزب السادس

قَالَ وَقَوْلُهُ الْحَقُّ وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ

گفت و حالانکه گفتهٔ او راست است وخدای آفریده است شمارا واانچه شما میکنید

وَلَا يَصْدُرُ عَنْ اَحَدٍ مِّنْ عَبِيدِهٖ قَوْلٌ وَلَا

وواقع نمیشود از هیچ یکی از بندگان او سخنی ونه

فِعْلٌ وَّلَا حَرَكَةٌ وَّلَا سُكُونٌ اِلَّا وَقَدْ سَبَقَ

کاری ونه جنبشی ونه آرامیدنی مگرانکه وتحقیق پیش گذشته است

فِي عِلْمِهٖ وَقَضَائِهٖ وَقَدَرِهٖ كَيْفَ يَكُونُ

در علم وی درحکم وی ودراندازه خواهش وی چگونه خواهد بود

كَمَا اَلْهَمْتَنِي وَقَضَيْتَ لِي بِجَمْعِ هٰذَا الْكِتَابِ

از بهر انداختن تو در دل من وحکم کردن تو برای من برای ترتیب دادن این کتاب

وَيَسَّرْتَ عَلَيَّ فِيهِ الطَّرِيقَ وَالْاَسْبَابَ وَنَفَيْتَ

وآسان کردن تو برمن دراو راه واسباب ودور کردن تو

عَنْ قَلْبِي فِي هٰذَا النَّبِيِّ الْكَرِيمِ الشَّكَّ وَالْاِرْتِيَابَ

از دل من در این پیغمبر بزرگ تردد وبدگمانی را

وَغَلَّبْتَ حُبَّهُ عِنْدِي عَلٰى حُبِّ جَمِيعِ الْاَقْرِبَاءِ

وغالب ساختن تو دوست داشتن آنرا نزد من بر دوست داشتن همه خویشان

وَالْاَحِبَّاءِ اَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ اَنْ تَرْزُقَنِي

ودوستان سؤال میکنم ترا ای خدای ای خدای ای خدای اینکه روزی کن مرا

في يوم السبت

وَكُلِّ مَنْ اَحَبَّهُ وَاتَّبَعَهُ شَفَاعَتَهُ وَمُرَافَقَتَهُ

و هر کسیکه دوست داشته آنرا و پیروی کرد اورا شفاعت او و مصاحبت او

يَوْمَ الْحِسَابِ مِنْ غَيْرِ مُنَاقَشَةٍ وَلَا عَذَابٍ وَ

روز شمردن اعمال بغیر از کشاکش و بی رنجش و

لَا تَوْبِيخٍ وَلَا عِتَابٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ

بی سرزنش و بی ملامت و آنکه بیامرزی مرا گناهان مرا و

تَسْتُرَ عُيُوبِي يَا وَهَّابُ يَا غَفَّارُ وَاَنْ

بپوشی عیب های مرا ای دهنده بی عوض ای آمرزگار و آنکه نعمت دهی

تُنَعِّمَنِي بِالنَّظَرِ اِلَى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ فِي جُمْلَةِ

منعم گردانی مرا بدیدن بسوی دیدار تو که بزرگ است در گروه

الْاَحْبَابِ يَوْمَ الْمَزِيدِ وَالثَّوَابِ وَاَنْ

دوستان روز افزونی بخشایش و پاداش و آنکه

تَتَقَبَّلَ مِنِّي عَمَلِي وَاَنْ تَعْفُوَ عَمَّا اَحَاطَ عِلْمُكَ

بپذیری از من عمل من و آنکه درگذری از چیزیکه فرا رسیده است علم تو

بِهِ مِنْ خَطِيئَتِي وَنِسْيَانِي وَزَلَلِي وَاَنْ

بان از گناه من و فراموشی من و لغزش من و آنکه

تُبَلِّغَنِي مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ وَعَلَى

برسانی تو مرا از زیارت قبر آن و سلام گفتن بر وی و بر

قوله شفاعته یعنی شفاعت آن پیغمبر نزد تو روز قیامت

قوله مناقشة یعنی بی کشاکش در حساب

قوله بالنظر الی وجهک

رباعی

فوائد

قوله یوم المزید یعنی روز افزونی بخشش

قوله والثواب

قوله عملی یعنی کاری

قوله ونسیانی

قوله وزللی

جودك وكرمك حق تعالى بفضل خود این دعا را از لطف قبول فرمود و بخواند

خود در زیارت قبر شریف حبیب خود مشرف نمود

فایده ۲ اگر زیارت قبر شریف پیغمبر صلعم از اعظم طاعات واوکد سنن و مستحبات است

صَاحِبِهِ غَايَةَ أَمَلِي بِمَنِّكَ وَفَضْلِكَ وَ

بر دو یار او نهایت مقصود مرا باحسان خود وافزونی لطف خود و

جُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا رَؤُوفُ يَا رَحِيمُ

بجود خود وبخشش خود ای مهربان ای بخشاینده

يَا وَلِيُّ وَأَنْ تُجَازِيَهُ عَنِّي وَعَنْ كُلِّ مَنْ

ای یاری دهنده واگر پاداش دهی آن را از من واز هر کسیکه

آمَنَ بِهِ وَاتَّبَعَهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

گرویده است باو وپیروی کرده است او را از مسلمانان مردان وزنان

الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ أَفْضَلَ وَأَتَمَّ

زندگان از ایشان ومردگان بزرگتر وتمام تر

وَأَعَمَّ مَا جَازَيْتَ بِهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ

وشامل تر چیزیکه پاداش داده تو بآن یکی را از آفریدگان خود

يَا قَوِيُّ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيُّ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ

ای توانا ای غالب ای برتر وسؤال میکنم ترا خدایا بوسیلهٔ

مَا أَقْسَمْتُ بِهِ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

چیزی که وسیله گرفتم من بآن چیز بسوی تو اینکه درود فرستی تو بر محمد

وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ مِنْ قَبْلُ

و بر آل محمد بشمار چیزیکه پدید آوردهٔ تو پیش

قوله أفضل ما جازيت ... أنا الفوز والفلاح

قوله ما أقسمت

حق تعالی ترک اولست بلکه معنی توصل است بطریق مجاز که گویا وسیله گرفتن باین اسما مثل سوگند دادن است که البته این کار باید کرد ١٢

أَنْ تَكُونَ السَّمَاءُ مَبْنِيَّةً وَّالْأَرْضُ مَدْحِيَّةً

ازانکه باشد آسمان بنا کرده شده و زمین گسترده شده

وَّالْجِبَالُ عُلْوِيَّةً وَّالْعُيُونُ مُنْفَجِرَةً وَّالْبِحَارُ

و کوهها بلند و چشمه ها شگافته باب و دریاها

مُسَخَّرَةً وَّالْأَنْهَارُ مُنْهَمِرَةً وَّالشَّمْسُ مُضْحِيَةً

رام شدگان و جوبهای آب ریزان و آفتاب تابان

وَّالْقَمَرُ مُضِيئًا وَّالنَّجْمُ مُنِيرًا وَّلَا يَعْلَمُ أَحَدٌ

و ماهتاب درخشان و هر ستاره فروزان و نمیداند هیچ یکی

حَيْثُ تَكُونُ إِلَّا أَنْتَ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَ

جائیکه بودی تو مگر تو و آنکه درود فرستی تو بروی و

عَلَىٰ آلِهِ عَدَدَ كَلَامِكَ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ

بر آل وی بشمار کلام خود و آنکه درود فرستی تو بروی

وَعَلَىٰ آلِهِ عَدَدَ آيَاتِ الْقُرْآنِ وَحُرُوفِهِ وَ

و بر آل وی بشمار آیتهای قرآن و حروفهای او و

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ عَدَدَ مَنْ يُصَلِّي

آنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار کسیکه درود فرستاده است

عَلَيْهِ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ عَدَدَ مَنْ

بروی و آنکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار کسیکه

فی یوم السبت

فوائد علوية بضم عین و سکون لام ... آن ۱۲

فوائد والنجم ... جمع آمده ۱۲

فائده عدد آیات القرآن نظم

آیت قرآن که خبر ... شش هزار و ششصد و شصت و شش ...

فائده وحروفه ... عبد الله بن عباس ... والله اعلم بالصواب

لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ

درود نفرستاده است بروی وانکه درود فرستی تو بروی وبر آل وی

مِلْاَءَ اَرْضِكَ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ

باندازهٔ پری زمین خود وانکه درود فرستی تو بروی وبر آل وی

عَدَدَ مَا جَرٰى بِهِ الْقَلَمُ فِيْ اُمِّ الْكِتَابِ وَ

بشمار آنچه که روان شد بوی قلم در لوح محفوظ و

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ

آنکه درود فرستی تو بروی وبر آل وی بشمار چیزیکه پیداکردهٔ تو

فِيْ سَبْعِ سَمٰوٰتِكَ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ

در هفت آسمانهای خود وانکه درود فرستی تو بروی وبر آل وی

عَدَدَ مَا اَنْتَ خَالِقُهٗ فِيْهِنَّ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

بشمار چیزیکه تو پیدا کنندهٔ آنرا درانها تا روز قیامت

فِيْ كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَ

در هر روزی هزار بار وانکه درود فرستی تو بروی و

عَلٰى اٰلِهٖ عَدَدَ قَطْرِ الْمَطَرِ وَكُلِّ قَطْرَةٍ قَطَرَتْ

بر آل وی بشمار قطرهای باران و هر قطرهٔ که ریزیده است

مِنْ سَمَآئِكَ اِلٰى اَرْضِكَ مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ

از آسمان تو بسوی زمین تو از روزیکه پیداکردهٔ تو

معنی
این الفاظ در همین
حزب در حزب پنجم ذکر
گشته طالب باید که در آنجا
نظر نماید ۱۲
۱۲

هر گاه که شروع کند
اذا حزب شروع کنند
بدينه قوله کرو اسلک بحق ما قسمت له

الدُّنْيَا اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ
دنیا را تا روز قیامت در هر روزی هزار بار

الحِزْبُ السَّابِعُ يُقْرَأُ فِي يَوْمِ الْاَحَدِ

وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ عَدَدَ مَنْ سَبَّحَكَ
و آنکه درود فرستی تو بر وی و بر آل وی بشمار کسیکه بپاکی یاد کرده است ترا

وَقَدَّسَكَ وَسَجَدَ لَكَ وَعَظَّمَكَ مِنْ يَوْمِ
و اثبات پاکی نموده است ترا و سر فرو افگنده است پیش تو و بزرگی یاد کرده است ترا از روزیکه

خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ
پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت در هر روزی

اَلْفَ مَرَّةٍ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ عَدَدَ
هزار بار و آنکه درود فرستی تو بر وی و بر آل وی بشمار

كُلِّ سَنَةٍ خَلَقْتَهُمْ فِيهَا مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ
هر سالی که پیدا کرده تو ایشانرا در آن از روزیکه پیدا کرده تو

الدُّنْيَا اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ
دنیا را تا روز قیامت در هر روزی هزار

مَرَّةٍ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ عَدَدَ السَّحَابِ
بار و آنکه درود فرستی تو بر وی و بر آل وی بشمار ابرهای

قوله سبحك يعنى تسبيح گفته است بزبان حال يا بلسان مقال خدا را و بيان آن در حزب اول گذشت ١٢

قوله قدسك يعنى اثبات پاكى نموده است ترا از همه صفات كمال تو و بلكه لا يزال ١٢

قوله سجد لك يعنى سر فرود افگنده پيش تو بعجز و زارى و فقير است از فروتنى و تواضع و تعظيم

سجده عبارتست از فروتنى است پيش خداوند كريم و مرتبه آن بى نهايت و در سجده در بهتر ذرات جهان

قوله خلقتهم فيها يعنى پيدا كرده تو آن تسبيح گويان و سجده كنندگان را در آن سالها ١٢

قوله وعلى آله در بعضى نسخ بعد اين ... وصحبه ١٢

الْجَارِيَةِ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ عَدَدَ
دونده   وآنکه   درود فرستی تو بر وی   و بر آل وی   بشمار

الرِّيَاحِ الذَّارِيَةِ مِنْ يَوْمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا
بادهای   پراکنده کنندگان   از   روزیکه   پیدا کردهٔ تو   دنیا را

اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ وَاَنْ تُصَلِّيَ
تا   روز   قیامت   در   هر   روزی   هزار   بار   وآنکه درود فرستی تو

عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ عَدَدَ مَا هَبَّتِ الرِّيَاحُ عَلَيْهِ
بر وی   و بر آل وی   بشمار چیزیکه وزیده است   بادها   بر آن

وَحَرَّكَتْهُ مِنَ الْاَغْصَانِ وَالْاَشْجَارِ وَاَوْرَاقِ
و جنبانیده است آنرا بادها از شاخها   و درختان   و برگهای

الثِّمَارِ وَالْاَزْهَارِ وَعَدَدَ مَا خَلَقْتَ عَلٰى
میوه‌ها   و شکوفها   و بشمار   چیزیکه   پیدا کردهٔ تو   بر

قَرَارِ اَرْضِكَ وَمَا بَيْنَ سَمٰوَاتِكَ مِنْ يَوْمَ
روی   زمین خود   و در میان   آسمانهای خود   از   روزیکه

خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ
پیدا کردهٔ تو   دنیا را   تا   روز   قیامت   در   هر   روزی

اَلْفَ مَرَّةٍ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ عَدَدَ
هزار   بار   وآنکه   درود فرستی تو   بر وی   و بر آل وی   بشمار

قوله ع واوراق الثمار
یعنی بشمار برگهای بارهای درختان
۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲

قوله ع
والازهار یعنی
شکوفهای درختان
۱۲

أَمْوَاجِ بِحَارِكَ مِنْ يَوْمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى

موجهای دریاهای خود از روزیکه پیدا کرده تو دنیا را تا

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَأَنْ تُصَلِّيَ

روز قیامت در هر روزی هزار بار وانکه درود فرستی تو

عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ عَدَدَ الرَّمْلِ وَالْحَصَىٰ وَكُلِّ

بروی و بر آل وی بشمار ریگها و سنگریزها و بر

حَجَرٍ وَمَدَرٍ خَلَقْتَهُ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ

سنگی و کلوخی که پیدا کرده تو اورا در زمین جانب برآمدن آفتاب و

مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَجِبَالِهَا وَأَوْدِيَتِهَا

جانب فرورفتن آن نرم آن وکوهای آن ورودخانهای آن

مِنْ يَوْمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي

از روزیکه پیدا کرده تو دنیارا تا روز قیامت در

كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ

هر روزی هزار بار وانکه درود فرستی تو بروی و بر

آلِهِ عَدَدَ نَبَاتِ الْأَرْضِ فِي قِبْلَتِهَا وَجَوْفِهَا

آل وی بشمار رستنیهای زمین در قبلهٔ آن ووسط آن

وَشَرْقِهَا وَغَرْبِهَا وَسَهْلِهَا وَجِبَالِهَا مِنْ

وشرق آن وغرب آن ونرم آن وکوهای آن

قوله ١
امواج
یعنی برهم زدن آب ١٢

قوله ٢
حجر بفتح حا
و جیم

قوله ٣
مدر بفتح میم
و دال ١٢

في يوم الأحد

قوله ٤
اودیتها رودخانها
وزمینهای نشیب ١٢

قوله ٥
قبلها دل کعبه
سر کعبه است از هر جانب
که اعتبار کرده
شود ١٢

شَجَرٍ وَثَمَرٍ وَاَوْرَاقٍ وَزَرْعٍ وَجَمِيْعِ مَا اَخْرَجَتْ

هر درختی و میوه و برگها و کشت زارها و هر آنچه که برآورده است آن از زمین

وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا مِنْ نَبَاتِهَا وَبَرَكَاتِهَا مِنْ يَوْمٍ

و آنچه که بر می آید از آن از رستنیها و برکتها از روزیکه

خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کرده تو دنیارا تا روز قیامت در هر روزی

اَلْفَ مَرَّةٍ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ عَدَدَ

هزار بار و آنکه درود فرستی تو بر وی و بر آل وی بشمار

مَا خَلَقْتَ مِنَ الْاِنْسِ وَالْجِنِّ وَالشَّيَاطِيْنِ وَ

چیزیکه پیدا کرده تو از آدمیان و پریان و شیاطین و

مَا اَنْتَ خَالِقُهٗ مِنْهُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِيْ

چیزیکه تو پیدا کننده آنرا از ایشان تا روز قیامت در

كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى

هر روزی هزار بار و آنکه درود فرستی تو بر وی و بر

اٰلِهٖ عَدَدَ كُلِّ شَعْرَةٍ فِيْ اَبْدَانِهِمْ وَوُجُوْهِهِمْ

آل وی بشمار هر موئی در بدنهای ایشان و رویهای ایشان

وَعَلٰى رُؤُسِهِمْ مُنْذُ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلٰى

و بر سرهای ایشان از ابتدای زمانیکه پیدا کرده تو دنیارا

قوله[1] اخرجت بسکون تا و ۱۲ ۱۲ منه

قوله[2] یخرج بفتح یا وضم را ۱۲ منه

الحزب السابع

يوم القيمة في كل يوم الف مرة وان

روز قيامت در هر روزی هزار بار واگر

تصلي عليه وعلى اله عدد انفاسهم و

درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار دمهای ایشان و

الفاظهم[١] والحاظهم من يوم خلقت

لفظهای ایشان و نگرستنهای ایشان از روزیکه پیدا کرده تو

الدنيا الى يوم القيمة في كل يوم الف

دنیارا تا روز قیامت در هر روزی هزار

مرة وان تصلي عليه وعلى اله عددا

بار واگر درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار

طيران الجن وخفقان[٢] الانس من يوم

پریدن پریان وجنبیدن آدمیان از روزیکه

خلقت الدنيا الى يوم القيمة في كل يوم

پیدا کرده تو دنیارا تا روز قیامت در هر روزی

الف مرة وان تصلي عليه وعلى اله عدد

هزار بار واگر درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار

كل بهيمة خلقتها على ارضك صغيرة[٣]

هر چهارپایی که پیدا کرده تو اورا بر زمین خود خورد باشد

في يوم الاحد

[١] قوله الفاظهم یعنی مفرد باشد یا مرکب با معنی باشد یا بی معنی ۱۲

[٢] قوله خفقان بفتحتا و قاف یعنی بشمار جنبیدن آدمیان در سیر و شکار و برای هر کاریست ۱۲

۱۲

[٣] قوله صغيرة و كبيرة بنصب بر دو و در بعض نسخه آمده بجای واو وجر بر دو ۱۲

وَكَبِيرَةٍ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا

يا بزرگ در جانب زمين برآمدن آفتاب و جانب فرورفتن آن

مِمَّا عُلِمَ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُ عِلْمَهُ إِلَّا أَنْتَ مِنْ يَوْمِ

از چنين چيزيكه دانسته شده است واز چنين چيزيكه فرا نرسيده است بآن دانش جز تو از روزيكه

خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ

پيدا كردهٔ تو دنيا را تا روز قيامت در هر روزی

أَلْفَ مَرَّةٍ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهِ عَدَدَ

هزار بار واينكه درود فرستی تو بروی و بر آل وی بشمار

مَنْ صَلّٰى عَلَيْهِ وَعَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ

كسيكه درود فرستاده است بروی وبشمار كسيكه درود نفرستاده است بروی

وَعَدَدَ مَنْ يُصَلِّي عَلَيْهِ إِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

وبشمار كسيكه درود فرستند بروی تا روز قيامت

فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ

در هر روزی هزار بار واينكه درود فرستی تو بروی

وَعَلٰى اٰلِهِ عَدَدَ الْأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ وَعَدَدَ

و بر آل وی بشمار زندگان ومردگان وبشمار

مَا خَلَقْتَ مِنْ حِيتَانٍ وَطَيْرٍ وَنَمْلٍ وَنَحْلٍ

آنچيكه پيدا كردهٔ تو از ماهيان وپرندگان ومورچها وزنبور

قوله ونمل لطیفه در کشف الاسرار آورده که چون مورچه با سلیمان علیه السلام سخن گفت سلیمان علیه السلام از وی پرسید که لشکر تو چند است گفت لشکر من چهار هزار سرهنگ دارم و هر یکی چهل هزار نقیب است ...

قوله ونحل یعنی وبشمار آنچه پیدا کردهٔ تو از زنبور عسل ... شعور بلکه بحکمت الهی وقدرت پادشاهی ... معلوم ...

مثنوی
این دل را چون عسل شیرین ...

وَحَشَرَاتٍ وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ فِى

و چرندگان وانگه درود فرستی تو بروی و بر آل وی در

اللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى وَالنَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰى وَاَنْ

شب وقتیکه تاریک شود و روز وقتیکه روشن شود وانکه

تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ فِى الْاٰخِرَةِ وَالْاُوْلٰى

درود فرستی تو بروی و بر آل وی در آخرت و دنیا

وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ مُنْذُ كَانَ

وانکه درود فرستی تو بروے و بر آل وی از ابتدای زمانیکه بود وی

فِى الْمَهْدِ صَبِيًّا اِلٰى اَنْ صَارَ كَهْلًا مَهْدِيًّا

در گهواره کودک تا انکه گشت میانه سال راه نموده شده

فَقَبَضْتَهُ اِلَيْكَ عَدْلًا مَرْضِيًّا لِتَبْعَثَهُ

پس قبض کردی روح پاک ویرا بسوی خود در حالیکه صاحب عدل بود خشنود کرده شده از بهر آنکه برانگیزی تو ویرا

شَفِيعًا حَفِيًّا وَاَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ

شفاعت کننده مهربان وانکه درود فرستی تو بروی و بر آل وی

عَدَدَ خَلْقِكَ وَرِضٰى نَفْسِكَ وَزِنَةَ

بشمار آفرینش خود و خشنودی ذات خود و بوزن

عَرْشِكَ وَمِدَادَ كَلِمَاتِكَ وَاَنْ تُعْطِيَهُ

عرش خود و باندازه سخنان خود وانکه دهی تو اورا

فوائد وحشرات
چرندگان زمین چهارپا ...
فوائد مهدیا
راه نموده شده ...
فوائد مرضیا
فوائد لتبعثه
یعنی قبض کردی ...

فی یوم الاحد

فوائد شفیعا
شفاعت کننده خلایق را ...

فوائد حفیا
در بعضی نسخه‌ها ...

الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ

وسیله وبزرگی وپایه بلند

وَالْحَوْضَ الْمَوْرُودَ وَالْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَالْعِزَّ

وحوض مورود ومقام که ستوده شده است وعزت

الْمَمْدُودَ وَاَنْ تُعَظِّمَ بُرْهَانَهُ وَاَنْ تُشَرِّفَ

دراز پاینده وانکه بزرگ گردانی تو دلیل اورا وانکه مشرف گردانی

بُنْيَانَهُ وَاَنْ تَرْفَعَ مَكَانَهُ وَاَنْ تَسْتَعْمِلَنَا

بنیان اورا وانکه بلند گردانی مکان اورا وانکه گردانی تو مایانرا کارکنندگان

يَا مَوْلَانَا بِسُنَّتِهِ وَاَنْ تُمِيتَنَا عَلٰى مِلَّتِهِ

ای مالک مایان بطریقه وی وانکه بمیرانی تو مایان را بر دین وی

وَاَنْ تَحْشُرَنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لِوَائِهِ وَاَنْ

وانکه محشور گردانی مایانرا در گروه وی در زیر نیزه وی وانکه

تَجْعَلَنَا مِنْ رُفَقَائِهِ وَاَنْ تُورِدَنَا حَوْضَهُ

گردانی مایانرا از رفقای وی وانکه فرود آری مایانرا بر حوض وی

وَاَنْ تَسْقِيَنَا بِكَاسِهِ وَاَنْ تَنْفَعَنَا بِمَحَبَّتِهِ

وانکه بیاشامی مایانرا بجام وی وانکه نفع دهی مایانرا به محبت وی

وَاَنْ تَتُوبَ عَلَيْنَا وَاَنْ تُعَافِيَنَا مِنْ جَمِيعِ

وانکه بپذیری توبهٔ مایان را وانکه نجات دهی مایانرا از همه

قوله والمقام المحمود در این کتاب وارد ... بنماید که معنی این الفاظ با الا... ۱۲

قوله العز الممدود عزت وارجمندی دراز وپاینده وهمیشه ۱۲

الْبَلَاءِ وَالْبَلْوَاءِ وَالْفِتَنِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا

رنجها و آفتها و فتنه‌ها آنچه آشکار است از آنها و آنچه

بَطَنَ وَاَنْ تَرْحَمَنَا وَاَنْ تَعْفُوَ عَنَّا وَتَغْفِرَ لَنَا

پوشیده است و آنکه رحم کنی ما را و آنکه درگذری از گناهان ما و بیامرزی ما را

وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَ

و مر همه مؤمنین مردان و زنان را و مسلمانان مردان و

الْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ وَالْحَمْدُ

زنان را زندگان از ایشان و مردگان و همه ستایش ثابت

لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

است مر خدای را که پروردگار عالمیانست و او خدای کفایت کننده و نیکو کارگذاریست

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

و نیست بازماندن از معصیت و توانائی بعبادت مگر بتوفیق خدائیکه برتر بزرگتر است

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ مَا سَجَعَتِ

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد مدت همیشگی آواز کردن

الْحَمَائِمُ وَحَمَتِ الْحَوَائِمُ وَسَرَحَتِ الْبَهَائِمُ وَ

کبوتران و گرد برگرد گشتن پرندگان و رفتن بچراگاه چهارپایان و

نَفَعَتِ التَّمَائِمُ وَشُدَّتِ الْعَمَائِمُ وَنَمَتِ

نفع دادن تعویذها و بسته شدن دستارها و درستی

فی یوم الاحد

النوائب اللهم صل علی محمد و علی آل محمد

سختیها خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

ما ابلج الاصباح وهبت الریاح ودبت

تا زمانیکه روشن میشوند صبح ها و میوزند بادها و میجنبند

الاشباح وتعاقب الغدو والرواح و

بدنها و در پی هم آیند بامداد و شبانگاه و

تقلدت الصفاح واعتقلت الرماح

بدوش آویزان شوند شمشیرها و گذاشته شوند میان رکاب و ساق نیزه ها

وصحت الاجساد والارواح اللهم صل

و درست و بی عیب شوند تنها و جانها خدایا درود بفرست

علی محمد وعلی آل محمد مادارت الافلاک

بر محمد و بر آل محمد تا زمانیکه میگردند آسمانها

ودجت الاحلاک وسبحت الاملاک اللهم

و تاریک میشوند شبهای سخت سیاه و تسبیح میگویند فرشتگان خدایا

صل علی محمد وعلی آل محمد کما صلیت علی

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد چنانکه درود فرستادی تو بر

ابرهیم وبارک علی محمد وعلی آل محمد کما

ابراهیم و برکت ده بر محمد و بر آل محمد چنانکه

قوله علیه السلام النوائب: سختیها [illegible] ... قوله وتقلدت [illegible] ... قوله الصفاح [illegible] آویزان شوند شمشیرها ... قوله اعتقلت الرماح [illegible] میان رکاب و ساق نیزه ها [illegible]

قوله وصحت الاجساد والارواح یعنی درست و بی عیب شوند تنها و جانها [illegible]

[illegible]

بَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ فِي الْعٰلَمِيْنَ اِنَّكَ

برکت دادهٔ تو بر ابراهیم در عالمیان بدرستیکه تو

حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ

ستوده شده بزرگواری خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَمَا صُلِّيَتِ الْخَمْسُ وَ

محمد تا وقتیکه برمی آید آفتاب و تا وقتیکه نماز گذارده میشود پنجگانه و

مَا تَاَلَّقَ بَرْقٌ وَتَدَفَّقَ وَدْقٌ وَمَا سَبَّحَ رَعْدٌ

تا وقتیکه درخشد برق و میریزد باران و تا وقتیکه تسبیح میگوید رعد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ مِلْاَ

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد باندازهٔ پری

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمِلْاَ مَا بَيْنَهُمَا وَمِلْاَ مَا

آسمان و زمین و باندازهٔ پری آنچه میان آنهاست و باندازهٔ پری آنچه

شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ اَللّٰهُمَّ كَمَا قَامَ بِاَعْبَاءِ

میخواهی تو از چیزی پس از آنها خدایا از بهر برساختن وی ببارهای

الرِّسَالَةِ وَاسْتَنْقَذَ الْخَلْقَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ

پیغمبری و خلاص کردن وی آفریدگان را از نادانی و

جَاهَدَ اَهْلَ الْكُفْرِ وَالضَّلَالَةِ وَدَعَا اِلٰى

کارزار کردن او با اهل کفر و گمراهی و خواندن او خلق را بسوی

فی یوم الاحد

فوائد باعباء الرسالة یعنی بار سنگین احکام

فوائد الجهالة یعنی در احکام دین

توحيدك وقاسى الشدائد في ارشاد

اقرار توحيد تو و رنج کشیدن سختیها در رهنمائی

عبيدك فاعطه اللهم سؤله وبلغه

بندگان تو پس بده اورا خدایا چیزیکه سؤال کرده است بآن و برسان اورا

مأموله واته الفضيلة والوسيلة والدرجة

مقصود اورا و بده اورا بزرگی و وسیله و پایه

الرفيعة وابعثه المقام المحمود الذي وعدته

بلند و برانگیز اورا در مقام ستوده شده که وعده کرده تو اورا

انك لا تخلف الميعاد اللهم واجعلنا من

بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را خدایا و گردان مارا از

المتبعين لشريعته المتصفين بمحبته المهتدين

پیروان مر راه اورا موصوف گشته است صفت ایشان دوستی او که راه یافتگان

بهديه وسيرته وتوفنا على سنته ولا تحرمنا

بطریقه وی و خصلت وی و بمیران مارا بر طریق وی و بی نصیب مگردان مارا

فضل شفاعته واحشرنا في اتباعه الغر

از بخشش شفاعت وی و فراهم آر مارا در پیروان وی که روشن بود

المحجلين واشياعه السابقين واصحاب

پیشانیها و دستها و پایهای ایشان و در گروه وی که پیشی گرفتگان بوده اند و در اصحاب

قوله اصحاب اليمين

قوله اجمعين

قوله المرحومين

قوله تهامة

قوله بالمعروف

قوله والاستقامة

الْيَمِينِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَلٰٓئِكَتِكَ

دست راست ای بخشاینده ترین بخشایندگان خدایا درود بفرست بر فرشتگان خود

وَالْمُقَرَّبِينَ وَعَلٰٓى اَنْبِيَآئِكَ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلٰٓى

و نزدیکان درگاه تو و بر پیغمبران خود و مرسلان و بر

اَهْلِ طَاعَتِكَ اَجْمَعِينَ وَاجْعَلْنَا بِالصَّلٰوةِ

اهل فرمان برداران خود به آنها و گردان مایان را ببرکت درود فرستادن

عَلَيْهِمْ مِنَ الْمَرْحُومِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

برایشان از بخشیده شدگان خدایا درود بفرست بر محمد

اَلْمَبْعُوثِ مِنْ تِهَامَةَ وَالْاٰمِرِ بِالْمَعْرُوفِ

که برانگیخته شده است از تهامه و فرماینده به نیکوئی و

الْاِسْتِقَامَةِ وَالشَّفِيعِ لِاَهْلِ الذُّنُوبِ فِي

ثبات دین و شفاعت کننده مر اهل گناهان در

عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ اَللّٰهُمَّ اَبْلِغْ عَنَّا نَبِيَّنَا وَ

میدانهای قیامت خدایا برسان از مایان پیغمبر مایان را و

شَفِيعَنَا وَحَبِيبَنَا اَفْضَلَ الصَّلٰوةِ وَالتَّسْلِيمِ

شفاعت کننده مایان را و محبوب مایان را بزرگترین درود و سلام

وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الْكَرِيمَ وَاٰتِهِ الْفَضِيلَةَ

و برانگیز او را در مقام ستوده شده بزرگ و بده او را بزرگی

قوله والوسيلة يعنى تقرب درگاه خود را
بسبب شفاعت وی گردد بر خلایق ۱۲
قوله الموقف العظيم يعنى بدرستى كه اين بر دو جاى ايستادن
كه بزرگ است و بر خلايق در آن جمع میشوند ۱۲
قوله لاح يعنى درخشنده بارق درخشنده
يعنى روشنى كه از ابر بيرون جهد ۱۲
قوله ذرّ يعنى طلوع كند يعنى بر آيد شارق
يعنى آفتاب ۱۲

وَالْوَسِيْلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ الَّتِيْ وَعَدْتَّهُ
وتقرب درگاه خود و مرتبه بلند که وعده کرده تو او را

فِي الْمَوْقِفِ الْعَظِيْمِ وَصَلِّ اللّٰهُمَّ عَلَيْهِ صَلٰوةً
در جای بزرگ و درود بفرست خدایا بروی درودی که

دَائِمَةً مُّتَّصِلَةً تَتَوَالٰى وَتَدُوْمُ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ
همیشه باشد پی در پی آینده یکی پس از دیگری آینده و پاینده بود خدایا درود بفرست بروی

وَعَلٰى اٰلِهِ مَا لَاحَ بَارِقٌ وَّذَرَّ شَارِقٌ وَّوَقَبَ
و بر آل وی تا وقتیکه روشن میگردد درخشنده و برمی آید طلوع کننده و تاریک میگردد

غَاسِقٌ وَّانْهَمَرَ وَادِقٌ وَّصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهِ
شب و می ریزد ابر و درود بفرست بروی و بر آل وی

مِلْءَ اللَّوْحِ وَالْفَضَاءِ وَمِثْلَ نُجُوْمِ السَّمَاءِ وَعَدَدَ
باندازه پری لوح محفوظ و زمین گشاده و مانند ستارگان آسمان و بشمار

الْقَطْرِ وَالْحَصٰى فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهِ صَلٰوةً
قطرهای باران و سنگریزها و درود بفرست بروی و بر آل وی درودی که

لَا تُعَدُّ وَلَا تُحْصٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ زِنَةَ عَرْشِكَ
شمرده نشود و شمار کرده نشود خدایا درود بفرست بروی بوزن عرش خود

وَمَبْلَغَ رِضَاكَ وَمِدَادَ كَلِمٰتِكَ وَمُنْتَهٰى رَحْمَتِكَ
و باندازه نهایت رسیده که خشنودی خود و مقدار سخنان خود و باندازه نهایت رسیده که بخشش

قوله لا تعدّ يعنى شمرده نشود بسبب بسيارى آن ۱۲

الحزب السابع

قوله ولا تحصى يعنى بر آن احاطه كرده نتوان ۱۲
قوله صلّ عليه وعلى آله در بعض نسخه آمده ۱۲
قوله منتهى رحمتك يعنى باندازه نهايت رسيدگى بخشايش
خود و بخشايش او كه بجز باو بر جميع خلائق رسيده است ۱۲

اللهم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَاَزْوَاجِهٖ وَذُرِّيَّتِهٖ

خدایا درود بفرست بر وی و بر آل وی و زنان وی و ذریت وی

وَبَارِكْ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَاَزْوَاجِهٖ وَذُرِّيَّتِهٖ كَمَا

و برکت ده بر وے و بر آل وی و زنان وی و ذریت وی چنانچه

صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ

درود فرستاده تو و برکت داده تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ وَجَازِهٖ عَنَّا اَفْضَلَ مَا جَازَيْتَ

بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری و پاداش ده اورا از مایان بزرگترین که پاداش دادی تو

نَبِيًّا عَنْ اُمَّتِهٖ وَاجْعَلْنَا مِنَ الْمُهْتَدِيْنَ بِمِنْهَاجِ

پیغمبر را از امت او و گردان مایان را از راه یافتگان براه روشن

شَرِيْعَتِهٖ وَاهْدِنَا بِهَدْيِهٖ وَتَوَفَّنَا عَلٰى مِلَّتِهٖ

شریعت وی و تو پایدار گردان مایانرا بخصلت وی و بمیران مایان را بر دین وی

وَاحْشُرْنَا يَوْمَ الْفَزَعِ الْاَكْبَرِ مِنَ الْاٰمِنِيْنَ فِيْ

و جمع گردان مایانرا روز اندوه بزرگترین از ایمن شدگان در

زُمْرَتِهٖ وَاَمِتْنَا عَلٰى حُبِّهٖ وَحُبِّ اٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ

گروه وی و بمیران مایانرا بر دوستی وی و دوستی آل وی و یاران وی

وَذُرِّيَّتِهٖ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ اَفْضَلِ اَنْبِيَائِكَ

و ذریت وے خدایا درود بفرست بر محمد که بزرگترین پیغمبران تست

واكرم اصفيائك وامام اوليائك وخاتم

و بزرگترین برگزیدگان تست و پیشوای دوستان تست و آخر بر

انبيائك وحبيب رب العالمين وشهيد

پیغمبران تست و محبوب پروردگار عالمیان است و گواهی دهنده

المرسلين وشفيع المذنبين وسيد ولد

برای پیغمبران و شفاعت کننده گناهکاران و بهتر اولاد

آدم اجمعين المرفوع الذكر في الملئكة

آدم همه برداشته شده ذکر او در فرشتگان

المقربين البشير النذير السراج المنير الصادق

که نزدیکان درگاه تواند بشارت دهنده ترساننده چراغ روشن راستگو

الامين الحق المبين الرؤف الرحيم الهادي

امین حق ظاهر مهربان بخشاینده راه نماینده

الى الصراط المستقيم الذي اتيته سبعا

بسوی راه راست که داده تو اورا هفت آیه

من المثاني والقرآن العظيم نبي الرحمة والهادي

از قرآن و قرآن که بزرگست پیغمبر صاحب بخشایش و راهنمای

الامة اول من تنشق عنه الارض ويدخل الجنة

امت نخستین که شکافته میشود از وی زمین و داخل شود به بهشت

قوله ع شهيد المرسلين يعني گواهي دهنده براي پيغمبران در روز قيامت برسانيدن ايشان احكام الهي را بامتان خود ۱۲

قوله ع الى الصراط المستقيم راه روان در راه دين و راه حق في الحقيقت نيست جز دين اسلام ۱۲

قوله ع سبعا من المثاني قرآن را المثاني گفته اند بجهت آنكه احكام وقصص وي ثني شده اند يعني تكرار يافته اند ۱۲

قوله ع العظيم يعني بزرگ است مرتبهٔ آن نزد تو ۱۲

قوله ع نبي الرحمة يعني ان اسم شريف آنحضرت ... ابديه ۱۲

قوله ع اول من تنشق عنه يعني اول كسي كه ... از قبر ۱۲

والمؤيد بجبريل وميكائيل المبشر به في

وقوت داده شده بجبریل ومیکائیل مژده داده شده بآمدن وی در

التورية والانجيل المصطفى المجتبى المنتخب

توریت وانجیل برگزیده شده چیده شده منتخب

ابي القاسم محمد بن عبد الله بن عبد المطلب

پدر قاسم محمد پسر عبد الله پسر عبد المطلب

بن هاشم اللهم صل على ملئكتك المقربين

پسر هاشم خدایا درود فرست بر فرشتگان خود ونزدیکان درگاه خود

الذين يسبحون الليل والنهار لا يفترون و

آنکه تسبیح میگویند شب وروز سست نمیشوند

لا يعصون الله ما امرهم ويفعلون ما يؤمرون

نافرمانی نمیکنند خدای را در آنچه فرماید ایشان را ومیکنند آنچه فرموده میشوند در آن

اللهم وكما اصطفيتهم سفراء الى رسلك

خدایا وآنچنانکه برگزیدی تو ایشان را پیغام گذاران خود بسوی پیغمبران خود

وامناء على وحيك وشهداء على خلقك

وامانت داران بر وحی خود وگواهان بر آفرینش خود

وخرقت لهم كنف حجبك واطلعتهم على مكنون

وپاره کردن تو برای ایشان پرده های پوشیدگی های خود ودانا ساختن تو ایشان را بر پوشیده شده

غيبك واخترت منهم خزنة لجنتك وحملة

غيب خود واختيار كردن تو از آن نگاهبانان براى بهشت خود وبردارندگان

لعرشك وجعلتهم من اكثر جنودك وفضلتهم

براى عرش خود وگردانيدن تو آنانرا از بيشترين لشكرهاى خود وبزرگى دادن تو آنانرا

على الورى واسكنتهم السموات العلى ونزهتهم

بر خلق وساكن ساختن تو ايشانرا در آسمانهاى بلندتر وپاك ساختن تو آنهارا

عن المعاصي والدنائات وقدستهم عن النقائص

از نافرمانيها وخصلتهاى كميه وپاكيزه گردانيدن تو آنهارا از نقصانها

والآفات فصل عليهم صلوة دائمة تزيدهم

وزنجها پس درود فرست برايشان درود هميشه باشد كه بيفزائى تو آنهارا

بها فضلا وتجعلنا لاستغفارهم بها اهلا

بسبب آن بزرگى وگردانى تو مايانرا براى آمرزش خواستن آنها بسبب آن سزاوار

اللهم وصل على جميع انبيائك ورسلك الذين

خدايا درود بفرست بر همه پيغمبران خود ومرسلان خود كه

شرحت صدورهم واودعتهم حكمتك و

گشاده كردهٔ تو سينهاى ايشان وامانت گذاشتى نزد ايشان حكمت خودرا وگردانيدى

طوقتهم نبوتك وانزلت عليهم كتبك وهديت

مانند طوق براى آنها نبوت خودرا وفرو فرستادى تو برايشان كتابهاى خودرا وراه نمودى تو

بِهِمْ خَلْقَكَ وَدَعَوْا إِلَى تَوْحِيدِكَ وَشَوَّقُوا إِلَى

بسبب ایشان آفریدگان خود را دعوا نمودند بسوی توحید تو وشوق آوردند بسوی

وَعْدِكَ وَخَوَّفُوا مِنْ وَعِيدِكَ وَأَرْشَدُوا إِلَى

وعدهٔ تو و ترسانیدند از عذاب تو و راه نمودند بسوی

سَبِيلِكَ وَقَامُوا بِحُجَّتِكَ وَدَلِيلِكَ وَسَلِّمِ اللّٰهُمَّ

راه تو وایستادند بدلیل تو وبرهان تو وسلام بفرست خدایا

عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَهَبْ لَنَا بِالصَّلٰوةِ عَلَيْهِمْ أَجْرًا

بر ایشان سلام فرستادنی وبده ما را بسبب درود فرستادن بر ایشان پاداش

عَظِيمًا اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً

بزرگ خدایا درود بفرست بر محمد وبر آل محمد درودی

دَائِمَةً مَقْبُولَةً تُؤَدِّي بِهَا عَنَّا حَقَّهُ الْعَظِيمَ

همیشه باشد قبول کرده شده که ادا کنی تو بسبب آن از مایان حق او که بزرگ است

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ صَاحِبِ الْحُسْنِ وَالْجَمَالِ وَ

خدایا درود بفرست بر محمد که خداوند نیکوئی و خوبروئی است و

الْبَهْجَةِ وَالْكَمَالِ وَالْبَهَاءِ وَالنُّورِ وَالْوِلْدَانِ

شادمانی وکمال وزیبائی وروشنی وولدان

وَالْحُورِ وَالْغُرَفِ وَالْقُصُورِ وَاللِّسَانِ الشَّكُورِ

وحور ودریچهای وکوشکهای بلند وزبان سپاس گذارنده

گشت طالع آفتابی اینچنین عالم فروز ...

وَالْقَلْبِ الْمَشْكُورِ وَالْعَلَمِ الْمَشْهُورِ وَالْجَيْشِ

و دل ستوده شده و دانش مشهور و لشکر

الْمَنْصُورِ وَالْبَنِينَ وَالْبَنَاتِ وَالْأَزْوَاجِ

یاری داده شده و فرزندان و دختران و زنان

الطَّاهِرَاتِ وَالْعُلُوِّ عَلَى الدَّرَجَاتِ وَالزَّمْزَمِ وَ

پاک و بلندی بر درجها و زمزم

الْمَقَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاجْتِنَابِ الْآثَامِ وَتَرْبِيَةِ

و مقام و مشعر حرام و دوری از گناهان و پرورش

الْأَيْتَامِ وَالْحَجِّ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَتَسْبِيحِ الرَّحْمٰنِ

یتیمان و حج و خواندن قرآن و بپاکی یاد کردن خدای بخشاینده

وَصِيَامِ رَمَضَانَ وَاللِّوَاءِ الْمَعْقُودِ وَالْكَرَمِ

و روزه داشتن ماه رمضان و نیزه بگره داده شده و بخشایش

وَالْجُودِ وَالْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ صَاحِبِ الرَّغْبَةِ وَ

و سخا و تمام کردن پیمانها خداوند خواهش و

التَّرْغِيبِ وَالْبَغْلَةِ وَالنَّجِيبِ وَالْحَوْضِ وَالْقَضِيبِ

خواهش دهنده و استر و نجیب و حوض کوثر و عصا

النَّبِيِّ الْأَوَّابِ النَّاطِقِ بِالصَّوَابِ الْمَنْعُوتِ

پیغمبری که بازگردنده گویا براستی ستوده شده

في يوم الاحد

فِي الْكُتُبِ النَّبِيِّ عَبْدِ اللّٰهِ النَّبِيِّ كَنْزِ اللّٰهِ النَّبِيِّ

در هر کتابی پیغمبر است که بنده خداست پیغمبری که گنجینه خداست پیغمبری که

حُجَّةِ اللّٰهِ النَّبِيِّ مَنْ اَطَاعَهُ فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰهَ وَ

حجة خداست پیغمبری که هرکه اطاعت کرد او را پس تحقیق اطاعت کرد خدا را و

مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللّٰهَ النَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ الْقُرَشِيِّ

هرکه نافرمانی کند او را پس تحقیق نافرمانی کرد خدا را پیغمبری عربی قرشی

الزَّمْزَمِيِّ الْمَكِّيِّ التِّهَامِيِّ صَاحِبِ الْوَجْهِ الْجَمِيلِ

زمزمی مکی تهامی خداوند روی زیبا

وَالطَّرْفِ الْكَحِيلِ وَالْخَدِّ الْاَسِيلِ وَالْكَوْثَرِ وَ

و چشمان سرمگین و رخساره هموار و حوض کوثر و

السَّلْسَبِيلِ قَاهِرِ الْمُضَادِّينَ مُبِيدِ الْكَافِرِينَ

سلسبیل غالب بر مخالفان دین هلاک کننده کافرین

وَقَاتِلِ الْمُشْرِكِينَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ اِلَى الْجَنَّاتِ

و کشنده مشرکان از پیش کشنده آنان را که پیشانی و دست و پای ایشان روشن بود

النَّعِيمِ وَجِوَارِ الْكَرِيمِ صَاحِبِ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

پر نعمت و پناه خدای بخشنده یار جبرئیل بر وی باد سلام

وَرَسُولِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ وَشَفِيعِ الْمُذْنِبِينَ وَغَايَةِ

و پیغمبر فرستاده پروردگار عالمیان و شفاعت کننده گناهکاران و نهایت

الغمام ومصباح الظلام وقمر التمام صلى الله عليه

غمام است و چراغ شب تاریک و ماهتاب کامل درود فرستد خدا بر وی

وعلى آله المصطفين من أطهر جبلة صلوة

و بر آل وی که برگزیده شده اند از پاکیزه ترین گروه درودی

دائمة على الأبد غير مضمحلة صلى الله عليه

همیشه باشد پیوسته بود بر همیشه غیر مضمحل درود فرستد خدا بر وی

وعلى آله صلوة تتجدد بها حبوره ويشرف

و بر آل وی درودی تازه شود بدان خاطر او و بزرگ شود

بها في المعاد بعثه ونشوره فصلى الله

بآن در قیامت برخاستن او و حاضر شدن او پس درود فرستد خدا

عليه وعلى آله الأنجم الطوالع صلوة تجود

بر وی و بر آل وی که ستارگان برآینده اند درودی ببارد

عليهم أجود الغيوث الهوامع أرسله من أرجح

بر ایشان بارنده ترین بارانها که بسیار ریزنده است فرستاد او را از فزون ترین

العرب ميزانا وأوضحها بيانا وأفصحها لسانا

عرب از روی عقل و روشن ترین آن از روی بیان و خوش ترین آن از روی زبان

وأشمخها إيمانا وأعلاها مقاما وأحلاها

و بلند ترین آن از روی ایمان و رفیع ترین آن از روی مقام و شیرین ترین آن

قوله مصباح الظلام یعنی چراغ شب تاریک است ... از چراغ تاریکی شب ... صلی الله علیه وسلم تاریکی کفر و جهالت ... قوله وقمر التمام ... شب چهاردهم بود ... قوله المصطفین بفتح فا ... قوله مضمحلة ... قوله حبوره بضم حا و فتح آن نیز آمده ... قوله یشرف ... قوله بعثه یعنی برخاستن او ... قوله ونشوره حاضر شدن او ... قیامت

قوله تجود جود بفتح جیم باریدن ... قوله من ارجح العرب میزانا ... مقصود ستایش آنحضرت است صلی الله علیه وسلم ...

... قیاس است ... از مردمان دیگر ... قوله بیانا ... قوله وافصحها لسانا ... قوله اشمخها ایمانا ...

كَلَامًا وَاَوْفَاهَا ذِمَامًا وَاَصْفَاهَا رَغَامًا

از روی کلام و تمام ترین آن از روی حرمت وصاف ترین آن از روی خاک

فَاَوْضَحَ الطَّرِيقَةَ وَنَصَحَ الْخَلِيقَةَ وَشَهَرَ

پس روشن ساخت اسلام را وپند داد مردم را وشهور ساخت

الْاِسْلَامَ وَكَسَّرَ الْاَصْنَامَ وَاَظْهَرَ الْاَحْكَامَ وَ

اسلام را وشکست بتان را وآشکارا ساخت احکام دین را و

حَظَرَ الْحَرَامَ وَعَمَّ بِالْاِنْعَامِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ

منع کرد از حرام وشامل شد پیروان خود را بدادن انعام درود فرستد خدای بروی و

عَلٰى اٰلِهٖ فِي كُلِّ مَحْفِلٍ وَمَقَامٍ اَفْضَلَ الصَّلٰوةِ

بر آل وی در هر مجلس ومقام بزرگترین درود

وَالسَّلَامِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ عَوْدًا وَبَدْءًا

وسلام درود فرستد خدای بروی وبر آل وی درحالیکه باز گردند وتو پیدا شوند

صَلٰوةً تَكُونُ ذَخِيرَةً وَوِرْدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

درودیکه باشد ذخیره وورد درود فرستد خدا بروی

وَعَلٰى اٰلِهٖ صَلٰوةً تَامَّةً زَاكِيَةً وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وبر آل وی درودی کامل پاکیزه ودرود فرستد خدای بروی

وَعَلٰى اٰلِهٖ صَلٰوةً يَتْبَعُهَا رَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَ

وبر آل وی درودیکه در پی آید آنرا راحت وروزی جاودانی و

بعقبها مغفرة ورضوان وصلى الله على

در پی آید آنرا آمرزش وخشنودی ودرود فرستد خدا بر

افضل من طاب منه النجار وسما به الفخار

برگزیده کسیکه خوب ونیکوست ازو اصل او وبلند شد بسبب او خصال پسندیده او

واستنارت بنور جبينه الاقمار وتضاءلت

ودرخشان شد بنور پیشانی وی ستارگان واندک شد

عند جود يمينه الغمائم والبحار سيدنا و

نزد بخشش دست راست وی ابرها ودریاها رئیس مایان و

نبينا محمد الذي بباهر اياته اضاءت

پیغمبر مایان محمد که به علامات دینی او روشن شدند

الانجاد والاغوار وبمعجزات اياته نطق الكتاب

زمینهای بلند وفراز وزمینهای پست ونشیب وبعلامات نبوت او گویا شده است قرآن

وتواترت الاخبار صلى الله عليه وعلى اله

وپی در پی رسیده احادیث درود فرستد خدا بروی وبر آل وی

واصحابه الذين هاجروا لنصرته ونصروه

ویاران وی که جدا شده اند از وطن برای یاری دادن وی ویاری کردند او را

في هجرته فنعم المهاجرون ونعم الانصار

در هجرت وی پس نیکو اند هجرت کنندگان ونیکو اند یاری دهندگان

قوله ایکها و بیشه خود که درختان پر انبوه اند ۱۲ قوله الدیمة بکسر دال و سکون یا باران که بی رعد و برق باشد و زیاده برقدر یک روز است ۱۲ قوله المدرار صیغه مبالغه است بسیار ریزنده است ۱۲ قوله ضاعف الله یعنی زیاده گرداند خدا قوله الطیبین یعنی پاکیزه از عیب و نقصان ۱۲ قوله الکرام بندگان بی شمار قوله ذی الجلال و الاکرام یعنی خدا تعالی ۱۲ قوله الجلالة بزرگی و بزرگی او ... بزرگی دهنده بمر ...

قوله هو قطب الجلالة و آن بزرگ است بمعنی ستاره مشهور است که مدار گردش بزرگان است و قطب در اصل بمعنی ... آسمان بر او است و دیگر از ستارهای ... بطریق تشبیه ذکر شد ۱۲ قوله شمس النبوة و الرسالة نبوت چیزی است که برای ... پیغمبر است بجناب پروردگار برای پیغام و احکام الهی است بهندگان و رسالت چیزیست رسانیدن پیغام و خوب حسن انوار ... و تشبیه ... آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم است بآفتاب در روشنی و زینت آسمان است چنانچه روشنی و زینت این ... است و دیگر پیغمبران و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم مثل ستارگانند بمقابلهٔ آفتاب چنانچه صاحب قصیده برده میگوید

شعر

فانه شمس فضل هم کواکبها
یظهرن انوارها للناس فی الظلم

قوله والهادی یعنی راه نماینده از گمراهی بسوی راه است که اسلام است ۱۲ قوله المنقذ من الجهالة یعنی خلاص کننده از نادانی احکام دین بتعلیم شرع ... و رهانندهٔ از ناشناسی پروردگار آنحضرت بعطا نور یقین ۱۲

في يوم الاحد

صَلٰوةً نَامِيَةً دَائِمَةً مَّا سَجَعَتْ فِيْ اَيْكِهَا

درود دیگر افزاینده باشد همیشه باشد تا هر وقتیکه آواز میکند در بیشهٔ خود

الْاَطْيَارُ وَهَمَعَتْ بِوَبْلِهَا الدِّيْمَةُ الْمِدْرَارُ

پرندگان و میبارد بباران سخت خود بارانی زیاده ریزنده

ضَاعَفَ اللّٰهُ عَلَيْهِ دَائِمَ صَلَوٰتِهٖ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

زیاده گرداند خدا بروی درودهای خود را که همیشه باشد خدایا درود بفرست

عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِهِ الطَّيِّبِيْنَ الْكِرَامِ

بر سرور ما یان محمد و بر آل او که پاک و بزرگند

صَلٰوةً مَّوْصُوْلَةً دَائِمَةَ الْاِتِّصَالِ بِدَوَامِ

درود فرستادن که پیوسته باشد همیشه باشد پیوسته آمدن آن بهمیشگی

ذِي الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدِ

خداوند بزرگی و بندگی دادن خدایا درود بفرست بر محمد

النَّبِيِّ هُوَ قُطْبُ الْجَلَالَةِ وَشَمْسُ النُّبُوَّةِ وَ

که او مدار بزرگی است و آفتاب نبوت

الرِّسَالَةِ وَالْهَادِيْ مِنَ الضَّلَالَةِ وَالْمُنْقِذُ مِنَ

رسالت است و راه نماینده از گمراهی و خلاص کننده از

الْجَهَالَةِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلٰوةً دَائِمَةً

نادانی درود فرستد خدا بروی و سلام درود دیگر همیشه باشد

الاتصال والتوالي متعاقبة بتعاقب الايام والليالي

پیوسته آمدن آن وپی در پی آمدن آن یکی پس دیگری آینده باشد بر پی در پی آمدن روزها و شبها

الحزب الثاني يختم به ويبدأ الحزب الاول في يوم الاثنين

اللهم صل على محمد النبي الزاهد رسول

خدایا درود بفرست بر محمد که پیغمبر زاهد فرستاده

الملك الصمد الواحد صلى الله عليه وسلم

پادشاه بزرگوار است یگانه درود فرستد خدا بروی وسلام

صلوة دائمة الى منتهى الابد بلا انقطاع

درودی همیشه باشد تا پایان رسیدن زمانه بی گسستگی

ولا انفاد صلوة تنجينا بها من حر جهنم و

وبی فنا درودی خلاص گردانی تو ما را بآن از گرمی دوزخ و

بئس المهاد اللهم صل على سيدنا محمد النبي

بد فرشی است خدایا درود بفرست بر سرور ما محمد که پیغمبر

الامي وعلى اله وسلم صلوة لا يحصى لها عدد

امی است و بر آل وی وسلام بفرست درودی که شمار کرده نشود مراتب او را شمار

ولا يعد لها مدد اللهم صل على محمد صلوة

وشمرده نشود مر آن را از پس آینده خدایا درود بفرست بر محمد درودی

تُكَرِّمُهَا مَثُوبَتُهُ وَتُبَلِّغُ بِهَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنَ
بزرگ گردانی بسبب آن منزل اورا و برسانی بسبب آن روز قیامت از

الشَّفَاعَةِ رِضَاهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ
پذیرفتن شفاعت خشنودی اورا خدایا درود فرست بر محمد که پیغمبر

الْاَصِيلِ السَّيِّدِ النَّبِيلِ الَّذِي جَاءَ بِالْوَحْيِ
استوار سردار بزرگ است که آورد وحی را

وَالتَّنْزِيلِ وَاَوْضَحَ بَيَانَ التَّاْوِيلِ وَجَاءَهُ
و قرآن را و روشن ساخت تفسیر قرآن را و آمد اورا

الْاَمِينُ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكَرَامَةِ
فرشته با امانت که جبرئیل است بروی باد سلام به بزرگی

وَالتَّفْضِيلِ وَاَسْرٰى بِهِ الْمَلِكُ الْجَلِيلُ فِي
و افزونی و سیر کنانید اورا پادشاه که بزرگ است در

اللَّيْلِ الْبَهِيمِ الطَّوِيلِ فَكَشَفَ لَهُ عَنْ
شب تاریک دراز پس برگشاد برای او پرده از

اَعْلَى الْمَلَكُوتِ وَاَرَاهُ سَنَاءَ الْجَبَرُوتِ وَ
عالم غیب که برتر است و نمود اورا بلندی برتری آفرینش و

نَظَرَ اِلٰى قُدْرَةِ الْحَيِّ الدَّائِمِ الْبَاقِي الَّذِي
نگاه کرد بسوی آثار قدرت خدای که زنده همیشه پاینده است که

لایموت صلی الله علیه وسلم صلوة

نمیرد درود فرستد خدا بروی وسلام درود دیگر

مقرونة بالجمال والحسن والکمال و

نزدیک نهاده باشد بخوبی ونیکویی ونهایت زیبائی و

الخیر والافضال اللهم صل علی محمد و

بهتری وبزرگی خدایا درود بفرست بر محمد و

علی ال محمد عدد الاقطار وصل علی

بر آل محمد بشمار کنارهای آسمان ودرود بفرست بر

محمد وعلی ال محمد عدد ورق الاشجار

محمد و بر آل محمد بشمار برگ درختان

وصل علی محمد وعلی ال محمد عدد

ودرود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

زبد البحار وصل علی محمد وعلی ال محمد

کف دریاها ودرود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عدد الانهار وصل علی محمد وعلی ال

بشمار جویها ودرود بفرست بر محمد و بر آل

محمد عدد رمل الصحاری والقفار

محمد بشمار ریگ بیابانها ودشتها

قوله لایموت

وآنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم در این شب بیدار بود و زائر در بعضی از آن کتب احادیث مذکور گردیده

قوله والافضال

معنی دار دیعنی این عبارت که درود فرستد زیاده کند بآن درود این صفات برای ذات آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم دوم آنکه در ذات بیابان

دوم

این صفات باشد که الاقطار کنارهای آسمان وزمین

قوله عدد الانهار

بشمار جویهای آب که می روند بر زمین فانی ودر بهشت جاودانی

قوله رمل الصحاری

صحرا دشت و فرخ

قوله والقفار

بکسر قاف بیابانها که آب ودرخت در آن نبود

قوله ثقل بکسر ثا و سکون قاف یعنی شمار
اجزای بارهای ١٢ قوله یختلف به اللیل
والنهار و شل تاریکی و روشنائی و درازی
و کوتاهی و گرمی و سردی و دیگر عجایب
زمانه بهشت و دیگر و حکمت پاینده الهی
بمقتضای قدرت واهل بصیرت را از این اختلاف
وصنع است نظم زاده خزان
هند و عبرت ازان گرد در دی
پیش بخم است نهال
زنقره ریبون است
بحر جیب و

في يوم الاثنين

و حمد بار زبان عروس حسن
هم از لطف او گفتگو بدن
نسیم بهار و سموم
قوله دار القرار یعنی بهشت ١٢

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ

و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

ثِقْلِ الْجِبَالِ وَالْاَحْجَارِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

بار کوہها و سنگها و درود بفرست بر محمد

وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَاَهْلِ

و بر آل محمد بشمار ساکنان بهشت و باشندگان

النَّارِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ

دوزخ و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عَدَدَ الْاَبْرَارِ وَالْفُجَّارِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ

بشمار نیکوکاران و بدکاران و درود بفرست بر محمد و

عَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا يَخْتَلِفُ بِهِ الَّيْلُ

بر آل محمد بشمار از حالی بحالی دیگر میشود بآن شب

وَالنَّهَارُ وَاجْعَلِ اللّٰهُمَّ صَلَاتَنَا عَلَيْهِ

و روز دگرداں خدایا درود مایان را بر آن

حِجَابًا مِّنْ عَذَابِ النَّارِ وَسَبَبًا لِّاِبَاحَةِ

پردہ از عذاب دوزخ و سبب برای روا بودن نشستنها

دَارِ الْقَرَارِ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْغَفَّارُ وَصَلَّى

سرای پاینده بدرستیکه توئی غالب آمرزگار و درود فرستد

قوله العزیز یعنی غالب هستی بر هر چه خواهی ١٢

قوله الغفار آمرزگار ١٢ ١٢ ١٢

اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِهِ الطَّیِّبِیْنَ

خدا بر رئیس ما محمد و بر آل وی که پاکانند

وَذُرِّیَّتِهِ الْمُبَارَکِیْنَ وَصَحَابَتِهِ الْاَکْرَمِیْنَ

و ذریت او که افزونی داده شده اند و یاران او که بزرگانند

وَاَزْوَاجِهِ اُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِیْنَ صَلٰوةً

و زنان او که مادران مؤمنانند درود دیگر

مَوْصُوْلَةً تَتَرَدَّدُ اِلٰی یَوْمِ الدِّیْنِ اَللّٰهُمَّ

پیوسته باشد آمدن آن پی در پی آمده باشد تا روز پاداش خدایا

صَلِّ عَلٰی سَیِّدِ الْاَبْرَارِ وَزَیْنِ الْمُرْسَلِیْنَ

درود بفرست بر رئیس نیکوکاران و زیباترین پیغمبران

الْاَخْیَارِ وَاَکْرَمِ مَنْ اَظْلَمَ عَلَیْهِ اللَّیْلُ وَ

که بهتر اند و بزرگترین کسیکه تاریک شده است بروی شب و

اَشْرَقَ عَلَیْهِ النَّهَارُ ثَلٰثًا اَللّٰهُمَّ یَا ذَا

روشن شده است بروی روز بگوید این سه بار خدایا ای خداوند

الْمَنِّ الَّذِیْ لَا یُکَافِیْ اِمْتِنَانَهُ وَالطَّوْلِ

احسان که پاداش داده نمیشود نعمت دادن او را و بزرگ داری

الَّذِیْ لَا یُجَازِیْ اِنْعَامَهُ وَاِحْسَانَهُ

که پاداش داده نمیشود بخشایش او را و نیکوئی او را

قوله الطیبین یعنی پاکان از عیب و نقصان
قوله اشرق در بعض نسخه‌های اشرق لطیف
اضافه کرده و معنی بر دو یکی است

قوله لا یجازی انعامه واحسانه یعنی نعمتهای خدا بی پایان است و بنده عاجز از شکر او باندازه احسان او

بیت
گوید برو عاشق تن ... شکر ... زبان

نسئلك بك ولا نسئلك باحد غيرك ان

سوال میکنم ترا بوسیله تو و سوال نمیکنم ترا بوسیله ایچ یکی جز تو اگر

تطلق السنتنا عند السؤال و توفقنا لصالح

روان گردانی سخن زبانهای ما را وقت پرسیدن منکر و نکیر در قبر و توفیق دهی ما را برنیک

الاعمال و تجعلنا من الامنين يوم الرجف

کارها و گردانی ما را از ایمن شدگان روز لرزیدن زمینها

والزلازل يا ذا العزة والجلال اسئلك يا

و جنبیدن آن ای خداوند غلبه و بزرگی سوال میکنم ترا ای

نور النور قبل الازمنة والدهور انت

روشن کننده بر روشنی پیش از همه زمانها و دهرها تو

الباقي بلا زوال الغني بلا مثال القدوس

پاینده بی نابود شدن بی نیاز بی همتا بغایت پاک

الطاهر العلي القاهر الذي لا يحيط

منزه بلند مرتبه غالب بر همه که فرا نگیرد

به مكان ولا يشتمل عليه زمان

او را موضعی و در نمیگیرد او را اجزاء زمان

اسئلك باسمائك الحسنى كلها و باعظم

سوال میکنم ترا بوسیله نامهای نیکوی تو همه آنها و بوسیله بزرگترین

[illegible]

أَسْمَائِكَ إِلَيْكَ وَأَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً

نامهاي تو بسوي تو وبلند ترين آنها نزد تو از روي مرتبه

وَأَجْزَلِهَا عِنْدَكَ ثَوَابًا وَأَسْرَعِهَا مِنْكَ

وبزرگترين آنها نزد تو از روي پاداش تو وزود ترين آنها از تو

إِجَابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْجَلِيلِ

از روي قبول كردن وبوسيله نام تو كه نگاه داشته وپوشيده شده است بزرگ

الْأَجَلِّ الْكَبِيرِ الْأَكْبَرِ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي

بزرگتر بزرگ بزرگترين بزرگ بزرگتر كه

تُحِبُّهُ وَتَرْضَى عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ

دوست داري آنرا وخوشنود شوي تو از كسيكه دعا ميكند ترا بوسيله آن وقبول ميكني

لَهُ دُعَاءَهُ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

براي آن دعاي اورا سؤال ميكنم ترا خدايا بوسيله آنكه نيست هيچ معبودي سزاوار پرستش مگر تو

الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ

مهربان نعمت دهنده آفريننده آسمانها وزمين

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

خداوند بزرگي وكرم كردن داننده پوشيده وظاهر

الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ

بزرگ بلند وسؤال ميكنم ترا بوسيله نام تو كه بزرگ است

رباعي

در كون ومكان نيست عيان جز يك نور

ظاهر شده آن نور بانواع ظهور

حق نور وتنوع ظهورش عالم

توحيد همين است دگر وهم وغرور

قوله الحسنى مراد ازين اسما نوزده نام الله كه در حديث شريف آمده كه الله تعالى را نود ونه نام است كسي كه ياد گيرد آن نامها را در مي آيد در بهشت اگرچه اسماء الحسنى بسيار است مخصوص درين بيست

رباعي

در راه تو هيچكس بجز واو نرفت

بگذر كه بره رسند باي رفتن

توفيق رفيق از شعر وواو بيگ

حاشيه صفحه

قوله المخزون يعني پوشيده

نام تو كه نگاه داشته شده است

در خزانه غيب تو ١٢

قوله المكنون آن اسمي است كه پوشيده شده

است از غير ودر پرده اسمائي تو ١٢ ودر ذات خود ١٢

قوله الجليل بزرگ جميع اسما ونيست از اسما وتكبير

قوله الاجل بزرگتر نسبت باسما وبيگر ١٢ از سيان

قوله تحبه يعني دوست داري آن نام را از ساير اسما ١٢

قوله عالم الغيب يعني داننده ٥ چيزي پوشيده است

وانشده ٥ بر هر ١٢ نظر خلق ١٢

الاعظم الذي اذا دعيت به اجبت واذا

بزرگ که چون دعا کرده شوی باو قبول میکنی و چون

سئلت به اعطيت واسئلك باسمك الذي

خواسته شوی باو میدهی و سوال میکنم ترا بوسیله نام تو که

يذل لعظمته العظماء والملوك والسباع

فروتنی میشوند برای بزرگی آن بندگان و پادشاهان و درندگان

والهوام وكل شيء خلقته يا الله يا رب

و گزندگان و هر چیزیکه پیدا کرده تو او را ای خدای ای پروردگار

استجب دعوتي يا من له العزة والجبروت

قبول فرما دعای مرا ای کسیکه ثابت است مر او را بزرگی و غلبه

يا ذا الملك والملكوت يا من هو حي لا

ای خداوند عالم ظاهر و عالم غیب ای کسیکه زنده است هرگز

يموت سبحانك ربي ما اعظم شانك و

نمیرد پاکی یاد میکنم ترا ای پروردگار من چه چیز است که بزرگ کرده است مرتبه ترا و

ارفع مكانك انت ربي يا متقدس في

بلند کرده است شان ترا تو ئی پروردگار من ای پاک در

جبروته اليك ارغب واياك ارهب يا

صفات خود بسوی تو رغبت میکنم و از تو می ترسم ای

قوله الاعظم یعنی بزرگ ترست از دیگر نامها ۱۲

قوله يذل لعظمته العظماء یعنی بزرگی آن نام بزرگان

یعنی از اسم اعظم خوار میشوند برای بزرگی آن نام بزرگی داده

یعنی آنانکه خدای تعالی ایشان را بزرگی داده

یعنی بزرگان پیغمبران و اولیا

چنانکه بزرگی دارند در قوم خود و با عقبا و دنیا ۱۲

قوله السباع

قوله الهوام جمع هامه یعنی گزندگان زمین

چون مار و کژدم و غیر آن ۱۲

قوله يا رب یا رب ۱۲

قوله الملكوت یعنی خداوند عالم غیب چنانکه دانا او را

قوله شانك بفتح نون و این کلام بطریق تعجب است ۱۲

قوله يا متقدس في جبروته ای پاک کرده شده از نقصانها در صفات خود ۱۲

قوله اليك ارغب یعنی بسوی تو خواهش میکنم در همه وقتها ۱۲

قوله واياك ارهب یعنی از تو می ترسم نه از غیر تو ۱۲

عَظِيمُ يَا كَبِيرُ يَا جَبَّارُ يَا قَادِرُ يَا قَوِيُّ

اى بزرگ اى بزرگوار اى نيكو كننده اى توانا اى بسيار قوت

تَبَارَكْتَ يَا عَظِيمُ تَعَالَيْتَ يَا عَلِيمُ سُبْحَانَكَ يَا

بزرگ شده تو اى بزرگوار برتر شده تو اى داننده بپاكى ياد ميكنم ترا اى

عَظِيمُ سُبْحَانَكَ يَا جَلِيلُ أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

بزرگوار بپاكى ياد ميكنم ترا اى بزرگ سؤال ميكنم ترا بوسيله نام تو

الْعَظِيمِ التَّامِّ الْكَبِيرِ أَنْ لَا تُسَلِّطَ عَلَيْنَا

كه بزرگست كامل بزرگ بر نگمارى بر مايان

جَبَّارًا عَنِيدًا وَلَا شَيْطَانًا مَرِيدًا وَلَا

سركشى را ستيزنده ونه شيطان بيرون رفته شده از اطاعت ونه

إِنْسَانًا حَسُودًا وَلَا ضَعِيفًا مِنْ خَلْقِكَ

آدمى بدخواه را ونه ناتوانى را از آفريدگان خود

وَلَا شَدِيدًا وَلَا بَارًّا وَلَا فَاجِرًا وَلَا عَبِيدًا

ونه سخت را ونه نيكوكارى ونه بدكارى را ونه منكر بندرا

وَلَا عَنِيدًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ

ونه ستيزنده را خدايا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا پس بدرستيكه من گواهى ميدهم

أَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ

همانا تو خدا ستى كه نيست معبودى بحق مگر تو يگانه بذات خود

الحمد

الأحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له

یگانه بصفات خود بی نیاز که نزاد کسی را و زاده نشد از کسی و نیست در نبود مر او را

كفوا احد يا هو يا من لا هو الا هو يا من لا اله

همتا هیچ کسی ای آنکه اشاره کرده شود باو نیست بجز او ای آنکه نیست آنکه اشاره کرده شود باین کلمه

الا هو يا ازلي يا ابدي يا دهري يا ديمومي

مگر او ای آنکه قدیم است ای آنکه نهایت نیست او را بندگی او را ای پاینده همیشه ای آنکه همیشه است هستی او

يا من هو الحي الذي لا يموت يا اله واله

ای آنکه او زنده است که نمیرد هرگز ای معبود مایان و معبود

كل شيء الها واحدا لا اله الا انت اللهم

هر چیزی در حالتیکه معبود یگانه نیست معبودی بر حق مگر تو خدایا

فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة

ای پدید آرنده آسمانها و زمین داننده پوشیده و ظاهر

الرحمن الرحيم الحي القيوم الديان الحنان

بخشنده مهربان زنده پاینده پاداش دهنده بسیار مهربان

المنان الباعث الوارث ذا الجلال والاكرام

نعمت دهنده برانگیزنده باقی خداوند بزرگی تام و انعام عام

قلوب الخلائق بيدك نواصيهم اليك فانت

دلهای آفریدگان در قبضهٔ تصرف تست موی پیشانیهای ایشان کشیده شده است بسوی تو پس تو

دقیقه — فی قلوبهم

دل مؤمن بیچو زمین پاکیزه است بی گیاه
باران مواعظ او سحاب کلام رب الارباب
بر دل مؤمن بار و گلهای معارف و اسرار
از آن برویید و انوار طاعات و عبادات
او ظاهر گردد ۱۲ فتح کلهم

تزرع الخير في قلوبهم وتمحو الشر اذا شئت منهم
کشت میکنی نیکوئی را در دلهای ایشان و نابود میکنی بدیرا وقتی که میخواهی از ایشان

فاسئلك اللهم ان تمحو من قلبي كل شيء تكرهه
پس سوال میکنم ترا خدایا آنکه نابود گردانی از دل من هر چیزیرا که ناپسند داری تو او را

وان تحشو قلبي من خشيتك ومعرفتك و
و آنکه پر گردانی دل مرا از ترس خود و شناخت خود و

رهبتك والرغبة فيما عندك والامن و
ترسیدن از تو و خواهش در چیزیکه نزد تست و ایمن بودن و

العافية واعطف علينا بالرحمة والبركة
تندرستی و مهربانی کن بر ما یان به بخشش خود و افزونی خیر و خوبی

منك والهمنا الصواب والحكمة فنسئلك اللهم
از کرم خود و در دل انداز ما یانرا نیکوئی را و دانش را پس سوال میکنیم ترا خدایا

علم الخائفين وانابة المخبتين واخلاص
علم ترسندگان و بازگشتن فروتنان و پاک ساختن نیت

الموقنين وشكر الصابرين وتوبة الصديقين
مثل بیگمانان و سپاس گذاری شکیبائی کنندگان و توبه راستکاران

ونسئلك اللهم بنور وجهك الذي ملأ
و سوال میکنیم ترا خدایا بوسیله از ذات تو که پر کرده است

ارکان

انجا جای افتادگی ترجمه بر صفحه ۲۴۳ مکتوب است ۱۲

ارکان عرشك ان تزرع فی قلبی معرفتك

گوشه‌های عرش ترا آنکه برویانی تو در دل من تو شناخت خودرا

حتی اعرفك حق معرفتك كما ینبغی ان

تا آنکه بشناسم ترا چنانچه واجب است شناختن تو چنانچه سزاوار است اینکه

تعرف به وصلی الله علی سیدنا ونبینا و

شناخته شوی تو بدان و درود فرستد خدا برمهتر مایان و خبر دهندهٔ مایان و

مولنا محمد خاتم النبیین وامام المرسلین

رئیس مایان محمد که آخر همه پیغمبرانست و پیشوای همه مرسلان

وعلی اله وصحبه وسلم تسلیما والحمد لله

و بر آل وی و یاران وی و سلام فرستد سلام فرستادنی و همه ستایش ثابت است مر خدا را

رب العالمین وهو حسبنا ونعم الوکیل ولا حول

که پروردگار عالمیانست و آن خدای بسنده است مایانرا و نیکو کارگزاری است و نه

ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم اغفر لمؤلفه

دوری بودن از معصیت و نه توانائی بر عبادت مگر بتوفیق خدای برتر که بزرگست خدایا بیامرز مر مؤلف را

وارحمه واجعله من المحشورین فی زمرة النبیین

و رحم فرما و بگردان از محشورین در زمرهٔ انبیا

والصدیقین یوم القیمة بفضلك یا رحمن

و صدیقین در روز قیامت بفضل تو ای بسیار مهربان

فی یوم الاثنین

قد تم هذا الكتاب بعون الملك الوهاب

الكاتب محمد اسمعیل عفی عنه

من جمادی الاخری فی سنه ۱۳۲۳

هذا الدعاء يقرأ عقيب ختم دلائل الخيرات

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اشرح بالصلوة عليه صدورنا ويسر بها امورنا وفرج بها همومنا واكشف بها غمومنا واغفر بها ذنوبنا واقض بها ديوننا واصلح بها احوالنا وبلغ بها امالنا وتقبل بها توبتنا واغسل بها حوبتنا وانصر بها حجتنا وطهر بها السنتنا وانس بها وحشتنا وارحم بها غربتنا واجعلها نورا بين ايدينا ومن خلفنا وعن ايماننا وعن شمائلنا ومن فوقنا ومن تحتنا وفي حياتنا وموتنا وفي قبورنا وحشرنا ونشرنا وظلا في القيمة على رؤسنا وثقل بها موازين حسناتنا وادم بركاتها علينا حتى نلقى نبينا وسيدنا محمدا صلى الله عليه وسلم ونحن امنون مطمئنون فرحون مستبشرون ولا تفرق بيننا وبينه حتى تدخلنا مدخله وتؤوينا الى جواره الكريم مع الذين انعمت عليهم من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا اللهم انا امنا به صلى الله عليه وسلم ولم نره فمتعنا اللهم في الدارين برؤيته وثبت قلوبنا على محبته واستعملنا على سنته وتوفنا على ملته واحشرنا في زمرته الناجية وحزبه المفلحين وانفعنا بما انطوت عليه قلوبنا

من

مِنْ مَحَبَّتِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ لَاجَدَّ وَلَامَالَ وَلَابَنِيْنَ وَاَوْرِدْنَا
حَوْضَهُ الْاَصْفٰى وَاسْقِنَا بِكَاْسِهِ الْاَوْفٰى وَيَسِّرْ عَلَيْنَا زِيَارَتَ حَرَمِكَ
وَحَرَمِهِ مِنْ قَبْلِ اَنْ تُمِيْتَنَا وَاَدِمْ عَلَيْنَا الْاِقَامَةَ بِحَرَمِكَ وَحَرَمِهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِلٰى اَنْ نَتَوَفّٰى اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَشْفِعُ بِهٖ اِلَيْكَ اِذْ هُوَ اَوْجَهُ
الشُّفَعَاءِ اِلَيْكَ وَنُقْسِمُ بِهٖ عَلَيْكَ اِذْ هُوَ اَعْظَمُ مَنْ اُقْسِمَ بِحَقِّهٖ عَلَيْكَ
وَنَتَوَسَّلُ بِهٖ اِلَيْكَ اِذْ هُوَ اَقْرَبُ الْوَسَائِلِ اِلَيْكَ نَشْكُوْ اِلَيْكَ يَارَبِّ
قَسْوَةَ قُلُوْبِنَا وَكَثْرَةَ ذُنُوْبِنَا وَطُوْلَ اٰمَالِنَا وَفَسَادَ اَعْمَالِنَا وَتَكَاسُلَنَا
عَنِ الطَّاعَاتِ وَهُجُوْمَنَا عَلَى الْمُخَالَفَاتِ فَنِعْمَ الْمُشْتَكٰى اِلَيْهِ اَنْتَ يَارَبِّ
بِكَ نَسْتَنْصِرُ عَلٰى اَعْدَائِنَا وَاَنْفُسِنَا فَانْصُرْنَا وَعَلٰى فَضْلِكَ نَتَوَكَّلُ فِيْ
صَلَاحِنَا فَلَا تَكِلْنَا اِلٰى غَيْرِكَ يَارَبَّنَا وَاِلٰى جَنَابِ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ
سَلَّمَ نَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنَا وَبِبَابِكَ نَقِفُ فَلَا تَطْرُدْنَا وَاِيَّاكَ نَسْئَلُ فَلَا تُخَيِّبْنَا
اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ تَضَرُّعَنَا وَاٰمِنْ خَوْفَنَا وَتَقَبَّلْ اَعْمَالَنَا وَاَصْلِحْ اَحْوَالَنَا وَاجْعَلْ
بِطَاعَتِكَ اشْتِغَالَنَا وَاِلَى الْخَيْرِ مَآلَنَا وَحَقِّقْ بِالزِّيَادَةِ اٰمَالَنَا وَاخْتِمْ بِالسَّعَادَةِ
اٰجَالَنَا هٰذَا ذُلُّنَا ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَحَالُنَا لَايَخْفٰى عَلَيْكَ اَمَرْتَنَا فَتَرَكْنَا
وَنَهَيْتَنَا فَارْتَكَبْنَا وَلَايَسَعُنَا اِلَّا عَفْوُكَ فَاعْفُ عَنَّا يَاخَيْرَ مَامُوْلٍ وَ
اَكْرَمَ مَسْئُوْلٍ اِنَّكَ عَفُوٌّ غَفُوْرٌ رَّؤُفٌ رَّحِيْمٌ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ
عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ وَسَلَّمَ تَسْلِيْمًا وَّالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ

این سلام بعد ختم بزرگ خوانند

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام ای صاحب خلق عظیم	السلام ای معدن لطف عمیم
السلام ای سرور عالی جناب	السلام ای شافع یوم الحساب
السلام ای مقتدای مرسلین	السلام ای رحمة للعالمین
السلام ای پیشوای انبیاء	السلام ای پس رو تو اولیا
السلام ای ورد بستان هدی	السلام ای عارفانرا مقتدی
السلام ای آنکه ابر رحمتی	السلام ای آنکه کان نعمتی
السلام ای بحر علم من لدن	السلام ای مخزن اسرار کن
السلام ای مشرق انوار غیب	السلام ای ماحی ظلمات ریب
السلام ای مطلع نور و ضیا	السلام ای معدن علم و حیا
السلام ای نجم ثاقب السلام	السلام ای عارضت ماه تمام
السلام ای صیقل مرآت دل	السلام ای کاشف هر غش و غل
السلام ای روی تو بدر منیر	السلام ای بوی تو مشک و عبیر
السلام ای منبع جود و عطا	السلام ای نور بخش اهل صفا
السلام ای قاب قوسینت مقام	السلام ای انبیا گرده امام
السلام ای درگهت دار الامان	السلام ای خاتم پیغمبران
السلام ای چشمهٔ آب حیات	السلام ای نور تو هر شش جهات
السلام ای کور چشمان را دلیل	السلام ای صاحب خلق جمیل
السلام ای بیکسانرا دستگیر	السلام ای رازدان روشن ضمیر
السلام ای سرور هر دو جهان	السلام ای رهنمای گمرهان
السلام ای خسته را مرهم نهی	السلام ای تشنه را شربت دهی
السلام ای ذکر تو غفلت ربای	السلام ای فکر تو ظلمت زدای
السلام ای چارهٔ بیچارگان	السلام ای مونس غمخوارگان
السلام ای فخر هر پیغامبری	السلام ای دلبری هر دلبری

درودیکه منسوب بحضرت غوث الاعظم قدس الله سره است مسمی بکبریت احمر

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اجعل افضل صلواتك ابدا وانمى بركاتك سرمدا وازكى تحياتك فضلا وعددا على اشرف الخلائق الانسانية ومجمع الدقائق الايمانية وطور التجليات الاحسانية ومهبط الاسرار الرحمانية وواسطة عقد النبيين ومقدم جيش المرسلين وقائد ركب الانبياء المكرمين وافضل الخلق اجمعين وحامل لواء العز الاعلى ومالك ازمة المجد الاسنى وشاهد اسرار الازل ومشاهد انوار السوابق الاول وترجمان لسان القدم ومعدن العلم والحلم والحكم ومظهر سر الجود الجزئي والكلي وانسان عين الوجود العلوي والسفلي وروح جسد الكونين وعين حياة الدارين المتحقق باعلى رتب العبودية والمتخلق باخلاق اسرار المقامات الاصطفائية

السلام ای معطی هر آرزو | السلام ای فیض تو هر چارسو
السلام ای دردمندان را دوا | السلام ای مایهٔ هر بینوا
السلام ای جلوه گرد ر سینه ام | السلام ای مصقل آئینه ام
السلام ای ذکر تو ایمان من | السلام ای فکر تو درمان من
السلام ای نام تو ورد زبان | السلام ای حب تو در دل نهان
السلام ای موصل مطلوبها | السلام ای منعم مرغوبها
السلام ای دستگیر افتادگان | السلام ای دلبر دلدادگان
السلام ای تاج عزت بر سرت | السلام ای فیض و احسان بر درت
السلام ای حل مشکل السلام | السلام ای کار من از تو تمام
السلام ای عذرخواه مذنبین | لطف فرما بر گناه ما مبین
السلام ای ابر رحمت فیض بار | بر تو هم بر چار و شش هم هشت و چار
صد سلام از ما و از تو یک علیک | صد سوال از ما و از تو یک لبیک
صد سلام از ما بهر صبح و شام | بر تو هم بر آل و اصحابت تمام
بر امید آنکه ای عالی جناب | از لب شیرین تو آید یک جواب
دردمندم ای طبیب غیبدان | رنج ما دریاب از نبض تپان
از علاج ما تو نیکو آگهی | داروی درد دلم هم تو دهی
هست داروی دل بیمار من | شربت وصل تو ای دلدار من
پس چشان یک جرعه از جام وصال | بیش ازین مگذار ما را در ملال
هین مران ما را ز بهر درد و رنج | رحم کن بر ما بحق هفت و پنج
یا رسول الله بسی درمانده ام | با دو کف خاک بر سر کرده ام
بیکسانرا کس توئی در هر نفس | من ندارم در دو عالم جز تو کس
یک نظر سوی من غمخوار کن | چارهٔ کار من بیچاره کن
گو چه ضایع کرده ام عمر از گناه | توبه کردم عذر من از حق بخواه
روز و شب بنشسته در صد ماتمم | تا شفاعت خواه باشی یکدمم

تمت

سیدنا
الاشراف وجامع
الاوصاف الخلیل الاعظم
والحبیب الاکرم نبیک العظیم
ورسولک الکریم والهادی الی
الصراط المستقیم سیدنا ومولانا
محمد المحمود فی الایجاد والوجود
الفاتح لکل شاهد ومشهود
نور کل نبی وهداه وسر کل
نبی وسناه سید المرسلین و
امام المتقین وخاتم النبیین
وحبیب رب العالمین وعلی
آله واصحابه واهل بیته
وذریته وسلم تسلیما
کثیرا عدد خلقک وزنة
عرشک ورضی نفسک
ومداد کلماتک کلما
ذکرک الذاکرون وکلما
غفل عن ذکرک الغافلون
ورضی الله عن اصحاب
رسول الله اجمعین برحمتک
یا ارحم الراحمین

تتمه حاشیه صفحه سیزدهم

[illegible]

متن حدیث عبارت است از آنچه بعد تمام شدن اسناد مذکور می گردد و مراد از حذف اسانید اینجا ذکر ترک خواهد بود و همچنین ترک ذکر آنانکه انشا کرده اند بعض درود را ۱۲ قوله لیسهل حفظها یعنی تا که آسان شود یاد گرفتن درود و فضائل آن قوله علی القاری بر خوانندهٔ آن تنبیه لیسهل بفتح یا و ضم ها و فتح لام است و لام مکسوره بروی برای بیان علت انداختن اسنادهاست و ظاهر است که در ترک آن اختصار عبارت است و یاد گرفتن عبارت کوتاه آسانست نسبت به عبارت دراز قوله وهی من اهم المهمات تنبیه ای بفتحتین و تشدید کارهای مهم مقصود نزد و مهمات بضم اول و کسر دوم و تشدید میم کارهای سخت و دشوار ضروری ۱۲

تتمه حاشیه صفحه چهار دهم

قوله شوارق الانوار شوارق جمع است بمعنی طلوع کننده و آن نیز عبارت است از صلوة این کتاب یعنی درودهای این کتاب نورهاست طلوع کننده از مشارق مواهب الهی و روشنیهاست برآینده از افق مناقب رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم قوله من التابعین فائده بدانکه سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم بر سه نوع است قول پیغمبر و فعل وی و تقریر وی و معنی تقریر آنست که مثلا شخصی بحضور پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم کاری کرد و یا شخصی چیزی گفت و پیغمبر با

[illegible]

تتمه حاشیه صفحهٔ پانزدهم

و دقیقه در ذکر وصف نبوت اشارت است ... صلی الله علیه و آله و سلم ... مرتبه رسالت ... [illegible]

تتمه حاشیه صفحهٔ شانزدهم

قوله ما دام ... [illegible]

فایده در عین عند کسره و فتحه و ضمه هر سه در لغت جائز آمده ۱۲ قوله و لا یصلّی علیّ تنبیه یعنی آن که آن بخیل است که مال خود را با وجود میل طبیعت از خود جدا نتواند کرد بل سخت و تمام در بخل کسی است که نام من برده شود و بحکم کسل و غفلت یک کلمه درود بر زبان نیارد و ادای حقوق شکر نعمتهای دنیوی و آخروی که واصل است بواسطهٔ من نکند و ادای محبت آنست که جان فدای کنند چه جای یک کلمه که بنام وی بر زبان آرند **بیت** مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست قوله اکثروا بالفتح همزه و کسر ثا مثلثه و اقل وحد کثرت در بالا معلوم شده

تتمه حاشیه صفحهٔ هفتدهم

صلّی الله علیه و آله و سلم چنانچه در حدیث دیگر مذکور است قوله مقاما محمودا وصف مقام به محمود بطریق مجاز است یعنی در مقامیکه ستوده شود و صاحب آن بزبان همه کس و آن مقام مقام قرب و شفاعت است **بیت** در مقامیکه صدارت به بزرگان بخشند ٭ چشم دارم که بجاه از همه افزون باشی قوله الّذی وعدته یعنی در قرآن مجید بقول خود عسی ان یبعثک ربّک مقاما محمودا حلت له شفاعتی یوم القیمة یعنی هر که اید عا بعد از اذان و اقامت بخواند فرود آید بروی شفاعت

من در روز قیامت ... آنکه لازم و واجب شود برای او شفاعت من ... اگرچه همه امت گناهکار ... شفاعت ... [illegible]

حاصل این بیت ... شفاعت ... [illegible]

تتمه حاشیه صفحه سی و سیوم ۳۳

[illegible]

تتمه حاشیه صفحه سی و چهارم ۳۴

[illegible]

مسمی فایده خفاجی در شرح شفا آورده که نامهای آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم توقیفی است چنانچه اسمار الهی یعنی موقوف بشنیدن است از شارع پس جایز نیست که نامیده شود او صلی الله علیه و آله وسلم جز بنامیکه نامیده است او را خدا تعالی و نه او خود صلی الله علیه و آله وسلم و نه پدر او و نه جد او تنبیه فایده آوردن نامهای شریف درانجا آنست که حاصل میشود بذکر آنها معرفت تمام با آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم بشناختن اسماء صفات و معلوم ساختن بلندی مرتبه و منزلت وی نزد سبحانه و این چنین معرفت زیاده میکند دوستی آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم نگاهداشت تعظیم و وقار آن را و شوق میدهند و بسیار گفتن درود بر آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم و نیز بسیاری ازین نامهای درین کتاب بعد ازین در ضمن درودها مذکور خواهد شد پس مقدم کرده شد درآنجا تا بوقت خواندن درودها اطلاع برین نامها حاصل گردد و لهذا این راقم حروف در شرح درودها معنی اکثر اسمار شریف را بهمین جا حواله خواهد نمود قوله وهی هذا یعنی آن نامها این است که مذکور میشوند ۱۲

تتمه حاشیه صفحه سی و پنجم ۳۵

قوله ماح فایده نیز در معنی این اسم شریف آمده که محو میکند خدا تعالی بسبب وی صلی الله علیه و آله وسلم گناهان

[illegible]

حاشیه متعلق صفحه پنجاه و هفت

قوله ره و سلمی کشلیشا

فایده بیان کیفیت مسجد شریف و روضه این سوره
بر وجه اجمال آن است که چون پیغمبر صلعم بمدینه تشریف آورد
وحی آمد که مسجدی بنا کن و بی تکلف زینت و بنا از خشت خام
گز بلند کن پس آنحضرت مسجدی از خشت خام و ستون های
بنا کرده و سقف آن از جریده خرما نموده و طول از جهت مغرب و شرق
وی از چوب های وی و طول از جهت جنوب و شمال پنجاه
شصت و سه گز بود و از جانب بیت المقدس بود و تا
و چهار گز بود و قبله آنزمان جانب کعبه شد که جهت جنوب
پانزده ماه بعد قبله بجانب کعبه شد و از هجرت بنا از نو فرمود و صد
است و باز بسال هفتم از هجرت بنا از نو فرمود و صد
و صد ساخت و باز عمر رض در خلافت خود از جانب مغرب
و شمال افزود و بی تکلف در عمارت پس از آن
عثمان رض از جانب مغرب و شمال و جنوب افزود و عمارت
از سنگهای منقوش و سقف از چوب ساج بساخت

در
سال
هشتاد و هشت ولید بن عبد
الملک بن مروان حجرات اهل بیت
نبوی رضی الله عنهم
بتعدی گرفته
داخل
مسجد
نمود تا طول او دویست
گز و عرض یکصد و شصت و هفت گز
شد و در عمارت بسیار تکلف کرد
بمر را بآب زر نقش نمود و علامت محراب
اول
او
حادث نمود
بعده مهدی خلیفه عباس
او جانب شمال
افزوده
و
بنای
حجره مبارک
که در آن قبور شریف
است تا زمان ولید از خشت
خام بود پس از آن عمر بن عبد العزیز
بحکم ولید انهدام نموده بسنگهای منقوش
بنا کرد و بر ظاهر آن حظیره دیگر
بنا نمود و در هیچ جانب
سقف وی
دریچه
گذاشت
لیکن بجهت لم ازین بر دو
دری نگذاشت و بعد از آن
تا امروز در آمدن در آن ممتنع شده

و بهمین حظیره غلاف مبارک می آویزند و در
سال پانصد و پنجاه و هفت بعد از آن لقب
که از دو نصرانی بنجبت شده بود و خندق در حوالی
حجره تا آب رسانیده و سرب گداخته پر کرده و در
سال هشتصد و هشتاد و هشت قبه خضرا که بالای
حجره شریفه است بلند قرار سقف مسجد باشد
که نحاس با اهتمام بعض سلاطین بنا شده و این طیب
که را بچهار جانب چهار در است و باب الشرق جبرائیل
مفتوح میشود و در ما و لیکن گاه و بنای مسجد است
که الحال که سال یک هزار و یک صد و سی است
معمور است و در سال هشتصد و هشتاد و هشت
و آن بنای ملک قاتیبای است که از ملوک مصر بود و
آتش سوخته در مسجد شریف و در سال ۱۲۵۵
هشتصد و هزار سلطان سلیمان رومی تعمیر نموده

۱۲
۱۲۵۲
۱۲

تتمه حاشیه صفحه شصت وچهار ۶۴

قوله

فصل فی

کیفیة الصلوة

این
فصل ثابت
است در بیان چگونگی
درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله
و سلم یعنی بکدام لفظ درود باید گفت پس
آورده است مؤلف درین
فصل درودها که
بعضی از
آن
حضرت صلعم
بخواندن آن امر نموده
و در حدیث وارد شده و بعضی دیگر
از
اجله اصحاب رض
و تابعین و صلحای امت
انشا نموده اند و در روایت آمده
که چون امر الهی بفرستادن
درود بر
حضرت
رسالت
پناهی
صلی الله علیه و آله
و سلم نازل شد بعضی از
صحابه التماس نمودند یا رسول الله
بفرما که چگونه بر تو درود فرستیم پس پیغمبر صلعم
درود بایشان تعلیم نمود و بخواندن آن

در تشهد نماز امر نمود و آن
بچند وجه است با اختلاف روایت چنانچه پیشتر
می آید پس پیغمبر صلعم خواند آنرا پس او درود فرستاده
است بیقین و پس سلم وارد شده است چنانک برای ثوابی
که آمده است در احادیث برای خواننده درود

وقیف

اختلاف کرده اند در آنکه فایده درود خواننده را است
یا خوانده شده را یعنی پس آنکه بر او خوانده یا بر درود است
و صحیح چنین است زیرا که فایده که خوانده را است و
از احادیث معلوم شده و اما بر اسے آنحضرت
فصل اول از احادیث معلوم شده و درود از مایان
صلی الله علیه و آله و سلم از برای آنکه درود مرتبه است از
طلب رحمت و درخواست بزرگی و بلندی مرتبه است از
خدای تعالی برای آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم
و الحمد لله حق تعالی برای آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
بجهت قربت بی طلب مایان بسیار کرده است لیکن جایز
است

که
چون یکی
از امت بر وی
درود گوید الله تعالی
بسبب آن ده مرتبه درود بفرستد زیرا که
فضل و انعام الهی را
نهایت نیست
و آن
حضرت
صلی الله علیه و آله
و سلم در ترقی است
در مراتب قرب
از
جهت
عبودیت محتاج است
برحمت حق تعالی
زیرا که
رحمت وی را حدی
نیست
۱۲

تتمه حاشیه صفحه نود و هفت ۹۷

قوله اللهم صل علی من سبحت فی کفه الحصاة بفصیح حال فایده روایت کرده است بیهقی از دلایل که گفته ابوذر غفاری رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در موضعی نشسته بود و ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم بخدمت وی بودند آنحضرت هفت سنگریزه از زمین برداشت و در کف مبارک خود آورد و آن ها مانند آواز زنبور تسبیح گفتند یعنی سبحان الله چنانچه ناله آن را ما شنیدیم پس آن ها را بر زمین گذاشته ساکت شدند بعد از آن برداشت و در کف ابوبکر نهاد تسبیح گفتند و همچنان در کف عمر و عثمان و در دست مبارک آورد و همچنان تسبیح گفتند و ... و در آورد و در حجرها تسبیح یا سبحی یارب سبحی احمد او ... علی گرم الله وجهه ... نیز ... در کف ... و در ... است تو ... ای نام اعظم و در عجبیه ... بنگر ... شنیده ...

قوله اللهم صل علی من تشفع الیه الظبی بافصح کلام فایده

در شفا آورده که ام سلمه رضی الله عنها روایت میکند که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در صحرا میگذشت آهوی بزبان فصیح گفت یا رسول الله پس نزدیک آورفت فرمود حاجتی داری گفت آری شکار کرده است مرا این اعرابی و درین کوه دو بچه دارم مرا بگشا تا بروم و آنها را شیر دهم و نیز تو باز آیم آنسرور صلعم آهو را بگشاد و اعرابی در خواب بود آهو برفت و بچکان خود را شیر داد و باز گشت آنحضرت صلعم آنرا بند کرد پس اعرابی بیدار شد و دید آن حضرت صلعم را نزد خود گفت آیا حاجتی داری فرمود این آهو را آزاد کن آن مرد آهو را بگشاد و بگذاشت آهو میدوید و میگفت

اشهد ان لا اله الا الله وانك رسول الله

ملا علی قاری در شرح مناسک آورده که شاید آنموضع است که مشهور است بمسجد غزاله در وادی روحا و در دامن کوه بجانب دست چپ رونده از مدینه منوره بمکه معظمه سه گروه از مدینه منوره است

۱۲

قوله اللهم صل علی من کلمه الضب فی مجلسه مع اصحابه فایده نقل کرده است حدیث ضب را بیهقی و صاحب شفا که روزی اعرابی سوسماری شکار کرده بود و بشتاب خود می برد تا بریان کند و بخورد در اثنای راه جمعی دید پرسید که این کدام مردم اند گفتند که محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله وسلم و دعوی پیغمبری میکند نزد وی آمد و گفت قسم بلات و عزی که من بتو ایمان نیارم تا وقتیکه این سوسمار بتو ایمان آورد و آن سوسمار را پیش آنحضرت انداخت آنحضرت فرمود ای ضب گفت لبیک و سعدیک یا زین من وافی القیامة فرمود کرا میپرستی گفت خدایرا که در آسمان عرش اوست و در زمین سلطان اوست و در دریا راه اوست و در بهشت رحمت اوست و در دوزخ عذاب اوست فرمود که من کیستم گفت تو رسول پروردگار عالمیان و خاتم پیغمبران رستگار شد کسیکه ترا تصدیق نماید و زیانکار گردید کسیکه ترا دروغگو داند پس چون اعرابی این سخنان از زبان سوسمار شنید متحیر شد و بآنحضرت صلعم ایمان آورد و کلمه شهادت خواند ۱۲

تتمه حاشیه صفحه نود و هشت ۹۸

قوله اللهم صل علی من انشق له القمر فایده [illegible]
مشرکان گفتند که محمد صلی الله علیه و آله و سلم چشم ما را سحر کرده [illegible]
کرده و ماه را دو پاره نموده و [illegible] از ایشان پرسید [illegible] جواب داد
از آنجا صورت این حال پرسیدند [illegible] گفتند که جادوی [illegible]
ماه را دو نیمه دیده [illegible] بیت [illegible] ابولهب
حکایت تو نیست [illegible] از روی [illegible] یعنی خدا
قوله اللهم صل علی الطیب یعنی [illegible] و پاکیزه
قوله الطیب بفتح [illegible] و عقل
گذشته [illegible] قوله النجم الثاقب یعنی
قوله النجم الثاقب یعنی چنانچه [illegible] آمدن حضرت
صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]
قوله النجم الثاقب [illegible] ستاره [illegible] راه [illegible]
صلعم سالکان راه دین [illegible]
ختم جمیع [illegible] کاینات [illegible]
صدف مکنات [illegible]

قوله العروة الوثقی یعنی [illegible] و استوار [illegible]
بیت [illegible] خیر الرسلین [illegible]
[illegible] حبل المتین

تتمه حاشیه صفحه یکصد و یازده ۱۱۱

تا رو بود دی [illegible] شدی
وا مانکس ز عقل [illegible] راه چون [illegible]
یکشهر سلک جمعیت او [illegible] در کار [illegible]
افتد و دیگر توحید [illegible] مرتبه عالیست
و این مرتبه فناست و درین مرتبه موحد وجود [illegible]
خود در بحر مشاهده واحد چنان غرق نماید که جز
از جلوه ذات و صفاتش در نظر شهود او
نیاید پس هر که مخمور این شراب طهور است بقدر
مرتبه خود لذت یابست

رباعی

خواهی که ز توحید دلت گردد شاد
باید که شوی ز بند هستی آزاد
هر چند که حباب آشنائی دریاست
تا محو نشد گره ز کارش نگشاد

وقیقه [illegible] است که [illegible]
در نفحات [illegible] حضرت [illegible] از اینجا است که
استغراق آن حضرت [illegible] و اولیا بوده [illegible] گفت
[illegible] انبیا [illegible] گروه [illegible]
حق تعالی [illegible] الله [illegible]
و ما [illegible] خاک [illegible]

[illegible] فعل [illegible]
[illegible] اختی بلکه خدا انداخته [illegible] جنس [illegible] شوی
علیه السلام [illegible] قتل [illegible]
ما رمیت از رمیت [illegible]
[illegible] این [illegible]
تا [illegible] مغلوب [illegible]
قوله انسان عین الوجود [illegible] یک چشم [illegible]
یعنی چنانچه روشنی [illegible] حسن و جمال عالم [illegible]

نظم

آدمی مانند دیوار است [illegible]
سید الابرار [illegible] العین
[illegible] قاب قوسین
کمان [illegible] بینش
دو چشم روشن ارباب بینش
گلستان [illegible] آفرینش

تتمه حاشیه صفحه یکصد و چهل و یک ۱۴۱

بن
مالک بن نضر
بفتح نون و لقب او قریش
است و آن نام گاو است
که در دریا باشد بسیار بزرگ است
و با قوت است بن کنانه بکسر
کاف بن خزیمه بضم خا و فتح یای
منقوطه بن مدرکه بضم میم
و کسر راء بن الیاس بن
مضر
بضم میم
و فتح
ضاد منقوطه بن نزار
بکسر نون بن معد بفتح میم و عین و تشدید
دال بن عدنان بفتح عین تا اینجا همه اهل تواریخ را اتفاق است
و
بعد از
وی تا آدم اختلاف
بسیار است تا آنکه گفته اند که بعد از
عدنان سکوت بهتر است
و بعضی میان عدنان
و اسماعیل
بچهار
عدد
شمار کرده اند و بعضی زیاد
نموده اند تا بحد یکصد و چهل عدد رسیده اما
اتفاق است بر اینکه اسمعیل و ابراهیم و نوح و ادریس
و شیث علیهم السلام از اجداد آنحضرت اند صلی الله علیه و آله و سلم
قوله من الخلاف یعنی از خلافی که واقع بود در میان
مردمان از بهر اختیار کردن آنها دینهای مختلفه را ۱۲ ۱۲

تتمه حاشیه صفحه یکصد و چهل و هفت

گفت یا رسول الله
من زمانیکه در حالت صحت [illegible]
[illegible] در حساب زندگانی خود [illegible]
[illegible] پیک اجل در رسد [illegible]
[illegible]
سازم
و محنت
عشق
آنکه اگر در آن جهان
از اهل دوزخ باشم ترا کی ببینم و
اگر در بهشت روم درجه من
کمتر از درجه تو [illegible]
[illegible]
بیت
از مرگ همی زیست از آن می ترسم
کز تو دور و از تو جدا باشم و دور

حق تعالی شکسته دلان فراق را مژده وصل داد و مرهمی ساخته آیت فرستاد و من
یطع الله والرسول هر که فرمان برد خدای را و رسول او را فاولئک مع الذین
انعم الله علیهم پس آن گروه فرمان برداران باشند در آخرت با آنکسانیکه [illegible]
[illegible] الحمد لله رب العالمین [illegible] صلوة ۱۲ ۱۲ ۱۲

تتمہ حاشیہ صفحہ یک صد و نود و سہ ۱۹۳

آنرا
بامر فرعون
برآوردند و باد کردند
کودکی ماہ روئی برآمد فرعون را
محبت بہ پدر شد و اورا
بفرزندی گرفت
و موسی
علیہ
السلام شیر
پستان ہیچ دایہ قبول نمیکرد
تا آنکہ مادر وی را بشیر دادن وی دایہ
گرفتند و موسی ؑ را درکنار
وی نہادند ۱۲ قولہ
ویا زاید الخضر
فی علم
ای
افزاینده خضر را در
علم و دانش وی چنانچہ در قرآن
مجید و در سورۂ کہف بکمال علم وی
و صحبت داشتن موسیٰ با وی
تا چیزی از وی بیاموزد
مذکور است
فایده
خضر بکسر خا و سکون ضاد
و نیز بفتح خا و کسرہ ضاد و سکون آن
کنیت او ابوالعباس و خضر لقب اوست
زیرا کہ چون او بر زمین خشک
نشستی سبز شدی
و گفتہ اند کہ
وی

پیش
از ابراہیم علیہ السلام بود
بعضی
گویند
بعد از وی باندک زمانی
یا بسیار و نیز اختلاف است علما را کہ
وی نبی بود یا ولی و بسیاری از علمای صوفیہ بر آنند
کہ وی زنده است و موجود است درمیان مایان
ولیکن پوشیده است از چشم مایان
و زنده می ماند تا
روز قیامت
از برای
خوردن وی آب
حیات را و می بیند او را بعضی
از صلحا، و با وی ملاقات میکند ۱۲ قولہ یا موہب
لداود سلیمان یعنی ای آنکہ داوٗد و عطا فرموده مر داوٗد را پسر او
سلیمان ؑ ۱۲ قولہ ولزکریا یحیی یعنی بخشیده مر زکریا را یحیی از زن وی
ایشاع خواہر مریم ؑ در پیرانہ سالی آورده کہ عمر زکریا نود و نہ سال بود
و عمر زن وی نود و ہشت سال بود ۱۲ قولہ
ولمریم عیسیٰ و بخشیده مر مریم را
عیسیٰ بی پدر
۱۲ ۱۲
۱۲

تتمهٔ حاشیهٔ صفحهٔ دوصد وبیست وهفت ۲۲۷

قوله شمائل والخلال الاسیل فایده
بعضی از صفات صورت زیبای آن دلبر رعنا در آنجا مذکور
گردید و دیگر تمام حلیهٔ جمیله و پیکر متناسب وملایم دیده تا زبان
خوانندگان را لذتی حاصل آید و گوش شنونده گان نیز از فرحتی بهره یابد
بدانکه اهل حدیث و سیر صورت مبارک آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
چنین بیان نموده‌اند که همه اعضای مبارکش بر حد اعتدال بود و قد
مبارکش میانه بود نه دراز و نه کوتاه و نه بسیار فربه و نه بسیار
لاغر و گوشت بدن مبارک بر بسته بود و دست و نه با بر بلند
قدی که رفتی یا نشستی از روی معجزه از و بلندتر نمودی و سر
مبارک بزرگ بود اما نه بسیار و موی دل جو پیش سیاه بود
لکن خم و پیچ در آن بسیار نبود و مثل موی حبشیان و نه بسیار نرم
فرو هشته بود و بلکه میانه این و صفت بود و گاهی به نصف گوش
... به نرمه گوش و گاهی به سر دوش مبارک میرسید و جبین منور کشاده
... بود و ابروان باریک و دراز و کشیده بود همچون کمان بود
... بود و میان دو ابرو کشاده بود که وقت غضب
... نبود و میان مبارک فراخ و کشاده بود و سیاهی آن
... و چشمان مبارک سفید و میان آن رگهای
... سفیدی آن سمت دراز و بسیار موی
... و مژگان مبارک دراز اندکی بلند بود و
... زیبا هموار بود و بینی شریف اندکی بلند بود و

مبارک
و در آنها نوری بود و گوش برآمده و دهن مبارک
کشاده بود و لبها بغایت ملیح و دندان گوهرافشان
سفید و براق و تیز و باریک و میان دندانها
کشاده بود وقت تکلم گویا نوری از آن بر می‌آمد
و روی مبارک گرد بود و چون ماه شب چهاردهم میدرخشید
و روی مبارک سخت سفید نبود و سخت گندمگون
و رنگ بدن مبارک سفید و نورانی
و رنگ روی سرخی آمیخته بود و بدن از کم گوشت بود و در
بلکه اندکی سرخی انبوه و بدن چند موی سفید ظاهر شده
بود و ریش مبارک انبوه اندکی چند موی سفید مبارک قریب
بود و در ریش میان چشم و گوش و در ریش مبارک صنعا
سوی بناگوش میان سفید درو و در نهایت ...
و موی گردن مبارک بلند بود و سینه ...
و همه بیست بود و دوش ... بلند و بود و میان
بود و میان دوش نه از یکدیگر دور بود و هموار بود و میان
پهن و سینه پهن با هم برابر و روشن و تابان
دوش نه مرتفع بود مانند سفیدی بود و از موی کشیده
وار سینه تا ناف خطی باریک بود و مبارک موی
دهانی شکم سینه بی‌موی بود و بازو و دوش مبارک بزرگ
وار و سرهای استخوان اعضای مبارک کشاده و نرم تر از حریر
و بند دست دراز و کف دست
و ساق پای اندکی باریک

واز انگشتان دست و پای دراز و درشت و دراز و پاشنه
کم گوشت و کف دست و پای پر گوشت و زیبا
بر داشته از زمین و پشت پای هموار و نرم و حاصل
سخن آنکه همه اعضای شریف و پیکر لطیف در نهایت
خوبی و زیبائی و اعتدال بود و روی را اصلی التر
علیه وآله وسلم در حسن و جمال از نیک و بهتر بود
بیت: هرچه اسباب جمال است بر رخ خوبش بود
همه بر وجه کمال است که الایخفی ۱۲

قوله صاحب جبرئیل یعنی یار و صحبت دارنده
جبرئیل علیه السلام که مدت بیست و سه سال بر
آنحضرت فرود آمده وحی آورد و گویند که بیست و
چهار هزار بار نزد آنحضرت آمده و باین عدد نزد هیچ
پیغمبری نیامد ۱۲

قوله غایة الغمام غمام ابر است مقصود از آن باران
پس غایت الغمام باران بود و آنحضرت صلی الله علیه وآله
وسلم مثل باران است زیراکه از باران زمین مرده
زنده میشود و بر درختان میوه دار و از آن
بستن سرسبز گلزار معارف ۱۲
زنده شد دلهای ابرار ۱۲
واسرار آنحضرت بهره ور و گلزار ۱۲

قوله و توبة الصدق الیقین
و تفسیر می گویند یعنی توبه باز گشتن است از
معصیت بسوی طاعت و از غفلت بسوی حضرت و از هیچ
و دوری بطریق قرب حضوری و گویند توبه را سه شرط است اول
پشیمانی بر آنچه در زمان گذشته از گناهان ادا شده و باز داشتن
تقصیر رفته دوم ثابت بودن در زمان حال بر نیکو ترین طاعتی
که خدا تعالی و پیغمبر او بدان امر فرموده و سیوم قصد دل
چنانکه در زمان آینده بر سر کاری که خلاف شرع بود و نیاید
و نیز گویند که توبه عوام از ذنوب است و توبه خواص از غفلت
قلوب است و توبه اخص خواص از هیچ که غیر محبوب است
نظم توبه چه باشد ای پشیمان آمدن بر در حق تو بسلطان آمدن
تو خدمتی از سر گرفتن با نیاز تو باحقیقت روی کردن از مجاز
تو گفت پیری کاندرین ره پیشرو است تو توبه از آن غیر خدا است
تو هر گناه طاعت طالب هرچه است تو جز ملک تا ز دیده بلحظ زلیست
قوله کالیبغی ان یعرف بالا معلوم شده که هر کس شناخت کنه ذات حق تعالی
محال است مگر آنکه شناخته
شود بصفات
کمال

بیت
زهی ادراک تا خاک [illegible] نشناسک تو [illegible]
به پیر و را تقلب یا عرفانیک تو و ادراک [illegible] ذات مقدس از
اوست که ادراک افراد بشر از او [illegible] است **نظم** از [illegible]
شناخت نشناسند گان ما گست [illegible] و زیبان تنزیهی ثانیان تنزیک تو
ببیکان تنزیهی تو هم زبان تنزیهی [illegible] بسوی بوی و قدم تو بیش و کم او
قوت فکر و هم [illegible] بسوی [illegible] ذات مقدس او و شرع عنا
تو نیافت آگهی تو پس [illegible] و در ذات [illegible] گفته [illegible] و مرات
روا است و آنچه اهل حق در معرفت وی گفته اند این سخن بقین
نظم هر که اعقل خورده بین باشد تو پیش وی این سخن بقین
باشد تو کاسمان و زمین و هر چه در وجود باشد از جسم و جان که
هر چه تو نور تو نیست او را از صانعی چاره تو هر که بود و فیض خش
بهواره تو تو نقش و دیده نقش بی نقش بی صنع خانه
کرسی چه تو تو تا نماز بی صنع خانه ساز کرده بی شک [illegible] ذات تو یاد و بیشی
دان که شنید تو او هو او درو بسوی با ستی و بی روی تو او هر چه تو بر تو خیال
دنیا از وی تو بعوض ذات او دلیل تو هر که چون جای کلاله است
از آن بر ته تو او اول او ابدیت تو کاینات بنو و تو یافت و دو جهان کلاله است
و تو تو آخر او ماند و نماند کسی تو پاکند او را اعزاز او خدا او نیکه است
از نهم در صفات ذات خدا تو بعد ماجلال معرفت او است

سه بیا کتب [illegible] ۲۶۱ [illegible]

مصنف بعد از دعا درود و آورد تا بر دو جانب
وی وارد و واقع شود و دعا در بیان درود و باعث مستجاب
گردد چنانکه در فصل اول بیان آن گذشت پس برگفت صلوات الله
علی سیدنا و در بعضی نسخه بعد از این و نبینا و مولانا [illegible]
قوله امام المرسلین یعنی پیشوای پیغمبران که اهل کتاب بوده اند و او را
قوله رب الارباب **نظم** خداوند پیروان سرور ایشان [illegible]
بحضرت رب [illegible] پیش قدم [illegible] راه [illegible]
انبیا سالار ایشان و [illegible] ادم [illegible] سیرافت [illegible]
صبح آدم ایشان و هم [illegible] خلیل از وی [illegible] و مقدم او [illegible]
ره پیروی کشتی نوح تو [illegible] مسیح از کنعان [illegible]
چون گلستان [illegible] و جبش [illegible] و وی که صالح ناقه [illegible]
کلیم از شعله [illegible] و در آن [illegible] کتاب است و در [illegible]
بود و لیوسف [illegible]
قوله وسلم تسلیما ابن اثیر [illegible] **قوله** والحمد لله رب العالمین
بعد از این زیاده نموده و حسبنا الله
و در بعض نسخ بعد از این افزوده و کفایت [illegible]
یعنی و آن خدای بسنده است ما را با [illegible] **بیت** [illegible] کلام
کنز [illegible] است برای حل مشکلات [illegible] تمام شد
که از [illegible] این [illegible] غلام محی الدین
الحمد [illegible]